

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





محتوای (نشریه نور) شامل اخبار، گفتارها، سخنان، گزارشات تاریخی

و معارف قرآنی و دینی از شماره ۱ تا ۴۰

تهیه و تدوین

حجت الاسلام والمسلمین شیخ قیس طائی



موسسه تحقیقاتی انتشاراتی نور

**عنوان: مواعظ و نصایح از کلام مرجعیت**

شامل اخبار، گفتارها، سخنان، گزارشات تاریخی و معارف قرآنی و دینی از شماره ۱ تا ۴۰

تهیه و تدوین: حجت الاسلام و المسلمین شیخ قیس طائی

تنظیم و صفحه آرایی: چاپ وحید

ناشر: موسسه تحقیقاتی انتشاراتی نور

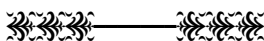
سال نشر: ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول



موسسه تحقیقاتی انتشاراتی نور



## فهرست مطالب

مقدمه	۱۳
روز منبر حسینی	۱۵
اربعین فرج ... از عاشورا تا اربعین	۱۷
مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی: گناه و مجازات شدید قتل در اسلام	۱۹
طرح های شیطانی برای مناطق اسلامی و عربی	۲۳
بیانیه پایانی زیارت میلیونی اربعین	۲۶
امام کاظم <small>علیه السلام</small> و افزایش جمعیت	۳۰
نشانه های تمدنی حکومت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۳۶
تعصب پسندیده در اسلام	۳۹
فتنه‌ی به کارگیری مفاهیم دینی برای مقاصد شخصی	۴۱
حاکم مشروع در فقه شیعه از منظر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی	۴۳
حدیث قدسی در فضیلت ماه مبارک رجب	۴۷
اضطرار و انقطاع، شرط اجاب دعا	۴۸
ریشه و بنیاد اقتصاد اسلامی	۵۲
طرح امام حسن <small>علیه السلام</small> و اکرام و شادی یتیم در ماه مبارک رمضان	۵۴
ماه مبارک رمضان در سخنان مرجعیت	۵۵
انسان مؤمن در ماه مبارک رمضان	۵۷
نصایح پدران به جوانان	۵۸

- ۵۹ ..... آمادگی برای شب قدر .....
- ۶۰ ..... فقه اجتماعی، مظهر بویایی شریعت اسلام .....
- ۶۶ ..... پاک سازی فضای سیاسی، عاملی مهم در رسیدن به وحدت بین مسلمانان ...
- ۶۹ ..... پرتوی از معارف قرآنی .....
- ۷۰ ..... روز عرفه ... روز جهانی توبه و بازگشت به خدا .....
- ۷۲ ..... امام حسین علیه السلام نهضت بصیرت افزا و اصلاح .....
- ۷۵ ..... قبسی از نور .....
- ۷۵ ..... حقوق بشر در نهضت حسینی .....
- ۸۰ ..... اگر می‌خواهی پیروز را بشناسی در روز اربعین به کربلا نگاه کن .....
- ۸۳ ..... قبسی از قرآن (وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ) .....
- ۸۴ ..... بررسی راه های پرورش و پیشرفت نفس انسان .....
- ۸۷ ..... آفتاب عالمتاب، وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله .....
- ۹۱ ..... نیاز امروز بشر به ویژگی های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله .....
- ۹۱ ..... راهکار اسلامی در مقابله با دشمن .....
- ۹۴ ..... بیانیه پایانی اربعین حسینی سال ۱۴۴۳ هجری قمری .....
- ۹۷ ..... قبسی از گفتار مرجعیت .....
- ۹۸ ..... برحذر بودن از حسرت روز قیامت .....
- ۱۰۱ ..... روز جهانی عفاف .....
- ۱۰۳ ..... پرسش و پاسخ در مورد آثار گناه .....
- ۱۰۴ ..... نهضت فاطمی قیام نصرت الهی .....
- ۱۰۹ ..... جایگاه شهید و شهادت از دیدگاه قرآن و احادیث .....
- ۱۱۵ ..... ماه رجب سرآغاز سال معنوی .....
- ۱۱۸ ..... درسهایی از پیشوایان .....

- ۱۲۱ بانوی شهیده بنت الهدی... اصالت در باورها و موضع گیری شجاعانه.....
- ۱۲۴ فضیلت و مناسبت های ماه مبارک شعبان.....
- ۱۲۸ طرح امام حسن علیه السلام و اکرام و شادی یتیم در ماه مبارک رمضان.....
- ۱۲۹ شب قدر در کلام مرجعیت.....
- ۱۳۰ از حسرت روز قیامت برحذر باشیم.....
- ۱۳۲ چه درسی از علی علیه السلام آموختیم؟.....
- ۱۳۶ ضروت به میدان آمدن نیروهای ارزشی.....
- ۱۴۰ ضرورت دستیابی به وحدت اسلامی و از بین بردن اختلافات.....
- ۱۴۳ حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در کلام آیت الله العظمی یعقوبی دامت طابته.....
- ۱۴۴ پرسش و پاسخ در مورد شرایط ایمان.....
- ۱۴۵ زندگینامه امام رضا علیه السلام.....
- ۱۴۷ خلاصه‌ای از زندگی حضرت فاطمه معصومه (س).....
- دعوت اسلام به میانه روی و اعتدال و محبت کردن به تمام مردم با هر باور و اعتقادی.....
- ۱۴۸ مفاهیم قرآنی و انگیزه سازی در جوانان.....
- ۱۵۱ حج، نشانه احاطه علمی پروردگار بر زندگی بشر.....
- ۱۵۲ گزیده‌ای از مناسبت های ماه ذی الحجه.....
- ۱۵۶ پرسش و پاسخ هایی در امامت و خلافت.....
- ۱۵۹ درسها و عبرتهای عاشورا.....
- ۱۶۰ عظمت امام حسین علیه السلام در کلام مرجعیت.....
- ۱۶۱ ایستادگی در مقابل مفسدان، درسی زینبی.....
- ۱۶۲ هنر ارزشی بدون مرز برای نشر اصول بلند اسلامی.....
- ۱۶۳ پرسشها و پاسخها در موضوع اهل بیت علیهم السلام.....

- ۱۶۷ ..... اربعین حسینی.....
- ۱۶۸ ..... باید فرصت عمر را برای کارهای ثمربخش مانند آموزش غنیمت بدانیم.....
- ۱۷۰ ..... چرائی کشتن طفل شیرخوار با وجود امکان کشتن پدر.....
- ۱۷۲ ..... راهپیمایی اربعین حسینی حضور ملیونی هویت ساز.....
- ۱۷۳ ..... شور حسینی مردم عراق پس از سقوط حکومت بعث.....
- ۱۷۴ ..... پرسش ها و پاسخ ها در مورد منافقین.....
- ۱۷۷ ..... ضرورت پر کردن خلاءهای موجود با تبلیغ دینی.....
- ۱۸۰ ..... پیامبر؛ الگوی مبارزه مستمر.....
- ۱۸۰ ..... ضرورت پرداختن به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ۲۸ صفر تا ۱۷ ربیع الاول.....
- ۱۸۲ ..... رسول خدا صلی الله علیه و آله و برنامه ریزی برای خلافت پس از خویش.....
- ۱۸۶ ..... تحلیلی از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.....
- ۱۸۹ ..... در روز جهانی کودک.....
- ۱۹۰ ..... روایات ناب.....
- ۱۹۱ ..... بصیرت.....
- ۱۹۳ ..... حضرت معصومه علیها السلام.....
- ۱۹۶ ..... پرسش های اخلاقی و معرفتی از محضر فرزندان.....
- ۱۹۹ ..... آشکارا صلوات فرستادن.....
- ۲۰۲ ..... ضرورت توجه به اخلاق.....
- ۲۰۳ ..... اشاره ای به پایان زندگی غمبار حضرت فاطمه سلام الله علیها.....
- ۲۰۶ ..... پرسش ها و پاسخ ها در زمینه مهدویت.....
- حضرت صدیقه طاهره فاطمه علیها السلام به برپایی دین خداوند متعال و پیروی از ائمه
- ۲۰۹ ..... دعوت می کند.....
- ۲۱۲ ..... میلاد حضرت زهرا علیها السلام و روز مادر.....



- طوفان الاقصی، قتال فی سبیل الله ..... ۲۱۴
- روز جهانی عفاف ..... ۲۱۶
- نهضت فاطمی قیام برای نصرت الهی ..... ۲۱۸
- ناحِلَّة الْجِسْم، بَاكِیَّة الْعَيْنِ یعنی فاطمه علیها السلام ..... ۲۲۰
- مقامات اهل بیت علیهم السلام با محوریت حضرت فاطمه علیها السلام در کلام مرجعیت ..... ۲۲۱
- راهکارهای عملی در تزکیه و تهذیب نفس از منظر مرجعیت ..... ۲۲۳
- زینب علیها السلام زینت پدر ..... ۲۲۴
- قبسی از قرآن ..... ۲۲۵
- کمک کردن به دیگران به نیابت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۲۲۶
- کتاب فقه الخلاف ..... ۲۲۷
- روشنگری حضرت زهرا علیها السلام درباره عوامل اعراض و دوری از حق ..... ۲۳۰
- خیر خواهی خداوند و رها کردن عبد در گرفتاری ..... ۲۳۳
- ولادت أم ابیها فاطمه زهراء (سلام الله علیها) ..... ۲۳۴
- پرسش ها و پاسخ ها ..... ۲۳۶
- حضرت ام البنین علیها السلام فاطمه بنت حزام ..... ۲۳۹
- ضرورت شناخت امام معصوم علیه السلام ..... ۲۴۰
- آغاز سال معنوی با حلول ماه مبارک رجب ..... ۲۴۱
- درسی از زندگانی امام علی علیه السلام ..... ۲۴۴
- موعظه‌ای به طلاب روی آوری به قرآن کریم قبل از گذر عمر ..... ۲۴۶
- مدعیان دروغین در تاریخ (زمان امام هادی علیه السلام) ..... ۲۴۸
- ویژگی های شیعیان از زبان امام باقر علیه السلام ..... ۲۵۰
- پرتوی از موعظه‌های امام جواد علیه السلام «برادر ایمانی» ..... ۲۵۱
- شعار همیشگی مومنان این است که از رحمت خدا نا امید نباشید ..... ۲۵۳

- ۲۵۷ ..... نعمت ولایت اهل بیت علیهم السلام (شُمُّ لُنُسَالِنِ یَوْمِذِ عَنِ النَّعِیمِ)
- ۲۵۹ ..... انتظار ظهور امام زمان علیه السلام
- ۲۶۰ ..... فضیلت و مناسبت های ماه مبارک شعبان
- ۲۶۲ ..... سوم شعبان، ولادت امام حسین علیه السلام
- ۲۶۳ ..... چهارم ماه شعبان، ولادت حضرت ابوالفضل علیه السلام
- ۲۶۳ ..... پنجم شعبان، ولادت امام سجاد علیه السلام
- ۲۶۴ ..... نیمه شعبان، میلاد امام زمان علیه السلام
- ۲۶۵ ..... امامت در پرسش ها و پاسخ ها
- ۲۶۸ ..... نقش اعمال جوانی در تهذیب و تطهیر قلب
- ۲۶۹ ..... تفکر ساعة افضل من عبادة ستین سنة
- ۲۷۲ ..... شب قدر با امام زمان علیه السلام
- ۲۷۳ ..... دوری از رفتار شیطانی در ماه مبارک رمضان
- ۲۷۴ ..... دهه آخر رمضان و اعتکاف
- ۲۷۶ ..... امام علی علیه السلام چشمه جوشان معرفت
- ۲۷۷ ..... ضرورت میزان و فرقان در زندگی
- ۲۷۹ ..... آمادگی برای شب قدر
- ۲۸۰ ..... لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ
- ۲۸۲ ..... انسان مؤمن در ماه مبارک رمضان
- ۲۸۳ ..... در اولین گام از حيله های شیطان برحذر باش
- ۲۹۰ ..... امام جعفر صادق علیه السلام
- ۲۹۳ ..... برگی از کتاب پرسش ها و پاسخ ها
- ۲۹۴ ..... شهید آیت الله العظمی سید محمدباقر صدر (ره)
- ۲۹۶ ..... از رهنمودهای آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام ظلّه

- استان ذی قار، مهد تمدن انسانی و نقش آن در آینده..... ۲۹۸
- ضرورت تلاش برای رساندن صدای اسلام ناب به همه نقاط دنیا..... ۳۰۱
- یا جواد الأئمه ادرکنا..... ۳۰۴
- صلح حدیبیه در گفتار مرجعیت..... ۳۰۴
- کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام..... ۳۰۵
- امام الرئوف، امام رضا علیه السلام..... ۳۰۷
- حرمت و جایگاه کعبه..... ۳۰۹
- حفظ روحیه معنوی و نیت خالص..... ۳۱۲
- مسلم ابن عقیل علیه السلام..... ۳۱۶
- روز غدیر، اساس وحدت میان مسلمانان..... ۳۱۸
- دهه اول ذی الحجه، ماه رمضان اصغر..... ۳۱۸
- ویژگی های شیعیان از زبان امام باقر علیه السلام..... ۳۲۰
- حج، فرار به سوی خداست..... ۳۲۲
- مسئولیت پیامبر صلی الله علیه و آله در تعیین امام علیه السلام..... ۳۲۳
- امام حسین علیه السلام جنبش آگاهی و اصلاح..... ۳۲۷
- حقایق که حرکت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا پدید آورد..... ۳۳۰
- ضرورت اختصاص یک روز از دهه محرم به عزاداری امام حسن مجتبی علیه السلام.....
- ..... ۳۳۱
- مسئولیت ما در برابر جهانی بودن اسلام و نهضت حسینی..... ۳۳۲
- پرسشها و پاسخهای معارف..... ۳۳۳
- نقش منبر حسینی در احیاء، حفظ و نشر حقایق و معارف..... ۳۳۷
- و فتح قریب، شعار منتظران زمینه ساز..... ۳۳۸
- عظمت امام حسین علیه السلام..... ۳۳۹

- تبیین اهداف نهضت امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین ..... ۳۴۰
- آموزه هایی از قیام امام حسین علیه السلام در روز عاشورا ..... ۳۴۰
- ضرورت احیای شعائر رسول اکرم صلی الله علیه و آله از ۲۸ صفر تا ۱۷ ربیع الاول ..... ۳۴۱
- اعطای مقام شفاعت در امت به پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی خداوند متعال ..... ۳۴۳
- رہیافت قرآنی: هیچ توفقی در کار مؤمن رسالی وجود ندارد ..... ۳۴۴
- گزارشی از واقعه تاریخی «لیلة المبيت» ..... ۳۴۸

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قوانین شریعت اسلامی به عنوان ناسخ و جایگزین شریعت‌های پیشین قرار داده شده است. این شریعت همچنان تازه و سرزنده باقی است و می‌ماند و تا روزی که خداوند زمین و هرآنچه بر آن است را به ارث ببرد، این طراوت و تازگی را حفظ می‌کند. با دلیل عقلی و عقلانی ثابت شده است که اسلام تمامی مشکلاتی را که انسان ممکن است با آن مواجه شود، چه از جانب خودش یا از سوی دیگران، چه مشکلات روانی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی یا مشکلات دیگر، برطرف می‌کند؛ مشکلاتی که جوامع غیراسلامی نیز با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند.

از این رهگذر، آیات قرآن و احادیث پیامبر ﷺ و ائمه طاهرين عليهم السلام و همچنین سیره اصحاب، پیروان و شیعیان آن‌ها همگی به همین اصول و مبانی پرداخته‌اند. علاوه بر این، سخنان، بیانات، دروس و سخنرانی‌های علما، فقها و خطبای دینی ترجمه‌ای از همین آیات، احادیث و روایات هستند، و سیره، اخلاق و رفتار آنان با مردم نشان‌دهنده این آموزه‌ها است.

یکی از علمایی که سیره، اخلاق، سخنان و رفتارهایش بازتابی از اخلاق پیامبران و اولیاء الله عليهم السلام بوده است، مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد یعقوبی دامتله است. او در هر جمعی از مؤمنین که حاضر می‌شود، یا در خطبه‌های اعیاد سالیانه، یا هنگامی که بیانیه‌ای در مورد یک مسئله مهم اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی یا سیاسی صادر می‌کند، مشکلات را بررسی و حل می‌کند.

به همین دلایل تصمیم گرفتیم که این خطبه‌ها، سخنان و بیانیه‌ها که قبلاً در نشریه نور به زبان فارسی در طول چهار سال گذشته منتشر شده‌اند را جمع‌آوری کنیم، آن‌ها را دسته‌بندی و مرتب نماییم و بازنویسی کنیم تا به صورت یک مجموعه در اختیار برادران و خواهران قرار گیرد، تا از آن‌ها در زندگی عملی خود استفاده کنند و آن را الگویی برای رفتارهای شخصی یا اجتماعی‌شان قرار دهند.

از خداوند متعال طلب یاری و توفیق می‌کنیم تا رضای او را به دست آوریم و از امام حجت بن الحسن (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و علمای بزرگوارمان، به ویژه استاد و مرجعمان، شیخ محمد یعقوبی دام‌ظله طلب هدایت و راهنمایی می‌کنیم. این مجموعه را «مواعظ و نصایح از کلام مرجعیت» نام‌گذاری کردیم.

### و آخر دعوانا

أَنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

قیس طائی

قم مقدس

۱۴۴۶ هجری قمری

## روز منبر حسینی

از آنجایی که منبر محرم از اهمیت و جایگاه والایی در اعلا‌ی کلمه توحید و نشر معارف و محاسن اهل بیت علیهم‌السلام و بصیرت‌افزایی و ارشاد و وعظ دارد شایسته است که روزی را به این امر اختصاص داد و آن را الگو قرار دهیم مانند دیگر امور مهم و حیاتی که عقلاً برای آنها روزی را به پاسداشت یا مطالعه و تحقیق یا ارزش‌گذاری نسبت به آن موضوع قرار می‌دهند.

و به نظرم اولین روز ماه صفر زمان مناسبی برای این امر باشد روزی که اولین خطیب و سخنران حسینی یعنی امام سجاد علیه‌السلام خواست که بالای چوب‌های منبر رود\* تا کلماتی را که رضا و خشنودی خداوند در آن، و اجر و ثواب برای مردم باشد را در مجلس یزید هنگام وارد کردن اسیران به قصر در اول ماه صفر بر زبان جاری سازد و سخنرانی خود را که موجب شگفتی حاضران و سست کردن پایه‌های ظلم و بیداری جامعه غافل ایراد فرمودند.

از مصادیق احیای امر اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام خاص به این روز است و رسیدگی و بحث و تحقیق به امور مهم این روز مانند:

۱. رسالت منبر حسینی در جوانب مختلف و چگونگی حفظ آن.
۲. نقش منبر حسینی در بصیرت‌افزایی و روشن کردن مردم در

مورد مسائل کلان جامعه

۳. شرایط خطیب و عوامل موفقیت او.

۴. ایجاد موسسه‌ای برای اداره امور خطباء و برنامه ریزی جهت پیشرفت و رشد آنان.
  ۵. سخنرانی‌های عاشورایی و مشکلات امروز.
  ۶. تاریخ منبر حسینی و مراحل تکامل آن.
  ۷. مراکز آموزش خطابه، نوآوری‌ها و دست آوردها.
  ۸. شعر عاشورایی: محتوا و اثر گذاری و جایگاه آن.
  ۹. آثار خطابه حسینی بر مردم و نقش مردم در موفقیت آن.
  ۱۰. سخنرانی بانوان در حال حاضر و آنچه که باید باشد.
- از خداوند منان می‌خواهیم که همه را به آنچه که خود دوست دارد نائل سازد.

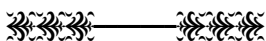
محمد یعقوبی - نجف اشرف

دوازدهم محرم الحرام / ۱۴۳۸

۲۰۱۶/۱۰/۱۴

\*امام سجاد علیه السلام هنگامی که به یزید خطاب کرد منبر را چوب نامید(یا یزید ائذَن لی حتی اصعد هذه الأعواد فاتكلم بكلمات فيهن لله رضا ولهؤلاء الجالسین اجر وثواب) ممکن است به جهت آنکه منبر را از امثال کسانی که در خدمت ظالمان مانند یزید باشد تنزیه کند لذا آن را چوب نامید، و آنچه بر روی آن معارف الهی و فضایل اولیاء او گفته شود را منبر دانسته است و در نقل است: اگر دیدید معاویه بر این چوب‌ها نشسته او را بکشید و رجم کنید.<sup>۱</sup>





### اربعین فرج ... از عاشورا تا اربعین

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «چون عذاب قوم بنی اسرائیل طولانی شد، چهل شبانه روز به درگاه خداوند نالیدند و گریستند. پس خداوند سبحان به حضرت موسی و هارون وحی فرستاد که آنها را از دست فرعون نجات خواهد داد و صد و هفتاد سال از عذاب آنها را کم کرد.» سپس حضرت ادامه دادند: «شما نیز اگر چنین کنید، خداوند فرج ما را خواهد رساند. ولی اگر چنین نباشد، این سختی تا پایان مدتش ادامه خواهد داشت»

از این روایت شریف دانسته می‌شود که بخشی از تعجیل فرج و پیروزی و سرسپردن به ولی الله الاعظم علیه السلام و آماده سازی بخشی از اسباب آن، به دست ما می‌باشد. امام صادق علیه السلام ما را به انجام وظیفه خود در تعجیل نصر و پیروی ایشان، گسترش هدایت و اصلاح، عدالت در میان مردم و رهانیدن آنها از ظلم و ستم و دشمنی فرا می‌خواند؛ به این صورت که به درگاه ایزدی گریه و ناله کنیم و به او متوسل شویم تا امور فاسد ما را با حال خوب خود تغییر دهد. اگر چنین نکنیم قضای الهی آنگونه که هست، در مورد ما و ایشان جاری می‌شود و تحول به سمت امر بهتر رخ نمی‌دهد. ما در مقابل آنچه برای آنها پیش می‌آید مسئول هستیم و ایشان علیهم السلام در هر صورت تسلیم امر الهی می‌باشند.

ایام اربعین که متعلق به امام حسین علیه السلام است و از عاشورا تا زیارت

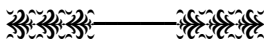
اربعین امتداد دارد، چهل روز مناسب برای این ناله و تضرع است؛ چراکه قضیه امام حسین به دولت عدل الهی (دولت کریمه امام زمان علیه السلام) مرتبط است و الهام بخش هر خوبی و منبع قدرتی در دست هدایت کنندگان و مصلحان می‌باشد.

این دعاها شایسته استجاب است؛ چه آنکه ده‌ها میلیون نفر زائر به زیارت ضریح مطهر آن جناب می‌شتابند و یا برای حضرتش در سرتاسر گیتی مجالسی برپا می‌کنند.

دعا زیر قبه شریف امام حسین علیه السلام و در مجالس پر برکت او، مستجاب است و اجتماع میلیوها دل آکنده از ایمان-آنگونه که در دعای شریف آمده است: بر دست و پایي که برای طاعتت به پرستشگاه‌هایت شتافتند، و با اعتراف به تقصیر، خواستار آمرزش شدند-در مکانی مقدس و زمانی شریف برای خواستن چیزی، شایسته استجاب و قبول است.

باید بدانیم که چرخاندن زبان به کلمات دعا به تنهایی، مادامی که با اخلاص و صدق و تغییر درون به سمت امر بهتر و اراده اصلاح فرد و اجتماع، همراه نشود، کافی نیست. آنگونه که در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «پروردگار خود را با نیت‌های راستین و پاک بخوانید، تا شما را موفق گرداند»<sup>۱</sup>

محمد یعقوبی-نجف اشرف - شب نهم ماه محرم الحرام / ۱۴۴۱  
هجری قمری - مصادف با ۱۷ / شهریور / ۱۳۹۸ هجری شمسی



## مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی: گناه و مجازات شدید قتل در اسلام

بسمه تعالی

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد وآله الطیبین  
الطاهرین.

ارزش انسان در اسلام بسیار بزرگ است و او خلیفه خداوند متعال بر  
روی زمین است ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾  
[البقره : ۳۰] و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین  
جانشینی خواهم گماشت». و از این جهت شایسته تکریم از سوی خداوند  
متعال شد: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ [الإسراء: ۷۰] و به راستی ما  
فرزندان آدم را گرامی داشتیم. و برای جان انسان حرمتی بزرگ و آن را  
بالاتر از حرمت خانه خود یعنی کعبه قرار داد. در روایتی از امام باقر علیه السلام  
است که رو به کعبه کرد و فرمود: «الحمد لله الذی کرّمک و شرفک  
وعظّمک، وجعلک مثابة للناس وأمناً، والله، لحرمة المؤمن أعظم حرمة  
منک» ستایش خاص خدایی است که تو را گرامی داشته و شرافت و  
عظمت داد و زیارتگاه و امانگاه مردم کرد، و به خدا سوگند بر راستی که  
حرمت مؤمن بزرگتر از حرمت تو است. و در صحیفه ابو حمزه از امام  
باقر یا امام صادق علیهما السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در قتل یک انسان  
مجهولی، همانگونه که امروزه نیز در برخی از جنایات قاتل مشخص  
نیست فرمود: «قتیل بین المسلمین لا یدری من قتله! والذی بعثنی بالحق

لو أن أهل السماء والأرض شركوا في دم امرئ مسلم ورضوا به لأكْبَهُم الله على مناخرهم في النار، أو قال: علي وجوههم» کشته‌ای میان مسلمانان و قاتل ناشناخته است! به آنکه مرا به حق مبعوث کرد سوگند، اگر اهل آسمان و زمین در ریخته شدن خون انسان مسلمانی شراکت کنند و به آن راضی باشند خداوند آنان را با صورت به آتش می‌اندازد. اگر انسانی، انسان دیگری را به قتل برساند این خروج از مسلک عبودیت خداوند متعال است و با سلطنت خداوند متعال منازعه کردن است؛ چرا که خداوند آفریننده و مالک انسان است و او تنها حق تصرف در ملک خود را دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامیکه مناسک حج خود را در حجه الوداع در سرزمین منی به اتمام رساند در مقابل دهها هزار نفر از مسلمانان ایستاد تا رسالت و پیام الهی خود را به آنان برساند و در مورد عادات جاهلی در خونریزی و سبک شمردن آن و حرمت آن فرمود: «أی یوم أعظم حرمة؟ فقالوا: هذا الیوم، فقال: فأی شهر أعظم حرمة؟ فقالوا: هذا الشهر، قال: فأی بلد أعظم حرمة؟ قالوا: هذا البلد، قال: فإن دماءکم وأموالکم علیکم حرام کحرمة یومکم هذا فی شهرکم هذا فی بلدکم هذا إلى یوم تلقونه فیسألکم عن أعمالکم، ألا هل بلغت؟ قالوا: نعم، قال: اللهم اشهد ألا من کانت عنده أمانة فلیؤدها إلى من ائتمنه علیها فإنه لا یحل دم امرئ مسلم ولا ماله إلا بطیبة نفسه، ولا تظلموا أنفسکم ولا ترجعوا بعدی کفاراً» کدام روز حرمت بزرگ‌تری دارد؟

گفتند: همین امروز. فرمود: و کدام ماه حرمت بزرگ‌تری دارد؟ گفتند:

همین ماه فرمود: و کدام شهر حرمت بزرگ‌تری دارد؟

گفتند: همین شهر. فرمود: بنابراین، جان و مال شما بر شما حرام است؛ همانند حرمت امروز، در این ماه و در این شهر؛ حرمتی تا روزی که با خداوند ملاقات نمایید. پس در آن روز، خداوند از کردار شما خواهد پرسید. آگاه باشید! آیا رسالت خدا را ابلاغ نمودم؟ گفتند: آری. رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند! گواه باش. بدانید! هر کس امانتی نزد خود دارد، آن را به صاحبش بازگرداند؛ زیرا خون هیچ مرد مسلمانی حلال نخواهد بود. هم چنین اموالش نیز حلال نخواهد بود؛ مگر با رضایت خودش. بر خود ستم نکنید و پس از من، به کفر بازنگردید.

در بیان عظمت و خطر این مساله همین بس است که کشتن یک فرد به مثابه کشتن تمام انسانها است ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾ [المائدة: ۳۲]. هر کس نفسی را بدون حق و یا بی آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن که همه مردم را کشته باشد.

بنابر این در احکام اسلامی برای کسی که مرتکب قتل عمد شود مجازات سختی تعیین شده است و برای اولیای دم حق قصاص در نظر گرفته شده است چراکه تنها با این قانون می‌توان جلوی کسانی که به فکر تعدی به جان دیگرانند می‌توان ایستاد و در سایه آن مردم در آسایش و امنیت می‌توانند زندگی کنند ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقره: ۱۷۹] و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید.

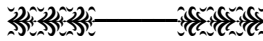
و شارع مقدس در صورتی که قتل از روی خطای محض یا شبه عمد باشد پرداخت مال زیادی به اولیای دم و مجنی علیه به عنوان دیه را

واجب کرده است تا خون انسان محترمی شرعاً پایمال و هدر نرود، حتی در صورتی که قتل از روی خطای محض باشد.

تا اینکه مردم از هر آنچه که ممکن است موجبات و زمینه‌های کشتن و یا خسارت و اضرار به دیگران باشد پرهیز و اجتناب کنند. و در پرداخت دیه موجبات دلگرمی خانواده مقتول است و زمینه‌های انتقام برچیده می‌شود لذا به دیه (عقل) به معنای منع گفته شده است چونکه از خونریزی دوباره منع و جلوگیری می‌کند و جامعه را از کشت و کشتارهای پیوسته با برچیده شدن اسباب و زمینه‌ها، محافظت می‌کند. در پرتو همه این معارف، باز امروزه شاهد آن هستیم که برای جان و نفس دیگران ارزشی قائل نشده و حوادث قتل و خونریزی به صرف اختلاف در دیدگاه و یا اختلاف در یک مسئله خاص، یا کشمکش‌های سیاسی یا قومیتی یا مذهبی یا جغرافیایی و مانند آن صورت می‌گیرد، که این از بزرگترین گناهان است و غضب شدید و دوری از خداوند متعال را در پی دارد.

پس بر تمام افراد دارای جایگاه اجتماعی لازم است که برای جلوگیری و اصلاح امور و محافظت از جامعه از اینگونه رفتارهای هنجار شکن، کارهای سنگینی را به دوش کشند والله ولی التوفیق.<sup>۱</sup>

محمد یعقوبی / نجف اشرف - ۱۸ محرم الحرام ۱۴۴۲ - ۲۰۲۰/۹/۷



## طرح های شیطانی برای مناطق اسلامی و عربی

روز به روز نقشه‌های شوم شیطانی با هدف گیری مناطق اسلامی و عربی در پروژه خاور میانه بزرگ روشن و هویدا می‌شود، که در همراه کردن ملت‌ها با آن، و تسلط بر ثروت‌های ملی آن‌ها از طریق سازمان‌های دیکتاتوری که به وسیله زور و قدرت و تسلط نظامی، تا تنها رژیم صهیونیستی با قلمروی بزرگ بتواند هیمنه خود را بر منطقه بگستراند و بر آن حکومت براند ناکام ماند. این برنامه با انگیزه از بین بردن کیان اسلامی با از بردن وحدت و انسجام اجتماعی و تقسیم آن‌ها به کشورهای کوچک و ضعیف تهیه شده است.

برای به سرانجام رساندن آن از راه‌های زیادی استفاده کردند مهمترین آن‌ها استفاده از قدرت نظامی و اموال دولت‌های نفتی و زیر نظر داشتن نهضت‌های ملت‌ها و سمت و سو دادن به آن‌ها، و مصادره اموال آن‌ها که به بهار عربی نام گذاری شده بود صورت گرفت؛ و آن‌ها را بدین وسیله در برابر اراده خود با کمک سازمان‌های دست نشانده در منطقه خاضع کرد.

از بدترین و کثیفترین و خطرناک‌ترین وسایل برای پیش برد اهداف خود بهره بردند، آن‌ها با راه اندازی جنگ مذهبی و بر طبل فتنه و اختلاف میان مسلمانان کوفتن، و هیزم بر آتش تعصب افزودن و تحریک احساسات و عواطف دینی و مذهبی به بدترین شکل ممکن که حتی وحشی‌ترین موجود به آن دست نمی زد اقدام کردند، که آخرین آن‌ها در پنجشنبه گذشته با نبش قبر صحابی جلیل القدر شهید حجر ابن

عدی کندی در دمشق و انتقال آن به مکان مجهول صورت گرفت. واکنش‌های ضعیف و انفعالی جریان‌های دینی و رهبران مذهبی و سیاسی ارزش و تاثیر لازم و کافی در حل این مشکل را ندارد، پس باید مراجع و مراکز دینی و سیاسی بزرگ و تاثیر گذار با اتخاذ تصمیمات سرنوشت ساز با ایجاد فضای گفتگو و زبان مشترک با سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان بین الملل و اتحادیه اروپا و سازمان‌هایی که بر رفتار آنها تسلط دارند با زبانی که آن را بفهمند سخن بگویند تا بر کشورهای این گروه‌های گمراه و مفسد را سرپرستی و کمک می‌کنند فشار بیاورند تا آنها را ملزم به رعایت اصول اخلاقی و انسانی کنند؛ و اگر خواهان جنگ هستند با شرافت و شهامت به میدان بیایند.

باید حقایق این جرایم فاش شود و کشورهای غربی که از آن‌ها حمایت رسانه‌ای، سیاسی، مالی و تسلیحاتی می‌کنند بگویند چرا با گروه‌هایی که حرمت مردگان را رعایت نمی‌کنند و آن‌ها را از قبورشان خارج می‌کنند همکاری می‌کنند و انتظار دارند حرمت زندگان را نگهدارند و تفاوتها را محترم شمارند؟ چگونه از شر این گروه‌های تروریستی در آینده در امان خواهند بود؟ و کیست که بتواند این بمب ساعتی را که هر آن ممکن است منفجر شود را مهار و کنترل کند؟ و اگر این کشورهای غربی گمان می‌کنند که این جریان‌ها به نفع آن‌ها خواهد بود و در راستای مصالح آن‌ها است، این خیالی بیش نیست و در آینده‌ای نه چندان دور آن را خواهیم دید که آتشی که افروختند چگونه دامن آن‌ها را خواهد گرفت، که پس از آن دنبال راه خلاصی از آن را می‌جویند، با اینکه آن را تجربه کرده‌اند و قاعده در افغانستان را راه اندازی کردند و در نهایت



برای رهایی از آن‌ها تمام امکانات خود را بسیج کردند؛ پس قبل از اینکه شعله‌های این آتش بیشتر نشده است و دامنگیر همه نشده، باید در آن تجدید نظر کنند.

نباید به این حوادث جانکاه و دردآور نگاه ساده اندیشانه کرد و آن‌ها را مرتبط با هم ندانست، باید هر کدام از آن‌ها را در جای مخصوص خود نهاد و آن را در پازل و نقشه‌های استراتژیک و تاکتیکی تهیه شده برای منطقه تعریف کرد، ملت‌های منطقه بویژه ملت ستم‌دیده و صبورعراق که می‌خواهند این نقشه را در خاک آن‌ها پیاده کنند و او هیزم این آتش باشد به آن توجه کند که از اشغال ظالمانه و غیر انسانی کشور در سال ۲۰۰۳ و با گذشت مدتی و انفجار حرم عسکرین علیه السلام در سال ۲۰۰۶ و شروع جنگ مذهبی، و درگیری جریان‌های سیاسی بر سر قدرت در داخل شروع شد که به دروغ و بهتان به آن دو گروه نسبت می‌دهند و تا کنون این سناریو را در برخی استان‌ها تا چند ماه پیش شاهد بودیم ادامه دارد.

بر ملت‌های منطقه است که:

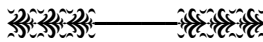
- ۱- بصیر، تیز بین و صبور، و از تحریکات و هیجانات عاطفی به دور باشند.
- ۲- از رهبران و جریان‌ات آگاه و بصیر به زمان و مکان که تصمیمات حکیمانه‌ای اتخاذ می‌کنند پیروی کند.
- ۳- روح وطن خواهی و انسجام ملی و یکپارچگی را در خود زنده کنند که همیشه مردم را به وحدت و عدم تفرقه تشویق می‌کند و از تقسیم کشور، به کشورهای کوچک و ضعیف و متخاصم راضی نگردند.

۴- با گفتگو و راه‌های عقلانی برای بدست آوردن حقوق خود اقدام کند، و بر حکومت‌ها لازم است که ملت‌های خود را محترم شمارند و با صدق و اخلاص برای رفاه شهروندان خود کار کنند و با همه به عنوان هموطن رفتار کنند و خواسته‌های مشروع آنان را جامه عمل بپوشانند.

۵- و در عین حال مردم باید بصیر باشند و خود را برای هر احتمالی آماده سازند چرا که بیشتر بازیگران این میدان، از عقلا نیستند و هر بد تدبیری و رفتار سوءی ممکن است از آن‌ها سرزند.

از خداوند متعال می‌خواهیم که ما را از شر این فتنه‌ها و شیاطین جن و انس در امان دارد و شر آن‌ها را به خودشان برگرداند.<sup>۱</sup>

محمد یعقوبی - نجف اشرف - ۲۴ جمادی الآخر ۱۴۳۴ - ۱۳/۵/۵ - ۲۰



### بیانیه پایانی زیارت میلیونی اربعین

الحمد لله وحده و الحمد لله كما يستحقه حمداً كثيراً، و الصلاة والسلام على سادة الخلق أجمعين و الهداة إلى الحق المبين أبي القاسم محمد وآله الطيبين الطاهرين.

السلام على الحسين و على علي بن الحسين و على أولاد الحسين و على أصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام.

فرارسیدن اربعین سرور و سالار شهیدان، امام حسین عليه السلام را به تمامی

مسلمانان و آزادگان جهان و خصوصا کسانی که از اقصا نقاط کره خاکی به زیارت عتبات مقدس اهل بیت علیهم السلام شرفیاب شدند، تسلیت عرض می‌کنیم؛ عزیزانی که به این سرزمین مقدس پای نهادند تا از سرچشمه زلال آن، در مسیر اصلاح و آزادگی و کمال و معارف والای انسانی بهره‌مند شوند و تمامی اشکال ظلم و فساد و انحراف و سرکشی و استبداد را محکوم سازند.

نیز، به ملت غیور و کریم عراق (مواکب، هیئات، دست اندرکاران، موسسات و اشخاص حقیقی و حقوقی) به جهت این حرکت متواضعانه و ایثار و تلاش برای موفقیت کامل این سنت مبارک، تبریک می‌گوییم. میلیوها نفر از مردمی که همچون یک خانواده، ما یحتاج زائران محترم را فراهم کردند و بدین وسیله، عالم را به شگفتی واداشتند.

اگر این تلاش‌های فرخنده و مبارک نبود، این حادثه بزرگ برپا نمی‌شد و نمود پیدا نمی‌کرد. پس بیشترین سهم از کرامت و مراتب بالایی که خداوند تبارک و تعالی برای زوآر سید الشهداء علیهم السلام آماده ساخته است، برای این عزیزان خواهد بود. پس به دور از انصاف است که این مناسب، بدون قدردانی و سپاس از این بزرگواران پایان پذیرد.

خداوند متعال ثواب کسانی که این همه خدمات را به امام شهیدان، حضرت حسین علیه السلام تقدیم داشتند، از بین نمی‌برد که او در قرآنش فرموده است: ﴿إِنَّا لَنُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾؛ ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباه نمی‌کنیم. و برایشان گشایش و نجاتی ایجاد خواهد کرد و به برکت اقامه شعائر حسینی، کابوس ظلم و فساد را- همانطور که نسبت به گذشتگان انجام داد- از ایشان خواهد برداشت.

بنده معتقدم که این تلاش‌های خالصانه و هوشمندانه، شادی را به قلب مبارک امام زمان، مهدی موعود علیه السلام وارد کرده و زمینه ظهور شریف آن عزیز را فراهم خواهد نمود. آن حضرت میلیون‌ها نفر از شیعیان خود از ده‌ها کشور را می‌بیند که برگرد ضریح جدّ غریبش سید الشهداء علیه السلام جمع می‌شوند و یاری و اطاعت بی‌چون و چرای خود را از آن حضرت و رهایی از بند هوا و هوس و ذلت و تقلید کورکورانه و عقب ماندگی و جهل را اعلام می‌دارند. پس بر ماست که مسیر پیروزی بر نفس اماره و شیاطین انس و جن را ادامه دهیم.

عدم مشارکت سیاستمداران و رهبران احزاب در پیاده روی اربعین و توزیع غذا و دیگر حرکات نمایشی و حيله‌گرانه که با آن ملت را می‌فریبند، تا فساد و تسلط باطل خود را ادامه دهند، به روشنی قابل مشاهده بود.

این مطلب، اعتراف و اقرار به این حقیقت است که ملت به مرتبه‌ای والا از آگاهی و ظلم ستیزی رسیده است که فریفته این بازیگری‌ها و پنهان شدن پشت عناوین مقدس دروغین، نمی‌شوند. جنایت این افراد بر اسلام، بسیار بزرگ است و کلمات به ظاهر زیبا و وعده‌های اصلاح‌گرانه تو خالی‌شان - که درهای جدید فساد و دزدی اموال مردم را گشود - آن را پاک نمی‌کند.

روزی که حضور میلیونی مردم ریشه ظلم و فساد را برکنند، دور نیست؛ پس از اینکه با شوق و زحمت به سمت ضریح مطهر سالار شهیدان و سرور آزادگان، امام حسین علیه السلام رفتند تا درس اصلاح و آزادی و زندگی کریمانه و به دور از ذلت و سستی و استبداد و تحقیر و غفلت را

فراگرفتند. این امر مادامی است که ظالمان فاسد، کارهای خود را با توبه و تلاش جدی و صادقانه برای رفع ظلم و تباهی از ملت کریم عراق جبران نکنند.

مرجعیت و حوزه‌های مبارکه علمیه نمی‌توانند دست روی دست گذاشته و ببینند که ملت مظلوم عراق با شمشیر فقر و محرومیت و بیکاری و فساد و تخریب و جهل و مرض و گلوله، کشته می‌شوند. لذا بر خود لازم می‌دانند که با کسانی که در پی مطالبه حقوق شرعی خود از راه‌های مسالمت‌آمیز - مطابق با قانون اساسی و همه قوانین حقوق بشر و به دور از تخریب اموال عمومی و خصوصی - هستند، همصدا شوند.

بر رهبران عراق لازم است که با حکمت، رفتار کرده و به ندای عقل و انسانیت گوش فرادهند و در مقابل خواسته مردم و مشکلات فعلی آنها، راه‌حلهایی حقیقی و نیز نقشه‌هایی راهبردی که به تغییر نظام فاسد فعلی منتهی می‌شود، ارائه دهند و از سیاست خیانت و توطئه و تهمت مزدوری و مانند آن دوری کنند. که این اتهام را هیچ کس، درباره جوانان غیوری که با سینه‌ای گشاده به استقبال گلوله‌ها می‌روند، تصدیق نمی‌کند.

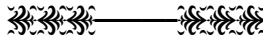
بار دیگر بر تأسیس مجلسی از بزرگان و کارشناسان در حوزه‌های مختلف - که عراق مانند ایشان را کم ندارد - تأکید می‌کنیم، تا این مجلس مشکلات کشور و خواسته‌های جوانان را بررسی کند و راه‌حلهایی کارآمد و پیشرو ارائه دهد. بر طبقه سیاسی حاکم نیز لازم است که به ایشان مراجعه و مشورت کند و از نظراتشان بهره‌مند شود. اما راه‌حل‌های تبلیغاتی که هدف آن فریب دادن مردم است، دیگر کسانی که به دنبال

زندگی کریمانه هستند را قانع نمی‌کند.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾؛ و اگر روی برتابید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود.<sup>۱</sup>

محمد یعقوبی - ۲۰، صفر الخیر، ۱۴۴۱ هجری - مصادف با ۲۷، مهر،

۱۳۹۸ شمسی.



## امام کاظم علیه السلام و افزایش جمعیت

### دو وجه مهم برای فرزندآوری

یکی از مسائل مهم در زندگی امام کاظم علیه السلام، کثرت فرزندان آن حضرت است؛ به طوری که تا سی و هفت فرزند دختر و پسر برای آن حضرت شمرده شده است. این در حالی است که عمر حضرت نسبتاً کوتاه بود و بیش از ۵۵ سال طول نکشید و بیش از ده سال از عمر مبارکشان نیز در زندان سپری شد.

روایات فراوانی وجود دارد که ما را به کثرت فرزند تشویق نموده است و همین باعث شده فقها حکم به استحباب فرزندآوری بدهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: ازدواج کنید [و فرزند بیاورید]؛ زیرا من در روز قیامت با فرزونی جمعیت شما بر سایر امت‌ها مباحثات خواهم کرد».

علاوه بر این استحباب شرعی که وجه عام کثرت اولاد است، یک وجه خاص نیز برای کثرت نسل در میان اهل بیت علیهم السلام وجود داشته و آن خنثا کردن سیاست راهبردی دشمنان است که می‌خواستند نسل اهل بیت علیهم السلام را ریشه‌کن کنند. تا جایی که برخی خانه‌ها-مانند خانه‌ی عقیل بن ابی طالب و عباس بن علی و برادرانش که همگی در کربلا به شهادت رسیدند- به طور کلی از مرد خالی شده بود. امام سجاد علیه السلام علاوه بر این که خودشان پانزده فرزند دختر و پسر داشتند، سرپرستی تنها فرزند باقی‌مانده از عمویشان عباس بن علی علیه السلام یعنی عبیدالله را هم به عهده گرفتند و غیر از دخترشان خدیجه، سه زن دیگر از نجیب‌زادگان عرب را نیز برای او به همسری گرفتند تا نسل عمویشان عباس امتداد و فزونی یابد.

در روایتی داریم که امام کاظم علیه السلام هدایای هارون عباسی را می‌پذیرفتند و می‌فرمودند: «به خدا قسم، اگر جوانان بی‌همسر از خاندان ابوطالب نبودند که بخوایم آنان را ازدواج دهم تا نسل ابوطالب قطع نشود، هرگز این اموال را نمی‌پذیرفتم».

### وجوب تلاش شیعیان برای افزایش جمعیت

شیعیان اهل بیت علیهم السلام نیز باید تمام توان خود برای افزایش جمعیت به کار گیرند؛ به چند دلیل:

۱- عمل به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی معصوم علیهم السلام و پاسخ به تشویق‌های آنان نسبت به این امر؛

۲- عمل به دستور خدای متعال، آن جا که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

﴿الْأَنْفَالُ: ۲۴﴾ اَمْنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ﴿[الأنفال: ۲۴] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [دعوت] خدا و رسول را پاسخ گوید، هنگامی که شما را به چیزی فرا می‌خوانند که شما را زنده می‌کند).

۳- فرزندان، منشأ بسیاری از عبادات و خیرات برای والدین خویش هستند، حتی با مرگشان؛ آن‌چنانی که در احادیث بجهی سقط‌شده گذشت. هم‌چنین از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که درباره‌ی بیماریِ کودک فرمودند: «این بیماری، کفاره‌ی [گناهان] والدین او می‌شود». پیامبر صلی الله علیه و آله نیز برخی از این عبادات را در ضمن حدیث شریفی این‌گونه بیان فرمودند: «اگر فرزند یکی از شما بمیرد، پاداش می‌برید، و اگر پس از شما زنده بماند، برایتان پس از مرگتان طلب آمرزش می‌کند». هم‌چنین در حدیث مشهوری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است که فرمودند: «هنگامی که انسان می‌میرد، دیگر عملی ندارد؛ مگر سه چیز: یکی، فرزند صالحی که برای او دعا و استغفار کند...».

۴- پیروان اهل‌بیت علیهم السلام جماعتی پاکیزه‌اند که خداوند آنان را برای پذیرش ولایت اهل‌بیت علیهم السلام و محافظت از اسلام ناب برگزیده است. از این رو، افزایش جمعیت آنان موجب استحکام و عزت دین و ولایت و تثبیت ارزش‌های نیک و انسانی بر روی زمین است.

۵- افزایش جمعیت شیعیان، یاری امام عصر علیه السلام و تقویت ارکان دولت ایشان و زمینه‌ساز ظهور مبارکشان می‌باشد؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ [الأنفال: ۶۰] (هر مقدار نیرو که می‌توانید، برای [مقابله با] دشمنان آماده کنید) و برترین نیرویی که می‌توانیم برای یاری امام عصر علیه السلام آماده کنیم، نسل مبارک و پاکیزه



است؛ زیرا نیروی انسانی مهم‌ترین سرمایه‌ای است که کشورها تلاش می‌کنند به دست بیاورند.

۶- در منطقه‌ی ما، شیعیان موردهجوم هستند و دشمنان می‌خواهند نسل آنان را برچینند. ما در عراق و در خلال چهار دهه‌ی گذشته بیش از یک‌ونیم میلیون انسانِ ارزشمند را بر اثر جنگ‌های بیهوده، اعدام، ترور، بمب‌گذاری و... از دست داده‌ایم.

غربی‌ها از سال‌ها قبل سیاست «عقیم‌سازی» را در کشورهای اسلامی در پیش گرفتند و [متأسفانه] برخی کشورها-مانند جمهوری اسلامی ایران- در این دام افتادند و نرخ بالای فرزندآوری در میان آنان به شدت کاهش پیدا کرد و همین امر مسؤولان ایران را به فکر تشویق مجدد جامعه به امر فرزندآوری انداخت.

اما با چه تعداد فرزند، تکثیر نسل تحقق پیدا می‌کند؟ وقتی یک زن و شوهر دو فرزند بیاورند، چیزی بر جمعیت نیفزوده‌اند و تنها به اندازه‌ی خودشان فرزند آورده‌اند. یک فرزند دیگر هم باید بیاورند تا نقصان جمعیت جامعه را که ناشی از فوت‌های پیش از فرزنددار شدن است، تا حدی جبران کنند. بنا بر این، تکثیر نسل با فرزند چهارم به بعد تحقق می‌یابد.

### بهانه‌های نادرست برای پیش‌گیری از افزایش جمعیت

ما معتقدیم افزایش جمعیت، پدیده‌ای مبارک است که موجب شکوفایی فرد و جامعه می‌شود؛ زیرا مهم‌ترین سرمایه‌ی یک کشور، نیروی انسانی آن است. برای نمونه، چین که جمعیت آن از مرز یک

میلیارد و دو بیست میلیون گذشته است، دارد به اقتصادی فوق العاده قدرتمند تبدیل می شود.

برخی زن و شوهرها، به خاطر برخی اقتصادی و معیشتی، از آوردن فرزندان بیش تر امتناع می ورزند؛ در حالی که خدای متعال می فرماید: ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ [النور: ۳۲] (اگر [کسانی که ازدواج می کنند] نیازمند باشند، خداوند آنان را با فضل خویش بی نیاز می سازد). یعنی مطلب برعکس است و روزی انسان با ازدواج و آوردن فرزند، افزایش پیدا می کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «رزق با همسر و فرزند می آید».

اساساً پیش گیری بی دلیل از فرزنددار، شبیه قتل است؛ چون موجب محرومیت امت از وجود انسانی می شود که خداوند متعال او را خلیفه ی خود بر روی زمین قرار داده و فرموده است: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ تَحْنُ نُرْزِقُكُمْ وَإِيَّاكُمْ﴾ [الإسراء: ۳۱] (و فرزندان خود را از ترس تنگ دستی نکشید؛ ما به ایشان و به شما روزی می دهیم).

البته از قتل معنوی فرزندان بر اثر سهل انگاری در تربیت نیز نباید غفلت کرد. این سهل انگاری موجب می شود به جای فرزندان صالح، اشخاصی بدکار و گاهی مجرم تحویل جامعه داده شود. یکی از نمونه های این سوء تربیت، مهاجرت به کشورهای غربی است که موجب می شود فرزندان از دین خدا دور شوند و به جوامع گمراه بپیوندند.

### دستوراتی برای فرزنددار شدن

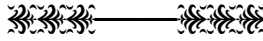
ائمہ علیہم السلام دستوراتی به پیروانشان آموخته اند که می تواند سبب

فرزنددار شدن شود؛ از جمله:

۱- اذان گفتن با صدای بلند در منزل. هشام بن ابراهیم می‌گوید: از بیماری خود و این‌که فرزنددار نمی‌شوم، به امام رضا علیه السلام شکایت کردم. حضرت به من دستور دادند همواره با صدای بلند در منزلم اذان بگویم. من چنین کردم و خداوند بیماری‌ام را برطرف ساخت و فرزندان زیادی روزی‌ام کرد.

۲- استغفار. ابرش کلبی به امام باقر علیه السلام شکایت کرد که فرزنددار نمی‌شود و از حضرت خواست تا چیزی به او بیاموزد. حضرت به او فرمودند: «هر روز یا هر شب، صد بار استغفار کن؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً \* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً \* وَ يُمِدِّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ﴾ [نوح: ۱۰-۱۲] (از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است؛ [ابراهی] آسمان را بر شما پرباران می‌فرستد و شما را با اموال و پسران یاری می‌کند). و در روایت دیگری آمده است: «اگر این استغفار را فراموش کردی، قضای آن را به جا بیاور.»

۳- دعا، مثلاً این آیات: ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً﴾ [آل عمران: ۳۸] (پروردگارا! به من از نزد خودت نسلی پاکیزه عطا کن)؛ ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾ [الفرقان: ۷۴] (ای پروردگارا! ما! به ما همسران و نسل‌هایی عطا کن که مایه‌ی روشنی دیدگانمان باشند)؛ ﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ [الانبیاء: ۸۹] (پروردگارا! مرا تنها [و بی‌فرزند] مگذار که تو بهترین وارثانی). یا با هر دعایی که در دل دارد، دعا کند.



### نشانه های تمدنی حکومت حضرت مهدی علیه السلام

روایات بسیاری وجود دارد که نشانه‌های تمدنی بسیار عظیمی را برای حکومت حضرت ولی عصر (اروحنا له الفداء) ترسیم می‌کنند؛  
\* در زمینه رفاه اقتصادی: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: (هنگامی که قائم ما قیام کند زمین بنور خداوند روشن می‌گردد و مردم از نور آفتاب مستغنی خواهند شد و تاریکی از بین خواهد رفت، و زمین گنج‌های خود را ظاهر می‌سازد و مردم آن‌ها را بر روی زمین مشاهده می‌کنند، و مردم برای احسان کردن به کسی به وسیله‌ی مال خود و دادن زکات به او جستجو کنند اما هیچ کس یافت نمی‌شود که احسان یا زکات او را بپذیرد و مردم به واسطه‌ی آنچه خداوند به آنها روزی کرده، همگی بی‌نیاز و توانگر شوند).

\* در زمینه امنیت و استقرار: حضرت امیر المومنین علیه السلام می‌فرماید: (زمانی که قائم ما قیام کند، آسمان نزولات خود را فرو ریزد و زمین گیاهانش را برویاند و کینه و دشمنی از دل‌های بندگان رخت بربندد و درندگان و چرندگان با هم بسازند، چندان که زنان بار و بنه (زنبیل) به سر، عراق تا شام را می‌پیمایند و جز بر علف و سبزه گام نمی‌نهند و

هیچ درنده ای آنان را آشفته و هراسان نمی سازد).

\* و در زمینه پیشرفت علم: امام صادق علیه السلام می فرماید: (علم و دانش بیست و هفت جزء است و همه ی آنچه پیامبران آورده اند، تنها دو جزء آن است و مردم تاکنون جز آن دو جزء را نمی دانند و هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج جزء را بیرون آورده و در میان مردم گسترش دهد و آن دو جزء را نیز به آن ها ضمیمه ساخته و مجموع بیست و هفت جزء را منتشر خواهد کرد).

### از گنج های امام باش، نه از دشمنان او

از کامل ترین و بارزترین نشانه های تمدنی حکومت حضرت مهدی (اروحنا له الفداء) کشف انسان های مخلص و شایسته است که بندگان و سرزمین ها را بسوی کمال و پیشرفت رهبری می کنند که در حکومت بکار می گیرد.

یکی از مهمترین اسباب مشکلات جوامع بشری و خرابی سرزمین ها، عدم بکارگیری افراد شایسته در مسئولیت مناسب است و گماردن افراد ناشایست برای پست های مهم است و از بین بردن نیروهای مخلص و پاک و پرتوان، که اگر بکار گرفته می شدند مشکلات از بین می رفتند و از این رهگذر می فهمیم که چگونه می شود که عراق از این وضع اسف بار کنونی خارج می شود.

این افراد را بعضی از روایات به گنج و کنز توصیف کرده است بدین صورت که حضرت گنج هایی را کشف می کند که از جنس طلا و نقره نیستند، اگر این معادن گران بها نباشد چه می توانند باشند؟

پس گنج‌ها همان کسانی هستند که خداوند متعال دل‌های آنها را برای ایمان آزمود، تفسیر کردن گنج بدین گونه در روایت دیگری آمده که در گذشته به آن اشاره شد.

در کتاب بحار آمده: حضرت عیسی علیه السلام با بعض از حواریون در راهی بودند که از سرزمینی گذر می‌کردند تا به نزدیک آن رسیدند گنجی را در راه یافتند.

برخی از همراهان گفتند: ای روح الله اجازه بده در این سرزمین اقامت کنیم و این گنج‌ها را برداشت کنیم تا از بین نرود.

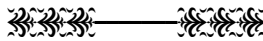
حضرت عیسی علیه السلام فرمود: شما در اینجا اقامت کنید و من داخل شهر در پی گنجی می‌روم که در آنجا دارم.

در انتهای این روایت است که عیسی علیه السلام با جوانی آمد که تمام دل او را حب خداوند متعال فرا گرفته بود، هنگامی که به آنان رسید فرمود: (این گنج من است که در این سرزمین به دنبال آن بودم که خدا را شکر او را یافتم).

در حقیقت ملاک و معیارهای شناخت انسان‌ها این است، نه امکانات مادی بی‌قیمت و زودگذر، هرچند زیاد هم باشد.

هر کدام از شما - مرد و زن - ممکن است که مخاطب این روایت باشد، که اگر در راه خودسازی و تهذیب نفس و عقل، تلاش و کوشش کند، و در کسب کمالات روحی و معنوی، و در تحصیل علوم و معارف مفید جهاد کند، حضرت علیه السلام او را کشف و نمایان می‌سازد و در حکومت خود بکار می‌گمارد. و از چیزهایی که در زیارت جامعه کبیره آمده که در عصر غیبت از خداوند خواسته می‌شود که خداوند او را (وَأَيُّمَلِكُ فِي

دَوْلَتِكُمْ، وَيُشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُمْكَنُ فِي آيَامِكُمْ) (و در دولت شما، به فرمانروایی می رسد، و در عافیت (حُسنِ عاقبت) شما، بلند مرتبه می شود و در روزگار شما، پابرجا و متمکن می گردد) قرار دهد.<sup>۱</sup>  
مرجع عالیقدر حضرت آیت الله یعقوبی دامت ظلّه.



### تعصب پسندیده در اسلام

تعصب زمانی پسندیده است که در راستای دفاع از دین و اخلاق فاضله باشد و دفاع از حریم و حرمتها باشد، و دفاع از پیروزی مستند به برهان و دلیل باشد، نه منافع و مطامع حزبی و قومی یا سرزمینی و مانند آن. از حضرت امیر المومنین علیه السلام نقل شده: (اگر از تعصب ورزیدن ناگزیرید، پس در یاری کردن حق و دادخواهی از ستمدیده، تعصب ورزید).

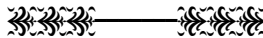
و در سرزنش و توبیخ سست عنصران فرمود: (به مردمی گرفتار شده ام که دستورم را پیروی نمی کنند، و دعوتم را پاسخ نمی گویند. ای بی ریشه ها، برای یاری حق به انتظار چه هستید؟ آیا دینی نیست که شما را متحد کند؟ غیرتی ندارید که خشم شما را به حرکت درآورد؟) همچنین فرمودند: (پس اگر در تعصب ورزیدن ناچارید، برای اخلاق پسندیده، افعال نیکو، و کارهای خوب تعصب داشته باشید، همان افعال

و کرداری که انسان‌های با شخصیت، و شجاعان خاندان عرب، و سران قبائل در آنها از یکدیگر پیشی می‌گرفتند، یعنی اخلاق پسندیده، بردباری به هنگام خشم فراوان، و کردار و رفتار زیبا و درست، و خصلت‌های نیکو. پس تعصب و ورزید در حمایت کردن از پناهندگان، و همسایگان، وفاداری به عهد و پیمان، اطاعت کردن از نیکی‌ها، سرپیچی از تکبر و خود پسندی‌ها، تلاش در جود و بخشش، خود داری از ستمکاری، بزرگ شمردن خونریزی، انصاف داشتن با مردم، فروخوردن خشم، پرهیز از فساد در زمین، تا رستگار شوید).

اینگونه تعصب و غضب و غیرت داشتن باعث توفیق و دفاع از ارزشهاست.

از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است: (هیچ حمیت و تعصبی، کسی را داخل بهشت نمی‌کند مگر حمیت حمزه ابن عبدالمطلب که در اثر عصبیت برای پیغمبر صلی الله علیه و آله، اسلام آورد).<sup>۱</sup>

- قسمتی از سخنرانی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی در تفسیر قرآن کریم (من نور القرآن) آیه ۲۶ سوره مبارکه فتح: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ﴾ در سال ۲۰۱۹م.





## فتنه‌ی به‌کارگیری مفاهیم دینی برای مقاصد شخصی

باسمه تعالی

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا...» [توبه:

۴۹] و از آنان کسی است که می‌گوید: «مرا [در ماندن] اجازه ده و به فتنه‌ام مینداز!» هش‌دار، که آنان خود به فتنه افتاده‌اند...

مرجع بزرگوار، حضرت آیت‌الله شیخ محمد یعقوبی دام‌طه سخن‌رانی سالانه‌ی خود را در جمع هزاران زائری که برای عرض تسلیت به محضر امیرالمؤمنین علیه‌السلام در عزای صدیقه‌ی طاهره، حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام به نجف اشرف مشرف می‌شدند، ایراد کردند.

ایشان سخنان خود را با آیه‌ی شریفه‌ی «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا...» [توبه: ۴۹] (و از آنان کسی است که می‌گوید: «مرا [در ماندن] اجازه ده و به فتنه‌ام مینداز!» هش‌دار، که آنان خود به فتنه افتاده‌اند...) آغاز کردند و گفتند: این آیه‌ی کریمه، یک حالتِ منافقانه را بیان می‌کند که در آن، برخی افراد جامعه‌ی اسلامی که از هوای نفس خود پیروی می‌کنند و هم و غمشان ارضای خودخواهی‌های‌شان است، به ورطه‌ی سقوط کشیده می‌شوند. این‌ها، هنگامی که می‌خواهد از وظایف اجتماعی‌شان و واجباتی که در قبال دین و امتشان به گردن دارند، پا پس بکشند یا کسب و کارِ شخصی خودشان را رونق ببخشند، شروع به بهانه‌تراشی با ظاهر دینی می‌کنند و خود را اهل ورع و خوف در دین‌داری نشان می‌دهند تا دیگران را اقناع کنند و بفریبند.

ایشان تذکر دادند: این دردِ ناگوار و فتنه‌ی بزرگ که آیه‌ی شریفه به

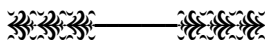
آن اشاره می‌کند، بسیار مهم است؛ چون این مسأله اختصاص به امر جهاد ندارد- اگر چه شأن نزول آیه به لحاظ تاریخی، امر جهاد است- بل که به سایر مسؤولیت‌های اجتماعی نیز تسری پیدا می‌کند. شما می‌بینید کسانی که ایمانشان ناقص است و در قلبشان شک وجود دارد، برای فرار از مسؤولیت، بهانه‌هایی واهی می‌آورند که پوچ بودن آن‌ها برای هر شنونده‌ای روشن است. گاهی نیز این بهانه‌ها را با عناوین و اصطلاحات دینی مخلوط می‌کنند تا کارشان را بهتر پیش ببرند؛ اما بهانه‌ها و نیت‌های اصلی‌شان برای افراد با بصیرت و زیرک، مخفی نمی‌ماند.

ایشان بیان کردند: این حالت انحرافی برای فرار از مسؤولیت و توجیه مخالفت با دستورات خداوند متعال و سوءاستفاده از واجبات دینی برای به دست آوردن منافع شخصی، در همه‌ی سطوح وجود دارد که ناگوارترین مورد آن، همان چیزی بود که پس از رحلت رسول خدا ﷺ رخ داد؛ جایی که کودتاگران، مخالفت خود با رسول خدا ﷺ در مسأله‌ی وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام را این‌طور توجیه کردند که ما می‌ترسیم اگر زمام امور را به علی علیه السلام بسپاریم و خودمان امر حکومت و خلافت را به دست نگیریم، فتنه ایجاد شود!

ایشان سپس نقش مهم حضرت زهرا علیها السلام را در روشن‌گری نسبت به فتنه‌ی بزرگی که آن‌ها ایجاد کرده بودند، توضیح دادند و گفتند: حضرت زهرا علیها السلام بیان کرد که آن‌ها با این کارشان، در قعر فتنه سقوط کرده‌اند؛ هر چه قدر هم ادعا کنند که می‌خواهند جلوی ایجاد فتنه در امت را بگیرند. حضرت، دروغ بودن ادعاهای آنان را نشان داد و نیت حقیقی و

جنایتِ بزرگشان را برای همه‌ی اُمّت-چه در آن زمان و چه در آینده- روشن کرد تا همگان دریابند که این کودتای تلخ، چه مصیبت‌ها و فاجعه‌هایی-از قبیل تحریف دین، ریختن خون بی‌گناهان، از بین رفتن اموال، تسلّط اشرار بر امور مسلمین، نابود شدن ارزش‌ها و اخلاق انسانی و...-به بار می‌آورد.

ایشان در ادامه هشدار دادند: حکومت کردن ناهلان و سوار شدن آنان بر گرده‌ی اُمّت-چه در آن زمان و چه در هر زمان دیگری-با مکر و حيله یا کودتاهای نظامی یا به وسیله‌ی انتخابات تقلبی و فریب‌کارانه یا با استفاده از پول‌های سرقت‌شده از اموال ملّت، فتنه‌ی خطرناکی به بار می‌آورد و موجب گسترش فساد و انحطاط می‌شود، ثروت ملت را غارت می‌کند، کرامت او را از بیان می‌برد، خون بی‌گناهان را می‌ریزد، بی‌نظمی و هرج و مرج را ترویج می‌کند، نظم و امنیت را به هم می‌ریزد، عدالت اجتماعی را ضایع می‌کند و خلاصه، کار کشور را به خرابی و نابودی می‌کشاند.<sup>۱</sup>



**حاکم مشروع در فقه شیعه از منظر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی**

آیت الله شیخ محمد یعقوبی (متولد ۱۹۶۰م) از جمله مجتهدان

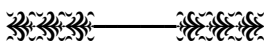
نواندیش کنونی حوزه علمیه نجف است که پس از شهادت استادش، آیت الله سید محمد محمد صادق صدر معروف به صدر ثانی، زعامت بخش بزرگی از جریان صدر دوم را برعهده دارد. یعقوبی که از سوی صدر دوم و نیز آیت الله محمد علی گرامی و آیت الله محمد صادقی تهرانی اجازه اجتهاد دارد، به وصایت استادش، جانشین وی و به تدریج به مرجعیت رسیده است. از او آثار بسیاری در موضوعات فقهی و مذهبی منتشر شده و دیدگاههای اجتماعی و سیاسی‌اش به فقه ارزش بسیاری دارد. طرح دیدگاههای فقهی او در باره "حکومت" که برای اولین بار است که در مقالات فارسی منتشر میشود میتواند به شناخت ما از وضعیت کنونی تفکر سیاسی بخشهایی از حوزه نجف و نیز تفاوت‌های آن با چنین بحثهایی در حوزه قم، کمک بسیاری نماید. در حوزه نجف اندیشه ولایت فقیه اغلب در جریان صدر اول و دوم تداوم دارد و تحت تاثیر اندیشه‌های امام خمینی به طرح این گونه مباحث میپردازد اما تامل در وجوه ایجابی این اندیشه نشان میدهد که تمایزات تاملات نجف با قم چیست؟ و آنان در چه سطحی از این اندیشه هستند. طرح اندیشه سیاسی آیت الله یعقوبی نه به منظور طرح شخصیت ایشان بلکه بهانه‌ای برای آگاهی از تفکری است که در جریان صدر دوم میگذارد. در آثار آیت الله شیخ محمد یعقوبی در باره "حکومت" دو گونه بحث شده است؛ یکی سلبی و دیگری ایجابی. مراد از بحث سلبی اتخاذ مواضع منفی در برابر حکومت‌های نامطلوب است. آیت الله یعقوبی، با ظرافت و موشکافی تمام ابعاد فقهی همکاری با آنها و نیز مبارزه منفی علیه حکومت‌های جائر را ترسیم کرده است. ایشان همانند سایر فقهای شیعه مرزبندی دقیقی از حکومت‌های

جائر مطرح میکند که تبار قدرتمندی در فقه شیعه دارد. اظهار نظر فقیهان شیعه در مسائلی از قبیل جوایز سلطان، ولایت از جانب سلطان جائر و اعانت ظالمین از اسباب حفظ هویت فرهنگی و استقلال شیعه در طول قرن‌ها بوده است. شاید برای آیت الله یعقوبی که دوره خفقان رژیم صدام را تجربه کرده طرح اینگونه مسایل از حساسیت بیشتری برخوردار باشد و او از نمایی نزدیک به بررسی تعاملات شیعیان با این دولت پرداخته است. اگر چه ایشان در این مواضع سلبی با سایر فقیهان شیعه هم داستان است اما در همانجا و نیز در "مواضع ایجابی" خود با دیگر فقیهان اختلافات مهمی دارد که به تفصیل از آنها سخن خواهیم گفت. مراد از مواضع ایجابی پاسخ وی در باره حکومت به سوالاتی از این قبیل است:

۱. با توجه به نامشروع بودن حکومت‌های جائر، آیا مسلمانان در عصر غیبت مکلف به اداره جامعه و تدبیر امور آن هستند؟
۲. آیا از سوی شارع مقدس، شیوه و نوع حکومت خاصی تجویز شده است یا همان شیوه عقلایی تدبیر امور اجتماعی با اصلاحاتی امضاء شده است؟
۳. آیا از سوی شارع، صنف یا افراد خاصی به حکومت منصوب شده‌اند؟
۴. ضوابط سیاست دینی کدام اند؟
۵. و بالاخره اینکه، این حکومت بر اساس چه شیوه و الگویی اداره میشود؟

در بخش مواضع سلبی نیز "منکر بودن منصب جائر"، "حرمت ذاتی همکاری با آن"، "موارد رخصت همکاری با حکومت جائر" و بالاخره

"مراحل خروج بر آن" از جمله مباحث مهمی است که ایشان در مورد آنها سخن گفته است. در مواضع ایجابی نیز باید براین نکته تاکید کرد اگر در ادوار گذشته که شیعیان در عراق محکوم به حاکمیت اقلیت سنی بودند کمتر به اینگونه پرسشها میپرداختند؛ بی تردید امروزه که شیعیان به قدرت سیاسی بازگشته اند برای فقیهی همانند آیت الله یعقوبی این سوالات از اهمیت بسیاری برخوردارند. مستندات علمی ما در این مقاله بیشتر "فقه المشارکه فی السلطه" و نیز "رساله اجتهاد و تقلید" در "سبل السلام" یا همان رساله عملیه ایشان است که هر دو در سال ۲۰۰۵م یعنی دو سال پس از سقوط صدام نوشته شده اند. در مباحث ایجابی دولت نیز ایشان عطف با سنت فکری و فقهی حوزه‌های علمیه از نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان حمایت میکند و از نظریه‌های "نظارت" و "انتخاب" که در میان برخی فقهاء رایج است دوری میجوید. از نظر وی اینگونه نظریه‌ها، فاقد تباری در سنت فقهی شیعه اند. فقیه در عصر غیبت در امتداد ولایت امام معصوم علیه السلام قرار دارد و بر مردم فرض است که به یاری او در اقامه حکومت دینی بپردازند. با اینهمه، بنظر میرسد از نظر او، شرایط خاص عراق نیز مانع اقامه دولتی مبتنی بر ولایت فقیه میشود. این بدین معناست آیت الله یعقوبی در مقام تئوری، نظریه ولایت فقیه را مطرح میکند اما در مقام عمل از آن در شرایط کنونی عراق دست میکشد و به نوعی از «نظارت روحی» فقیه بر دولت ملی عراق حمایت میکند.<sup>۱</sup>



### حدیث قدسی در فضیلت ماه مبارک رجب

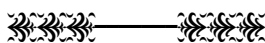
عَنْ أَبِي رُمَحَةَ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٌ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ أَيْنَ الرَّجَبِيِّونَ؟ فَيَقُومُ أَنَسُ بْنُ يَظْيَءَ وَجُوهُهُمْ لِأَهْلِ الْجَمْعِ عَلَى رِءُوسِهِمْ تَبِجَانُ الْمَلِكِ مُكَلَّلَةً بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتِ مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ أَلْفُ مَلِكٍ عَنْ يَمِينِهِ وَ أَلْفُ مَلِكٍ عَنْ يَسَارِهِ وَ يَقُولُونَ هُنَيْئًا لَكَ كَرَامَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا عَبْدَ اللَّهِ؛ فَيَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: عِبَادِي وَ إِمَائِي وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَكْرَمِنَ مَثْوَاكُمْ وَ لِأَجْزَلِنَ عَطَايَاكُمْ وَ لَأَوْتَيْنَكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لِلْمَالِدِينَ فِيهَا نَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ إِنَّكُمْ تَطَوَّعْتُمْ بِالصَّوْمِ لِي فِي شَهْرِ عَظُمَتْ حُرْمَتُهُ وَ أَوْجِبَتْ حَقَّهُ، مَلَائِكَتِي أَدْخَلُوا عِبَادِي وَ إِمَائِي الْجَنَّةَ. ثُمَّ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذَا لِمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ شَيْئًا وَ لَوْ يَوْمًا وَ أَحَدًا فِي أَوَّلِهِ أَوْ وَسَطِهِ أَوْ آخِرِهِ.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در فضیلت ماه رجب فرموده است:

روز قیامت منادی از درون عرش ندا می دهد اهل ماه رجب کجایند؟ گروهی برمی خیزند که چهره شان برای مردم محشر می درخشد، بر سرشان تاج پادشاهی آکنده از مروارید و یاقوت است. همراه هر یک از ایشان هزار فرشته از سوی راست و هزار فرشته از سوی چپ ایستاده اند و به او می گویند ای بنده خدا! کرامت خدای بر تو گوارا باد! از عرش هم ندا می آید که ای بندگان من! سوگند به عزت و جلال خودم جایگاه شما را گرمی و عطای شما را جزیل قرار می دهم و غرفه هایی از بهشت به

شما ارزانی می‌دارم که از زیر آن جوی‌ها جاری است و جاودانه در آن خواهید بود و پاداش عمل‌کنندگان چه نیکوست، شما برای من در ماهی، روزه مستحبی گرفتید که حرمت آن ماه را بزرگ و حق آن را واجب کرده‌ام. ای فرشتگان من! این بندگان و کنیزکان مرا به بهشت درآورید. امام صادق علیه السلام اضافه فرموده است که این پاداش کسی است که چیزی از ماه رجب را روزه بگیرد، هر چند یک روز از دهه اول یا دوم یا آخر آن باشد.<sup>۱</sup>

\*بحار الأنوار، جلد ۹۴، صفحه ۴۱، باب ۵۵.



### اضطرار و انقطاع، شرط اجاب دعا

آیت الله العظمی یعقوبی در تفسیر آیه شصت و دو سوره نمل ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾ اشاره کردند و سوال و جواب هایی در خصوص این آیه را مورد بحث قرار دادند. ایشان فرمودند این آیه مبارکه مراتب و گروه‌های متفاوتی را مورد خطاب قرار می‌دهد در ابتدا منکرین وجود خداوند تبارک و تعالی را و همچنین کسانی که ایمان به خداوند متعال دارند و به وحدانیت او شهادت می‌دهند اما در عین حال گناه می‌کنند و از فرامین خداوند متعال سرپیچی می‌کنند ﴿وَإِذَا مَسَّ



الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ  
كَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ ﴿يونس : ۱۲﴾، و همچنين: ﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ  
ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الدَّرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ  
كَفُورًا﴾ [الإسراء : ۶۷].

ایشان در ادامه فرمودند: این آیه مبارکه فطرت‌های همه انسان‌ها را هرچند که منکر این حقیقت هستند خطاب قرار می‌دهد و از آن‌ها پاسخ می‌خواهد هرچند که آن‌ها با زبان و با بیان خود آن را انکار می‌کنند اما با تمام وجود، و با فقر و نیازهای ذاتی خود به این حقیقت گواهی می‌دهند. این آیه مبارکه به عنوان مقدمه‌ای برای ایمان به خداوند متعال و هدایت بسوی او، و این‌که او تنها مدبر امور این عالم است و درعین حال کفر و شرک و طغیان را انکار می‌کند می‌باشد. ایشان در ادامه می‌گویند که این آیه مبارکه درصدد است آن احساس و عاطفه و فطرت پاک انسان را بیدار کند و او را بسوی خداوند متعال و تقرب به سوی او و هدایت و صلاح سوق دهد. این همان راهی است که ائمه معصومین علیهم‌السلام برای بیدار کردن فطرت پاک انسانی همیشه او را به ایمان دعوت می‌کنند و اینکه تنها به خداوند متعال پناه ببرند بکار می‌گرفتند.

ایشان فرمودند انسان این حقیقت را با فطرت خود ادراک می‌کند و هنگامی که در بلا و امتحان و سختی‌ها گیر می‌افتد و همه اسباب و راه‌حلهایی که به ذهن انسان خطور می‌کند دیگر کارساز نباشند آنجاست که فطرت انسان یک قدرت غیبی حکیم و رئوفی را نزد خود حاضر و ناظر می‌یابد که مطلع بر حال و وضع اوست که او می‌تواند دست

رحمت خود را بسوی انسان دراز کند و او را از آن سختی‌ها نجات دهد و هیچ چیز نمی‌تواند مانع امدادهای او شود و درعین حال برای کمک رسانی خود هیچ پاداش و تشکری نمی‌طلبد.

ایشان در ادامه خاطر نشان کردند که کلمه مضطر در آیه اشاره به آن دارد که انسان در حالت اضطرار و نبود اسباب و امکانات و راه‌هایی از سختی‌ها و مشکلات نیست مگر امدادهای غیبی خداوند متعال، در این حالت انقطاع پیدا می‌کند و این حالت، شرط اجابت دعا را هموار می‌سازد و توجه تام و تمام انسان را بسوی پروردگار معطوف می‌سازد که همان توجه خالص و صادق، به کسی که همه امور در دست اوست، در این حالت زبان و حال او یکی می‌شوند و فطرتا به سوی خداوند رو می‌آورد، در حقیقت تطابق طلب تکوینی با طلب تشریحی تحقق پیدا می‌کند که همان توجه لازم در دعا است تا اینکه به اذن خداوند متعال به مرحله اجابت برسد.

ایشان اضطرار را عامل نزدیک شدن راه‌های دور در مسیر تکامل می‌دانند و انسان را اگر این فرصت را غنیمت بشمارد مهبیای رسیدن به مقامات عالیه می‌سازد. حالت اضطرار و بلا و امتحان هرچند که مشقت‌های خاص خود را دارد و انسان احساس تنگی و دشواری می‌کند اما در عین حال نعمتی است که انسان را در مسیر تکامل قرار می‌دهد و او را از خواب غفلت بیدار می‌کند و از اعماق مادیات رها می‌سازد و به سوی خداوند متعال برمی‌گرداند و می‌توان از این برای فهم آنچه در روایت امام صادق علیه السلام وارد آمده استفاده کرد که فرمود: اضطرار عین دین است.

در ادامه آیه ﴿وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾ را مورد اشاره و نکات تفسیری را بیان کردند. خداوند متعال تنها انسان را از سختی‌های اجتماعی مانند حکمرانی اشرار و نبود امنیت و عدالت اجتماعی و وجود هرج و مرج و ظلم و فساد و ترس و نبود امکانات زندگی کریمانه رها نمی‌سازد، بلکه گروه صالحان را حکمران و خلیفه و وارث خود در زمین قرار می‌دهد همانگونه که بنی اسرائیل را از شر و طغیان فرعون رها ساخت و آنها را وارثان سرزمین و دیار خود ساخت.

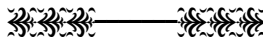
در ادامه ایشان فرمودند که خداوند انسان را خلیفه خود در زمین قرار داد ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ [البقره: ۳۰] و همه آنچه در زمین است از معادن و ذخایر و امکانات را مسخر او و تحت تصرف و اختیار او قرار داد ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَاوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنِّي ذَلِكُمْ لَا يَأْتِ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ﴾ [الجاثیه: ۱۳] اما چطور می‌شود که انسان با این همه نعمتی که خداوند متعال پای انسان ریخت از او غافل می‌شود. لذا در آخر آیه خداوند متعال با تعجب از غفلت می‌پرسد که با وجود این همه نعمت اما غفلت؟ ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِذِي فَضْلٍ عَلَى الْبَشَرِ﴾ [النمل: ۶۲].

ایشان ادامه دادند که جانشینی خداوند متعال در روی زمین وعده‌ای است که به بندگان صالح و بصیر داده شد تا زمینه‌های آن را فراهم سازند و بر دوش گرفتن پرچم توحید، مهم، بزرگ و مسئولیت دشواری است که آنها به این مسئولیت سخت اذعان دارند. ایشان در ادامه فرمودند که بارزترین و کاملترین مصداق این آیه مبارکه امام زمان علیه السلام است چراکه او مضطری است که دعا می‌کند و خداوند متعال اجابت می‌کند، زیرا او عارف تام به خداوند است و او به حقیقت اضطرار و انقطاع به سوی

خداوند متعال می‌رسد و او در اضطرار واقعی و حقیقی واقع می‌شود چراکه او از وضع اسف بار ظلم و عصیان و تمرد و انحراف آگاه است و از وضعیت سخت بشریت در زیر سلطه حکمرانان طغیانگر و ظلم و فساد آنها و چپاول اموال عمومی و فقر و نداری مردم درد می‌کشد. لذا در دعای ندبه می‌خوانیم (أین المضطر الذی یجاب إذا دعا).

در پایان مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی یعقوبی رحمته الله علیه تاکید کردند که مومنان باید با حالت اضطرار حقیقی به ظهور امام عصر عجل الله فرجه و توجه به این واقعیت زندگی کنند، و برای برپایی حکومت مبارک ایشان دعا و توسل بجویند که حتما او خواهد آمد و در مثل آن روز مومنان خوشحال خواهند شد ﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [الروم: ۴].<sup>۱</sup>

\*برگرفته از خطبه عید سعید فطر معظم له رحمته الله علیه در دوشنبه ۲۵/۵/۲۰۲۰م.



### ریشه و بنیاد اقتصاد اسلامی

حضرت آیت الله العظمی یعقوبی فرمودند طلب روزی حلال عبادت است و تجارت و حرفه آزاد بهترین راه کسب حلال می‌باشد و در بیانات و سفارشات معصومین علیهم السلام بسیار سفارش شده است و در روایت آمده که (تسعة اعشار الرزق فی التجاره) نه دهم رزق و روزی حلال در تجارت

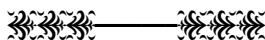
می‌باشد. و بسیاری از اصحاب معصومین علیهم‌السلام تجارت میکردند مثل مثل برید عجلی که از وجهای دو امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام بود و بحسب بعضی از قرائن اموال ائمه معصومین از کسب و کلایشان بوده نه از حقوق شرعیه؛ مثلاً ائمه تا زمان امام جواد علیهم‌السلام تحت مراقبت حکام جور بوده اند و حقوق شرعیه بدستشان نمی رسید و امرار معاششان از کسب و کار و کلایشان بود و اموال زیاد امام موسی کاظم علیه‌السلام از هدایا و نذر و نذورات نبوده بلکه از کسب و کار و کلای امام بوده و آنها را از ترک تجارت برحذر می داشتن.

مشکل بیکاری برطرف نمی شود مگر با کار آزاد، و دولت هم باید پشتیبانی کند، و مردم نباید منتظر کار دولتی باشند زیرا دو و نیم میلیون کارمند و کارگر دولت غیر از بازنشسته ها، هزینه هنگفتی به دولت تحمیل شده و موسسات دولتی، دیگر گنجایش کارمند و کارگر جدید ندارد.

آیت الله العظمی یعقوبی می‌فرمایند مشکلات زیادی کار و حرفه آزاد را احاطه کرده است لذا بایستی راه کارها و فرصت‌ها را مطالعه کرده و بهترینش را انتخاب کنیم.

راه اندازی موسسات خیریه برای کمک رسانی خوب است ولی این اموال که صرف می‌شود ما را دست بسته نگه می‌دارد و مشکل را حل نمی‌کند ولی اگر راهی بیابیم برای خود کفایی این موسسات به نتیجه مطلوب خواهیم رسید و راه دیگر برای ایجاد شغل، ایجاد امنیت است چرا که با استقرار امنیت در عراق، شرکت‌های خارجی بسیاری می‌آیند، البته به شرط استخدام خود مردم بومی.

روش پیشگیری از معاملات حرام، فهم درست دین است. بسیاری از معاملات حرام که مردم مرتکب آن می‌شوند، می‌توان آن را از راه حلال درست کنند، ولی به علت جهل به احکام الهی مرتکب معصیت شده و مبتلا به آثار دنیوی و اخروی آن می‌شوند، مانند روایت صحیحی از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: (فما تری فی الرجل یشتري الف درهم و دیناراً بالفی درهم؛ قال لا بأس بذلک إن ابی رضوان الله علیه کان اجراً علی اهل المدینه منی و کان یقول هذا فیقولون یا ابا جعفر هذا الفرار من الربا لو جاء رجل بدینار لم یعط الف درهم فکان یقول نعم الشی الفرار من الحرام الی الحلال) و اما تاثیر روایات اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین در معیشت و اقتصاد مردم و آگاهی‌شان از کیفیت خرید و فروش منجر به حرام نشوند زیرا فرق بین حرام و حلال در بعضی از معاملات از یک تار مو کمتر و پنهانتر از راه رفتن مورچه بین سنگ‌ها می‌باشد و از مطالعه روایات در باب معاملات درس می‌گیریم در حذر باشیم و مرتکب معاملات حرام نشویم.<sup>۱</sup>

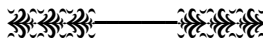


### طرح امام حسن علیه السلام و اکرام و شادی یتیم در ماه مبارک رمضان

رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه معروف خود در استقبال از ماه مبارک رمضان می‌فرماید: (با یتیمان مردم مهربانی کنید تا بعد از شما با یتیمان شما

مهربانی کنند) و همچنین می‌فرماید: (من و کسی که یتیمی را سرپرستی کند اگر تقوای الهی را رعایت کند، همانند این دو هستیم و حضرت اشاره به دو انگشت اشاره و وسط خود کردند).

به مناسبت میلاد کریم اهل بیت علیهم‌السلام حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام در نیمه ماه مبارک رمضان و در سایه ضیافت کریمانه الهی در این ماه پر برکت، حضرت آیت العظمی شیخ محمد یعقوبی دام‌ظله طرح و برنامه (امام حسن علیه‌السلام و اکرام و شادی یتیم) را راه اندازی کرد که در ضمن آن از همه مؤسسات خیریه و انسانی و همه افراد خیر در قشرهای مختلف دعوت کرد تا در طول ماه مبارک رمضان با تأمین نیازهای مادی یتیمان و دیگر نیازهای زندگی شرافتمندانه و با بهره‌گیری از همه راهها و وسایل، تلاش شود لبخند را بر صورت یتیمان بنشانند و از سختی‌های آنان کم کنند.<sup>۱</sup>



## ماه مبارک رمضان در سخنان مرجعیت

### حرمت ماه رمضان

مؤمنان باید حرمت این ماه مبارک و آنچه که لازم است در این ماه انجام دهند را بدانند، و خطبه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخرین جمعه ماه شعبان - مفاتیح الجنان - و دعای امام سجاد علیه‌السلام - صحیفه سجادیه - برای

استقبال از این ماه مبارک و وداع با آن را بخوانند، تا بهره معنوی خود را نزد خداوند متعال و امام زمان علیه السلام ببرند.

### آثار معنوی اعمال

ارزش هر عمل به ارزش معنوی آن باز می‌گردد، به عنوان مثال حقیقت روزه صرفاً با پرهیز از مفطرات ظاهری مانند خوردن و آشامیدن که در کتب فقهی آمده‌اند، بدست نمی‌آید، هر چند که این مقدار نیز مجزی است، لکن حقیقت روزه با دوری جسم و روح انسان از آنچه که خداوند متعال حرام کرده و آماده‌سازی آنها برای بندگی و اطاعت از دستورات الهی حاصل می‌شود، و اگر قلب نیز به آن دو اضافه گردد بفضل خداوند متعال بهره معنوی انسان کاملتر می‌گردد.

### بهار قرآن

ماه رمضان بهار قرآن است، انسان مؤمن نباید در این ماه در تلاوت قرآن کوتاهی کند، و اگر کسی سعی در تلاوت قرآن داشته باشد ولی نتواند به صورت کامل و صحیح آنرا بخواند، تلاوت او اشکالی نخواهد داشت، البته در صورتی که از روی عمد آیات را اشتباه بخواند و اشتباه او باعث تغییر معنای آیات نشود؛ زیرا در اینصورت دروغی را بر خدا و رسول او نبسته است.

### معیار پیشرفت در ماه رمضان

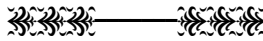
اگر بخواهیم مقدار پیشرفت و موفقیت خود در ماه مبارک رمضان را بدانیم، باید ابتدا به امتحان‌هایی که در این ماه مبارک داده ایم توجه کنیم و مقدار موفقیت خود در آنها را ببینیم، و سپس تلاش کنیم تا این



پیشرفت‌ها را ادامه داده و روحیه معنوی خود را که به فضل الهی و در این ماه مبارک بدست آمده را حفظ کنیم.

### ماه رمضان ماه الطاف الهی

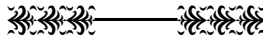
ماه مبارک رمضان دری از درهای لطف الهی برای کمک به انسان و پیشرفت او به سوی قله‌های کمال است، لطف خداوند متعال همواره بر بندگان خود جاری است و درهای رحمت الهی باز است، و اگر با پایان یافتن ماه رمضان درهای آن بسته شوند، خداوند متعال از فضل و رحمت خویش درهای دیگری که ممکن است وسیع تر باشند باز خواهد کرد. در واقع اگر سفره ضیافت الهی و برکات آن در ماه رمضان، شب قدر و ده روز آخر آن برداشته شود، خیرات و برکات خدای ماه رمضان همچنان بر بندگان جاری خواهد بود، و ممکن است خداوند فرصتی را برای یک انسان جهت بهره مندی معنوی فراهم کند که برای شخصی دیگر حتی در ماه رمضان نیز حاصل نشود.<sup>۱</sup>



### انسان مؤمن در ماه مبارک رمضان

انسان مؤمن در پایان ماه مبارک رمضان به دلیل جدایی از این ماه مبارک و فیوضات الهی، احساس دلتنگی و ناراحتی به او دست می‌دهد، که دعاهای وداع با ماه رمضان بیانگر این احساسات هستند، علت بروز

این احساس در انسان این است که ماه رمضان یکی از بزرگترین ایستگاه‌های آراسته شدن به تقوی و بهره مندی از یک روحیه معنوی است، به طوری که مؤمنان این پیشرفت معنوی را در درون خود احساس می‌کنند و میل بیشتری برای انجام عبادات در این ماه مبارک پیدا می‌کنند، این یکی از برکات ضیافت الهی در این ماه مبارک است.<sup>۱</sup>



## نصایح پدران به جوانان

### معانی ثبات و استقامت در قرآن

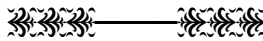
جوانان لازم است از درس‌ها و مفاهیم مثبت و موعظه‌هایی که در قرآن است بهره‌مند شوند و از گنج‌های آن، در راستای ثبات و استقامت در راه ایمان، اعتقادات و اخلاق، در مقابل گمراهی‌ها و شهوات و مبارزه با ظلم و طغیان و دیگر اهداف بلند استفاده کنند.

### مفاهیم قرآنی و انگیزه سازی در جوانان

جوانان باید به مفاهیم اقتباس شده از قرآن، در زمینه‌های مختلف معرفتی توجه کنند و سخنرانی‌های دینی هم باید حاوی این مفاهیم بلند باشد تا به جوانان و دانشجویان انگیزه دهد و همت بلند را در جان آنان تزریق کند، و در ساختن انسان و جامعه صالح و آبادانی سرزمین و محیطی که بتوان در آن استعدادها در زمینه‌های متفاوت رشد و بالنده

و شکوفا شود کمک کند.<sup>۱</sup>

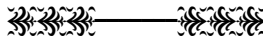
\* حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه نشریه الصادقین شماره [۱۸۹].



### آمادگی برای شب قدر

انسان مؤمن باید در شب قدر بر حاجت خود پافشاری کند تا شاید برآورده شود. و اگر در انجام یک عمل دچار خستگی و بی حالی شد باید عمل دیگر را انجام دهد، چرا که اعمال ذکر شده برای این شب بسیار متنوع هستند، و یکی از اهداف تنوع آنها جلوگیری از خستگی، کسالت، یکنواختی و ایجاد سرزندگی است، و اینکه فرصتی را فراهم کنند تا هر شخص با جوارح و جوانح خود به هر صورتی که دوست دارد به عبادت خداوند متعال بپردازد. لازم است قبل از فرارسیدن شب قدر آمادگی لازم را برای ورود به این شب با دوری از گناهان و انجام عبادتهای مختلف بدست آوریم، یکی از راههای بدست آمدن این آمادگی انجام اعمال مخصوص شب قدر در شب نوزدهم است البته امکان ندارد که شب نوزدهم، شب قدر باشد؛ زیرا شب قدر در دهه آخر ماه رمضان قرار دارد، و علت اینکه شب نوزدهم جزء شبهای قدر قرار داده شده این است که انسان مؤمن آمادگی و توفیق بهرمندی از شب قدر را پیدا کند، لذا اگر

کسی در شب نوزدهم کوتاهی کند شاید از برخی فضایل شب قدر محروم بماند، مگر اینکه خداوند متعال با فضل و کرم خویش آن را جبران کند.<sup>۱</sup>



### فقه اجتماعی، مظهر پویایی شریعت اسلام

شریعت اسلام، آخرین پیام آسمانی است و حضرت محمد ﷺ نیز همان‌گونه که قرآن بیان کرده «رسول خدا و خاتم پیامبران است» [احزاب: ۴۰]. آن حضرت رسالت خود را به طور کامل ادا کرد، تا جایی که خداوند فرمود: «امروز دین شما را برای تان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم» [مائده: ۳]. خداوند سبحان اراده کرده است که این دین بر تمام ادیان و ایدئولوژی‌های بشری حاکم باشد و غلبه کند؛ زیرا می‌فرماید: «ما این کتاب را بر تو و بر اساس حق فرو فرستادیم که تصدیق‌کننده‌ی کتاب‌های آسمانی پیشین باشد و بر همه‌ی آن‌ها سیطره داشته باشد» [مائده: ۴۸].

از همین رو، یک نوع دینامیزم و پویایی در دل این دین قرار داده است تا بتواند با دگرگونی‌های حیات بشر در میدان‌های گوناگون همراهی داشته باشد. شریعت اسلام، توانایی خود را در ارائه‌ی راه‌حل‌ها و حل مشکلات و روبه‌رو شدن با چالش‌های مختلف در طول قرون گذشته

اثبات کرده و در علوم و معارف و فنون گوناگون تمدن بشر، تأثیرگذار بوده است. فقیهان در هیچ کدام از این شاخه‌های علمی، در دستیابی مستدل به حکم مسأله، نحوه‌ی موضع‌گیری در برابر آن و نحوه‌ی اجرا به بن‌بست نخورده‌اند.

این دینامیزم در دو عرصه ظهور و بروز داشته است:

اول، خود احکام شرعی؛ چرا که برخی از این احکام، ثوابت هستند که نسل به نسل پابرجایند و تغییر نمی‌کنند؛ زیرا احکامی هستند که تأثیری از تغییرات زندگی انسان نمی‌پذیرند. مانند حقوق انسان یا رابطه‌ی او با پروردگارش یا ارزش‌های اخلاقی‌ای که احکام به آن‌ها مستند هستند و از آن‌ها سرچشمه می‌گیرند.

در عین حال، احکام دیگری نیز در شریعت داریم که بر طبق ضوابط خود شریعت، تغییر و پویایی دارند. البته این به معنای تحریف دین یا تغییر احکام ثابت آن نیست؛ بلکه تغییر حکم ناشی از تبدل موضوع در طول زمان است و احکام نیز تابع موضوعاتشان هستند؛ یا ناشی از مراعات امری که اهمّ از آن است و از همین رو در موضع تراحم دو حکم، مقدّم می‌شود؛ یا به خاطر وجود عناوین ثانوی که مسقط تکلیفند، مانند نفی حرج، و مانند دفع ضرر، یا به خاطر پایان زمان حکم است، در جایی که موقت به زمانی معین باشد؛ یا به خاطر صدور امر ولایی از ناحیه‌ی فقیه جامع‌الشرايط است و مانند آن.

احکام نیز دو دسته‌اند: برخی احکام فرد را مخاطب قرار می‌دهند، مانند وجوب نمازهای یومیه و روزه‌ی ماه رمضان و حج برای مستطیع؛ اما برخی دیگر عمومی و اجتماعی‌اند و امت را به صورت یک حقیقت

کلی مورد خطاب قرار می‌دهند که ممکن است تجلی این امت نهادهای حکومتی، سندیکاهای مردمی، سازمان‌های مدنی و یا سایر نهادهای اجتماعی باشد.

احکام اجتماعی و عمومی، بخش مهم‌تر احکام شریعت را تشکیل می‌دهند. برخی از این احکام عمومی، اصول و چارچوب‌های کلی سایر تشریحات تفصیلی هستند، به گونه‌ای که اگر میان آن‌ها و سایر احکام شرعی تعارضی رخ دهد، این‌ها مقدم می‌شوند و سایر احکام تنها در صورتی صحیحند که در دل این اصول و چارچوب‌های کلی قرار گیرند. رابطه‌ی این احکام با سایر احکام شرعی مثل رابطه‌ی قانون اساسی با قوانین عادی است؛ شرط قوانین عادی این است که با قانون اساسی مخالفتی نداشته باشند.

قرآن کریم این اصول کلی و قوانین عمومی را بیان کرده است؛ از همین رو، قرآن در نسبت با سایر تشریحات تفصیلی مثل قانون اساسی عمل می‌کند.

دوم، مکانیسم رسیدن به حکم شرعی و استخراج آن از منابع تشریح، یعنی قرآن کریم و سنت شریف. این همان چیزی است که اجتهاد نامیده می‌شود؛ یعنی ملکه‌ی توانایی بر استنباط احکام شرعی از منابع اصلی. باز بودن باب اجتهاد این توانایی را به قانون‌گذار اسلامی می‌دهد که حکم شرعی را در هر مسأله‌ای دریابد.

تا جایی که این عبارت میان فقها شهرت یافته است که «هیچ واقعه‌ای نیست، مگر آن که خداوند در آن حکمی دارد» و شامل حالات مستحدثه نیز می‌شود که به آن «فقه النوازل» یا «مسائل مستحدثه» یا «فقه

الحوادث الواقعة» گفته می‌شود.

اگرچه قدرت‌های حاکم اهتمام فراوان به فقها داشتند و اموال فراوانی به آنان می‌داده، جایگاه اجتماعی والایی به ایشان می‌بخشیدند، اما دخالت آنان در کار فقها اثر منفی بر ادای وظیفه‌ی آنان داشت؛ زیرا دستگاه قدرت فتواهایی می‌خواست که کارهایش را مشروعیت ببخشد و طرح‌هایش را به ثمر برساند. فقهای هم که مطابق با هوس‌ها و امیال دستگاه قدرت حرکت نمی‌کردند، گرفتار زندان و شکنجه و محرومیت و حتی قتل می‌شدند. عاقبت کار بدان‌جا رسید که باب اجتهاد به کلی از سوی حکومت بسته شد و مذاهب اسلامی در همین مذاهبی که می‌شناسید، منحصر گردید و نتیجه‌ی آن، کاهش توانایی فقها در امر استنباط بود؛ زیرا فقها مجبور شدند تنها در چارچوب مذهبی که بدان تعلق دارند، حرکت کنند.

به موازات این جریان، فقهای که از ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام پیروی می‌کردند، در یک نوع محاصره قرار گرفتند و از مشارکت فعال در نهادهای حکومت و جریان بخشیدن به امور امت محروم شدند. نتیجه این شد که مسائل مرتبط با سیاست و حکومت و اداره‌ی مملکت و اقتصاد و جامعه و مسائل عمومی مورد اهمال قرار گرفت؛ زیرا فقهای شیعه احساس می‌کردند که این مسائل در واقعیت، نسبت به آنان موضوع ندارند و از همین رو، شایسته نیست عمر خود را در تحقیق پیرامون آن‌ها صرف کنند. پس به همان «فقه فردی» اکتفا کردند؛ یعنی معرفی تکالیف فرد که در رساله‌های عملیه موجود است.

نتیجه‌ی قهری این دو مشکل، بازماندن فقه اسلامی از عمل به

وظیفه‌ی خود بود؛ یعنی ارائه کردن اسلام به عنوان یک منظومه‌ی کامل برای زندگی. و توانایی اسلام برای رهبری بشریت-که به قله‌ی پیشرفت مادی و پیچیدگی‌ها و مسائل خاص آن رسیده است-محل بحث و جدل و سؤال قرار گرفت.

از این رو، باید فقه اجتماعی را تأسیس کنیم و آن را پایه‌گذاری نماییم؛ زیرا اصول فقه متداول و قواعد فقهی مرسوم نیاز چنین طرح بزرگی را برآورده نمی‌کند. فقه اجتماعی، اصول خاص خود را دارد؛ هم‌چنانی که فقه فردی اصول مربوط به خود را دارا می‌باشد که در برخی نقاط با یک‌دیگر اشتراک دارند، اما در نقاط دیگر مستقل هستند. مثلاً قاعده‌ی وجوب حفظ نظام اجتماعی عمومی، تقدیم اهم بر مهم و اطاعت از ولی‌امر، از جمله اصول فقه اجتماعی به شمار می‌روند. هم‌چنین برخی قواعد که در عرصه‌ی فقه فردی پذیرفتنی نیستند، با دیدگاه اجتماع صحیح خواهند بود؛ مانند مصالح عمومی، دفع مفسد و سدّ ذرایع، البته بعد از اقامه‌ی دلیل بر صحت آن‌ها.

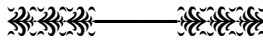
هم‌چنین ما نیاز خواهیم داشت پایه‌های اخلاقی و اصول کلی این فقه را نیز تثبیت کنیم؛ اصولی مانند کرامت انسان و حفظ حقوق او، عدالت اجتماعی، ساختن جامعه‌ی صالح بر اساس امر به معروف و نهی از منکر. ما از این مناسبت استفاده می‌کنیم تا مجدداً همه‌ی مذاهب اسلامی را به گشودن باب اجتهاد دعوت کنیم و در این مسیر، مذهب امامی را اسوه قرار دهیم تا عقل فقهی آزاد شود و توانایی همراهی با نیازهای عصر را پیدا کند. البته فتوا دادن نیز باید منحصر در مجتهدانی باشد که این موهبت به آنان ارزانی شده است و راه بر خردمغزانی بسته شود که با



فتوای تکفیر و ترور و واپس ماندگی و جهل با استناد به روایاتی این جا و آن جا و بدون بهره گیری از فطانت و دقت نظر برای فهم مراد شارع مقدس - که برخی نصوص، قرینه و شاهدی برای برخی دیگر آورده شود - چهره‌ی پاکیزه‌ی اسلام را می‌آلایند.

در دهه‌های اخیر، تلاش‌های مجدانه‌ای برای ارائه‌ی نظریه‌های اسلام بر این اساس انجام شده است و ما نتایج ثمربخش و افتخار آفرین آن را در عرصه‌های گوناگون فقهی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی شاهد هستیم. فقیه اجتماعی برای این که در کار خود نوآوری داشته باشد، نیازمند به مشاوران و مراکز تحقیقاتی است تا مباحثی را در اختیار او بگذارند که موضوعات مسائل مورد بحث را تنقیح کند. این جا نقش مهم اساتید دانشگاه، متخصصان و نخبگان فکری آشکار می‌شود. این نهضت علمی نیازمند وجود فقهایی ویژه است که می‌توانم آنان را «نظریه پرداز» نام بدهم؛ زیرا آنان قضایا و مشکلات و مسائل مستحدثه را به خوبی در می‌یابند و نکات پنهانی آن را می‌فهمند. سپس در اعماق شریعت غوص می‌کنند تا گوهرهایی استخراج کنند که آن مشکلات را حل کند و به آن مسائل پاسخ دهد.<sup>۱</sup>

\* خلاصه سخنرانی تلویزیونی آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه در همایشی در بغداد که با حضور دانشمندان و اساتید دانشگاه از عراق و برخی کشورهای عربی و اسلامی تحت عنوان «اجتهاد در عرصه‌ی نظریه‌ها و نظام‌های اجتماعی» در روز ۱۲ شعبان المعظم



## پاک سازی فضای سیاسی، عاملی مهم در رسیدن به وحدت بین مسلمانان

مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله شیخ محمد یعقوبی دامتله، بر ضرورت تلاش برای دستیابی به وحدت مسلمانان و از بین بردن اختلافات بین آنها تأیید کرد؛ چراکه این یکی از عالی‌ترین خواسته‌هایی است که قرآن کریم و سنت شریف بدان فراخوانده‌اند.

ایشان دو گام مهم که موجب تقرب و وحدت بین مسلمانان می‌شود را بیان داشتند:

۱- پاک سازی فضای سیاسی و روابط بین کشورهای اسلامی منطقه، به ویژه کشورهایی که در خارج از مرزهای خود دارای تأثیر و نفوذ هستند.

۲- گشودن درهای اجتهاد برای عالمان واجد شرایط اهل سنت-با الگوپذیری از برادران شیعه خود-به منظور پیگیری روند استنباط سپس ایشان در ضمن دیداری که حجت الاسلام دکتر حمید شهریاری (دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی) با ایشان داشت، به تفصیل نکته اول پرداخته، فرمود: اغلب، درگیرهای سیاسی که در پشت فرقه‌گرایی پنهان شده، آتش تنش‌های فرقه‌ای و اختلافات مذهبی را دامن می‌زنند تا از این رهگذر نقشه‌های خود را پیش برده و به اهداف

خود دست یابند. و لذا مردم را با شعارهای مذهبی می فریبند.

اختلافاتی که در روز اول پس از رحلت رسول خدا ﷺ شاکله مسلمانان را از هم پاشید، حادثه‌ای سیاسی برای به دست گرفتن قدرت بود. و گرنه قریش در لیاقت و صلاحیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای پیشوایی مذهبی، از جهت علم و تقوا و جهاد و سبقت در اسلام و راستی و نزدیکی به رسول خدا ﷺ شک نداشتند و این را با سخنان و کارهای خویش نشان می دادند. تنها چیزی که بود اینکه آنها به دنبال سیطره و حکومت و رهبری دینی بودند و به این امر تصریح کردند؛ آنجا که گفتند: «قریش ناخوش می دارد که نبوت و خلافت در بنی هاشم جمع شود».

لذا می بینیم از اینکه میراث علمی و دینی در نزد بنی هاشم باشد، اعتراضی نداشتند و تنها می خواستن حکومت را از ایشان بگیرند.

بنابراین، اگر درگیری‌هایی را که امروز موجب از هم پاشیدگی مسلمانان و هدر رفتن انرژی و توانایی‌های آنها شده، تجزیه و تحلیل کنیم، آن را سیاسی خواهیم یافت، که عقیده هیچ دخالتی در آن ندارد؛ اگرچه سعی می کنند آن را اینگونه جلوه دهند. لذا حاکمان کشورهای مسلمان، باید از برخی جاه طلبی‌ها و هوی و هوس‌های خود دست برداشته و گسستگی بین خود را کاهش دهند و از شدت دشمنی رسانه‌ای بکاهند؛ که این به کاهش تنش‌های فرقه‌ای کمک خواهد کرد و سرزندگی و امنیت و آرامش را به مناطق اسلامی باز خواهد گرداند؛ آنچه ما در سالهای پایانی قرن نوزدهم شاهد آن بودیم؛ که از جمله نتایج آن، ایستادگی همه مسلمان-چه شیعه و چه سنی-در پشت مقاومت حزب الله در سال ۲۰۰۰، برای آزاد سازی سرزمین‌های لبنان بود.

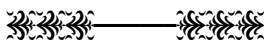
این است که این کشورها را قادر می‌سازد تا خود را برای توسعه و آبادانی و به کارگیری نیروهای خود در همه زمینه‌ها، آماده سازند.

نکته دوم: مرجع عالیقدر علیه السلام دوباره درخواست خود را برای ارتقاء سطح برنامه‌های آموزشی و تحقیق و پژوهش در حوزه‌های علمیه اهل سنت، به منظور تربیت مجتهدانی کارآموده مطرح کرد؛ تا اینکه مرجعیت فتوا در نزد ایشان، تنها به علماء مجتهد و باتقوایی منحصر شود که هدف والای خود را کسب رضایت خداوند متعال و صلاح بشر و کرامت او قرار داده‌اند و احکام شریعت را از متون دینی صحیح و روشن، بدون سرسپردگی به مذهبی خاص استنباط می‌کنند. با این روش، در بر روی فتوای گمراهی، انحراف، عقب ماندگی، جهل و تعصب بسته می‌شود.

ما در بین اهل سنت در کشورهای اسلامی می‌یابیم افرادی را که دارای قدرت استنباط احکام هستند و مراجع معظم شیعه می‌توانند اولین گام در این زمینه را، با دادن اجازه اجتهاد به آن دسته از عالمان اهل سنت که صلاحیت این کار را دارند، بردارند؛ باشد که مسیر برای اجازات بیشتر و برای نسل‌های آینده گشوده شود.

ایشان در پایان از طرح پیشنهادی یکی از میهمانان محترم، با عنوان «دانشگاه اسلامی» به همان شیوه‌ای که در اتحاد اروپا است و نیز بازار مشترک بین مسلمانان، ابراز خشنودی کرده و فرمودند: ما در پیاده‌سازی اینگونه پروژه‌های وحدت محور، از دیگران سزاوارتریم؛ چرا که اساس اجتماع ما، بر اطاعت از خداوند متعال و رسولش صلی الله علیه و آله - و نه تنها مصالح

مشترک-بنا شده است.<sup>۱</sup>

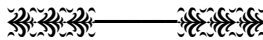


### پرتوی از معارف قرآنی

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾.

در این آیه مبارکه خداوند متعال تمام انسان‌ها را با (يَا أَيُّهَا النَّاسُ) مورد خطاب قرار داده و مخاطبان آن فقط کافران یا فاسقین یا فقط مسلمان یا مومنان نیستند، بلکه تمام انسان‌ها در این آیه مورد خطاب هستند و همانگونه که متعارف هست وقتی کسی فریاد بزند: ای مردم تمام مردم به او توجه می‌کنند و به سخن او گوش می‌دهند، چون اینگونه گفتار و خطاب‌ها نشان از امر مهم و خطیری دارد؛ حال اگر خداوند عزوجل به وسیله صد و بیست و چهار هزار پیامبر و فرستاده، این پیام را متوجه انسان‌ها کند چه اندازه اهمیت پیدا می‌کند و چه امر عظیمی را می‌خواهد متوجه ما سازد. پیام مهم این است که (إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ)، وعده الهی حق است و تخلف ناپذیر؛ پیامی که در چند جای قرآن کریم به آن اشاره می‌شود مانند: ﴿إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾، به یقین وعده الهی حق است؛ پس مبدا زندگی دنیا شما را بفریبید، و مبدا (شیطان) شما را (به کرم) خدا مغرور

سازد! زیرا وعده‌ی خداوند متعال به این تعلق گرفته که حیات و زندگانی دنیا با مرگ تمام می‌شود و در سرای آخرت به افراد نیکوکار نیکی و به افراد بدکردار بدی می‌شود، و هر کس به اندازه عمل خوب و بد خود، به نعمت و خوشی، یا به درد و گرفتاری مبتلا می‌گردد، و هر کدام از این‌ها حق است و باید واقع شوند که اگر اینچنین نشود ظلم است در حالی که خداوند منزّه از آن است ﴿وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾؛ در غیر این صورت ظالم و مظلوم، خوب و بد در یک سطح و رتبه قرار می‌گیرند و این یک امر مردود و باطل، و خلاف حکمت و عدالت است ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ بار الها! این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار! ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَآعِبِينَ﴾ ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم!<sup>۱</sup>

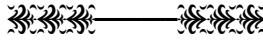


### روز عرفه ... روز جهانی توبه و بازگشت به خدا

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی در تاریخ ۲۰۰۶ یک پیامی را به عنوان "روز عرفه ... روز جهانی توبه و بازگشت به خدا" را به جهانیان اعلام کرد و در آن خواسته است همچون دیگر روزهایی که به دلیل اهمیت آن رنگ جهانی به خود می‌گیرند و مجامع

بین المللی برای یک هدف که اغلب مادی و تکبهدی است آن را ارج می‌دهند، روزی را به بُعد معنوی و ارزش‌های روحی انسان، تخصیص و تعیین کنند تا انسان‌ها از آن آگاهی پیدا کنند و بدانند نگاه و توجه به این بُعد چه کارکردهایی اکسیرگونه‌ای در مبارزه با عوامل سلبی و رذائل نفسانی می‌تواند داشته باشد، که تمام وسایل مادی در مبارزه با آن اند. ایشان در بخش دیگری از این پیام نوشته است، "چه خوب است که آن روز را در روز عرفه نهم ذی الحجه قرار بدهیم روزی که میلیونها انسان از زن و مرد، غنی و فقیر، رئیس و مرئوس، سفید و سیاه، غربی و شرقی از جای جای جهان دور هم جمع می‌شود و در مقابل خداوند متعال سر تعظیم فرود آورند و با زبان‌ها و گویش‌های مختلف در برابر او تضرع می‌کنند و اعلام توبه و بازگشت به سوی او کنند و از او بخواهند تا از سر تقصیرات آنها بگذرد و صفحه جدیدی برای آنها باز کند تا از نو شروع کنند و آنها را در این راه یاری کند". همچنین ایشان به دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه و مضامین پربار آن اشاره می‌کند و در ادامه نوشته است، "روز عرفه یک روز قبل از عید است و عید یعنی بازگشت، که انسان بازگشت خود به سوی پروردگار کریم را به نمایش در می‌آورد، بازگشتی که خیر و رحمت و عنایت الهی را در پی خواهد آورد و لازمه آن این است که انسان مقدمات آن را فراهم کند همانگونه که اگر فردی بخواهد زمینی را بکار در ابتدا باید آن را از علف‌های هرز و آلودگی‌ها پاک کند سپس بذر را در آن قرار دهد تا ثمره طبیعی را به بار آورد؛ قلب انسان نیز همینگونه باید در ابتدا غبار رویی و پاکسازی شود تا آمادگی

دریافت نفعات الهی و نگاههای مهربان خداوند را داشته باشد".<sup>۱</sup>



### امام حسین علیه السلام نهضت بصیرت افزا و اصلاح

فرارسیدن ماه محرم الحرام، فرصت مغتنمی است برای توجه بیشتر دوستداران اهل بیت علیهم السلام از جمله خطباء و شاعران و هیئتی‌ها و عموم مؤمنان، به دو جنبه بصیرت و اصلاح، که امام حسین علیه السلام به عنوان هدف خویش از قیامش بیان فرمود.

همانطور که در زیارت شریف اربعین، از امام صادق علیه السلام آمده است: «(امام حسین) خون قلب خویش را در راه تو فدا کرد، تا بندگان را از جهالت و حیرت گمراهی نجات بخشد».<sup>۲</sup>

آن حضرت، اهداف خویش را به روشنی در خطبه‌هایی که ایراد فرموده، بیان کرده است. از آن جمله است: «من برای اصلاح امت جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به پا خواستم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به همان سیره و روش جدّم پیامبر اکرم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار نمایم».<sup>۳</sup>

اینها همه در هدف بزرگ از فرو فرستادن ادیان الهی مندرج شده

۱ - شماره ۱۱ - ۱ ذوالقعدة ۱۴۴۲ - ۲۲ خرداد ۱۴۰۰

۲. مفاتیح الجنان، ص ۴۶۸.

۳. کتاب الفتوح، ج ۵، ص ۳۳.



است؛ که همانا پیاده سازی دین در زندگی فردی و اجتماعی و سامان بخشی مردم، بر اساس حق و عدل می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: «شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا و الذی أوحینا إلیک و ما وصینا به إبراهیم و موسی و عیسی أن أقیموا الدین و لا تتفرقوا؛ از دین آنچه را به نوح سفارش کرده بود، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم؛ و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را به آن توصیه نمودیم [این است] که دین را برپا دارید و در آن فرقه فرقه و گروه گروه نشوید».<sup>۱</sup>

بنابراین، ما ابتکاری جدید به خرج داده‌ایم، که امیدواریم از جمله شعائر بزرگ حسینی به شمار آید و آن عبارت است از: انتشار کتاب و جزواتی که در بردارنده خوانشی آگاهانه از نهضت امام حسین علیه السلام بوده و تأسیس کتابخانه در مساجد و حسینیه‌ها، موكب‌ها و هیئات.

انتشار این کتابها، فرصت مناسبی برای استفاده بیشتر از آنهاست. اگر هر نفر تنها یک کتاب هدیه کند، نتیجه آن در پایان ماه محرم، ایجاد هزاران کتابخانه و میلیون‌ها کتابی است که نهضت امام حسین علیه السلام را به عنوان بزرگترین دستاورد فرهنگی، بعد از رسالت آسمانی (دین مبین اسلام) به منظور حفظ انسانیت، معرفی می‌کند.

طرح «الحسین بسمه تلمیذ»<sup>۲</sup> که از چندین سال قبل شروع شده، مورد استقبال مؤمنین واقع گردید و از همه جهت، طرحی موفق و ثمر بخش بود و نتایج مبارکی به همراه داشت. به طوری که هزاران دانش آموز،

۱. سوره شوری، آیه ۱۳.

۲. «امام حسین (علیه السلام) لبخند دانش آموز»

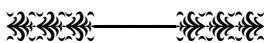
برنامه درسی خود را دریافت کرده و صندلی‌ها و تجهیزات دیگری، در اختیار بسیاری از مدارس قرار گرفت و بسیاری از آنها-که وزارت آموزش و پرورش در بازسازی‌شان ناتوان بود-تعمیر و اصلاح شدند.

این حرکت به حق، جلوه آگاهانه و جدیدی از شعائر حسینی بود که وجهه فرهنگی نهضت سالار شهیدان علیه السلام را به نمایش گذاشت و امید است که این ابتکار نیز مانند آن باشد.

این فراخوان به سرزمین عزیز ما عراق، اختصاص ندارد. بلکه دعوتی برای همه اهل ایمان، در تمام کشورهای دنیا می‌باشد که چه بسا آن کشورها، بدان نیازمندتر هستند. و چه نیکو است که این طرح، با فعالیت-های دیگری همچون، «ده دقیقه بخوان و یک کتاب هدیه بگیر»، یا مسابقه‌های معلومات عمومی، یا تلخیص کتاب و مانند آن ترکیب شود.

خداوند متعال توفیقی نصیب ما کرد، تا بیانیه‌های بسیاری را در این زمینه، جمع و تحت عنوان «فی ثقافه الرفض و إصلاح المجتمع» چاپ کنیم. همچنین کتابهای بسیاری، با نگاهی نو و معاصر به نهضت حسینی هست که امید داریم تجدید چاپ و به خواست خداوند متعال، منتشر شود. ﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ [محمد: ۷]؛ اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را محکم و استوار می‌سازد.<sup>۱</sup>

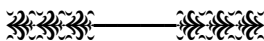
محمد یعقوبی-نجف اشرف - ۲۴ ذی الحجه، ۱۴۴۲ هجری قمری - مصادف با ۱۳ مرداد، ۱۴۰۰ شمسی.



### قبسی از نور

اگر انسان در مسیر اطاعت از خدا و رسولش و ائمه علیهم السلام، استقامت بورزد، در دنیا هم متنعم خواهد شد تا چه رسد به آخرتی که احادیث آن بیان شد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَلِّوْا سِتْقَامُوعَالِ الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾؛ مرحوم کافی با اسنادش، از امام باقر علیه السلام، تفسیر این آیه شریفه را چنین نقل کرده است: ﴿وَأَلِّوْا سِتْقَامُوعَالِ الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾، یعنی اگر مؤمنین بر ولایت علی علیه السلام و جانشینان او استوار شوند و از آنها در امر و نهیشان اطاعت کنند، آب به آنها می‌نوشانیم». امام علیه السلام می‌فرماید: به آنها ایمان می‌نوشانیم؛ پس صراط مستقیم، ایمان به ولایت علی علیه السلام و اوصیای ایشان است.

\*منبع: استقامت در اندیشه مرجعیت ص ۱۶.



### حقوق بشر در نهضت حسینی

سازمان ملل هر ساله روز جهانی حقوق بشر را گرامی می‌دارد، و آن روزی است که این سازمان سند حقوق بشر را در سال ۱۹۴۹ منتشر کرد. این مناسبت در سال ۲۰۱۲ همزمان با ماه محرم و مصادف با سالروز شهادت امام سجاد علیه السلام بود و ایشان به همین مناسبت به کرامت انسان

و حقوق بشر از با توجه به نهضت امام حسین علیه السلام مورد تحلیل و بررسی قرار دادند . و به جمله‌ای از اصول حقوق بشر و الگوهای انسانی والا که امام حسین علیه السلام در نهضت مبارک خود هم در گفتار و هم در رفتار مجسم کرد را به زبان امروزی اشاره کردند. تا بشریت را به این سرچشمه‌ی زلال و پاک برسانیم که از تمام مقومات تمدن انسانی بهره برد. و ارزش‌های والا و الگوهای عالی که امام سعی در اقامه و نهادینه کردن و دعوت مردم به آنها را بیان کرد.

تعدادی از مواردی که می‌توان از زمره حقوق بشر را در ذیل می‌آوریم و بحث مفصل آن را به زمانی دیگر موکول می‌کنیم.

### آزادی و حریت

اولین و مهمترین و والاترین اصول که انسانیت انسان بر آن نهاده شده آزادی است. مراد از آزادی، آزادی از بندگی غیر خداوند تبارک و تعالی می‌باشد. که این آزادی با بندگی و اطاعت واقعی از خداوند متعال و با داشتن توحید خالص و اطاعت از کسی که خداوند به اطاعت از وی دستور داده محقق می‌شود.

آزادی امت از بندگی طاغوت و زنجیرهای وابستگی و اعتماد به دنیا و ضعف همّت و آزادی از جهل و نفاق از مهمترین دستاوردهای قیام و نهضت حسینی است. به گونه‌ای که تا به امروز امام حسین علیه السلام سرور آزادگان و سنبل و نماد و رهبر تمام نهضت‌های آزادی بخش در جهان می‌باشد و تا قیام قائم علیه السلام باقی خواهد ماند. اگر آن حضرت علیه السلام سرشار از معرفت خداوند و مجرد از هر گونه تعلّق به جز خداوند نبود، نمی

توانست این مساله را به سر انجام برساند و چگونه اینگونه نباشد در حالی که وی به نص قرآن و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله از اهل بیتی است که خداوند نا پاکی را از آنها دور کرده و آنها را پاک کرده است.

وی تمام نهاد و وجودش برای خداوند تبارک و تعالی بود. و کسی که در دعای حضرت در روز عرفه تامل کند ارتباط ایشان با پروردگار، و معارف موجود در آن را، آشکارا می بیند. و در واقع آن معارف خود وسیله ی رسیدن به عبودیت و بندگی حقیقی و توحید ناب است: (کیف یستدلّ علیک بما هو فی وجوده مفتقر إلیک، أیکون لغيرک من الظهور ما لیس لک حتی یكون هو المظهر لک، متى غبت حتیّ تحتاج إلی دلیل یدلّ علیک، و متى بُعدتَ حتیّ تكون الآثار هی الّتی توصل إلیک، عمیت عین لا تراک علیها رقیبا، و خسرت صفقة عبد لم تجعل له من حبک نصیباً) چگونه بر وجود تو استدلال شود، به موجودی که در وجودش نیازمند به توست؟ آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست، تا آنان وسیله ظهور تو باشند؟ کی پنهان بوده ای، تا نیازمند دلیلی باشی که بر تو دلالت کند و کی دور بوده ای، تا آن آثار واصل کننده ی به تو باشند؟ کور باد دیده ای که تو را بر آن دیده بان نبیند، و زیانکار باد تجارت بنده ای که از محبتت برای او سهمی قرار نداده ای. و نیز می فرماید: (وَأنت الذی تعرّفت إلیّ فی کل شیء فرأیتک ظاهراً فی کل شیء).

و امام تا آخرین لحظات زندگی مبارکش اینگونه بود. دعاها ی نقل شده از امام در روز عاشوراء نشانه از این بندگی و ارتباط با پروردگار بوده است. وی روز عاشوراء زمانی که هر دو سپاه برای جنگ به صف ایستادند به گونه ای سخن آغاز کرد که کمال انقطاع به خداوند از آن به روشنی

پیدااست. ایشان سخن خود با جماعت را با این دعا شروع فرمود: (اللهم أنت ثقتی فی کلّ کرب، و أنت رجائی فی کلّ شدّة، و أنت لی فی کلّ أمر نزل بی ثقة و عدّة، کم من همّ یضعف فیہ الفؤاد و تقلّ فیہ الحیلة و یخذلّ فیہ الصدیق و یשמّت فی العدو، أنزلتہ بک و شکوتہ إلیک، رغبة منّی إلیک عمّن سواک، ففرّجتہ و کشفته، فأنت ولیّ کلّ نعمة و صاحب کلّ حسنة و منتهی کلّ رغبة) خداوندا تو ثقه‌ی من در هر مصیبت هستی و تو امید من در سختی هستی و تو در هر مشکلی که بر من نازل شد، و محل اطمینان و اعتماد من هستی، چه بسیار است قصه و همی که قلب از آن ضعیف شود و چاره در آن کم شود و دوست در آن زمان خیانت کند و دشمن شامت کند. و من تمامی آن را به تو شکایت کردم. و آن به جهت رغبت من به سوی توست از غیر تو. و تو نیز آن را برطرف ساختی. پس تو ولی من در هر نعمت و صاحب هر امر نیکو و انتهای هر رغبت و میل هستی. حضرت تمامی کارزار یاران خود را ستایش می‌کرد. به همین دلیل وی مبارزه‌ی حر ریاحی را بزرگ دانست و آن به دلیل آزادی وی از بندگی طاغوت بود حضرت هنگامی که بر سر حر ایستاد به وی فرمود: (و الله ما أخطأت أمک إذ سمتک حرّاً فأنت و الله حرٌّ فی الدنیا و سعید فی الآخرة) سوگند به خدا مادرت تو را به خطاء حر ننماید چرا که تو حر در دنیا و سعادت‌مند در آخرت هستی.

### عدالت اجتماعی

عدالت بین افراد بدون تفرقه بین آنها بر هر دلیل و اعتباری که باشد. این معنا در سخنان حضرت بسیار بود. به گونه‌ای که حضرت از اطاعت

سپاهیان دشمن از رهبران‌شان تعجب کرد بدون اینکه آنها این حق را داشته باشند. در روز عاشوراء رو به سپاهیان کرد و به سرزنش آنها پرداخت و فرمود: (تباً لکم أيتها الجماعة و ترحاً!... فأصبحتم ألباً علی أولیائکم و یداً علیهم لأعدائکم، بغیر عدل أفشوه فیکم، و لا أمل أصبح لکم فیهم، إلا الحرام من الدنیا أنالوکم، و خسیس عیش طمعتم فیہ) مرگتان باد و ذلت و اندوه قرین تان باد بر ضد دوستان و رهبران خود به پا خواسته اید و برای یاری دشمنانتان آماده شده اید بی آنکه دشمن شما به سوی عدالت گامی بردارد و شما در آنها امیدی ندارید مگر به سوی حرامی که از دنیا سهم شما شده است و زندگی پست و ذلت که به آن دل بسته اید.

امام حسین خواستار توزیع عادلانه ثروت برای مردم بدون استثناء بود و می‌فرمود نباید مال و ثروت برای هوس و شهوت و کارهای احمقانه هدر رود. ایشان یکی از اهداف قیام خود علیه قدرت حاکم را اینگونه بیان می‌کند: (أظهروا الفساد و عطّلوا الحدود و استأثروا بالفیء) آنها فساد را آشکار و حدود را تعطیل کرده اند و غنائم را به تصرف خود در آورده اند.

### برابری و مساوات

برابری و مساوات در حقوق معنوی و مادی جلوه‌ای دیگر از جلوه‌های عاشورا است، در حقوق معنوی می‌بینیم که خون اهل بیت نبوت با خون غیر آنها آمیخته شد. امام حسین علیه السلام همان گونه که بر بالای سر فرزندش علی اکبر شبیه رسول خدا در خلق و خوی و منطق، ایستاد بر

سر چون سیاه پوست غلام ابوذر که در حال جان دادن بود ایستاد. همچنین امام از تلاش و فداکاری تمام یاران خود با جملاتی که حاکی از عظمت و رفعت بود قدردانی کرد.

اما در خصوص حقوق مادی پیشتر بیان کردیم که حضرت تصرف در ثروت‌های عمومی مردم را نپذیرفت و خواستار رعایت حقوق همه به طور مساوی بود.<sup>۱</sup>

\*منبع: النهضة الحسينية والدفاع عن حقوق الإنسان.



### اگر می‌خواهی پیروز را بشناسی در روز اربعین به کربلا نگاه کن

هنگامی که امام سجاد علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه شهر پیامبر پس از واقعه کربلا باز گشتند برخی از روی دلسوزی و برخی از روی طعنه، کینه و حسد یا از روی گمراهی و جهل از امام می‌پرسیدند: چه کسی - در این جنگ - پیروز شد؟ امام در پاسخ فرمودند: هنگامی که صدای اذان بلند شود خواهید فهمید چه کسی پیروز شده است.

چرا که امویان با همه وجود تلاش می‌کردند معارف اسلام حقیقی را از بین ببرند و رهبران حقیقی اسلام را درمانده کنند و در سخنان معاویه و یزید شواهدی بر آن وجود دارد مانند هنگامی که معاویه احساس خود را با نا اومیدی و شکست و عدم موفقیت در به ثمر رساندن تلاش خود



در خاموش کردن نور خداوند تبارک و تعالی بیان می‌کرد زمانی که گفت: ابن ابی کبشه (پیامبر) راحت ننشست تا آنکه نام خود را مقارن با نام خداوند (در اذان) کرد. و مرتب بیان می‌کرد که دست از تلاش برای از بین بردن صدای اذان بر نمی‌دارم.

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: پیروز واقعی امام حسین علیه السلام است که با خون پاک و طاهرش اسلام را حفظ کرد و آن را در مسیر صحیح به ثبت رساند و همه‌ی نقشه‌های امویان در خاموش کردن نور اسلام و شکست آن را نقش بر آب کرد.

بنابر این باید جنبش‌ها و حرکت‌ها و افراد را در پرتو اهداف و انگیزه‌هایی که برای آن قیام می‌کنند ارزش گذاری کرد. پس اگر امام حسین علیه السلام مانند رهبران کودتاهای نظامی برای دگرگون کردن نظام حاکم و به دست آوردن حکومت قیام کرده بود ممکن است گفته شود که او در قیام خود شکست خورده است؛ اما باید گفت امام حسین وقتی که هنوز در مکه بود اعلام فرمود: خود و اهل بیت‌اش کشته خواهند شد و زنان شان اسیر خواهند شد (گویا خودم را می‌بینم که توسط گرگان بیابان در بین نوایس و کربلا تکه تکه شده ام) و برای ایجاد اصلاح در امت جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد و همین طور هم شد و امت اسلام بعد از چهارده قرن و تا قیام قائم به برکت نهضت شریفش پا برجاست و خواهد ماند.

برای روشن شدن مطلب این مثال را می‌آوریم: دانش آموز ابتدایی که امتحان داده و از صد، نمره هفتاد یا هشتاد را آورده، در حالی که خود را شکست خورده می‌بیند چرا که نمره نزدیک به صد را مدنظر داشت. و با

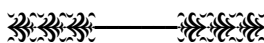
آنکه نمره قبولی را کسب کرده است اما با این وجود خود را شکست خورده می‌بیند. یا مثلاً تیم ورزشی که در مسابقه‌ای شرکت کرده و رده سوم یا چهارم را کسب می‌کنند خود را بازنده می‌بینند در حالیکه این رده هدف و مطلوب تیم‌های دیگر می‌باشد.

با همین معیار پاسخ می‌دهیم به هر کس که سوال می‌کند: آیا برنامه‌های آمریکا در از بین بردن هویت دینی امت و هویت جامعه موفق بوده است؟ و آیا تروریست‌ها و تکفیری‌ها در ایجاد خوف و رعب در جامعه و منع آن از ابراز محبت به اهل بیت پیامبر پیروز بوده‌اند؟ و آیا توانستند جوانان را از امامان و دین و مرجعیت جدا کنند؟ در پاسخ به آنان می‌گوییم: در روز اربعین به روانه شدن مسیر راهپیمایی بیش از سه میلیون نفر به سوی کربلا و طی کردن صدها کیلومتر توسط بعضی از آنها علی‌رغم وجود خطرات و آسیب‌ها نگاه کنید و شکست تروریست‌ها را متوجه می‌شوید و با حضور حداکثری جوانان در این راهپیمایی شکست برنامه‌های ترویج فساد و فحشا را می‌فهمید. و ارائه خدمات عمومی امت برای برپایی این مراسم باشکوه و مهیا سازی وسایل آسایش برای راهپیمایان ملیونی در مسیرهای منهد به کربلا را نگاه کنید تا میزان تمسک و توسل امت به اسلام و ولایت اهل بیت را بفهمید. و اگر سوال کنید: آیا برنامه‌های ضد فرهنگی برای دانشجویان و کور کردن آنها و روی گردان کردن آنها از اهداف حقیقی و روی آوری آنها به مظاهر مادی دنیوی موفق بوده؟ در پاسخ به آنها می‌گوییم: به هیئت‌های با شکوه دانشجویان عراقی که از هزاران نفر تشکیل شده و کلیومترها پیشروی کرده تا تمسک و وصل آگاهانه به اهل بیت علیهم‌السلام را به نمایش

بگذارند را نگاه کنید.

بر سیاستمداران لازم بود که پیام این جمعیت انبوه را بفهمند و بهترین بهره برداری را از آن داشته باشند و باید بدانند که ائتلاف و احزاب شان چنین قدرتی را نمی توانستند ایجاد کنند و نتوانستند مانع ادامه مسیر ظلم و جنایت آنان شود؛ اما به حول و قوه الهی و با تمسک به حبل الله المتین و استمرار در راه مستقیم موجبات پیروزی در آینده‌ای نزدیک با عنایت و توجهات الهی میسر خواهد شد.<sup>۱</sup>

\*بخشی از سخنرانی آیت الله شیخ محمد یعقوبی در میان دانشجویان دانشگاهها و آموزشکده‌های فنی که در هیئت‌های بصیرت‌افزایی حسینی علیهم‌السلام در تاریخ ۲۱ صفر ۱۴۲۷ مطابق با ۲۲/۳/۲۰۰۶ شرکت نمودند ایراد شد.

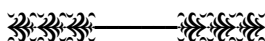


## قبسی از قرآن (وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ)

بر مومنان لازم و واجب است که میدان را در همه جوانب و زوایا با بهره‌گیری از دستورات الهی پر کنند چه در زمینه‌های فکری، اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی؛ چون اگر میدان خالی شد شیطان و پیروان او آن را پر می‌کنند؛ این همان است که آیه آن را مثال

زد که وقتی از گروه صالح خارج شد و روش الهی را ترک کرد، به سرعت شیطان به دنبال او می‌رود و او را گمراه می‌کند و او را غوطه ور در ضلالت و گمراهی می‌کند.<sup>۱</sup>

\* مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی رحمته «امن نور القرآن ۱۸۷».



### بررسی راه های پرورش و پیشرفت نفس انسان

بر اساس مبانی حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته در تفسیر «من نور القرآن»

دانشکده علوم اسلامی دانشگاه دیالی، پایان نامه کارشناسی ارشد، با عنوان «ترقیة الذات الإنسانية علی وفق المعانی القرآنیة فی تفسیر «من نور القرآن» للشیخ محمد الیعقوبی دراسة أكاديمية معاصرة» را مورد بحث و بررسی قرار داد.

این پایان نامه توسط دانشجو «حسن فلیح حسن»، با راهنمایی استاد دکتر «علی عبد کنو»، و استادان مشاور «فاضل احمد حسین» و استاد دکتر «احمد خضیر عمیر» و استاد دکتر «عمر عبدالله نجم الدین الکلائی» به عنوان عضو و سرپرست، مورد دفاع قرار گرفت.

هدف از نگارش این پایان نامه، بررسی مبانی آیت الله شیخ محمد یعقوبی رحمته در تفسیر خود، پیرامون نفس انسان و راه‌های پرورش و

پیشرفت آن، و آشکار ساختن غنای علمی و معرفتی که در تفسیر من نور القرآن به وفور یافت می‌شود، می‌باشد. این تفسیر از جمله تفاسیر معاصری به شمار می‌آید که مسائل نوظهوری در عرصه اسلامی را مطرح کرده است.

موضوع پایان نامه شامل پرافتخارترین و شریف‌ترین کتاب روی زمین یعنی قرآن کریم است و ارتقاء نفس انسانی، عبارت است از مقاومت انسان در برابر خواسته‌ها، عادات و هوی و هوس‌ها و بیان جنبه‌های مختلف آن است.

همه اینها به معنای نوعی خودکنترلی انسان است که در واقع، امری آسان نمی‌باشد. بلکه انسان در این راه به تلاش بی‌وقفه، مضاعف و پشتکار نیاز دارد.

در ابتدا باید بگوییم: خودسازی چیزی است که برای همه افراد اتفاق می‌افتد؛ زیرا فرد دائماً در حال یادگیری، و کسب تجربیات و مهارت‌ها است و از رویدادهای زندگی درس می‌گیرد. این یعنی غالباً برخی اسباب رشد و تکامل، برای عموم مردم موجود است، لیکن درجات آن متفاوت می‌باشد. بنده از رشد طبیعی و معمولی صحبت نمی‌کنم، بلکه در مورد پیشرفت لازم برای تبدیل شدن انسان به یک موجود پیشرو که شایستگی جانشینی خداوند بر روی زمین را داشته باشد، سخن می‌گوییم. او یک انسان صالح، شایسته و متکامل است که برای مسئولیت‌هایی که به او محول شده، مقدر گردیده است.

### نکات حائز اهمیت پایان نامه

۱- از ویژگی‌های منحصر به فرد تفسیر «من نور القرآن»، واضح بودن عبارات، دقت معانی و قوت استدلال است. این تفسیر تنها به روشن کردن معنای واژه‌ها نمی پردازد، بلکه با استنباط از آیه شریفه، آن را در عملیات تعالی انسان و مرتبط ساختن او با واقع، به منظور به دست آوردن تکلیف شرعی او در زمان و شرایطی که در آن زندگی می‌کند، به کار می‌گیرد.

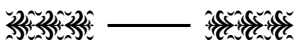
۲- از جمله ویژگی‌های این تفسیر این است که همه اقشار و طبقات اجتماعی در هر سطح از دانش، آن را می‌فهمند. لذا تفسیری موضوعی است که از قرآن کریم و سنت شریف مهمترین موضوعات معاصر-چه فکری باشد و چه اعتقادی و سیاسی و مانند آن-را در خود جای داده است.

۳- آیت الله یعقوبی در این کتاب، از منابع متعدد و متنوعی همچون تفسیر المیزان علامه سید محمد حسین طباطبایی، آیت الله سید محمد صادق صدر و عالمان و مفسران دیگر بهره جسته است.

۴- در ابتدا، مشکلات اخلاقی یا فکری یا عقایدی را مطرح می‌کند و با برخورداری از آداب نقد و بررسی، به مناقشه آنها پرداخته و در پایان نظر خویش را بیان می‌کند.

در نهایت پایان نامه موفق شد که نمره کامل را به دست آورد و دانشکده نیز متعهد شد تا آن را به صورت کتابی چاپ کرده، تا در زمینه

اصلاح انسان و جامعه مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۱</sup>



### آفتاب عالم‌تاب، وجود پیامبر اسلام ﷺ

در طول تاریخ بشریت، کم‌تر انسانی وجود دارد که مانند پیامبر اسلام تمام خصوصیات زندگی‌اش به‌طور واضح و روشن بیان و ثبت شده باشد. خداوند متعال در قرآن کریم کتابی که خود حافظ اوست و بدون هیچ تغییری تا قیامت باقی است با زیباترین عبارات و کامل‌ترین بیانات، آن حضرت را معرفی نموده و با عالی‌ترین صفات ستوده است. خداوند متعال می‌فرماید: «انک لعلی خلق عظیم»؛ ای پیامبر! تو بر اخلاقی عظیم استوار هستی. نیز می‌فرماید: «محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم» محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سر سخت و در میان خود مهربانند.

محققان، تاریخ‌نویسان و دانشمندان در ابعاد گوناگون زندگی حضرت محمد ﷺ سخن گفته‌اند. اما ائمه علیهم‌السلام با نگاهی ژرف و دقیق سیمای آن شخصیت بی‌نظیر و در یکتای عالم خلقت را به تماشا نشسته، به معرفی زندگی، مبارزات و آموزه‌های آن حضرت پرداختند. در این نوشتار گوشه‌ای از زندگی و شخصیت حضرت محمد ﷺ را از نگاه امام صادق علیه‌السلام به تماشا می‌نشینیم.

### تولد نور

امام صادق علیه السلام به نقل از سلمان فارسی فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال مرا از درخشندگی نور خودش آفرید؛ نیز امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای محمد! قبل از این که آسمان ها، زمین، عرش و دریا را خلق کنم. نور تو و علی را آفریدم...».

ثقة الاسلام کلینی رحمته الله می نویسد: امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگام ولادت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فاطمه بنت اسد نزد آمنه (مادر گرامی پیامبر) بود. یکی از آن دو به دیگری گفت: آیا می بینی آنچه را من می بینم؟ دیگری گفت: چه می بینی؟ او گفت: این نور ساطع که ما بین مشرق و مغرب را فرا گرفته است! در همین حال، ابوطالب علیه السلام وارد شد و به آن ها گفت: چرا در شگفتید؟ فاطمه بنت اسد ماجرا را به او گفت. ابوطالب به او گفت: می خواهی بشارتی به تو بدهم؟ او گفت: آری. ابو طالب گفت: از تو فرزندی به وجود خواهد آمد که وصی این نوزاد، خواهد بود.

### برترین مخلوق

حسین بن عبدالله می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله سرور فرزندان آدم بود؟ آن حضرت فرمود: قسم به خدا، اوسرور همه مخلوقات خداوند بود. خدا هیچ مخلوقی را بهتر از محمد صلی الله علیه و آله نیافرید. امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله را به معراج بردند جبرئیل تا مکانی با وی همراه بود و از آن به بعد او را



همراهی نمی کرد. پیامبر ﷺ فرمود: جبرئیل، در چنین حالی مرا تنها می گذاری؟! جبرئیل گفت: تو برو. سوگند به خدا در جایی قدم گذاشته ای که هیچ بشری قدم نگذاشته و پیش از تو بشری به آن جا راه نیافته است.

### پیامبر ﷺ و سیاست

در عرف جهانی امروز «سیاست» را به معنای نیرنگ و دروغ برای کسب قدرت و سلطه بر مردم تعریف می کنند، اما «سیاست» در لغت، به معنای «اداره کردن امور مملکت و حکومت کردن است». خداوند متعال پیامبر خاتم ﷺ جانشینان بر حق او، ائمه معصومین را از بهترین سیاستمداران شمرده است در زیارت جامعه، در وصف ائمه علیهم السلام که پرورش یافتگان مکتب نبوتند، آمده است: «وساسة العباد».

فضیل بن یسار می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که به بعضی از اصحاب قیس ماصر فرمود: خداوند عز و جل پیغمبرش را تربیت کرد و نیکو تربیت فرمود. چون تربیت او را تکمیل نمود، فرمود: «انک لعلی خلق عظیم»؛ تو بر اخلاق عظیمی استواری. سپس امر دین و امت را به او واگذار نمود تا سیاست و اداره بندگانش را به عهده بگیرد، سپس فرمود: «ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا»، آنچه را رسول خدا برای شما آورد، بگیرید، (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرد، خود داری نمایید. رسول خدا ﷺ استوار، موفق و موید به روح القدس بود و نسبت به سیاست و تدبیر خلق هیچ گونه لغزش و خطایی نداشت و به آداب خدا تربیت شده بود، ...

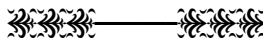
## زهد و وارستگی

حضرت محمد ﷺ هرگز نسبت به دنیا و لذا یز زودگذر آن میلی نشان نداد و به آن، توجهی نکرد. آن حضرت برای هدایت مردم و رساندن آن‌ها به سعادت دنیا و آخرت وارد عرصه سیاست شد.

ابن سنان می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، در حالی که آن حضرت روی حصیری نشسته بود که زبری آن بر بدن آن حضرت اثر گذاشته بود، و بر بالشی از لیف خرما تکیه نموده بود، که بر گونه‌های گلگونه‌اش نفوذ کرده بود. آن مرد در حالی که جاهای اثر کرده را مسح می‌نمود، گفت: کسری و قیصر (پادشاهان ایران و روم) هرگز چنین راضی نمی‌شوند و بر حریر و دیبا می‌خوابند و تو (که سرور مخلوقات خدایی) بر این حصیر!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا من از آن‌ها برتر و گرامی‌تر هستم. من کجا و دنیا کجا! مثال زورگذر بودن دنیا، مثال شخصی است که بر درختی سایه دار عبور می‌کند، لحظه‌هایی از سایه درخت استفاده می‌کند و وقتی سایه تمام شد، از آن جا کوچ می‌کند و درخت را رها می‌کند.

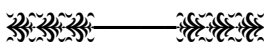
هیچ زمینه‌ای از زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، مگر این که امام صادق علیه السلام در آن زمینه سخنانی با ارزش دارد.<sup>۱</sup>



## نیاز امروز بشر به ویژگی های پیامبر اکرم ﷺ

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی دامپله:

تصور کنید اگر این ویژگی ها (صدق و راستی، مهربانی، گذشت از خطاکار، برآورده کردن مصالح عمومی و خوشبختی مردم) در رهبران جامعه بود، وضع جامعه به این مرحله کنونی که ما در آن هستیم می‌رسید! وضع اسف بار چند دستگی، درگیری، جنگ مذهبی و قومیتی، فساد و از بین بردن اموال عمومی؛ اگر دنبال راه حل برای برون رفت از این وضعیت هستیم باید به این ویژگیهای بلند و فضایل اخلاقی دست پیدا کنیم تا بتوان تحول در فرهنگ عمومی را بر این اساس رقم بزنیم و خداوند هم کمک می‌کند.<sup>۱</sup>



## راهکار اسلامی در مقابله با دشمن

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامپله در دیدار با کاروان نداء الأقصی فرمود: جایگزینی جز راهکار اسلامی در مقابله با دشمن در همه زمینه‌ها وجود ندارد.

در این دیدار که در دفتر معظم له در نجف اشرف که گروهی از علمای مجاهد شیعه و سنی از فلسطین و سوریه و لبنان در آن حضور پیدا کردند که با انگیزه برپایی موکبی در مسیر راهپیمایی زائران امام

حسین علیه السلام و یادآوری نام قدس شریف و شعله ور ساختن روح جهاد برای بازپس گیری سرزمین‌های اشغالی در عراق حاضر شدند. بعد از اینکه حاضران انگیزه و اهداف خود از حضور در این راهپیمایی عظیم را بیان کردند از مشکلات مردم فلسطین و استقامت آنان گفتند؛ مرجع عالیقدر در ابتدای سخنان خود به مهمانان خیر مقدم گفتند و از برکات و ویژگی‌های مکانی که در آن قرار گرفتند و همجواری با امیر المؤمنین علیه السلام گفتند کسی که دسیسه‌های یهود را در جنگ‌های صدر اسلام خاموش می‌کرد و همچنین ویژگی‌های زمانی که در آن هستند و آن یاد و ذکر قیام ابا عبدالله الحسین علیه السلام نماد جهاد و مقاومت و مبارزه با ظلم و الگوی انقلابیون و منادیان آزادی انسان؛ پس از آن به سخنان خود اینگونه ادامه داد:

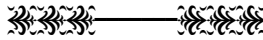
اقصی و قدس شریف اولین قبله و سومین حرمی است که از صدر اسلام دارای جایگاه ویژه در دل‌های مسلمانان دارد، مرجعیت در نجف اشرف برای مسئله فلسطین و قدس و اشغال اراضی آن از دیر باز اهتمام خاص و دغدغه ویژه داشت و دارد، مرجع و مصلح بزرگ مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء رحمته الله همان ابتدای مهاجرت یهود به سرزمین فلسطین پس از پیمان و بیانیه بالفور در سال ۱۹۱۷ م، خود در کنگره اسلامی در قدس که در سال (۱۹۳۱ م، ۱۳۵۰ ه) برپا شد حضور یافت. معظم له به همراهی و پشتیبانی و حمایت مرجعیت در نجف اشرف از فعالیت‌های جهادی ضد رژیم اشغالگر صهیونیستی در سال ۱۹۶۹ م هنگامیکه آن اعتراض پس از آتش سوزی مسجد الاقصی شروع شد اشاره کرد که مرجع بزرگ در نجف در آن زمان سید محسن حکیم رحمته الله این

واکنش را مبارک برشمرد و اذن صرف وجوهات شرعی را به مقلدین خود برای این فعالیت‌ها را دادند. و مرجعیت همیشه از واکنش اسلامی در مقابله با دشمنی که همیشه آتش جنگ را با توجه به باوری که دارد دامن می‌زند از راهکار مقابله اسلامی و باورهای آن دعوت می‌کند، اما سازمان‌های حاکم و نیروهای آن و فعالین آن شعارهای قوم عربی را سردادند که این به تنهایی تا مقرون به اسلام و ایمان نشود کافی نیست، و این باعث شد که مسلمانان غیر عرب از این میدان دور شوند چراکه آن را تنها یک مسئله عربی صرف معرفی کرده بودند.

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود به تغییر در معادلات اشاره کردند که در سال ۱۹۸۷م هنگامیکه جهاد اسلامی شروع شد جان دوباره‌ای گرفت و نیروی جدیدی به آن اضافه شد و آن همان چیزی که خداوند متعال در قرآن به آن اشاره کرده است ﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و قدرت خدا را] نمی‌فهمند. [الأنفال: ۶۵] که خداوند دلیل آن را نفهمی آنان ذکر کرده است. همچنین ایشان به تفاوت در قدرت نظامی با عنایت خداوند متعال اشاره کردند که در گذشته مجاهدان سینه‌های خود را سپر می‌کردند و تنها با سنگ در برابر گلوله مباره می‌کردند اما در عملیات اخیر سیف القدس هزاران موشک از طرف مجاهدان بر سر دشمنان و به

سرزمین‌های اشغالی اصابت کرد و خرابی چشمگیری را برای آنها به بار آورد.

مهمانان در پایان این دیدار از حمایت‌ها و همراهی مرجعیت نجف اشرف از ابتدا تا کنون ابراز خرسندی کردند و آن را بزرگترین پشتیبانی دانستند.<sup>۱</sup>



### بیانیه پایانی اربعین حسینی سال ۱۴۴۳ هجری قمری

به نام خدا

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ﴾ [الأعراف: ۴۳].

ستایش خدای را که ما را بر این مقام رهنمایی کرد، که اگر هدایت و لطف الهی نبود ما به خود به این مقام راه نمی‌یافتیم، همانا رسولان خدایمان به حق آمدند.

السلام علی‌الحسین وعلی‌علی‌بن‌الحسین وعلی‌أبی‌الفضل‌العباس وعلی‌أولاد‌الحسین وعلی‌أصحاب‌الحسین‌الذین‌بذلوا‌مهجهم‌دون‌الحسین‌علیهم‌السلام ورحمة‌الله‌وبرکاته.

امسال و هر سال، میلیون‌ها مسلمان عاشق راه حسین علیه‌السلام، در این راهپیمایی میلیونی در امتداد صدها کیلومتر که برگرفته از تمام اصول

والای انسانی است، پیام عدالت، رستگاری، صلح، محبت و برادری را به همه انسان‌ها ارائه می‌دهند و بی‌عدالتی، بردگی، استکبار و انحصارگرایی را رد می‌کنند.

در عراق وقتی این همه خدمات رایگان به بیش از ده میلیون زائر در طول چند روز را ارائه می‌دهیم، به هیچ کس منتی نیست و از هیچکس انتظار پاداش یا سپاسگزاری نداریم، بلکه آن را وظیفه می‌دانیم. و باید در برابر این نعمت شکرگذار خداوند متعال باشیم، زیرا او سرزمین طیب ما را به عنوان آرامگاه اولیای بزرگ خود انتخاب کرد و ما را به عنوان ساکنان این سرزمین انتخاب کرد، بنابراین بر ما واجب است که به زائران آنان احترام بگذاریم تا ما را شایسته این نعمت بدانند، و میعادگاه دولت عدالت الهی که امام مهدی موعود(ارواحنا له الفداء) آن را در این سرزمین پربرکت برپا می‌کند کرده و آن را به عنوان پایتخت خود انتخاب کرده و آنجا را سرآغاز حرکت خود قرار می‌دهد تا جهان را پر از امنیت، صلح و سعادت کند.

مخالفان با این راه و رسم ما خرده می‌گیرند و ما را سرزنش می‌کنند و شبهه و شک در آن ایجاد کردند، و آن ناشی از عدم بصیرت است و نمی‌توانند عظمت این شعایر و برکات آنها بر تمام انسان‌ها چه در گذشته و حال و آینده را درک کنند، همین کافی است که آن را مصداق اظهار مهر و محبت به اهل بیت است که خداوند متعال به آن دستور داده است ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ [الشوری: ۲۳] بگو: من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید؛ و سبب و عامل هدایت بسیاری از مردم

به راه حقیقت، و بیعت برای گام نهادن در راهی است که شهدا، صدیقین و صالحان در آن گام نهادند.

آنها از ما معجزه می‌خواهند تا حقانیت این شعائر را اثبات کنیم و چه زیادند معجزه‌ها برای اصحاب اندیشه، یکی از آنها اخلاق بلندی که راهپیمایان با تمام وجود آن را به منصف ظهور می‌رسانند که در جهان مادی امروز بی مانند است.

بنده تنها به یکی از آنها اشاره می‌کنم که در راه و مسیر ده میلیون نفر زائر جمع می‌شوند و با هم در راهپیمایی نزدیک هم، در طول چند روز و در مکان‌های پر جمعیت جمع می‌شوند و مراکز بهداشتی هیچ ابتلائی به کرونا را در این راه راهپیمایی به ثبت نرساندند.

آمار روزانه ابتلا به بیماری کرونا در تمام استان‌های عراق قبل از این مناسبت نزدیک به دهها هزار نفر می‌رسید در حالی که در این ایام نزدیک به دو هزار نفر رسید، و تجمعات دهها هزار نفری در استادیوم لندن در تموز گذشته باعث ابتلا بی سابقه پنجاه هزار نفر در روز شد در حالی که بیش از نصف ساکنان بریتانیا واکسن کرونا را زده بودند، و جالب این است که این ابتلا در مثل روزی اتفاق افتاد که تصمیم بر رهایی از قرنطینه و پیشگیری‌ها بود و آن را روز آزادی نام گذاری کردند. بنده در صدد این نیستم که بگویم اقدامات پیشگیرانه نباید باشد یا اینکه فایده ندارد، بلکه می‌خواهم از یک واقعیت سخن بگویم.

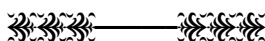
شعائر الهی نقش مهمی در برپا داشتن دین و استقامت بر باورها و اعتقادات در دل مردم دارند، و ما نمی‌توانیم تصور کنیم که مردم بدون آنها چگونه خواهند بود، مگر اینکه آنها به جاهلیت خود باز خواهند



گشت، همانطور که در امت‌های گذشته روی داد زمانی که از آموزه‌های پیامبران دور شدند.

از خداوند می‌خواهیم که نعمت خود را بر ما ادامه دهد و عراق عزیز و همه کشورهای اسلامی را از توطئه‌ها، خیابثت و نیرنگ دشمنان حفظ کند و ما را در راه عدالت استوار سازد، زیرا او حافظ نعمت است <sup>۱</sup>إنه ولی النعم.

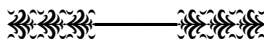
محمد یعقوبی - نجف اشرف - ۲۰/صفر/۱۴۴۳ هـ - ۲۸/۹/۲۰۲۱.



### قبسی از گفتار مرجعیت

جوانان تماما شور و نشاط و قدرت هستند و این از نعمت‌های خداوند متعال بر آنها و بر تمام امت است، چراکه آنها قلب تپنده در کالبد امت اند، اما این به تنهایی مثمر ثمر نیست مگر اینکه هدفمند باشد، در غیر این صورت ممکنه خیلی از اعمال آنها عبث و بیهوده باشد مانند سپری کردن زمان بسیار در بازی‌ها و سرگرمی‌ها، حتی ممکن است اگر جوان هدفمند حرکت نکند منجر به این شود که نیروی خود را در رفتارهای هنجارشکنانه صرف کند که هم برای خود و هم برای امت مضر خواهد بود مانند ورود به گروه‌های مسلح و مافیای مواد مخدر یا جریان‌های انحرافی اعتقادی یا رفتاری.

\*ممکن است خود جوان نداند که در چه جریانی وارد شده و چگونه در آن در حال غرق شدن است تا جایی که دیگر واقعیت را نمی بیند و امید بازگشت نداشته باشد، و ممکنه پشیمانی دیگر فایده ای نداشته باشد، پس باید جوان آینده نگر و برای آینده هدف گذاری کند و برای تحقق اهداف خود تلاش کند و با شور و نشاط و قدرت در پی اهداف خود حرکت کند.<sup>۱</sup>



### برحذر بودن از حسرت روز قیامت

در میلاد پر سرور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و با شعار (المسجد يقود الحياة) اداره مرکزی مدیریت دفاتر مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله همایش سالانه اول ائمه مساجد را برگزار کرد.

در این همایش معظم له حضور یافت و به ایراد سخن پرداخت سخنرانی ایشان با عنوان (از حسرت روز قیامت برحذر باشیم)، ایشان در این سخنرانی به بیان و شرح نکات تفسیری آیه ۱۶۷ سوره مبارکه بقره پرداختند: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كَرِهْنَا لَنَّا كَرِهْنَا فَنَتَّبِعَهُمْ كَمَا تَدْرَأُوْنَا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾ و آنان که [به جای خدا از پیشوایان شرک و کفر] پیروی کردند، گویند: کاش برای ما بازگشتی [به دنیا] بود تا ما هم از آنان بیزار می جستم،

همان گونه که آنان از ما بیزاری جستند. خدا این گونه اعمالشان را که برای آنان مایه اندوه و دریغ است، به آنان نشان می‌دهد و اینان هرگز از آتش بیرون آمدنی نیستند. این آیه به تصویری از صحنه قیامت اشاره می‌کند که در آن سران و بزرگان و رؤسا از پیروان و طرفداران و اتباع خود بیزاری و براءت می‌جویند و از آن کارهایی که در حق آنها کردند مثل گمراهی و فساد و احراف و احراف شانه خالی می‌کنند و آنها را نمی‌پذیرند با اینکه خود آنان عامل آن همه گمراهی و انحراف و فساد در اموال و جان و حیثیت آنان بودند. در حالیکه مردم همه آنها را به خاطر رهبران و بزرگان خود فدا کرده بودند. در این حالت زبردستان و پیروان در روز قیامت بعد از کشف حقیقت برای آنان، آرزو می‌کنند که به دنیا برگردند تا بیزاری و براءت خود از آنان را اعلام و ابراز کنند (تا ما هم از آنان بیزاری می‌جستیم، همان گونه که آنان از ما بیزاری جستند.) حسرت در فهم عرفی، پشیمانی و تاسف شدید همراه با غم بر گذشته است و یا انجام ندادن کارهای نیک یا کوتاهی در انجام آنهاست یا از بین رفتن فرصتهایی است که باید آنها را غنیمت می‌شمردند.

ایشان در ادامه خاطر نشان کردند این آیه دلالت می‌کند بر اینکه آنها قدرت بر تغییر شرایط را داشتند و می‌توانستند سرنوشت بهتری را برای خود رقم بزنند لذا حسرت ما فات را می‌خورند، چراکه اگر امکان تغییر وجود نداشت حسرت آنان بی‌مورد بود زیرا تغییر شرایط برای آنها ممکن نبود تا جای حسرت باشد؛ همچنین اشاره کردند که اعمالی که ممکنه موجب حسرت شوند بسیارند و قابل شمارش نیستند، هر کوتاهی در حق خداوند متعال مثل انجام ندادن واجب یا ارتکاب معصیت می‌تواند

منشأ حسرت باشد، خداوند در آیه ۵۶ سوره زمر می‌فرماید: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّٰخِرِينَ﴾ تا مبدا آنکه کسی بگوید: دریغ و افسوس بر اهمال کاری و تقصیری که درباره خدا کردم، و بی تردید [نسبت به احکام الهی و آیات ربّانی] از مسخره کنندگان بودم.

در این راستا معظم له به دو مطلب که از آیه استفاده می‌شود اشاره کردند:

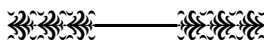
**مطلب اول:** غنیمت شمردن تمام فرصتها و از بین نبردن آن، چراکه از بین بردن فرصت غم و غصه و حسرت را به همراه می‌آورد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: (إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسْرَةً مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ الْإِلَهِيَّ غَيْرَهُ) بیشترین افسوس را در روز قیامت کسی می‌خورد که سخن از عدالت بگوید اما خود با دیگران به عدالت رفتار نکند. و اینکه هیچ کوتاهی را سبک نشماریم و هیچ اطاعتی را کوچک ندانیم، و بزرگترین آنها احسان به دیگران است.

**مطلب دوم:** اینکه حسرت گذشته را بچشیم و احساس کنیم و از فرصت‌های از دست رفته عبرت بگیریم تا برای فرصت‌های پیش آمده برنامه داشته باشیم تا از آنها نهایت استفاده را ببریم.

در قسمت پایانی سخنان خود فرمودند که این پشیمانی و حسرت در دنیا، ثمربخش و مفید است اما نادیده گرفتن آن فرصت‌های سوخته یا حس نکردن آنها یعنی دیگر پس از مرگ فایده‌ای بر آن مترتب نخواهد شد همانگونه که آیه مورد بحث به آن اشاره می‌کند و خداوند در سوره مومنون آیه ۹۹ و ۱۰۰ از زبان آنان می‌گوید: ﴿قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ\* لَعَلِّي

أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا ﴿﴾ در آن حال گوید: بارالها، مرا به دنیا بازگردانید؛ تا شاید به تدارک گذشته عملی صالح به جای آرم. (به او خطاب شود که) هرگز نخواهد شد، این کلمه‌ای است که (از حسرت) همی بگویند (و ثمری نمی‌بخشد). این اشاره به حسرت و دردی است که در لابلای دعاهایی که از اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده که در پایان زمان‌های ویژه عبادی مثل ماه مبارک رمضان و حج با اینکه آنها بهترین بهره برداری را کرده اند فهمیده می‌شود، این حسرت را پیروان اهل بیت در خدمت رسانی به زائران امام حسین علیه‌السلام در ایام اربعین و در مناسبت‌های دیگر، در پایان ایام زیارت در وجود خود احساس می‌کنند با اینکه خدمات بزرگی را انجام داده اند.<sup>۱</sup>

شنبه ۱۶ ربیع الاول ۱۴۴۳ هـ - ۲۳/۱۰/۲۰۲۱.



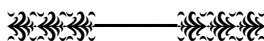
## روز جهانی عفاف

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی حاج شیخ محمد یعقوبی دامت‌السلامه در تاریخ یکم ربیع الثانی ۱۴۳۸ هجری (مطابق با ۳۱-۱۲-۲۰۱۶) روزی از سال را به نام (روز عفاف) نامگذاری کنند و این رفتار و عمل انسانی و آسمانی را مایه کمال و شکوفایی فرد و جامعه و امت می‌شود. ایشان سالروز میلاد حضرت زینب کبری دختر امیرالمومنین و فاطمه

زهرای علیها السلام در روز پنجم جمادی الاول را به این عنوان انتخاب کردند شخصیتی که عفاف و حجاب را به بهترین شکل به نمایش گذاشت در حالیکه در بدترین و سخت‌ترین شرایط و آزار و ستم بعد از شهادت برادرش امام حسین علیه السلام در مجلس عبید الله و یزید قرار گرفته بود.

معظم له در طی سخنرانی که در حضور جمعی از جوانان پس از گذراندن دوره آموزشی (آماده سازی جوانان برای آینده) شرکت کردند و به دیدار ایشان رفته بودند خاطر نشان کردند که برنامه و فعالیت‌هایی را برای معرفی کردن این رفتار اخلاقی و ارزشی و آثار مبارک آن را در ضمن فعالیت‌های خود داشته باشند که آثار بزرگ و شگرفی در زندگی فردی و اجتماعی دارد چراکه در روایتی از امیر المومنین علیه السلام وارد شده است که (العفه راس کل خیر) و (افضل العباده العفاف) به این معنا که عفت اساس هر خیر است، و با فضیلت‌ترین عبادات عفت است.

ایشان در ادامه به این نکته اشاره کردند که عفت تنها مخصوص زنان و ناظر به پوشش او نیست و تنها ناظر به تعامل هر دو جنس مرد و زن با یکدیگر نیست بلکه عفت معنای وسیعی دارد که عفت در کسب مال، عفت دست، عفت زبان، عفت چشم و غیر آن را هم شامل می‌شود، لذا باید فعالیت‌هایی که در راستای ترویج و تبلیغ این مناسبت محدود نباشد تا معنا و گستره حقیقی آن به انحراف کشیده نشود.<sup>۱</sup>



## پرسش و پاسخ در مورد آثار گناه

پرسش: ظهور و بروز گناه در انسان، از چه عواملی نشأت می‌گیرد؟

پاسخ: در این زمینه می‌توان به عواملی اشاره کرد مانند:

۱. جهل به مقام ربوبیت الهی و وظایف عبودیت و بندگی.
۲. وجود برخی عوامل و اسباب گناه در انسان، که به آنها غرایز و شهوات می‌گویند.
۳. اقدامات شیطان همچون، تزیین مادیات، گمراه کردن انسان‌ها، اطمینان خاطر دادن به آنها و بی‌اهمیت جلوه دادن گناه، تا انسان را به ورطه گناه بکشاند؛ خداوند متعال از قول ابلیس در قرآن می‌فرماید: ﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾ «گفت: «پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمت‌های مادی را) در زمین در نظر آنها زینت می‌دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت مگر بندگان مخلصت را».
۴. غافل شدن و فریب خوردن به واسطه ستاریت خداوند، نسبت به بندگان عاصی و عدم رسوا کردن آنها، با وجود گناهانی که مرتکب می‌شوند.
۵. ناچیز و کوچک شمردن گناه به خاطر، این تصور غلط ذهنی که وعده جهنم تنها مختص به کبائر است و امکان ارتکاب گناهان صغیره وجود دارد.
۶. غفلت
۷. بد اخلاقی

۸. نشست و برخاست بیش از حد با مردم و همنشینی با بیکاران و صحبت در باب اموری که حاصلی نداشته باشد.
۹. سوء برداشت نسبت به برخی روایات، به گمان اینکه ثواب تنها مختص به برخی اعمال است.<sup>۱</sup>
- \*منبع: پرسش‌ها و پاسخها آیت الله العظمی محمد یعقوبی، ج ۲ بخش اول، سوال اول.



### نهضت فاطمی قیام نصرت الاهی

بخشی از سخنرانی سالانه فاطمی حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه در جمع عزاداران فاطمی در نجف اشرف که در سوم جمادی الثانی ۱۴۴۳ ایراد کردند:

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ﴾ [صف: ۱۴] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاران خدا باشید، همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند؟» حواریون گفتند: «ما یاران خداییم.» پس طایفه‌ای کفر ورزیدند، و کسانی را که گرویده بودند، بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شدند. این دعوت خداوند متعال از تمام مومنان است به اینکه خداوند متعال و پیامبر او را



در نشر اسلام و دفاع از آن یاری دهند. و این دعوت مایه شرافت انسان است و این سبب تعالی او خواهد شد چراکه این خالق آسمان و زمین و کسی که امور ملکوت آنها را به دست دارد که به یاری او دعوت می‌کند تا آنها را تشویق کند چراکه شرط تحقق اجر، داشتن اخلاص در این راه است نه طمع و ورزی در آنچه که در نزد پیامبر اکرم است و خداوند متعال آنها را به مثالی متذکر می‌شود که به یکی از پیامبران اولو العزم تاسی کنند که همانا او عیسی بن مریم است زمانی که حواریون را که از نزدیکترین مریدان و پیروان و همراهان ایشان بودند دعوت کرد که در نشر و تبلیغ آموزه‌های خداوند متعال او را یاری دهند و او را در دعوت به رسالت کمک کنند و در هدایت مردم او را معاضدت کنند تا در راه رسیدن به خداوند قدم بگذارند.

حواریون گفتند: ما یاران خداییم. به خداوند ایمان داریم و به آن شهادت بده که ما تسلیم اویم. پروردگارا ما به کتابی که فرستادی ایمان آورده و از رسول تو پیروی کردیم، نام ما را در صحیفه اهل یقین ثبت فرما. پس حواریون دعوت او را اجابت کردند و او را شاهد بر تسلیم مطلق خود و آمادگی آنها در بخشیدن با ارزشترین چیز خود در راه خداوند گرفتند.

و این با عنایت و توجهات خداوند و تایید اوست. (یاد کن) هنگامی که به حواریین وحی کردیم که به من و به رسول من ایمان آورید، گفتند: ایمان آوردیم، گواه باش که ما تسلیم امر توایم.

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز همانند این نصرت طلبی را از اصحاب خود بیش از یکبار گرفتند تا این کار جهادی سازمان یافته استمرار داشته

باشد

تا نخبگان امت تمکین کنند و اداره شئون امت ادامه یابد، و خللی در امور آن ایجاد نشود. و اگر خللی ایجاد شود امت دور آنها جمع شوند تا آنچه را که در آن خیر و صلاح و سعادت باشد رخ دهد و جماعت مومنان از جماعت مفسدان در باور و ایمان و اخلاق و رفتار از هم متمایز شوند. پس طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کفر ورزیدند. پس اگر این دو گروه و جریان در هویت و اصالت از هم آشکارا باز شناخته شوند نصرت و فتح الهی خواهد آمد.

و این آیه مبارکه تصریح می‌کند که نصرت مورد نظر مشروط به آن است که برای خداوند متعال و راه او و اعتلای نام او و استواری دین او باشد. پس نصرتی که از روی تعصب قومی یا برای یک حزب یا شخصیت خاص یا هر عنوان دیگری باشد هیچ ارزش ندارد.

یاری طلبی خداوند از روی عجز و ضعف و نقص در قدرت و نیرو نیست چراکه او خود را به قدرت و نیروی مطلق توصیف کرده است. خداوند فرمود: او بر همه چیز توانا است و قدرت خاص خدا است و فتح و پیروزی نصیب کسی نشود مگر از جانب خدای توانای دانا.

خداوند متعال همه را به یاری طلبید تا فرصت طاعت و تکامل را برای همه فراهم سازد تا قدم در راه سیر به سوی بلندی بگذاریم و پله‌های کمال را طی کنیم. و در این مورد امیر المومنین فرمود: اگر خدا از شما یاری می‌خواهد نه از روی خوارمایی است و اگر از شما وام می‌خواهد نه به سبب بینوایی است. از شما یاری خواسته در حالی که، لشکرهای آسمان و زمین از آن اوست و اوست پیروزمند و حکیم و از شما وام می‌

خواهد و حال آنکه، خزاین آسمانها و زمین از آن اوست و بی نیاز و ستوده است خداوند. می خواهد شما را بیازماید تا کدامیک از شما به عمل، بهتر از دیگران هستید پس به کارهای نیک دست یازید تا با همسایگان خدا در خانه خدا باشید.

پس سوال این است که چرا خداوند از یک موجود ضعیفی مثل ما یاری طلبیده است؟

در پاسخ به آن می‌گوییم: یاری خداوند متعال در زمینه‌های مختلف نمود پیدا می‌کند اولین آنها نفس است که مهمترین زمینه نصرت خداوند متعال است. خداوند فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب نفس خود باشید! و از حضرت امیر المومنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: میدان اول شما نفس شماست پس قبل از حسابرسی به آن خود حسابرسی کنید و آن را بسنجید قبل از اینکه سنجیده شوید که اگر بر آن توانا باشید بر غیر آن توانا تر خواهید بود.

دومین شکل نصرت و یاری برای خداوند، دعوت به ایمان به خداوند متعال و محبوب ساختن او نزد مردم با ذکر رحمت و کرم و احسان بی پایان او، و صفات و ویژگی‌های بلند او و از بین بردن کفر و شرک و گمراهی و شبهات با دلیل و منطق، و خداوند متعال این فرصت را برای ما با بهترین و بزرگترین وسایل دعوت و تبلیغ و نشر از طریق برنامه‌های فنی امروزی فراهم آورده که بتوانیم ندای ایمان را به میلیونها انسان از راه صفحات الکترونی و مجازی فعال و جذاب و موثر برسانیم.

سومین شکل نصرت و یاری، یاری فرستادگان و حجت‌های خداوند متعال، که همانا پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان علیهم السلام هستند که با تعظیم

آنها و مودت و نشر و استفاده از سیره آنها و دفاع از حق آنها و اظهار مظلومیت آنهاست.

چهارمین آنها، جمع شدن دور علمای عامل و مخلص برای خداوند و دین و امت است که آنها ورثه پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام و حاملان رسالت مبارک هستند.

پنجمین آنها یاری دین خداوند متعال با نشر و معرفی کردن آن برای مردم و محبوب ساختن آن برای مردم و راسخ کردن آن در دل مومنان و پاسخ به شبهات و کور کردن فتنه ها، و تلاش برای هدایت مردم و راهنمایی آنان به سوی حق و آموزش احکام شرعی و فضایل اخلاقی و امر به معروف و نهی از منکر، چراکه انجام این فریضه الهی بزرگترین نصرت برای خداوند متعال است.

ششمین مورد، تحقق عدالت اجتماعی و کرامت انسانی و آزاد سازی او از زنجیر عبودیت طاغوت و مستکبران و رهایی از ظلم و انحراف و کمک به مستضعفان و محرومان است.

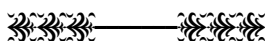
هفتمین مورد برپایی شعائر الهی و تشویق و مشارکت به اندازه توان است و آباد کردن مساجد و فعال کردن نقش آن و قرآن در زندگی امت طبق برنامه‌ای که در سخنرانی‌های سابق بیان کردیم.

هشتمین مورد، پیوستن به فعالیت‌های اجتماعی پربازده مانند اعمال خیر خواهانه و خدمت رسانی و توسعه‌ای و بصیرت‌افزایی و علمی و فرهنگی و رعایت و شناسایی توانایی‌ها و ایجاد اشتغال و برآورده ساختن نیازها و ازدواج افراد با عفت است.

همه اینها از دین است و خداوند متعال فرمود: و اگر از شما در کار

دین مدد خواستند که معنای دین همین معنای گسترده از کارهای پر برکت است، ولی اگر از شما در کار دین و پیشرفت اسلام مدد خواستند بر شماست که آنها را یاری کنید.

و خداوند متعال ما را از عدم یاری رساندن برحذر داشته است و فرمود: و شما مسلمین اگر آن را به کار نیندید همانا فتنه و فساد بزرگ روی زمین رخ خواهد داد...<sup>۱</sup>



### جایگاه شهید و شهادت از دیدگاه قرآن و احادیث

شهادت فنا شدن انسان برای نیل به سرچشمه نور و نزدیک شدن به هستی مطلق است. شهادت عشق به وصال محبوب و معشوق در زیباترین شکل است.

شهید همواره زنده است و حیات و ممات او همواره صفتی است برای حیات طیبه و به مصداق آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ﴾ [۱۶۹ آل عمران] و گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده اند، مردگانی هستند، بلکه آنان زنده و در بارگاه پروردگارشان بهره مندند. هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. امام علیه السلام فرمود: «مؤمن شهید است»

سپس آیه ۱۹، سوره حدید را تلاوت کرد.» و برای مرتبه سوم بیان داشت: «بلکه به خدا سوگند همانند کسی است که با رسول خدا ﷺ در خیمه او شهید شده باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید: کسی که برای دفاع از مال خود (در برابر مهاجمان) ایستادگی کند و کشته شود، شهید است. ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾» کسی را که در راه خدا کشته شد، مرده نپندارید، بلکه او زنده جاوید است، ولیکن شما این حقیقت را نخواهید یافت. در این آیه تفاوت مردن معمولی با کسانی که در راه خدا شهید شدند، بوضوح دیده می شود و یک پاداش بزرگ برای این گروه در نظر گرفته شده است و آن روزی خوردن در نزد خداوند متعال می باشد.

شهید در لغت به معنی ((گواه)) است و در اصطلاح به کسی گویند که در مجرای شهادت قرار گرفته و در راه خدا کشته می شود.

شهادت نوعی از مرگ نیست بلکه صفتی از ((حیات معقول)) است. زیرا حیات معمولی که متأسفانه اکثریت انسانها را اداره می کند، همواره خود و ادامه بی پایان خود را می خواهد، لیکن در حیات معقول فرد آن زندگی پاک از آلودگی ها که خود را در یک مجموعه بزرگی به نام جهان هستی در مسیر تکاملی می بیند که پایانش منطقه جاذبه الهی است. لذا شهید همواره زنده است و حیات و ممت او همواره صفتی است برای حیات طیبه و به مصداق آیه شریفه قرآن که می فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾ [۱۶۹ آل عمران] شهید همواره زنده است و مرگ او در واقع انتقال از حیات جاری در سطح طبیعت به حیات پشت پرده آن می باشد.

در قرآن مجید، حدود ده آیه به صورت صریح درباره کسانی که در راه خدا کشته شده باشند وجود دارد. از جمله مسائلی که در این آیات به آن اشاره شده است عبارت است از زنده بودن شهید، رزق شهید، آمرزش گناهان شهید، ضایع نشدن عمل شهید، مسرت و خوشحالی شهید، وارد شدن در رحمت الهی و رستگاری شهید. در این نوشتار کوتاه اشاره‌ای به آنها خواهیم داشت.

واژه شهید به معنای حضور و دیدن گرفته شده است، و صفت مشبه و دلالت بر ثبوت دارد. واژه شهید در قرآن کریم به عنوان گواه و شاهد (گواهان اعمال) آمده است.

قرآن کریم درباره شهید و شهیدان می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾. هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

منظور از حیات، همان حیات واقعی است و در نقطه مقابل در آیات دیگری خداوند متعال حیات کافران را پس از مرگ، هلاکت و نابودی شمرده است.

در قرآن آیات متعددی درباره شهید و فضیلت آن در راه خدا ذکر شده است که به اختصار قسمتی از آن را بیان می‌کنیم.

#### الف- بررسی آیات قرآن

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۴

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا

نَشْعُرُونَ» کسی را که در راه خدا کشته شد، مرده نپندارید، بلکه او زنده جاوید است، ولیکن شما این حقیقت را نخواهید یافت.»

در آیه بالا ۳ تذکر بسیار مهم درباره شهدا به انسان‌های دیگر شده است: ۱- در پندار و گفتار در مورد شهدا نباید لفظ (مرگ) را بکار برد. ۲- حیات شهدا بعد از شهادت برای همیشه جاودان است. ۳- ما توان درک زندگی شهدا را نخواهیم داشت. در حقیقت این سوره جایگاه شهید را نشان می‌دهد، تا جایی که بشر نمی‌تواند مقام رفیع شهید را درک کند.

### ۲- سوره آل عمران، آیه ۱۳۹ - ۱۴۰

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ «سست نشوید و اندوهگین نباشید و شما برترید، اگر هستید مومنان»

این آیه بعد از جنگ احد نازل شد، که مومنان در جنگ شکست خوردند. اینجا می‌خواهد تذکر بدهد که اگر دارای ایمان استوار باشید و برای همیشه برترید و شما شاهدان و رهبران بر هم نیز هستید.

### ۳- سوره حج، آیه ۵۸

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا الْيَتِيمَ الَّذِي رَزَقَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ «و آنان که در راه خدا از وطن هجرت گزیده و در این راه کشته شده یا مرگ شان فرا می‌رسد. البته خدا رزق و روزی نیکویی نصیب شان می‌گرداند، که همانا خداوند بهترین روزی دهندگان است.»

در این آیه پاداش کسانی که برای رضای خدا هجرت را برگزینند، رزق



و روزی خاص معرفی می‌کند، یعنی برندگان این صحنه پاداش را از خود خدا می‌گیرند. در حقیقت این آیه ایجاد انگیزه می‌کند و شارژ کننده برای کسانی که می‌خواهند در مقابل اهریمنیان ایستادگی کنند.

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾ «مرده نپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، بلکه زنده اند و نزد خدای خود روزی می‌برند.»

در این آیه تفاوت مردن معمولی با کسانی که در راه خدا شهید شدند، بوضوح دیده می‌شود و یک پاداش بزرگ برای این گروه در نظر گرفته شده است و آن روزی خوردن در نزد خداوند متعال می‌باشد.

این آیه از ویژگی‌های شهدا پرده برداشته که آنان زنده اند و تمام خصوصیات حیات را دارا می‌باشند. از آثار حیات، روزی خوردن و ارزاق است که شهدا به نحو احسن از آن برخوردارند.

در آیات فوق شهدا را انسان‌هایی برجسته و بیدار معرفی می‌کند و آنها را پیروز واقعی این دنیا و آن دنیا و روزی خور در نزد خداوند و سعادت‌مند و فاتح و دارای مقام بلند و شاهد بر دیگر امت‌ها معرفی می‌کند و پاداش شهدا را خداوند بر خود مفروض می‌داند.

### ب- احادیث

۱- امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: «سه طایفه شفاعت می‌کنند و شفاعتشان پذیرفته می‌شود: پیغمبران، علماء و شهدا.» [جامع الحدیث الشیعه، ج ۳، ص ۱۶].

۲- رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «کسی که از خانه خود به قصد نگهبانی مرزها و یا برای جنگ و جهاد در راه خدا بیرون آید، در هر قدمی که بر می‌دارد، هفتصد هزار حسنه داده می‌شود و هفتصد هزار گناه از وی بخشیده می‌شود، او در ضمان و بر عهده خدا خواهد بود به هر نحوی که بمیرد، چه با اجلس بمیرد و یا اینکه شهید شود و چنانچه برگردد، بخشوده شده و پاک گشته و دعایش در پیشگاه خدا مستجاب خواهد بود.

۳- رسول خدا ﷺ فرمود: مافوق هر نیکی، نیکی بیشتر و هنری وجود دارد، آنجا که مردی که در راه خدا کشته می‌شود، بالاتر از آن نیک نیست.

در این احادیث که در مورد شهادت و مقام شهید آمده است، همه درجه بلند و مقام عظیم شهید را نشان می‌دهد که بهترین نیکی است و شهید را به عنوان شاهد جامعه معرفی می‌کند که رضایت خداوند را شهید با کارش جلب می‌کند. بلندترین مقام در آخرت شفاعت است که این مقام از آن پیغمبران، بزرگان و امامان است که در این کار نیز شهدا با آنان برابری می‌کنند، یعنی می‌توانند شفاعت هفتاد نفر را بکنند.<sup>۱</sup>



## ماه رجب سرآغاز سال معنوی

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی در سال ۱۴۳۲ به مناسبت حلول ماه رجب، درس خارج خود را به اهمیت این ماه و غنیمت شمردن لحظات و زمان آن پرداختند، گزیده‌ای از آن بدین شرح است:

آنچه معروف است اینکه ماه محرم ابتدای سال قمری است و برخی از مورخین ربیع الأول را به دلیل اینکه ابتدای هجرت پیامبر ﷺ است را ابتدای سال می‌دانند و برخی دیگر ماه رمضان را همانطور که در ادعیه به آن اشاره شده؛ اما ابتدای سال معنوی نزد أصحاب سیر و سلوک معنوی و شیفتگان لقای یار و مشتاقان رضای او، از ماه رجب آغاز می‌شود آغازی که نقطه عطفی در زندگی را بوجود می‌آورد و سرآغازی برای شروع دوباره است و انسان را به خود وا می‌دارد که در گذشته چه کرده و برای آینده چه باید بکند.

و می‌توان روش نویسندگان کتب ادعیه و اعمال عبادی را شاهدی بر این مطلب گرفت مانند شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان و سید عباس کاشانی در مصابیح الجنان که اعمال روزها و ماه‌های سال را با اعمال ماه رجب آغاز کرده اند و تنها نماز ماه جمادی الآخر را در ابتدا نوشته اند به این اعتبار که آخر سال است و برای آغاز سال جدید آن را به جا بیاورند. عظمت ماه رجب را از دو جهت می‌توان مورد توجه قرار داد:

اول: عظمت ذاتی داشتن این ماه، ارزش بزرگی که به اعمال این ماه داده شده بنابر آنچه که در روایات آمده به هیچ عمل دیگری از ماه‌های دیگر سال داده نشده تا آنجا که آن را (رجب الاصب) یعنی رحمت در آن

فرو می‌ریزد خوانده اند.

دوم: آماده سازی برای ضیافت ماه مبارک رمضان، که از ماه رجب آغاز می‌شود؛ زیرا اولیاء خداوند از این ضیافت و مهمانی سرمست می‌شوند پس هر کس می‌خواهد به آن راه یابد و از آن بهره ببرد باید از ماه رجب زمینه های آن را فراهم کند و در ماه شعبان در او متجلی شود تا تایید الهی را در ورود به ضیافت ماه رمضان را کسب کند تا مورد لطف و عنایت ویژه میزبان قرار بگیرد؛ هرچند رحمت خداوند متعال وسیعتر از آن است.

و این توجیه دیگری غیر آنچه در برخی مناسبت‌های گذشته ذکر کردیم برای معنای مذکور که ماه رجب ماه امیر المومنین علیه السلام و ماه شعبان ماه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ماه مبارک رمضان ماه خداوند متعال است تا معنای آن این باشد که سعی و تلاش برای رسیدن به رضا و الطاف و عنایات ویژه خداوند متعال است که از ماه رجب بوسیله امیر المومنین علیه السلام شروع می‌شود چونکه او دروازه رسول اکرم صلی الله علیه و آله که خود باب رحمت الهی و وسیله نیل به رضوان الهی است و دلیل آن، آنچه در تفسیر آیه ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ آمده، که آن شب نیمه شعبان است سپس قضای الهی به رستگاری و سعادت و حسن عاقبت در ماه رمضان پس از فراهم آمدن مقدمات آن جاری می‌شود.

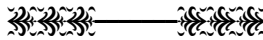
این است شرافت و فضیلت ماه رجب، که خداوند متعال بر مانت نهاد که آن را درک کنیم، و بدون شک بسیاری از مومنان متوجه اعمال مستحب آن هستند مثل روزه در برخی ایام ویژه و هر چقدر بیشتر باشد بهتر است و مانن نماز و ذکر و دعا و تسبیح و زیارت معصومین علیهم السلام مانند زیارت امام حسین علیه السلام در اول و در نیمه ماه و زیارت مبعث پیامبر

اکرم عليه السلام همچنین زیارت امام رضا عليه السلام مستحب است و عمره و برپایی مجالس یاد معصومان عليهم السلام.

اما آنچه کم مورد دقت و توجه واقع می‌شود اعمال جوانحی است نه اعمال بدنی، آنچه با آن تهذیب نفس و تطهیر قلب صورت می‌گیرد با اینکه این مقیاس حقیقی برای کمال و قرب الهی است، می‌دانید که پیامبر اکرم عليه السلام وقتی به آخر خطبه معروف به خطبه شعبانیه در اول ماه مبارک رمضان رسید حضرت امیر عليه السلام از ایشان پرسیدند برترین اعمال در این ماه بزرگ چیست؟ پیامبر عليه السلام در پاسخ فرمود: ورع و اجتناب از گناهان و محارم الهی؛ ورع از ملکات جوانحی و قلبی است و یک عمل و رفتار جوارحی یا خارجی نیست هرچند آثار آن در رفتار و عمل برونی فرد ظاهر می‌شود و موجب پرهیز و اجتناب از گناه می‌شود.

در پایان ایشان فرمودند: کسی که در دعای ماه رجب تأمل و تفکر کند (یا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَ أَمِنْ سَخَطِهِ عِنْدَ [مَنْ] كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً) (ای آنکه هر خیری را از او امید دارم و از خشمش در هر شری ایمنی جویم، ای آنکه در برابر عبادت اندک مزد بسیار عطا می‌کند، ای آنکه به هر که از او بخواهد می‌بخشد، ای آنکه به هر که از او نخواهد و او را نشناسد نیز می‌بخشد، عطایش از روی مهربانی و رحمت است) می‌بیند که ما امر شدیم که متخلق به اخلاق خدا شویم و آنچه در این دعا آمده برگرفته از اخلاق پروردگار است و همان است که عقل مؤمن بدان کامل می‌شود گویا این الهامی است که ماه رجب بدان سبب که شروع جدیدی برای عمل است تا اینکه به گذشته خود

برگردیم و هرآنچه بد بود را جبران کنیم و کمبودها را تکمیل کنیم، برای اینکه ماه رجب فرصت تأمل و تفکر در ویژگیهای دهگانه‌ای است که در روایت خصال به آن پرداختیم (برای دیدن روایت به اصل سخنرانی مراجعه شود) تا آنها را به فضل الهی در خود ایجاد کنیم.<sup>۱</sup>



## درس‌هایی از پیشوایان

### درسی از زندگانی امام علی علیه السلام

امیرالمومنین علی علیه السلام قول را با عمل همراه کرد و از علاقه مندترین افراد به کار بود او از کار خسته و دلزده نمی شد حتی در ایام خلافتش شیوه‌اش را تغییر نداد و همچنان کار می‌کرد زمین شخم می‌زد و چاه حفر می‌کرد و به زراعت می‌پرداخت مردی ایشان را با بار شتری از هسته خرما دید از او پرسید: چه حمل می‌کنی؟ امام فرمود: صد هزار نهال خرماست. امام علی علیه السلام با کوله باری از هسته خرما می‌رفت به او گفتند: ای ابوالحسن! چه با خود داری؟ امام فرمودند: اگر خدا بخواهد نخلهای خرماست و حضرت همه آن هسته‌های خرما را می‌کارد و دانه‌ای را باقی نمی‌گذارند و به خاطر تلاش و پشتکارش بی‌نیازترین شخص زمان خود بود و گفته‌اند: وی هزار بنده را با دسترنجش آزاد کرد. با وجود کارهای فراوان و تلاش توانفرسایی که در مزرعه جامعه و دولت

داشت هیچگاه وظیفه تربیتی خود در داخل خانواده فراموش نمی کرد او به خانواده اش در کارهای خانه کمک می کرد گفته اند: که امیرالمومنین علیه السلام هیزم جمع می کرد و آب می آورد و جارو می زد. امیرالمومنین علیه السلام در کنار کارهای زیاد خود در اداره امور کشور وظیفه تامین معاش خانواده اش را فراموش نمی کرد در حالی که می توانست نیازهای خود را از بیت مال تامین کند.

امام همیشه راه سخت و دشوار را انتخاب می کرد تا به نسلهای آینده درسی را بیاموزد که در طول زندگی شان آن را به خاطر داشته باشند امام علیه السلام کار را دوست می داشت و می فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينُ؛ خداوند کارگر امین را دوست می دارد. آری امام علیه السلام پایان راه را آغاز مراحل دیگر قرار می دهد. و این نهایت اشتیاق و علاقه ای است که انسان می تواند نسبت به کار در خود داشته باشد. و چرا نه؟ وقتی کار در بسیاری از اوقات در ردیف حسب و نسب بلکه مرتبه ای بالاتر از آن قرار می گیرد.

و می فرماید: مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ، لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ (حَسْبُهُ)؛ آنکس که عملش او را به جایی نرساند حسب و نسبش او را به جایی نخواهد رساند) [نهج البلاغه - وحی و نبوت].

#### درسی از زندگانی امام باقر علیه السلام

آن حضرت، همواره جوای احوال شیعه بود و خبر آنها را می گرفت و آنان را مدح می نمود و به آنها مهربانی می ورزید و خواسته های آنان را اجابت می فرمود. خاطرات آنها را خوش می داشت و دردهایشان را کم

می‌نمود و امید را در دل‌هایشان می‌رویاند.

گروهی به نمایندگی از شیعیان حضرت از خراسان آمدند که در میان آنان مردی بود به نام «زیاد اسود» که پاهای او از شدت راه رفتن ترک برداشته بود؛ پس حضرت به او فرمود: «زیاد» چه شده است؟ عرضه داشت بخاطر ناتوانی شتر از حمل وی-زیاد-، تمام راه را پیاده آمده است پس امام علیه السلام دلشان به حال او نرمی و رقت یافت و گریه کردند و فرمودند: مژده باد بر تو؛ به خدا سوگند که همراه ما محشور می‌شوی. «زیاد» گفت یابن رسول الله با شما؟ حضرت فرمودند بله؛ هیچ بنده‌ای ما را دوست نمی‌دارد جز آنکه خداوند او را با ما محشور می‌سازد و آیا دین جز محبت است؟ به درستی که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ [آل عمران/۳۱] بگو اگر خداوند را دوست دارید از من پیغمبر-پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهان‌تان را بیامرزد. (برگرفته از سخنرانی آیت الله العظمی یعقوبی رحمته الله علیه)

### درسهایی از زندگانی امام هادی علیه السلام

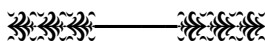
یکی از کارهای مهم امام هادی علیه السلام همچون امامان معصوم علیهم السلام دیگر حفظ خط فکری و فرهنگی تشیع و جلوگیری از القاءات مخالفان بود. و این کار نیاز به تشکیل حوزه‌ی علمیّه و تدریس فقه و عقائد و اصول و تربیت شاگردان برجسته و فعال داشت.

در عصر امام باقر و امام صادق علیهم السلام به طور عمیق و گسترده به تقویت حوزه‌های تحصیل و دانش پرداخته شد. سپس امامان دیگر حتی در



شرائط بسیار سخت به نحوی آن را دنبال کردند. امام هادی علیه السلام نیز در این راستا، قدم‌های بزرگی برداشت و شاگردان برجسته‌ای چون، عبدالعظیم حسنی، خیران الخادم، ابن سگیت اهوازی، ابوهاشم جعفری، حسین بن محمد مدائنی، جعفر بن سهیل، اسماعیل بن مهران و... تربیت کرد. شاگردان برجسته‌ی پدر و جدش را دور خود جمع کرد و حوزه‌ی علمیه‌ی فعال و پر تلاشی در مدینه به وجود آورد. بعضی تعداد شاگردان امام هادی علیه السلام را ۱۷۸ نفر و شیخ طوسی رحمه الله ۱۸۵ نفر ذکر کرده است.

امام علی التقی علیه السلام در تحکیم و استواری فقه و عقاید و فرهنگ تشیع، همتی عالی و تلاشی وسیع نمود. به سؤالات امثال یحیی بن اکثم (عالم بزرگ اهل تسنن) پاسخ داد و در این راستا کتاب‌ها و رساله‌هایی نوشت شد. و مجموعه‌ای از نامه‌ها که در کتاب «مکاتبات الرجال عن العسکریین علیهم السلام» جمع آوری گردیده است. (اعیان الشیعه، سید محسن امین - سیره پیشوایان)<sup>۱</sup>



**بانوی شهیده بنت الهدی. اصالت در باورها و موضع‌گیری شجاعانه**  
حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت‌الله در مراسم یادبودی که توسط (بنیاد قلم فاطمی بانوان) با موضوع شاعران زن در موضوع اهل

بیت عَلَيْهِ برگزار شد، به سخنرانی پرداختند. این مراسم در حسینیه‌ی امام رضا عَلَيْهِ که توسط آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی مَدَنِي به مناسبت چهل و چهارمین سالگرد قیام رجب سال ۱۳۹۹ هجری قمری / ۱۹۷۹م ساخته شده بود برگزار شد. شایان ذکر است که جرقه‌ی قیام رجب ۱۳۹۹ هـ ق را بانوی فرهیخته و شهیده (بنت الهدی) سیده آمنه صدر در برابر رژیم جنایتکار و سرکوبگر برانگیخته بود.

حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رَحْمَةُ در ابتدای سخنرانی خود توفیقات (بنیاد قلم فاطمی) برای انجام این اقدامات ارزنده و بزرگداشت آگاهانه مناسبت‌های مختلف را بسیار قابل تقدیر دانست زیرا این بزرگداشت‌ها ظرفیت یادآوری حقایق را داشته و می‌تواند توجه مردم را به موضع گیری‌ها و رشادت‌های اولیای الهی و رهبران امت در ادوار گذشته جلب نماید تا از این طریق نسل‌های امروزی برای پیگیری و تداوم فعالیت‌های اسلامی همانند نسل‌های پیشین جدیت داشته باشند. ایشان با تاکید بر کار تشکیلاتی در عرصه‌های مختلف اسلامی ضرورت آن را در بخش‌هایی که انتظار بازدهی بیشتر همراه با تداوم در سطح کمیت و کیفیت می‌رود دو چندان دانست. زیرا در این صورت کار انجام شده در بالاترین سطح خود و تحت عنوان پروژه اسلامی قرار خواهد گرفت و به اشخاص محدود نخواهد بود و این همان چیزی است که شهید صدر اول مَدَنِي خواستار آن بود و از آن به (مرجعیت پسندیده) یاد می‌کرد.

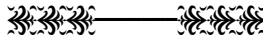
حضرت آیت الله العظمی یعقوبی رَحْمَةُ تأکید کردند که سیده‌ی شهیده بنت الهدی با رفتار اجتماعی و سخنرانی‌ها و رهنمودهای تربیتی خود

سعی کرد تا برخی از اهداف و ویژگی‌های هویت اسلامی را تثبیت نماید. آن شهیده شعر و ادبیات را ابزار و وسیله ای قرار داد و همراه آن باورهای اصیل را در بیانی روشن و روشی آسان و بی تکلف بکار گرفت. سخنان ایشان سراسر افتخار به اسلام و سرشار از واژه‌های عزتمندی و مباحثات به وابستگی به این دین با عظمت بود و اینکه آینده از آن اسلام و مسلمانان خواهد بود نه جنبش‌ها و ایدئولوژی‌های دیگر. و این اشعار به مرور زمان به سرودهایی تبدیل شده است که مبلغین راستین آن را می‌سرایند.

معظم له در سخنرانی خود بر توسعه و تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اسلامی در عرصه بانوان و در گستره‌ی وسیع تری تاکید کردند چرا که این فعالیت یکی از مؤثرترین راه‌های هدایت و عدالت برای جامعه بشمار می‌رود. دشمنان انسانیت همه تلاشها و امکانات خود را به کار گرفته اند تا جوامع بشری را به تباهی کشیده، آنها را گمراه کنند و زیر سلطه‌ی خود قرار دهند. آنها برای رسیدن به اهداف آلوده خود، از زن به عنوان ابزار سوء استفاده می‌کنند. از این رو به تحریف مهم‌ترین و واضح‌ترین ویژگی‌های شخصیت زن با اصالت که همان (حیاء و عفت) است پرداختند. آنها این دو مفهوم را تحت شعارهای دروغین و فریبنده از بین بردند... در حالی که ما در دعای زمان غیبت می‌خوانیم (و به زنان حیا و عفت عنایت بفرما) ایشان بر این دو خصلت تاکید کرده اند زیرا شالوده شخصیت زن را در بر می‌گیرد.

از این رو ما باید با ترویج هدایت و تقوا با همان روش‌هایی که برای نفوذ در نظام اجتماعی و فریب مردم به کار می‌بردند، با آنها مقابله کنیم.

همچنین ایشان برای روشن تر شدن موضوع به مضمون این آیه شریفه استناد نمودند ﴿و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!﴾. [التحریم: ۱۱] به گونه‌ای که به عنوان مثال و الگویی برای مومنان در بالا بودن درجه ایمان و نیکوکاری آنها شناخته میشود و از سوی دیگر، همسر نوح علیه السلام و همسر لوط علیه السلام نمونه و الگوی گمراهی و کفر بودند.<sup>۱</sup>



### فضیلت و مناسبت های ماه مبارک شعبان

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «شَعْبَانُ شَهْرِي وَ شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِي كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ صَامَ يَوْمَيْنِ مِنْ شَهْرِي غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَهْرِي قِيلَ لَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ؛ شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه خداست. پس کسی که یک روز از ماه من را روزه بگیرد من در روز قیامت شفیع او خواهم بود و کسی که دو روز از ماه من روزه بگیرد، گناه گذشته و آینده او بخشیده می‌شود و کسی که سه روز از ماه من روزه بگیرد به او گفته می‌شود عملت را از اول شروع کن (همه گذشته بد او محو می‌شود)».

بخششی به تعداد ستارگان آسمان: امام رضا علیه السلام می فرمایند: «مَنْ اسْتَعْفَرَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ عَدَدِ النُّجُومِ؛ امام رضا علیه السلام فرمود: هر کسی هر روز از ماه شعبان هفتاد بار از خداوند طلب بخشش و استغفار کند خداوند گناهان او را می آمرزد و لو به تعداد ستارگان آسمان باشد».

بهترین ذکر: امام باقر علیه السلام: «أَثْقَلُ مَا يُوَضَّعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ؛ سنگین ترین چیزی که در قیامت در میزان عمل گذارده می شود، درود بر محمد و آل محمد است».

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَ نُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَ نُورٌ فِي الْجَنَّةِ؛ درود بر من زیاد بفرستید همانا درود بر من نور است در قبر (و قبر را نورانی می کند) و بر صراط نور است (مسیر را نورانی می کند) و در بهشت نور است (جایگاه ابدی را نیز نورانی می کند)».

### سوم شعبان، ولادت امام حسین علیه السلام

با امام حسین علیه السلام بودن: امام صادق علیه السلام می فرمایند: «اقْرَأُوا سُورَةَ الْفَجْرِ فِي فَرَائِضِكُمْ وَ نَوَافِلِكُمْ فَإِنَّهَا سُورَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام وَ مَنْ أَدَمَّنَ قِرَاءَةً وَ الْفَجْرَ كَانَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فِي دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ؛ سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید همانا این سوره حسین بن علی علیه السلام است هر کس مداومت کند بر قرائت این سوره، با امام حسین علیه السلام خواهد بود و در جوار جایگاه بهشتی او قرار خواهد گرفت».

عاجزترین مردم: امام حسین علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ

عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ وَإِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ؛ عاجزترین مردم کسی است که از دعا کردن ناتوان باشد و بخیل‌ترین مردم کسی است که از سلام کردن بخل بورزد».

نام گذاری فرزند: امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «لَوْ وُلِدَ لِي مِائَةٌ لَأَحْبَبْتُ أَنْ لَا أُسَمِّيَ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا عَلِيًّا؛ اگر ۱۰۰ فرزند برای من متولد شود دوست دارم نام هر یک از آنان را جز علی نگذارم».

#### چهارم ماه شعبان، ولادت حضرت ابوالفضل علیه السلام

منزلی بالاتر از همه شهداء: امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ لِعَمِي الْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلَّ مَنْزِلَةً يَغْبِطُهَا بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ همانا برای عمویم عباس جایگاهی است که همه شهداء به مقام او در روز قیامت غبطه می‌خورند».

ایثار و فداکاری: امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آثَرَ وَ أَبْلَى وَ فَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ؛ خدای رحمت کند عمویم عباس را که حقیقتاً ایثار و جانبازی نمود و جانش را فدای برادرش کرد تا آنجا که دستهایش قطع شد».

#### پنجم شعبان، ولادت امام سجاد علیه السلام

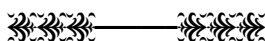
مسابقه برای کسب درجات: امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا أَمَا الْجَنَّةُ فَلَنْ تَتَوَكَّمُ سَرِيعًا كَانَ أَوْ بَطِيئًا، وَ لَكِنْ تَتَأَفَّسُوا فِي الدَّرَجَاتِ، وَ اعْلَمُوا أَنَّ أَرْفَعَكُمْ دَرَجَاتٍ، وَ أَحْسَنَكُمْ قُصُورًا وَ دُورًا وَ أَيْبَنَةً أَحْسَنُكُمْ فِيهَا؛ ایجاباً لایخوانه المؤمنین، وَ أَكْثَرُهُمْ مُوَأَسَاةً لِقُرَائِهِمْ. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيَقْرُبُ الْوَاحِدَ مِنْكُمْ بِكَلِمَةٍ يَكَلِّمُ بِهَا أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ بِأَكْثَرِ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ

فی سنّة بَقَدَمَه؛ ای شیعیان ما، بهشت هرگز از شما فوت نمی شود، زود باشد یا دیر، (نهایتاً داخل بهشت می شوید) لکن از یکدیگر سبقت بگیرید در کسب درجات و بدانید بالاترین شما از نظر درجه و بهترین شما از نظر جایگاه ابدی (کاخ ها، خانه ها و ساختمانها) بهترین شما در پاسخگویی به برادران مؤمن خود می باشد و بیشترین ایثار را نسبت به فقراء مؤمن داشته باشد. همانا خداوند عزّ و جلّ یکی از شما را به خاطر سخن زیبایی که با برادر مؤمن فقیر خود داشته، به بیشتر از مسیر هزار سال راه رفتن، به خود نزدیک می کند».

### نیمه شعبان، میلاد امام زمان علیه السلام

نیمه شعبان سالروز تولد حضرت مهدی علیه السلام، امام دوازدهم شیعیان است که در دوران غیبت به سر می برد. در برخی روایات، شب نیمه شعبان پس از شب قدر برترین شبها دانسته شده است. گروهی از شیعیان در این شب به شب زنده داری و اعمال مذهبی مشغول می شوند. برخی از اهل سنت و طریقت های تصوف نیز به فضیلت این شب معتقدند. جشن نیمه شعبان از جشن های بزرگ شیعیان است که به مناسبت میلاد امام مهدی علیه السلام برگزار می شود. در ایران، مسجد جمکران و در عراق، کربلا محل تجمع شیعیان در نیمه شعبان است. بر اساس گزارش های تاریخی و طبق دیدگاه مشهور شیعه پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ ق روز تولد امام زمان علیه السلام، دوازدهمین امام شیعیان است که در غیبت به سر می برد. دسته ای از روایات، حاکی از اهمیت نیمه شعبان به همین سبب است.

شیعیان به مناسبت سالروز میلاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اقدام به برگزاری جشن، چراغانی‌های گسترده، مولودی‌خوانی، قربانی کردن و غذا دادن به فقرا می‌کنند. برگزاری این جشن‌ها در ایران پررنگ‌تر است. مسجد جمکران از میزبانان اصلی برگزاری جشن‌های مهدویت در ایران است. این روز در ایران تعطیل و روز جهانی مستضعفان نامیده شده است. در عراق نیز شیعیان ضمن برگزاری جشن نیمه شعبان، به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روند. پیاده‌روی به سمت کربلا در ایام نیمه شعبان مرسوم است. جشن‌های نیمه شعبان توسط شیعیان بحرین، یمن، مصر، لبنان، سوریه و هند نیز برگزار می‌شود.<sup>۱</sup>



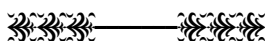
### طرح امام حسن علیه السلام و اکرام و شادی یتیم در ماه مبارک رمضان

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه معروف خود در استقبال از ماه مبارک رمضان می‌فرماید: (با یتیمان مردم مهربانی کنید تا بعد از شما با یتیمان شما مهربانی کنند) و همچنین می‌فرماید: (من و کسی که یتیمی را سرپرستی کند اگر تقوای الهی را رعایت کند، همانند این دو هستیم و حضرت اشاره به دو انگشت اشاره و وسط خود کردند).

به مناسبت میلاد کریم اهل بیت علیهم السلام حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در نیمه ماه مبارک رمضان و در سایه ضیافت کریمانه الهی در این ماه



پر برکت، حضرت آیت العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله طرح و برنامه (امام حسن علیه السلام و اکرام و شادی یتیم) را راه اندازی کرد که در ضمن آن از همه مؤسسات خیریه و انسانی و همه افراد خیر در قشرهای مختلف دعوت کرد تا در طول ماه مبارک رمضان با تأمین نیازهای مادی یتیمان و دیگر نیازهای زندگی شرافتمندانه و با بهره گیری از همه راهها و وسایل، تلاش شود لبخند را بر صورت یتیمان بنشانند و از سختی‌های آنان کم کنند.<sup>۱</sup>

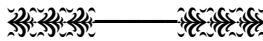


### شب قدر در کلام مرجعیت

انسان مؤمن باید در شب قدر بر حاجت خود پافشاری کند تا شاید برآورده شود. و اگر در انجام یک عمل دچار خستگی و بی حالی شد باید عمل دیگر را انجام دهد، چرا که اعمال ذکر شده برای این شب بسیار متنوع هستند، و یکی از اهداف تنوع آنها جلوگیری از خستگی، کسالت، یکنواختی و ایجاد سرزندگی است، و اینکه فرصتی را فراهم کنند تا هر شخص با جوارح و جوانح خود به هر صورتی که دوست دارد به عبادت خداوند متعال بپردازد. لازم است قبل از فرارسیدن شب قدر آمادگی لازم را برای ورود به این شب با دوری از گناهان و انجام عبادت‌های مختلف بدست آوریم، یکی از راههای بدست آمدن این آمادگی انجام اعمال

مخصوص شب قدر در شب نوزدهم است البته امکان ندارد که شب نوزدهم، شب قدر باشد؛ زیرا شب قدر در دهه آخر ماه رمضان قرار دارد، و علت اینکه شب نوزدهم جزء شبهای قدر قرار داده شده این است که انسان مؤمن آمادگی و توفیق بهرمندی از شب قدر را پیدا کند، لذا اگر کسی در شب نوزدهم کوتاهی کند شاید از برخی فضایل شب قدر محروم بماند، مگر اینکه خداوند متعال با فضل و کرم خویش آن را جبران کند.<sup>۱</sup>

\*قسمتی از سخنرانی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه.

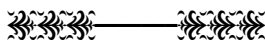


### از حسرت روز قیامت برحذر باشیم

آیه ۱۶۷ سوره مبارکه بقره می فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَّبِعُ اللَّهُ مِمَّا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾ و آنان که ابه جای خدا از پیشوایان شرک و کفر پیروی کردند، گویند: کاش برای ما بازگشتی بود تا ما هم از آنان بیزاری می جستیم، همانگونه که آنان از ما بیزاری جستند. خدا این گونه اعمالشان را که برای آنان مایه اندوه و دریغ است، به آنان نشان می دهد و اینان هرگز از آتش بیرون آمدنی نیستند. این آیه به تصویری از صحنه قیامت اشاره می کند که در آن سران و بزرگان و رؤسا، از پیروان

و طرفداران و اتباع خود بیزاری و براءت می‌جویند و از آن کارهایی که در حق آنها کردند مثل گمراهی و فساد و احراف شانه خالی می‌کنند و آنها را نمی‌پذیرند با اینکه خودشان عامل آن همه گمراهی و انحراف و فساد در اموال و جان و حیثیت آنان بودند. در حالیکه مردم همه آنها را به خاطر رهبران و بزرگان خود فدا کرده بودند. فرودستان و پیروان در روز قیامت بعد از کشف حقیقت، آرزو می‌کنند که به دنیا برگردند تا بیزاری و براءت خود از آنان را اعلام و ابراز کنند (تا ما هم از آنان بیزاری می‌جستیم، همان گونه که آنان از ما بیزاری جستند). حسرت در فهم عرفی، پشیمانی و تاسف شدید همراه با غم بر گذشته است و یا انجام ندادن کارهای نیک یا کوتاهی در انجام آنهاست یا از بین رفتن فرصتهایی است که باید آنها را غنیمت می‌شمردند. این آیه دلالت می‌کند بر اینکه آنها قدرت بر تغییر شرایط را داشتند و می‌توانستند سرنوشت بهتری را برای خود رقم بزنند لذا حسرت گذشته را می‌خورند، چراکه اگر امکان تغییر وجود نداشت حسرت آنان بی‌مورد بود زیرا تغییر شرایط برای آنها ممکن نبود تا جای حسرت باشد؛ اعمالی که ممکنه موجب حسرت شوند بسیارند و قابل شمارش نیستند، هر کوتاهی در حق خداوند متعال مثل انجام ندادن واجب یا ارتکاب معصیت می‌تواند منشأ حسرت باشد، خداوند در آیه ۵۶ سوره زمر می‌فرماید: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ﴾ تا مبدا آنکه کسی بگوید: دریغ و افسوس بر اهمال کاری و تقصیری که درباره خدا کردم، و بی

تردید [نسبت به احکام الهی و آیات ربّانی] از مسخره کنندگان بودم.<sup>۱</sup>  
 ❁ قسمتی از سخنرانی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد  
 یعقوبی دام ظلّه.



### چه درسی از علی علیه السلام آموختیم؟

از اموری که ضروری به نظر می‌رسد ذکر مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام می‌باشد و این مجالس موجب تقویت ایمان مومنین و اتمام حجت بر منکرین خواهد بود و در مقابل تلاش و جبهه دشمنان اهل بیت علیهم السلام که برای از بین بردن آثار آنها از هر تلاشی دریغ نمی‌کنند با این وجود آنچه از فضایل و کرامات که از آنها به گوشها رسیده موجبات شگفتی و حیرت شده است لذا گفته اند: (إن علیاً علیه السلام أخفی أولیاءه مناقبه خوفاً وأعداؤه حسداً ومع ذلك ظهر منها ما ملأ الخافقین) دوستان علی علیه السلام از روی ترس و دشمنان از روی حسد فضایل و مناقب او را کتمان کردند اما با این وجود شرق و غرب از فضایل او پر است. اگر تاریخ نویسان امانت و انصاف را در نوشته‌های خود رعایت می‌کردند و با این وجود نسل به نسل به دست افراد می‌رسید عجایب و غرایب را از علی ابن ابی طالب علیه السلام می‌دید.

دشمنان امیر المومنین علیه السلام برای گمنام کردن و از بین بردن نام او از

هیچ وسیله و ابزاری دریغ نکردند و از بدترین وسایل در این راه استفاده کردند، معاویه با ۴۰۰ هزار درهم، سمره ابن جندب را تطمیع می‌کند تا از روی کذب از رسول خدا ﷺ نقل کند که آیه: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ..﴾ و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایهٔ اعجاب تو می‌شود؛ (در ظاهر، اظهار محبت شدید می‌کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می‌گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت‌ترین دشمنانند. هنگامی که روی برمی‌گردانند، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعتها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد. [بقره: ۲۰۴-۲۰۵] درباره علی ابن ابیطالب و آیه: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ بعضی از مردم جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. [بقره: ۲۰۷] در شأن و منزلت ابن ملجم قاتل علی نازل شده است.

و اینگونه تاریخ را بازیچه خود قرار دادند و آنچه موافق و مطابق هوا و هوسشان بود را در آن جعل کردند تا جایی که در روایتی که سرتاسر کذب است گفتند حکیم ابن حزام در کعبه متولد شد؛ یا اینکه مسجد کوفه دری به نام ثعبان (مار بزرگ - اژدها) دارد که در هنگام خطابه علی علیه السلام در جمع مسلمانان در گوش او زمزمه می‌کنند؛ بعد از صلح امام حسن علیه السلام وقتی معاویه وارد شهر کوفه شد آن نام جعلی باب الثعبان را فراموش کرد و به جای آن فیل گذاشت و بعد از آن به باب الفیل مشهور

شد و نام اول او فراموش شد.

زنده نگهداشتن نام و یاد و فضایل و کرامات اهل بیت علیهم السلام برای مقابله با این توطئه‌ها که در طول تاریخ از سوی دشمنان صورت گرفت ضروری است برای این که یاد و ذکر اهل بیت علیهم السلام صرفاً یک مسئله تاریخی نیست که باید در موزه‌ها از باب اینکه یک مسئله تاریخی است حفظ شود بلکه این مسئله دارای آثاری مهم که در زندگی ما منشأ اثر و بر آن آثار مهمی مترتب می‌شود و چشمه زلالی است که الهام بخش رهبران و مصلحان و علما و متفکران و پیروان حق و حقیقت است، چراغی فروزان که راه و طریق سعادت و اخلاق و اعتقاد صحیح را برای بشریت روشن ساخت، لذا می‌بینیم از هیچ چیز فروگذار نبودند و هر آنچه بشر برای سیر در راه کمال نیاز دارد را بیان کردند همانند اموری چون خورد و خوراک و لباس و آداب نظافت و پاکیزگی، که در قانون گذاریهای جهان هیچوقت به آنها توجه نمی‌شود، اما آنها علیهم السلام برای هدایت و رستگاری بشر از بیان این امور نیز فروگذار نبودند.

آنچه که در صدد بیان آن هستم این است که زنده نگهداشتن یاد اهل بیت علیهم السلام نباید به صورت احیای یک مناسبت تاریخی صرف باشد، بلکه باید همراه با بصیرت و آگاهی باشد و از گذشته برای امروز و آینده درس گرفت تا منشأ اثر باشد و جامعه را به تکاپو بیندازد.

امروز می‌خواهیم از خودمان بپرسیم (چه چیزی از امیر المومنین علیه السلام آموختیم) یا بگویم کدام یک از ویژگی‌ها را در خودمان پیاده کردیم، چون خداوند متعال ما را بر الگوگیری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سیره او را در خود پیاده کردن سفارش کرده و فرمود: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ

أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ  
كُنْثِرًا ﴿الأحزاب: ۲۱﴾ و می دانیم علی علیه السلام برادر پیامبر صلی الله علیه و آله است پس  
آیه ما را به تأسی به علی علیه السلام نیز سفارش می کند و آیه نمی گوید فقط  
به شخص رسول الله صلی الله علیه و آله تأسی کنید و می دانیم تأسی یک حالت مطلوب  
و مثبتی است که دائماً باید پیروان از رهبران شایسته خود که ورثه انبیاء  
و پاسداران اسلام هستند داشته باشند.

آیا شجاعت و پیشتازی در تمام عرصه ها را از علی علیه السلام آموختیم  
شجاعت او در میدان جنگ را همه می دانیم و شجاعت او در گفتن حق  
را هم باید بدانیم ...

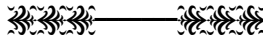
آیا از علی امانت داری و پاک دستی در بیت المال را یاد گرفتیم ...  
آیا احساس مسئولیت نسبت به تمام زیر دستان و تمام مردم شرق را  
از علی علیه السلام آموختیم ...

آیا رحمت و شفقت را از علی علیه السلام آموختیم مانند آن زمانی که از  
خانه ای در کوفه می گذشت و صدای ناله کودکانی به گوش او رسید ...  
آیا از علی علیه السلام استواری و استقامت را آموخته ایم، در آن زمان سخت  
و پر آشوبی که خلافت ظاهری را به دست گرفت و مدینه پر از  
شورشگران و آشوبگران و سوء استفاده کنندگان و منافقان و دشمنان  
اسلام و مسلمین بود دست اندرکاران سابق را برکنار کرد و طبق ضوابط  
و مقررات اسلامی افراد دیگری را منصوب کرد....

آیا انصاف و عدالت را از علی علیه السلام آموختیم در آن زمانی که با یک  
یهودی در مورد یک سپر به دادگاهی که منصوب شده علی علیه السلام بود  
مراجعه کردند....

آیا از علی علیه السلام آموختیم که چگونه مصلحت شخصی را بر مصلحت عموم مقدم نداریم...<sup>۱</sup>

\*بخشی از سخنرانی آیت الله العظمی یعقوبی در جمع اتحادیه پزشکان و کارشناسان بهداشت و سلامت استان عماره در تاریخ ۱۲ رجب ۱۴۲۶ مطابق با ۲۰۰۵/۸/۱۸ به زیارت ایشان آمده بودند ایراد گردید.



### ضروت به میدان آمدن نیروهای ارزشی

سه شنبه ۲۰۲۲/۵/۳ م برابر با ۱/ شوال / ۱۴۴۳ ق، آیت الله العظمی یعقوبی رحمته الله علیه ضمن ایراد خطبه‌های نماز عید فطر فرمودند: نخبگان و چهره‌های ارزشی و مکتبی توانمند... برای بهبود شرایط مردم، رفع مشکلات و متقاعد ساختن آنها به گفتمان اسلامی، باید مسئولیت‌های خطیر را بر عهده بگیرند.

ایشان تمامی نخبگان و نیروهای باکفایت را به متقاعد ساختن مردم نسبت به پذیرش گفتمان اسلام فرا خواندند و اینکه صرفاً به سخنرانی، شعار و ادعا اکتفا نشود بلکه باید برای بهبود شرایط جامعه تلاش کرد، راهکارهای عملی ارائه شود و ابتکار عمل در دست آنها باشد. در اینصورت جامعه برکات گفتمان اسلام و نتایج آن را لمس خواهد کرد، به ویژه در صورتی که خداوند متعال اوضاع را به نفع آنها رقم بزند و دارای نفوذ و



تسلط بر امور گردند.

خطبه‌های نماز عید فطر بر تبیین محتوای این آیات از سوره‌ی نوح متمرکز بود که می‌فرماید: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا \* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا \* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا؛ پس گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است / آسمان را بر شما ریزش کنان می‌فرستد/ و شما را با اموال و فرزندان یاری می‌کند و برای شما باغ‌ها قرار می‌دهد و برای شما نهرها جاری می‌سازد﴾ [نوح: ۱۰- ۱۲].

ایشان خاطرنشان کردند: آیه شریفه بیانگر پیامی است که حضرت نوح علیه السلام با تبیین یکی از سنت‌های جاری خدا در زندگی بشر مردم را آگاه می‌ساختند. آن سنت الهی پیوند مؤثر و ارتباط تنگاتنگ میان درستکاری و خیرخواه بودن انسانها و بهبود اوضاع معیشتی آنهاست. زیرا انسانها هرگاه توبه کنند و به سوی پروردگار خود بازگردند، از گناهان خود دست بکشند، نفس خود را اصلاح نمایند و فساد درونی خود را تغییر دهند، خداوند تبارک و تعالی نیز آنان را به نیکی‌ها و حیات طیبه و پاکیزه رهنمون شود و گرفتاری، پریشانی و ناراحتی را از آنان دور سازد. و خداوند متعال فرمود: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِمَّنْ ذَكَرَ أَوْ أُتِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ هر زن و مردی که نیکوکار باشند، در حالی ایمان آورند زندگی خوش و پاکیزه‌ای به آنها خواهیم داد [نحل آیه ۹۷]. و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ و اگر بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب

خواهیم کرد ﴿الجن: ۱۶﴾.

آیت الله العظمی یعقوبی سخنان خود را با ذکر نمونه‌های دیگری از نعمتهای الهی که در سوره‌ی نوح به آنها پرداخته شده ادامه دادند از جمله افزایش عمر انسان، همچنین نزول بارانهای مفید و افزایش اموال و فرزندان و به ثمر نشستن باغها و جاری ساختن رودخانه‌ها از طریق مهیا کردن عوامل رشد و نمو و به بار نشستن آنها. ایشان به آثار معنوی این نعمتها اشاره کردند به این صورت که فرو فرستادن آب از آسمان می‌تواند استعاره‌ای از پاکسازی دل و جان افراد از آلودگی، عیوب و توهمات باطل و آباد کردن آن با ایمان و عمل صالح باشد.

متون دینی تاکید دارد که رعایت تقوای الهی و برپا کردن یک نظام اجتماعی عادلانه می‌تواند رفاه و خوشبختی مردم را فراهم سازد.

در همین زمینه، معظم له توضیح دادند که این سنت در جهت مقابل آن هم صادق است، زیرا مردم با دوری از خداوند تبارک و تعالی و امتناع از عمل به شریعت او، موجبات نزول بلا و محرومیت از خیرات و زندگی شایسته را فراهم می‌کنند ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا الْعَالَمُ يَرِ جِعُونَ﴾؛ فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید(بسوی حق) بازگردند! ﴿اروم: ۴۱﴾.

معظم له در خطبه دوم با اشاره به چند نکته برخی از تفصیلات مرتبط با این سنت الهی را تبیین نمودند:

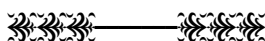
اولاً: پیامبران هنگامی که در دعوت مردم به سوی خداوند متعال و

اجرای شریعت او به رسالت خود عمل می‌کردند، به این اکتفا نمی‌کردند که اگر مردم با ایمان باشند بهشتی و اگر کافر شوند جهنمی خواهند بود بلکه به آنها ضمانت کردند که در صورت اطاعت از آنها مصلحت دنیای آنها هم فراهم خواهد بود.

نکته دوم: استغفار حقیقتی است که در واژه‌های آن نهفته است و صرفاً تکان دادن زبان نیست استغفار برنامه جامعی از رفتار و کردار است. نکته سوم: اینکه توبه مورد نظر در آیه، بازگشت مطلق به سوی خداوند متعال و ایمان به او و التزام به شریعت اوست این تعریف معنایی بالاتر و برتر از معنای خاص استغفار است که پشیمانی از گناه انجام شده و طلب آمرزش و بخشش برای آن باشد. آیه مورد بحث از اساس بر درخواست بازدارنگی و پیشگیری از سقوط در گناه تاکید دارد و آن با توجه به آثار منفی و عواقب وخیم گناه تعریف می‌شود.

معظم له همچنین در پاسخ به اشکالی که از سوی دیگر گرفته می‌شود مبنی بر اینکه افرادی مؤمن و پایبند به شریعت هستند که دچار تنگنای زندگی می‌شوند و گرفتار بلاهای مختلف هستند، تصریح کردند که این امر ممکن است به دلیل وجود یک مانعی باشد که در آن مصلحتی وجود دارد، زیرا چه بسا بهتر است فرد مؤمن به خاطر کمال و اعتلای مرتبه خود از این سختی عبور کند یا اینکه این سختی به جهت به دست آوردن چیزی بهتر از آنچه او در طلب آن بوده است باشد، پس باید چیز اندک را فدای آنچه بیشتر است کند چنانکه در آیه شریفه آمده است: ﴿وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرِّ شما در آن است. و خدا

می‌داند، و شما نمی‌دانید. ﴿ [بقره : ۱۲۶] و در دعای افتتاح چنین آمده است: «ولعل الذي أبطأ عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الأمور»؛ و چه بسا آنچه که برای من به تاخیر افتاده است به صلاح من باشد از آن جهت که تو بر عاقبت کارها آگاه هستی.<sup>۱</sup>



### ضرورت دستیابی به وحدت اسلامی و از بین بردن اختلافات

مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله شیخ محمد یعقوبی دامتله، بر ضرورت تلاش برای دستیابی به وحدت مسلمانان و از بین بردن اختلافات بین آنها تأیید کرد؛ چراکه این یکی از عالی‌ترین خواسته‌هایی است که قرآن کریم و سنت شریف بدان فراخوانده‌اند.

ایشان دو گام مهم که موجب تقرب و وحدت بین مسلمانان می‌شود را بیان داشتند:

۱- پاک سازی فضای سیاسی و روابط بین کشورهای اسلامی منطقه، به ویژه کشورهایی که در خارج از مرزهای خود دارای تأثیر و نفوذ هستند.

۲- گشودن درهای اجتهاد برای عالمان واجد شرایط اهل سنت-با الگوپذیری از برادران شیعه خود-به منظور پیگیری روند استنباط. سپس فرمود: اغلب، درگیرهای سیاسی که در پشت فرقه‌گرایی پنهان

شده، آتش تنش‌های فرقه‌ای و اختلافات مذهبی را دامن می‌زنند تا از این رهگذر نقشه‌های خود را پیش برده و به اهداف خود دست یابند. لذا مردم را با شعارهای مذهبی می‌فریبند.

اختلافاتی که در روز اول پس از رحلت رسول خدا ﷺ شاکله مسلمانان را از هم پاشید، حادثه‌ای سیاسی برای به دست گرفتن قدرت بود. وگرنه قریش در لیاقت و صلاحیت امیرالمؤمنین علیؑ برای پیشوایی مذهبی، از جهت علم و تقوا و جهاد و سبقت در اسلام و راستی و نزدیکی به رسول خدا ﷺ شک نداشتند و این را با سخنان و رفتارهای خویش نشان می‌دادند. تنها چیزی که بود اینکه آنها به دنبال سیطره و حکومت و رهبری دینی بودند و به این امر تصریح کردند؛ آنجا که گفتند: «قریش ناخوش می‌دارد که نبوت و خلافت در بنی هاشم جمع شود».

لذا می‌بینیم از اینکه میراث علمی و دینی در نزد بنی‌هاشم باشد، اعتراضی نداشتند و تنها می‌خواستند حکومت را از ایشان بگیرند.

بنابراین، اگر درگیری‌هایی را که امروز موجب از هم پاشیدگی مسلمانان و هدر رفتن انرژی و توانایی‌های آنها شده، تجزیه و تحلیل کنیم، آن را سیاسی خواهیم یافت، که عقیده هیچ دخالتی در آن ندارد؛ اگرچه سعی می‌کنند آن را اینگونه جلوه دهند. لذا حاکمان کشورهای مسلمان، باید از برخی جاه طلبی‌ها و هوی و هوس‌های خود دست برداشته و گسستگی بین خود را کاهش دهند و از شدت دشمنی رسانه‌ای بکاهند؛ که این به کاهش تنش‌های فرقه‌ای کمک خواهد کرد و سرزندگی و امنیت و آرامش را به مناطق اسلامی باز خواهد گرداند؛ آنچه ما در سالهای پایانی قرن نوزدهم شاهد آن بودیم؛ که از جمله نتایج

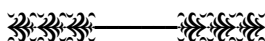
آن، ایستادگی همه مسلمان چه شیعه و چه سنی-در پشت مقاومت حزب الله در سال ۲۰۰۰، برای آزاد سازی سرزمین‌های لبنان بود. این است که این کشورها را قادر می‌سازد تا خود را برای توسعه و آبادانی و به کارگیری نیروهای خود در همه زمینه‌ها، آماده سازند.

نکته دوم: مرجع عالیقدر دام‌الله دوباره درخواست خود را برای ارتقاء سطح برنامه‌های آموزشی و تحقیق و پژوهش در حوزه‌های علمیه اهل سنت، به منظور تربیت مجتهدانی کارآزموده مطرح کرد؛ تا اینکه مرجعیت فتوا در نزد ایشان، تنها به علماء مجتهد و باتقوایی منحصر شود که هدف والای خود را کسب رضایت خداوند متعال و صلاح بشر و کرامت او قرار داده‌اند و احکام شریعت را از متون دینی صحیح و روشن، بدون سرسپردگی به مذهبی خاص استنباط کنند. با این روش، روزنه فتوای منجر به گمراهی، انحراف، عقب ماندگی، جهل و تعصب بسته می‌شود. ما در بین اهل سنت در کشورهای اسلامی افرادی را می‌یابیم که دارای قدرت استنباط احکام هستند و مراجع معظم شیعه می‌توانند اولین گام در این زمینه را، با دادن اجازه اجتهاد به آن دسته از عالمان اهل سنت که صلاحیت این کار را دارند، بردارند؛ باشد که مسیر برای اجازات بیشتر و برای نسل‌های آینده گشوده شود.

ایشان در پایان از طرح پیشنهادی یکی از میهمانان محترم، با عنوان «دانشگاه اسلامی» به همان شیوه‌ای که در اتحاد اروپا است و نیز بازار مشترک بین مسلمانان، ابراز خشنودی کرده و فرمودند: ما در پیاده‌سازی اینگونه پروژه‌های وحدت محور، از دیگران سزاوارتریم؛ چرا که اساس اجتماع ما، بر اطاعت از خداوند متعال و رسولش صلی الله علیه و آله - و نه تنها مصالح

مشترک-بنا شده است.<sup>۱</sup>

❁ این سخنرانی با عنوان (تنقیة الأجواء السياسية عامل مهم لتحقيق الوحدة بين المسلمين) در روز چهارشنبه ۲۴ شعبان ۱۴۴۲ قمری، مصادف با ۱۸ / ۱ / ۱۴۰۰ شمسی صورت گرفته است.



### حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در کلام آیت الله العظمی یعقوبی رحمته الله علیه

حضرت امام خمینی بیش از یک فقیه و محقق بود چرا که آن را با تمام وجود از کتاب‌های ایشان مانند دو کتاب طهارت و بیع، که آنها را در بحث خارج مورد بررسی قرار دادیم لمس کردیم. او عامل به علم خود بود و به معروف امر می‌کرد و از بدیها نهی می‌کرد، او همانند جدش سید الشهداء امام حسین علیه السلام قیام کرد تا حال و وضع امت خود را اصلاح کند، همچنین او با رفتار و کردار خود یک مربی اخلاق بود، و همیشه حوزه علمیه را در کنار تحصیل علم و دانش، به تهذیب نفس، و سلوک راه سعادت و کمال سفارش می‌کرد.<sup>۲</sup>



---

۱ - شماره ۲۱ - ۱ شوال ۱۴۴۳ - ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۱

۲ - شماره ۲۲ - ۱ ذی القعدة ۱۴۴۳ - ۱۱ خرداد ۱۴۰۱

## پرسش و پاسخ در مورد شرایط ایمان

### ایمان به خداوند متعال دارای چه شرائطی است؟

شرط ایمان، عقیده صحیح و عمل براساس آن است؛ همچنین ایمان به تمام آنچه قرآن آنها را در ذیل عنوان (یؤمنون بالغیب) ۱ ذکر کرده است؛ پس هر کسی که به خداوند، ملائکه، انبیاء، حقانیت مرگ و سؤال در قبر، بعث و نشر و حقانیت حساب ایمان بیاورد، باعث می‌شود تا به سوی اعمال صالح کشیده شود و آنها را انجام دهد: (إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ؛ عقاید و اندیشه‌های پاک به سوی او بالا می‌رود و عمل شایسته آن را بالا می‌برد)؛ ۲؛ چراکه غیر معقول است انسان به تمام این موارد ایمان بیاورد و براساس آن عمل نکند؛ بنابراین هرچه را که فهمید یا گمان کرد که ممکن است خطری داشته باشد باید از آن احتراز کند و کاری کند که از خطر آن در امان بماند که اگر این طور نباشد ایمان و عملش هم بی معنا خواهد بود؛ همان‌طور که امام صادق علیه السلام فرموده است (ایمان برای مؤمن ثابت نمی‌شود مگر با عمل و عمل هم جزیی از ایمان است) ۳. تفاوت اصلی میان تفکر اسلامی و غربی، ایمان به غیب است. آنها به محسوسات ایمان دارند و سعی دارند تا لذت‌های حسی خودشان را کسترش دهند؛ این امر منشأ خودکامگی، استکبار، ظلم، حرص، طمع و دیگر رذائلی شد که در رابطه آنها با دیگر ملت‌ها پدید آمد.<sup>۱</sup>

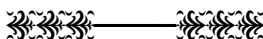
۱. سوره بقره آیه: ۳.



۲. سوره فاطر آیه: ۱۰.

۳. بحار الأنوار: ۲۳/۶۶.

\* پرسشها و پاسخها ج ۱، آیت الله العظمی یعقوبی، فصل اول پرسش شماره ۵.



### زندگینامه امام رضا علیه السلام

در کتب تاریخی آماده است، حضرت رضا علیه السلام هشتمین امام شیعیان در سال ۱۴۸ هجری قمری در مدینه به دنیا آمدند. نام ایشان علی، کنیه اش ابوالحسن، و رضا یکی از القاب آن حضرت است. از دیگر لقب های ایشان می توان صابر، صادق، فاضل و ... را نام برد.

امام رضا فرزند امام موسی کاظم علیه السلام هستند، مادر آن حضرت از اهالی نوبه بوده است. برخی منابع نام او را حضرت نجمه و کنیه اش را ام البنین و برخی تکتم ذکر کرده اند. امام موسی کاظم در سال ۱۸۳ هـ ق توسط هارون الرشید به شهادت رسیدند.

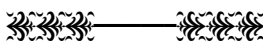
امام رضا علیه السلام پس از شهادت پدر به امامت منصوب شدند و ادامه راه پدر بزرگوار خود را پیش گرفتند. دوره امامت ایشان نزدیک به بیست سال طول کشید که در این دوران علاوه بر رسیدگی بر امور امت، در راستای حرکت جد خود یعنی امام صادق علیه السلام به تدریس شاگردان و پیشبرد اهداف حوزه علمیه نیز مشغول بودند و قدم های اساسی در این راه برداشتند.

هفده سال از این مدت در مدینه گذشت و پس از نقشه و دسیسه‌های مامون عباسی برای ولایت عهدی، ایشان بنابر گزارشی در سال ۲۰۰ هـ ق به مرو مهاجرت کردند. سه سال آخر عمر امام هشتم، یعنی تا قبل از شهادت در خراسان سپری شد.

درباره نحوه شهادت امام رضا علیه السلام، اغلب علمای شیعه و بسیاری از علمای اهل تسنن عقیده بر مسموم کردن و شهادت ایشان دارند. اما درباره عامل شهادت اختلاف نظرهایی وجود دارد، چیزی که بر آن اتفاق نظر وجود دارد این است که امام رضا علیه السلام در سن ۵۵ سالگی به دست "مامون" خلیفه عباسی مسموم شده و به شهادت رسیده است.

در روایتی شیخ مفید از عبدالله بن بشیر نقل کرده است: "مامون به من دستور داد ناخن‌های خود را بلند کرده و چیزی مسموم کننده به دو دست خود بمالم. سپس نزد امام رفت و دستور داد چند انار حاضر کنم و آن را با دست خود بفشارم. من انارها را فشردم و مامون آب آن را به حضرت خوراندید و پس از دو روز از دنیا رفت."

روایت دیگر را شیخ مفید از محمد بن جهم ذکر کرده که می‌گوید: "امام رضا علیه السلام انگور دوست داشتند. پس به دستور مامون مقداری انگور تهیه و به زهر آلوده کرد که خوردن همان‌ها منجر به شهادت ایشان شد.<sup>۱</sup>



### خلاصه‌ای از زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

نام شریف آن بزرگوار فاطمه و مشهورترین لقب آن حضرت، «معصومه» است. پدر بزرگوارش امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است. ولادت آن حضرت در روز اول ذی‌قعدة سال ۱۷۳ هجری قمری در مدینه منوره واقع شده است.

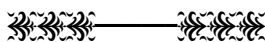
یک سال بعد از هجرت برادر به مرو، حضرت معصومه علیها السلام به شوق دیدار او به همراه عده ای از برادران و برادرزادگان به طرف خراسان حرکت کرد و در هر شهر و محلی مورد استقبال مردم واقع می شد. بدین جهت تا کاروان حضرت به شهر ساوه رسید عده ای از مخالفان اهل بیت که از پشتیبانی مأموران حکومت برخوردار بودند، سر راه را گرفتند و با همراهان حضرت وارد جنگ شدند، در نتیجه تقریباً همه مردان کاروان به شهادت رسیدند، حتی بنابر نقلی حضرت معصومه علیها السلام را نیز مسموم و بیمار کردند و چون دیگر امکان ادامه راه به طرف خراسان نبود قصد شهر قم را نمود.

پرسید: از این شهر تا «قم» چند فرسنگ است؟ آن چه بود جواب دادند، فرمود: مرا به شهر قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که می فرمود: شهر قم مرکز شیعیان ما است. بزرگان شهر قم وقتی از این خبر مسرت بخش مطلع شدند به استقبال آن حضرت شتافتند، و در حالی که «موسی بن خزرج» بزرگ خاندان «اشعری» زمام ناقه آن حضرت را به دوش می کشید و عده فراوانی از مردم گرداگرد کجاوه حضرت در حرکت بودند، حدوداً در روز ۲۳ ربیع الاول سال ۲۰۱ هجری قمری حضرت وارد

شهر مقدس قم شدند. سپس در محلی که امروز «میدان میر» نامیده می شود شتر آن حضرت در جلو در منزل «موسی بن خزرج» زانو زد و افتخار میزبانی حضرت نصیب او شد.

سرانجام در روز دهم ربیع الثانی سال ۲۰۱ هجری پیش از آن که دیدگان مبارکش به دیدار برادر روشن شود، در دیار غربت و با اندوه فراوان دیده از جهان فروبست.

پس از دفن حضرت معصومه (علیها السلام) موسی بن خزرج سایبانی از بوریا بر فراز قبر شریفش قرار داد تا این که حضرت زینب فرزند امام جواد (علیه السلام) به سال ۲۵۶ هجری قمری اولین گنبد را بر فراز قبر شریف عمه بزرگوارش بنا کرد و بدین سان تربت پاک آن بانوی بزرگوار اسلام قبله گاه قلوب ارادتمندان به اهل بیت (علیهم السلام) و دارالشفای دلسوختگان عاشق ولایت و امامت شد.<sup>۱</sup>



## دعوت اسلام به میانه روی و اعتدال و محبت کردن به تمام مردم با هر باور و اعتقادی

آیت الله العظمی یعقوبی (دامتله) از سفیر ژاپن در عراق پس از زیارت حرم مطهر امیر المومنین (علیه السلام) در سه شنبه ۱۵ شوال ۱۴۴۳ برابر با ۲۰۲۲/۵/۱۷ استقبال کرد.

سفیر ژاپن از نقش مهم و تاثیرگذار مرجعیت دینی در جامعه، و از تمدن عراق که برگرفته از تمدن جوامع سخن گفت؛ همچنین از کمک‌های ژاپن به عراق و آموزش و کادر سازی و آماده سازی نیروهای لازم برای برنامه‌های مختلف در عراق که به حدود ده هزار نفر می‌رسد و نیز کمک میلیاردها دلار به عنوان وام و کمک بلا عوض برای ایجاد پروژه‌های زیرساختی و خدماتی گزارش داد.

در مقابل آیت الله العظمی یعقوبی از نهضت علمی و صنعتی و اقتصادی کشور ژاپن پس از زدودن غبار جنگ و رسیدن به مراحل پیشرفت را ستودنی خواند و از مساعدتهای کشور ژاپن به عراق تشکر کرد و بر آماده سازی و کادر سازی عراقیها برای اداره ذخایر و داشته‌های عظیم عراق و استفاده آن در عمران و آبادی کشور و ایجاد و فراهم سازی زندگی کریمانه برای مردم تاکید کردند.

سپس سفیر ژاپن اجازه خواست که سوالاتی را در مسائل مختلفی از معظم له بپرسد:

از جمله: در مورد گسترش جنگ و کشتار به نام دین و ظهور گروه‌های افراطی مانند القاعده و داعش؛ معظم له دینی بودن این ایدئولوژی‌ها را نفی کردند چراکه دین به میانه روی و اعتدال و محبت به تمام مردم هرچند باورهای مختلفی داشته باشند دعوت می‌کند.

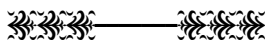
و رهبران دینی مانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المومنین علیه السلام در اوج عطوفت و محبت پدران به تمام مردم بودند و با دشمنان خود با عفو و گذشت و عدم نگاه به گذشته تعامل می‌کردند همانند انجایی که پیامبر صلی الله علیه و آله با دشمن لجوج قریش بعد از فتح مکه رفتار کرد. اما گروه‌های

افراطی تکفیر، قتل ساخته و دستاورد جریانهای سیاسی بین المللی و منطقه‌ای برای رسیدن به اهداف خاص است و این تروریستها آلت دست آنها برای رسیدن به آن اهداف است و هرطور بخواهند آنها را رهبری می‌کنند و فساد داخلی از جانب قوای حاکم موجب می‌شود که این گروهها بتوانند از فاصله ایجاد شده بین مردم و حاکمیت استفاده کنند و جوانان را به سوی خود جذب کنند و عملیات روانی اقناع سازی به نتیجه برسد و منجر به ترویج دیدگاههای منحرف شود.

و از جمله: نقش سیاسی حوزه علمیه نیز سوال دیگر سفیر ژاپنی بود؛ معظم له در پاسخ خاطر نشان شدند که علمای دین از ورود به میدان‌های سیاسی و پست‌های حاکمیتی امتناع می‌کنند و جایگاه و وظیفه خود را والاتر از آن می‌دانند و نقش رهبری و هدایت مردم و تربیت اخلاقی و دینی و پیشرفت و رشد فضایل اخلاقی جامعه را بر خود لازم می‌دانند و همچنین تذکر و نصیحت به رهبران سیاسی و تشویق آنها به تلاش در عدالت گستری اجتماعی و محبت و احسان به مردم، و دوری و امتناع از ظلم و ستم بر مردم و به تاراج بردن اموال و ثروت‌های عمومی و بی تدبیری یا سوء تدبیر و محروم سازی مردم از حقوقی که خداوند متعال برای آنان قرار داده و حکیمان به آن اذعان دارند.

همچنین ایشان پسرفت اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی را ناشی از عدم توجه و بکارگیری برنامه‌های ارائه شده از سوی مرجعیت دینی دانسته و در ادامه ابراز امیدواری کردند که نسل متمدن به امید

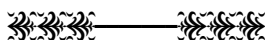
پروردگار اوضاع و آینده را با حکمت سروسامان خواهد کرد.<sup>۱</sup>



### مفاهیم قرآنی و انگیزه سازی در جوانان

جوانان باید به مفاهیم برداشت شده از قرآن در زمینه‌های مختلف معرفتی توجه کنند و سخنرانی‌های دینی هم باید حاوی این مفاهیم بلند باشند تا به دانشجویان انگیزه دهد و همت بلند را در جان آنان تزریق کند و در ساختن انسان و جامعه صالح و آبادانی سرزمین و محیطی که بتوان در آن استعدادها در زمینه‌های مختلف رشد و بالنده و شکوفا شود کمک کند.<sup>۲</sup>

حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه نشریه الصادقین شماره (۱۸۹)



### حج، نشانه احاطه علمی پروردگار بر زندگی بشر

در کلام رهبر معظم انقلاب  
خدای متعال در سوره‌ی مائده بعد از آن که برخی از احکام حج را

---

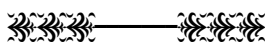
۱ - شماره ۲۲ - ۱ ذی القعدة ۱۴۴۳ - ۱۱ خرداد ۱۴۰۱

۲ - شماره ۲۳ - ۱ ذی الحجه ۱۴۴۳ - ۱۰ تیر ۱۴۰۱

بیان میکند، بعد میفرماید: ﴿ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾؛ این چیزهایی که بر شما واجب کردیم، این کعبه و این هدی و این قلائد و مانند اینها، برای این است که شما بفهمید، علم پیدا کنید به احاطه‌ی علمی پروردگار؛ بدانید خدای متعال چگونه با اسرار و جزئیات زندگی شما آشنا است، بر اساس آنها برای شما حکم می‌گذارد.<sup>۱</sup>

\*منبع: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار کارگزاران حج

۱۴۰۱/۰۳/۱۸



## گزیده‌ای از مناسبت‌های ماه ذی‌الحجه

### حرکت امام حسین علیه‌السلام از مکه به عراق

امام حسین علیه‌السلام پس از دریافت نامه مسلم بن عقیل و احساس خطر از دژخیمان یزید، احرام حج خود را به عمره تبدیل کرد و پس از انجام مراسم عمره از احرام بیرون آمد و در روز سه شنبه روز ترویبه (هشتم ذی‌الحجه سال ۶۰ هـ) پس از شصت و پنج روز اقامت در مکه به اتفاق حدود ۸۶ مرد از شیعیان و دوستان و خانواده خود از مکه بیرون آمده و به سوی عراق حرکت کرد. از سوی دیگر خبر ارسال نامه‌های مردم کوفه و دعوت از امام حسین علیه‌السلام برای آمدن به آن شهر یزید را نگران ساخت



و پس از مشورت با مشاوران خود تصمیم گرفت تا «نعمان بن بشیر» را از حکومت کوفه معزول و «عبیدالله بن زیاد» حاکم بصره را با حفظ سمت به حکومت کوفه منصوب کند.

### شهادت مسلم بن عقیل

مُسلِم بن عَقیل در گزارشی به امام حسین علیه السلام از آمادگی کوفیان برای حضور امام در کوفه خبر داد. با نصب عبیدالله بن زیاد به حکومت کوفه توسط یزید بن معاویه، کوفیان از اطراف مسلم پراکنده شدند. مسلم بن عقیل در روز عرفه (سال ۶۰ قمری) دستگیر به دستور عبیدالله به شهادت رسید. علت شکست قیام مردم کوفه هنگام حضور مسلم در این شهر را به دلیل نقش سیاست‌های عبیدالله بن زیاد در ایجاد وحشت بین مردم کوفه و نیز ساختار اجتماعی کوفه که مانع اتحاد و همبستگی مردمان کوفه می‌شد، دانسته‌اند.

### عید قربان

عید قربان یا عید الأضحی روز دهم ذی‌حجه که از عیدهای بزرگ اسلامی به شمار می‌رود. بنابر روایات، در این روز خدا به ابراهیم خلیل علیه السلام فرمان داد تا فرزندش اسماعیل علیه السلام را قربانی کند. او اسماعیل علیه السلام را به قربانگاه برد، ولی جبرئیل همراه با «قوچی» نازل شد و ابراهیم علیه السلام آن را به جای اسماعیل علیه السلام قربانی کرد. سنت قربانی در روز عید قربان در سرزمین منا به یاد آن رخداد است. مسلمانانی که برای حج، به زیارت خانه خدا می‌روند، طبق شروطی وظیفه دارند در منا قربانی کنند. در منابع دینی اعمالی برای شب و روز این عید ذکر شده

است. شب‌زنده‌داری، غسل و زیارت امام حسین علیه السلام از اعمال شب عید و غسل، نماز عید قربان، قربانی کردن، زیارت امام حسین علیه السلام و خواندن دعای ندبه، از اعمال روز عید است. روزه گرفتن در عید قربان حرام است.

### ولادت امام هادی علیه السلام

علی بن محمد علیه السلام امام دهم شیعیان است. آن حضرت در نیمه ماه ذی الحجه سال ۲۱۲ هـ ق دیده به جهان گشود و در سال ۲۲۰ هـ ق منصب امامت از پدر بزرگوارشان به آن حضرت منتقل شد. مدت امامت حضرت هادی حدود ۳۴ سال است و در سال ۲۵۴ هـ ق به دستور معتز عباسی به شهادت رسیدند. «زیارت جامعه کبیره» از مشهورترین دعاهاى برجای مانده از امام هادی علیه السلام است.

### عید غدیر

عید غدیر از بزرگ‌ترین اعیاد شیعیان و روز هجدهم ذی‌حجه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور خدا، امام علی علیه السلام را به مقام خلافت و امامت منصوب کرد. واقعه غدیر در سفر حجّه الوداع سال دهم هجری و در سرزمین غدیر خم روی داد. در احادیث شیعه تعبیری هم چون عیداً لله الاکبر (بزرگ‌ترین عید الاهی)، عید اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله، و اشرف الاعیاد (والاثرین عید) برای این روز به کار رفته است. شیعیان در سراسر جهان این روز را گرمی داشته و جشن می‌گیرند.

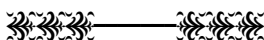
### شهادت میثم تمار

میثم تمار آسدى کوفى، از یاران امام علی علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، که پیش از واقعه کربلا در کوفه در ۲۲ ذی‌الحجه

۶۰ق، به شهادت رسید. او در کوفه خرمافروشی می‌کرد. کرامات و پیش‌گویی‌هایی به او نسبت داده‌اند. او به دستور ابن زیاد به دار آویخته شد. مرقد میثم تمار، در نزدیکی مسجد کوفه قرار دارد. صالح، شعیب، عمران و حمزه از جمله فرزندان میثم تمار بودند که با مصاحبت اهل بیت علیهم‌السلام بزرگ شدند. فرزندان آنان نیز از اصحاب و راویان ائمه شیعه بودند. از آن جمله علی بن اسماعیل بن شعیب بن میثم از متکلمان شیعه امامیه و از نخستین مؤلفان کتاب‌های کلامی است.

### روز مباحله

مُباحَلَه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مسیحیان نجران، از رویدادهای صدر اسلام که نشانگر حقانیت دعوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و بر فضیلت همراهان او (حضرت علی علیه‌السلام، فاطمه علیها‌السلام و حسنین علیهم‌السلام) در این ماجرا دلالت می‌کند. شیعیان بر این اساس، معتقدند امام علی علیه‌السلام بر اساس آیه مباحله، به منزله نفس و جان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. در ماجرای مباحله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از مناظره با مسیحیان نجران و ایمان نیاوردن آنان، پیشنهاد مباحله داد و آنان پذیرفتند. با این حال مسیحیان نجران، در روز موعود از این کار خودداری کردند. مباحله درخواست لعن و نفرین الهی برای اثبات حقانیت است و بین دو طرفی رخ می‌دهد که هر کدام ادعای حقانیت دارند. واقعه مباحله در ۲۴ ذی‌الحجه سال نهم هجری روی داد و آیه ۶۱ سوره آل عمران به آن اشاره دارد. این واقعه در منابع شیعه و اهل سنت آمده است.<sup>۱</sup>



## پرسش و پاسخ هایی در امامت و خلافت

از محضر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی یعقوبی دامت الله

پرسش: چه اشکالی در تعدد متصدیان منصب خلافت ممکن است بوجود بیاید که از آن باید جلوگیری بعمل آید؟

پاسخ: روشن است که تعدد و تکثر رهبران سیاسی به تکثر و تعدد احزاب و گروه‌های هوادار ایشان انجامیده و هر یک به سوی خود فرا می‌خوانند. در نتیجه امور امت با تفرقه مواجه شده و راه‌هایی گوناگون فراروی امت اسلامی قرار می‌گیرد که در نتیجه آن نسل‌های بعدی و پیش رو یکی پس از دیگری هزینه ضلالت و گمراهی پیشینیان را پرداخته و در نهایت کارشان به انحلال و فروپاشی منتهی می‌شود. از همین رو خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید. و همچنین در سوره انفال می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» و با هم نزاع نکنید که سست شوید و هیبت شما از بین برود. با توجه به روایات ماثور از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن کریم و اهل بیت ایشان علیهم السلام ریسمان الهی هستند که متصل کننده خلق به پروردگار به شمار می‌آیند. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خطبه مشهورشان پس از وفات پدر بزرگوارشان می‌فرمایند: «وَجَعَلَ إِمَامَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ أَمَانًا مِنَ الْفِرْقَةِ» خداوند متعال امامت ما را موجب نظام یافتن امور ملت و پیشگیری کننده از تفرقه قرار داده است.

**پرسش:** آیا ولایت و خلافت پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ممکن است خود منشأ اختلاف و درگیری شود؟

**پاسخ:** روشن است که موضوع فرمانروایی و رهبری - و به ویژه رهبری دینی که از تقدس و شرافت خاصی برخوردار است - از مهم ترین مسائلی که نفس اماره، به سوی آن تمایل بسیار دارد. چنان که در روایات شریفه آمده است «**آخِرُ مَا يُنْزَعُ مِنْ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ حُبُّ الْجَاهِ**» آخرین چیزی که از محبت دنیا از قلب صدیقین خارج می شود، حب جاه است. در نتیجه افراد بیشتری در کمین آن بوده و آرزومند نشستن بر کرسی آن و در تلاش برای کسب آن بودند و هستند. با بررسی تاریخ روشن می شود که امت اسلامی، آنقدر که از مساله امامت و خلافت پس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله رنج برده است، از هیچ مساله ای رنج نبرده است و مصیبت هایی که به آن گرفتار شده و خون هایی که ریخته شده است در اصل به این مساله بازگشت دارد. و تاریخ بهترین گواه بر این قضیه است.

**پرسش:** در خود شخص ولی و خلیفه برای استمرار رسالت آثاری وجود دارد یا حکمت آن تنها پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؟

**پاسخ:** پیامبران و حاملان رسالت پیش از آنکه از وجود یک جانشین اطمینان یابند نمی توانند طرح خود را تا پایان ادامه دهند. چه آن که نسبت به آینده رسالت خویش بیمناک هستند. در مقابل هر گاه اجتماع شروط جانشینی در کسی احراز شود، پیامبر می تواند بدون هیچ تردید یا ترسی، برنامه ها و طرح های خود را ارائه دهد. سوره طه به این چنین ترسی در حضرت موسی صلی الله علیه و آله اشاره کرده و می فرماید: «**وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي**» و برای من

دستیاری از کسانم قرار ده هارون برادرم را. پشتم را به او استوار کن. و او را شریک کارم گردان. حضرت امیر مومنان علی علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند: «لَمْ يُوجَسْ مُوسَى خِيفَةً عَلَى نَفْسِهِ، بَلْ أَشْفَقَ مِنْ غَلْبَةِ الْجُهَالِ وَ دَوْلِ الضَّلَالِ» حضرت موسی بر نفس خویش بیمناک نبوده بلکه از غلبه یافتن نادانان و قدرت گرفتن گمراهان بود.

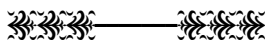
**پرسش:** جایگاه امامت در منظومه فکری اسلامی کجاست؟ جایگاه آن را کجا باید ترسیم کرد؟

**پاسخ:** امامت مسلمین، ولایت امور ایشان و خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله شریفترین جایگاه‌ها به شمار می‌آید. خلافتی که مقدر شده است پهنه گیتی از شرق تا غرب را درنوردیده و به گوش همه جهانیان برسد. مساله‌ای که مورد تاکید قرآن کریم قرار گرفته است. آن جا که می‌فرماید: «وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً» خداوند غنیمت‌های بی شماری را به شما وعده می‌دهد. و نیز به استناد آیه سیزدهم از سوره صف که وعده پیروزی و فتح قریب الوقوع می‌دهد: «وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ». پرسش: آیا ارتباطی میان امامت و بقاء و استمرار رسالت پیامبر اسلام وجود دارد؟

**پاسخ:** واقعیت آن است که هر رسالتی به هر اندازه که از نقاط قوت برخوردار باشد با وفات پیامبر و حامل رسالت از میان خواهد رفت. چراکه ادیان و رسالت‌های آسمانی با فرستادگان آنها ارتباط محکم و وثیقی دارند. و مادامی که خود آنها متولی، مدافع و در بردارنده اسرار دین هستند باشند آن ادیان و رسالت‌ها باقی است. با توجه به همین مساله است که ادیان آسمانی - که کامل‌ترین آیین‌ها به شمار می‌آیند - پس

از دوره کوتاهی از وفات پیامبرانشان، دچار تحریف در تعالیم و آموزه‌ها می‌شوند.<sup>۱</sup>

\*منبع: برگرفته از جلد اول کتاب پرسش‌ها و پاسخ‌ها.



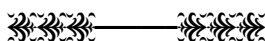
## درسها و عبرتهای عاشورا

### در کلام مقام معظم رهبری

«در مباحث مربوط به عاشورا سه بحث عمده وجود دارد: یکی بحث علل و انگیزه‌های قیام امام حسین علیه السلام است... بحث دوم بحث درس‌های عاشورا است... بحث سوم درباره عبرت‌های عاشورا است، که چند سال قبل از این، ما این مسأله را مطرح کردیم که عاشورا غیر از درس‌ها، عبرت‌هایی هم دارد. بحث عبرت‌های عاشورا مخصوص زمانی است که اسلام حاکمیت داشته باشد. حداقل این است که بگوییم عمده‌ی این بحث مخصوص به این زمان است، یعنی زمان ما و کشور ما، که عبرت بگیریم.» ۷۷/۲/۱۸

«عاشورا به غیر از درس، یک صحنه عبرت است. باید انسان در این صحنه نگاه کند تا عبرت بگیرد. یعنی چه عبرت بگیرد؟ یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند، بفهمد در چه حال و وضعیتی است. چه چیز او را تهدید می‌کند و چه چیز برای او لازم است. این را عبرت می‌گویند.

یعنی شما از جاده‌ای عبور کردید، یک اتومبیلی را دیدید که واژگون شده یا تصادف کرده و آسیب دیده است، مجاله شده و سرنشینانش نابود شده‌اند، می‌ایستید و نگاه می‌کنید، برای اینکه عبرت بگیرید. معلوم شود که چه جور سرعت و حرکتی، چه جور رانندگی‌ای به این وضعیت منتهی می‌شود. این هم نوع دیگری درس است. اما درس از راه عبرت‌گیری.»  
۱۷۱/۴/۲۲



### عظمت امام حسین علیه السلام در کلام مرجعیت

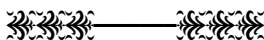
تجلی عظمت امام حسین در پویایی، جنبش و حرکتی است که در کالبد امت می‌دمد که هزار و چهار صد سال است که در جوش و خروش است، این باعث خوف و ترس دشمنان خدا و پیامبر و انسانیت شده است، لذا از بدترین و کثیف‌ترین روش‌ها برای مقابله و از کار انداختن آن استفاده می‌کنند اما بدون نتیجه و سرافکننده از این مقابله خارج می‌شوند، ما را مسخره می‌کنند که برای مردی که قبل از چهارده قرن شهید شده است گریه می‌کنیم تا امت را تا روز قیامت حیات بخشد، اما خودشان را مسخره نمی‌کنند که چرا از این مردی که این همه زمان از شهادتش گذشته است می‌ترسند.<sup>۲</sup>

۱ - شماره ۲۴ - ۱ محرم ۱۴۴۴ - ۸ مرداد ۱۴۰۱

۲ - شماره ۲۴ - ۱ محرم ۱۴۴۴ - ۸ مرداد ۱۴۰۱



مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظلّه



### ایستادگی در مقابل مفسدان، درسی زینبی

حضرت زینب علیها السلام را عناوین و جایگاه اجتماعی و از خاندان معروف و مشهور بودن و ویژگی‌های منحصر بفرد برگرفته از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرش امیرمؤمنان علیه السلام و پس از آن از دو برادرش حسن و حسین علیهما السلام و در سایه همسر و پسر عمویش عبدالله بن جعفر طیار که از اشراف و بزرگان عرب که محل رفت و آمدن نیازمندان بود، را از قیام و خروج پر مشقت و درد منع نمی کرد.

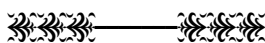
این عناوین و اعتبارات او را به راحت طلبی و تجمل گرایی نکشاند بلکه او با برادرش امام حسین علیه السلام برای اجرای دومین بخش نهضت خارج شد پس از آنکه امام علیه السلام بخش اول را با شهادت خود در روز عاشورا به سرانجام رساند

رسالت خود را به بهترین وجه ادا کرد، و در مقابل اشرار خلائق که بر سرنوشت مردم سلطه انداخته بودند مانند یزید، ابن زیاد، و پیروان پست آنها ایستاد، و جان خود را بارها و بارها برای فدا شدن و انتقام در معرض خطر قرار داد.

او این عمل پر برکت را از مادرش حضرت زهرا علیها السلام که پایه گذار حرکت بصیرت افزا و اصلاح و ایستادگی در مقابل ظلم و بی عدالتی و

انحراف و فساد بود به ارث برد.<sup>۱</sup>

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی محمد یعقوبی دامتله نشریه  
الصادقین شماره (۱۹۰)

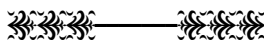


### هنر ارزشی بدون مرز برای نشر اصول بلند اسلامی

بکارگیری هنر ارزشی بدون مرز برای نشر اصول بلند اسلامی و مقابله  
با فرهنگ بیگانه

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامتله در  
۲۴ ذی حجه ۱۴۴۳، از مداح اهل بیت علیهم السلام آقای ابوذر روحی که با سرود  
اخیر خود (سلام فرمانده) مشهور شد در دفتر خود در نجف اشرف  
استقبال کرد. معظم له از این کار که از ابتدا با استقبال و موفقیت  
چشمگیر همراه بود تمجید کردند ایشان این کار را مخلصانه و صادقانه  
توصیف کرد، و ادای آن توسط کودکانی با فطرت پاک را موثر دانست و  
محتوای آن را که به مسئله‌ای سرنوشت ساز که همانا قیام دولت عدل  
اللهی به دستان مصلح بزرگ امام زمان علیه السلام که هر انسان آزاده و شریف  
منتظر آن است را ارزشمند دانست. در ادامه خاطرنشان شدند که این  
سرود توانست این قضیه را به جریان درآورد و نظرها و عواطف و  
احساسات را به خود متوجه سازد و وحدت ملتها بر آن را به ارمغان آورد.

ایشان عليه السلام در این دیدار بر بکارگیری هنر در رساندن باورها و اندیشه‌ها و اخلاق اسلامی و اهداف آن تاکید کرد و هنر را از مهمترین ابزارهای مقابله با جنگ نرم که علیه ملتها برای سلطه بر آنان و جهانی سازی معرفی کردند، لذا باید از همان حربه برای رسیدن به اهداف بزرگ استفاده کرد چراکه از مهمترین ویژگی‌های هنر این است که مرز بندی زبانی و قومی و جنسی ندارد و همه بدون هیچ مانعی آن را می‌فهمند. معظم له به حدیث امام صادق عليه السلام که فرمود: (أحيوا أمرنا، رحم الله من أحيأ أمرنا) دین و ولایت ما را زنده کنید خداوند کسی که دین و ولایت ما را زنده کند بیامرزد. و حدیث دیگر ایشان عليه السلام که می‌فرماید: (فان الناس لو علموا محاسن كلامنا لاتبعونا) اگر مردم حُسن و حقایق کلام ما را بدانند قطعاً از ما پیروی خواهند کرد اشاره کردند، و هنر را ابزار مهم و تاثیرگذار در رساندن رسالت و پیام اهل بیت عليه السلام به مردم دانستند، ایشان فعال کردن نیروی هنر برای دعوت به سوی خداوند متعال و نشر آموزه‌های اهل بیت عليه السلام را ضروری دانستند.<sup>۱</sup>



### پرسشها و پاسخها در موضوع اهل بیت عليه السلام

پرسش: مراد از «اهل بیت» در آیه شریفه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ چه کسانی

هستند؟

**پاسخ:** قطعاً هیچ مسلمانی در معنای اهل بیت شکی ندارد؛ چراکه پیامبر ﷺ آنها را با قول و فعل خود در موارد مختلفی، معرفی کرده است. آنها علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهم السلام هستند. صاحب مستدرک صحیحین با اسناد خودش از ام سلمه علیها السلام روایت کرده: در خانه من آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً﴾ نازل شد؛ ام سلمه می گوید پیامبر ﷺ به سراغ علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام فرستاد و فرمود «خداوندا اینان اهل بیت من هستند»؛ ام سلمه می گوید: من گفتم: یا رسول الله آیا من هم با شما هستم؟! پیامبر فرمودند: تو بر خیر و نیکی هستی اما در زمره این گروه نیستی.

با وجود این نمونه از تصریحاتی که در روایات آمده، دیگر احتیاجی نیست به برخی مباحث مثل، معنای لغوی اهل بیت و مصادیق آن شویم؛ چراکه پیامبر ﷺ مصادیق آن و مراد آیه را بیان کرده اند. پرسش: برخی مسلمین، قائل به ملازمت داشتن اهل بیت با قرآن هستند لطفاً شما نظر خودتان را درباره آن بیان فرمایید.

**پاسخ:** بله بین اهل بیت و قرآن ملازمت وجود دارد؛ این ملازمت در حدیث ثقلین بیان شده است؛ حدیثی که اهل سنت و شیعه بر صحت و صدور آن از پیامبر ﷺ اتفاق نظر دارند. از زید بن ثابت نقل شده که پیامبر ﷺ فرمودند: «من دو چیز گرانبها در بین شما قرار دادم؛ کتاب خداوند که هانند ریسمانی بین آسمان و زمین - از آسمان تا زمین - گسترده شده است و خانواده ام، اهل بیتم. این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند». این روایت همچنین از

جمع کثیری از دیگر صحابه هم نقل شده است.

اهل بیت، بدیل و عدل قرآن هستند و از همدیگر جدا نمی‌شوند تا اینکه در روز قیامت وارد بر حوض کوثر شوند. از این ملازمت و همسانی، خصائص و مقامات رفیعی برای اهل بیت ثابت می‌شود. خصوصاً روایاتی که دلالت بر امامت حضرت امیر علیه السلام و برتری ایشان، نسبت به تمام انسان‌ها، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله دارند.

پرسش: در پاسخ قبل فرمودید که از ملازمت اهل بیت با قرآن خصائص و مقامات والایی برای آنها ثابت می‌شود؛ اگر ممکن است برخی از آنها را بیان فرمایید؟

پاسخ: برخی از مقامات اهل بیت را با محوریت حضرت فاطمه علیها السلام دختر پیامبر، همسر علی و مادر ائمه، ذکر خواهیم کرد؛ البته باید توجه کرد که تمام این خصائص، همان‌طور که برای ایشان ثابت هستند، در دیگر ائمه هم وجود دارند.

۱. مقام عصمت: چرا که قرآن (لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ) «هیچ باطلی از پیش رو و پشت سرش به سویش نمی‌آید، نازل شده از سوی حکیم و ستوده است»؛

۲. مقام علم: علم و احاطه آنها به تمام آنچه خداوند متعال به آنها تعلیم کرده است. خداوند در قرآن فرموده است (وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) «و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی است».

۳. مقام امامت، رهبری، حجیت و لزوم اطاعت: خداوند متعال می‌فرماید (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا)

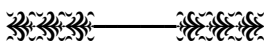
۴. مقام معیت با قرآن: قرآن حق است چراکه خداوند فرموده است (هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ) و در جایی دیگر می‌فرماید (فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ) «سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آنچه را که وعده داده می‌شود، حق و یقینی است؛ همان گونه که شما [وقت سخن گفتن یقین دارید] سخن می‌گویید.

۵. مقام قیمومیت: قرآن نسبت به تمامی خلائق مقام برتری و تولی آنها را عهده دار است همان طور که خداوند متعال می‌فرماید: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا \* قَيِّمًا) «همه ستایش‌ها ویژه خداست، که این کتاب را بر بنده‌اش نازل کرد و برای آن هیچ گونه انحراف و کژی قرار نداد؛ کتابی درست و استوار و برپا دارنده مصالح حیات انسان».

۶. مقام برکت: قرآن به «مبارک» بودن توصیف شده است (وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ) و (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ).

مقام اعتصام: یکی دیگر از خصوصیات قرآن پناهگاه بودن آن است. قرآن پناهگاهی برای امت از افتراق، دو دستگی و گمراهی است (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا) ۱. \*منبع: جلد اول پرسش‌ها و پاسخها، به کوشش موسسه تحقیقاتی

نور



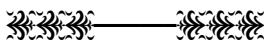
## اربعین حسینی

### در کلام رهبری

«وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ». این زیارت اربعین است؛ منتها فقره‌های اول آن، دعاست که گوینده‌ی این جملات خطاب به خداوند متعال عرض می‌کند: «وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ»؛ یعنی حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَام، جان و خون خود را در راه تو داد؛ «لَيْسَتَنَّقَدَّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ»؛ تا بندگان تو را از جهل نجات دهد؛ «وَحَيْرَةَ الضَّلَالَةِ»؛ و آنها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند.

این یک طرف قضیه، یعنی طرف قیام کننده؛ حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَام است. طرف دیگر قضیه، در فقره‌ی بعدی معرفی می‌شود: «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَن غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى»؛ نقطه‌ی مقابل، کسانی بودند که فریب زندگی، آنها را به خود مشغول و دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفس، از خود بیخودشان کرده بود؛ «وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى»؛ سهمی را که خدای متعال برای هر انسانی در آفرینش عظیم خود قرار داده است - این سهم عبارت است از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت - به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنایی فروخته بودند. این، خلاصه‌ی نهضت حسینی است.<sup>۱</sup>

\*منبع: خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۶/فروردین/۱۳۷۹.



## باید فرصت عمر را برای کارهای ثمربخش مانند آموزش غنیمت بدانیم

مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی یعقوبی دام‌ظله در جمعه، ۱۳ محرم ۱۴۴۴-۱۲ آگوست ۲۰۲۲، از جوانان و افرادی که در ابتدای عمر خود هستند، خواستند تا فرصت حضورشان در این دنیا را غنیمت بشمارند و برای رسیدن به درجات عالی و تقرب به پروردگار متعال، بکوشند و گران‌بهاترین سرمایه‌ای را که خداوند به ایشان داده است- یعنی فرصت عمر- در این راه مصرف کنند تا به اموری دست یابند که در آخرت برایشان سودمند باشد و بر اعمال نیکشان بیفزاید؛ و وقت خود را در اموری که فایده و ارزشی در ترازوی اعمال انسان ندارند، تلف نکنند؛ و اوقات خود را با بازی و بیکاری و خواب بیش از حد و زیاده‌روی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سایر امور لهو و بی‌فایده، هدر ندهند. معظم له این مطالب را در ضمن سخنرانی خود برای گروهی از اساتید و دانشجویان در شعبه‌های مراکز «فتیة أمير المؤمنين عليه السلام» در دفتر خود در نجف اشرف بیان کردند.

ایشان به گروه دیگری که وضعیتشان بدتر از کم‌کاران و کوتاهی‌کنندگان است، اشاره کردند که خود را گرفتار معصیت الهی می‌کنند. ایشان حتی آن مقدار اندک عباداتی را هم که کسب کرده‌اند،



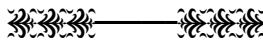
از دست می دهند و مصداق واضح انسان ورشکسته می شوند که در حدیث شریفی به آن اشاره شده است.

ایشان قشر مدرّسان و معلّمان مرد و زن را مخاطب قرار دادند و گفتند: شما مدرّسان و معلّمان باید بدانید که موقعیت باشرافت شما، فرصت بزرگی برای طاعت خداوند در اختیار شما قرار داده است که می توانید نسل‌هایی از دختران و پسران را به خوبی تربیت کنید تا صدقه‌ی جاریه‌ای برای شما در جامعه باشد؛ چرا که شغل شما پیش از آن که آموزشی باشد، تربیتی است و به شما «تربّوی» (اهل تربیت) می گویند و وزارت‌خانه‌ای که متکفّل امور شماست، «وزارة التربية والتعليم» است که عنوان تربیت در آن مقدّم داشته شده است. تأثیرگذاری شما در قلوب و اذهان دانش‌آموزان و دانش‌جویان بیش از والدین آن‌ها و بلکه بیش از هر آشنای دیگری است.

حدیث شریف پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام را به یاد داشته باشید که وقتی ایشان را به یمن می فرستادند، به ایشان چنین سفارش کردند: «ای علی! به خدا قسم این که خداوند یک نفر را به دست تو هدایت کند، از هر آنچه خورشید بر آن طلوع کرده و غروب نموده، برایت بهتر است.»

آیت‌الله العظمی یعقوبی تأکید کردند فرصت ارشاد و بصیرت‌بخشی به دانش‌جویان، در اختیار همه‌ی استادان قرار دارد و نه فقط اساتید آموزش‌های دینی؛ زیرا اساتید متون آموزشی دیگر نیز می‌توانند موعظه‌ها و نصیحت‌ها و راهنمایی‌های اخلاقی و تربیتی را در درس‌های خود بگنجانند و دانش‌جویان را با رهبران حقیقی و اسوه‌های نیکویی که

باید به آنان اقتدا کرد، آشنا کنند و به طور کلی، هر مطلبی را که می‌تواند عقاید و رفتار دانش‌جویان را رشد دهد، در میان آنان انتشار دهند. مخصوصاً در این زمان که ما هم‌چنان گرفتار شیوه‌های آموزشی‌ای هستیم که در رژیم‌های ظالم سابق بنیان گذاشته شده و ذهن و فکر و عقاید دانش‌جویان را به هم می‌ریزد و این شیوه‌ها باید اصلاح شوند. ایشان این قشر مهم و اثربخش را تشویق کردند که برای بهره‌برداری از فرصت بزرگی که خداوند متعال برای ایشان فراهم کرده، با تمام توان بکوشند تا صحیفه‌های اعمالشان را با حسنات و اعمال مبارک همراه با نیت خالص و عمل نیکو پر کنند؛ زیرا تربیت انسان‌های صالح و باکفایت برای ساختن حکومتی متمدن و پیشرفته که زندگی باکرامتی را برای مردم فراهم کند، یکی از نشانه‌های آشکار زمینه‌سازی برای حکومت عدل الهی به دستان با کفایت صاحب الزمان امام عصر علیه السلام است.<sup>۱</sup>



### چرائی کشتن طفل شیرخوار با وجود امکان کشتن پدر

دشمن چرا کودک شیرخوار را کشت در حالیکه می‌توانست امام حسین علیه السلام را بکشد و جنگ را خاتمه دهد؟ از حوادث روز عاشورا که در ذهن همه شما نقش بسته این است که وقتی امام حسین علیه السلام فرزند شیرخوارش را به میدان برد تا برای او از

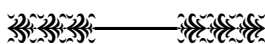
دشمن آب طلب کند در بین دشمن اختلاف ایجاد شد، سپس تصمیم نهایی بر زدن او با تیر گرفته شد، و او را کشتن.

در اینجا طبق اصول و قواعد مدیریت جنگ، این سوال مطرح می‌شود، که دشمن می‌بایست بجای اینکه تیر را به کودک بزند و او را بکشد، تیر را سمت امام حسین علیه السلام بگیرد و او را بکشند و جنگ را پایان دهد؛ یعنی وقتی که حمله ملعون این مهارت را داشت و خیلی دقیق بود و کودک را در حالی که در بین دستان پدرش بود بزند می‌توانست تیر را متوجه خود امام حسین علیه السلام بکند و جنگ را زودتر به پایان برساند؛ اما چرا جنگ را این همه به درازا کشاندند؟ لذا زمانیکه عمر ابن سعد به حمله ملعون دستور شلیک داد از او سوال کرد که آیا پسر را بزنم یا پدر را؟ چون حمله به عنوان یک سردار نظامی علی القاعده تحلیلش این است که تیر را سوی پدر بگیرد و او را بکشد، چراکه او رهبر لشکر و در رأس هرم است و با کشتن او جنگ تمام می‌شود.

اما چرا کودک شیرخوار؟ این سوالی است که قابل طرح است و نیاز به پاسخ دارد. طبیعتاً تحلیل این است که بنی امیه، و تفاوتی نمی‌کند که یزید باشد یا عبید الله ابن زیاد و یا حتی خود عمر ابن سعد، ممکن است که در آنجا اختلاف نظر در چگونگی مدیریت جنگ وجود داشت، اما هدف اصلی کشتن امام حسین علیه السلام نبود. هدف آنها این بود که امام حسین را در برابر حکومت به زانو در بیاورند و او را مجبور به بیعت با یزید ابن معاویه ملعون کنند.

چراکه یزید یا ابن زیاد می‌دانستند که کشتن امام حسین هزینه بزرگ و هنگفتی دارد، و حکومت و سلطنت او را تهدید می‌کند. چون جامعه

اسلامی آن روز می دانست که حسین علیه السلام فرزند دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و آنها را می شناختند و فضایل و مناقب آنها را می دانستند. بنابر این کشتن امام حسین علیه السلام برای حکومت اموی خطر آفرین بود. لذا آنها نیاز داشتند که حسین را راضی به بیعت با یزید کنند و یزید هم علاوه بر آن، خلافت و حکومت خود را مشروعیت می بخشید و در نهایت او امیر المومنین حقیقی می شد. چونکه امام حسین علیه السلام بهترین چهره و شخصیت جامعه اسلامی بود، اگر با او بیعت می کرد، پس دیگر مشکل کار کجاست؟ همزمان هم از ارزش و جایگاه امام حسین در دید مسلمانان می کاست، به این دلیل که از موضع خود کوتاه آمد و با یزید بیعت کرد...<sup>۱</sup> مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامه ظلّه.



### راهپیمایی اربعین حسینی حضور ملیونی هویت ساز

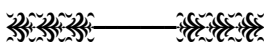
از ثمرات دیگر آن (راهپیمایی اربعین حسینی علیه السلام) نمایان کردن هویت این ملت است، چراکه برخی ها در آن اشکال می کنند که اغلب جمعیت این کشور پیرو اهل بیت نیستند، یا اینکه این کشور پیرو اسلام نیست، بلکه این مردم چیز دیگری می خواهند.

با این حضور ملیونی، هویت این ملت و پیروی این ملت از اسلام و اهل بیت علیهم السلام مشخص می شود تا فردا بگوییم دیگر نیازی به آمارگیری

جمعیت و ثبت احوال نیست بیایید ببینید که این ملت چه می‌خواهد و از چه پیروی می‌کند.

و هدف و ثمره دیگر آن، پس زدن دشمن و خنثی کردن ترفندهای آن است. تروریست‌ها می‌خواهند با انفجارها ما برگردیم و حرکت خود را متوقف کنیم و یا اینکه غرب می‌خواهد هویت و اخلاق و باورهای ما را از بین ببرد.

با این حضور چشمگیر، همه این نقشه‌ها بر آب می‌شود و ثابت می‌کنیم که ما بر ولایت اهل بیت و بر این صراط مستقیم که خداوند متعال ما را بر پیروی از آن دستور داده است پایبند و ثابت قدم هستیم.<sup>۱</sup> مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت‌الله.

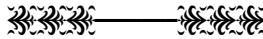


### شور حسینی مردم عراق پس از سقوط حکومت بعث

تحقیقات نشان می‌دهد پیاده روی مراجع و علما تا زمان صدام ادامه داشته است، اما از زمانی که او در سال ۱۳۵۸ (۱۴۰۰ قمری) به ریاست جمهوری عراق رسید تا زمانی که در سال ۱۳۸۱ شمسی (۱۴۲۴ قمری) سقوط کرد، وقفه‌ای در اجرای مراسم عزاداری با شکوه و پیاده روی‌های دسته جمعی ایجاد شد، هر چند که برخی اخبار حکایت از پیاده روی مخفی مردم در زمان صدام داشته است که گاهی منجر به شهادت این

افراد توسط نیروهای بعث شده، اما مردم عراق با سقوط صدام، بار دیگر عشق و علاقه وصف ناپذیر خود به امام حسین علیه السلام را به جهانیان ثابت کرده اند که در کنار دیگر محبان و شیعیان اهل بیت از کشورهای ایران، لبنان، پاکستان، هند، لبنان، قطر، امارات، کویت، بحرین و... مراسم اربعین حسینی را با شکوه‌تر از سال قبل اجرا می‌کنند.<sup>۱</sup>

[/https://www.iribnews.ir/fa/news/۳۲۳۱۹۱۷](https://www.iribnews.ir/fa/news/۳۲۳۱۹۱۷)



### پرسش‌ها و پاسخ‌ها در مورد منافقین

**پرسش:** چه چیزی باعث شد که منافقین بتوانند به مرحله‌ای برسند که یک تهدید برای امت اسلامی شوند در حالیکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسلام را برای تمام مردم آورده بود و ابلاغ فرمود؟

**پاسخ:** انتشار سریع اسلام و کوتاهی دوره آن در قبال عظمت تکلیفی که برای آن نازل گردیده بود (منتقل ساختن امت از حضيض جاهلیت و تاریکی به نور اسلام و سعادت) منجر به پیدایش پایگاه گسترده‌ای در جامعه گردید که فهم کافی و درک لازم در خصوص فهم رسالت و فراگیری آن را نداشته و در نتیجه با نخستین امتحانی که در حال فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله به وجود می‌آمد در معرض فروپاشی و شکست قرار می‌گرفت. مساله‌ای که قرآن کریم از قبل به آن اشاره نموده و در آیه ۱۴۴ سوره

آل عمران نسبت به آن تذکر داده بود: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ﴾ جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده اند، آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما به آیین پیشین خود باز می‌گردید. هشدار می‌دهد که درست اندکی پس از ارتحال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صحت آن آشکار شده و جز تعداد اندکی در مدینه که امتحان سخت خود را با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پس داده بوده و در آزمون‌های مختلف و مستمر با حضرتشان سربلند خارج شده بودند، تمامی شبهه جزیره مرتد شدند.

**پرسش: آیا قرائن و شواهدی بر ایجاد جریان‌های انحراف در بین مسلمانان وجود دارد؟**

**پاسخ:** انحرافات صورت گرفت که می‌توان از خود کسانی که در آن قضایا نقش آفرین بودند نقل کنیم یکی از آن‌ها انحرافی که عایشه در زمانی که مردم را بر ضد خلیفه سوم عثمان می‌شوراند اشاره کرد و خود آن را به مثابه انحرافی در مسیر حرکت مسلمین قلمداد می‌کرد. طبری در کتاب تاریخ خود به این مساله اشاره کرده و می‌نویسد:

"كانت السيدة عائشة من أشد الناس على عثمان، حتى أنها أخرجت ثوباً من ثياب رسول الله صلی الله علیه و آله فنصبتة في منزلها، وكانت تقول للداخلين إليها: هذا ثوب رسول الله لم يبيلَ وقد أبلى عثمان سنته، وقالوا إنها كانت أول من سمى عثمان نعتلاً (اسم أحد اليهود بالمدينة) وكانت تقول: (اقتلوا نعتلاً! قتل الله نعتلاً) هذا ولم يمرَّ على وفاة رسول الله صلی الله علیه و آله أكثر من عقدين من الزمان".

عایشه بیشترین دشمنی را با عثمان داشت. ایشان پیراهنی را از رسول

خدا در منزل خویش برافراشته بود و به کسانی که به منزل پیامبر می‌آمدند می‌گفت: این پیراهن رسول خداست، عثمان سنت ایشان را منسوخ نمود قبل از این که پیراهن ایشان کهنه شود. منقول است که وی اولین کسی بود که عثمان را نعثل، به معنی پیر خرفت - که اسم یکی از یهودیان مدینه بود - نامید و می‌گفت: بکشید نعثل را! خدا نعثل را بکشد» همه این‌ها در حالی بود که از وفات رسول خدا دو دهه نگذشته بود.

همچنین در داخل قلمرو حکومت پیامبر ﷺ یهودیانی وجود داشتند که جایگاه و نفوذ خود در شبه جزیره و به ویژه مدینه را فراموش نکرده و به شدت نسبت به پیامبر گرامی و دین اسلام کینه به دل داشتند. از همین رو در دوره پس از وفات پیامبر ﷺ یهودیان شبه جزیره اقدام به حمله تبلیغاتی سنگینی علیه مبانی اسلام به راه انداخته و موجی از شبهات را در میان امت اسلامی سرازیر نمودند. پرسش‌های گوناگون و فراوان آنها که عموماً با عجز خلفا و صحابه در پاسخ به آنها همراه می‌شد، موجب سرخوردگی و احساس ضعف و شکست مسلمانان در برابر یهودیان می‌شد.

پرسش: آیا نصب خلیفه به وسیله پیامبر ﷺ یک سنت الهی

است و در سیره پیامبران گذشته هم بود؟

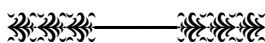
پاسخ: با مطالعه در تاریخ و سیره انبیاء ﷺ می‌بینیم ایشان از وصی برخوردار بودند، پس چگونه است که رسول خدا از این قاعده مستثنی باشند. مطابق منطوق آیه ۹ از سوره شریفه احقاف، پیامبر اسلام تفاوتی با سایر پیامبران الهی نداشته ﴿قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاءِ مِنَ الرَّسُلِ﴾ بگو: من از



میان دیگر پیامبران بدعتی تازه نیستیم، و بر اساس آیه ۴۳ سوره فاطر، سنن الهی قابل تبدیل و تغییر نیستند: ﴿فَلَنْ نَّجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَا لِكُنْ تَجْدِ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ در سنت خدا هیچ تبدیلی نمی‌یابی و در سنت خدا هیچ تغییری نمی‌یابی.

بر این اساس می‌بایست شخصی برای جایگزینی انتخاب شود و از شایستگی لازم برای تصدی و وظایف و مسئولیت‌های امامت و خلافت و رهبری به شکل تام، کامل و فعالانه و موثر، برخوردار باشد.<sup>۱</sup>

\*منبع: کتاب پرسشها و پاسخها جلد اول، برگرفته از سخنرانی‌های کتاب خطاب المرحله مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه، برای دیدن منابع و پاورقی‌ها به اصل کتاب مراجعه شود.



### ضرورت پر کردن خلاءهای موجود با تبلیغ دینی

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه در یکشنبه ۱۴ صفر ۱۴۴۴، مطابق با ۲۰۲۲/۹/۱۱ در جمع گروهی از شیعیان اقلیم کردستان عراق که به دیدار ایشان در دفتر معظم له در نجف اشرف آمده بودند بر این نکته تاکید کردند که دعوت به سوی اهل بیت علیهم السلام و تمسک به آنها در حقیقت دعوت به سوی دین عظیم اسلام

است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن مبعوث شد و آن را از سرچشمه و منبع اصلی دریافت کرد.

ایشان نعمت ولایت اهل بیت علیهم السلام را از بزرگترین و با عظمت‌ترین نعمت‌ها برشمردند و فرمودند که در تفسیر آیه مبارکه ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ و اما نعمت پروردگارت را باز گو. اشاره به نعمت ولایت اهل بیت علیهم السلام که خداوند متعال ما را به سخن گفتن و نشر آن امر کرده است می‌باشد که آیه اکمال دین تکمیل کننده این معنا است که می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما پذیرفتم. ایشان همچنین تاکید کردند که یکی از مظاهر جاویدانی دین همان زیارت اربعین است که نقش بزرگی در رساندن آموزه‌های آسمانی و اصول نورانی دین اسلامی بوسیله و راه و روشی که اهل بیت علیهم السلام پیمودند دارد، اراده خداوند متعال به آن تعلق گرفته است که امام حسین علیه السلام گسترده‌ترین و روشنترین و نزدیکترین راه به وجدان و فطرت انسانی باشد، و جهان شروع به پرسشگری از این حادثه عجیب و شگفت کرد که زبانها از بیان آن عاجز و اندیشه‌ها از رسیدن به حقیقت آن درمانده اند. که حقیقت این تعلق و شیفتگی چیست؟ و این محبت و مودت زیبا و بی نظیر چیست؟ امام حسین علیه السلام با جان ملیونها نفر چکار کرد و آنها را که از ملل و قومیتها و کشورها و فرهنگهای مختلف هستند را باهم متحد کرد و دور هم جمع کرد؟ همچنین ضیافت و کرم و بخشش و ایثار عراقیها با همه وجود در خدمت و تکریم زائران موجب شگفتی است که در خدمت رسانی از هم سبقت می‌گیرند، سپس با اشک و اندوه آنها

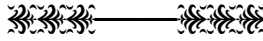
را بدرقه می‌کنند و وداع جانسوز از فراق آنها را به نمایش می‌گذارند اینها همه فکر جهان را به خود مشغول ساخته است.

همچنین ایشان بار دیگر بر این نکته تاکید کردند که باید تلاش و سعی جدی در نشر معارف و اسلام محمدی پاک و طاهر از طریق ائمه اهل بیت علیهم‌السلام در جای جای جهان با حکمت و و موعظه حسنه صورت بگیرد که موجب شناخت و جذب و دلدادگی مردم شود.

ایشان همچنین بر رفع موانع و مشکلات در شهرهای اقلیم کردستان عراق و مناطق نزدیک آن از جهت کمبود مبلغان و طلاب علوم دینی تاکید کردند. ایشان عامل و سبب آن را سیاستهای نظام سابق دانستند که آزادی‌ها را سرکوب می‌کرد و فعالیت‌های دینی را در تنگنا قرار می‌داد و هویت دینی را در کشور عزیز ما کمرنگ می‌کرد.

برای برون رفت از این مشکل باید تعداد زیادی از جوانان با بصیرت و متدین به حوزه‌های علمیه بپیوندند و ندای خداوند متعال را لبیک گویند که می‌فرماید ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند، تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند! ایشان استفاده از ظرفیت تحصیل مجازی را فرصت خوبی دانستند و خاطر نشان شدند که مومنانی که شایستگی آنها از سوی فضلالی مناطق خود احراز شود و انتخاب می‌شوند و نمی‌توانند به نجف اشرف مهاجرت کنند در شهرهای خود و از ظرفیت تحصیل از راه دور، درسهای خود را فرا بگیرند، و پس از گذراندن دوره‌های تحصیل می‌توان کارگروه‌های تبلیغی و ارشاد و آموزش احکام دینی

را آغاز کرد و به وظیفه در روشنگری و رساندن پیام دین بپردازند.<sup>۱</sup>

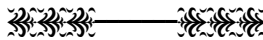


### پیامبر؛ الگوی مبارزه مستمر

آیت الله العظمی خامنه ای:

در زندگی رسول خدا یک چیز وجود دارد که آن مستمر است، بقیه‌ی چیزهایی که در حیات اجتماعی پیغمبر هست، غیر از خصلت‌ها و صفات معنوی و خود پیغمبری و مانند اینها مقطعی و مربوط به زمانها است؛ آنچه در زندگی اجتماعی پیغمبر و در شخصیت آن حضرت به عنوان یک رهبر از اول تا آخر ادامه دارد، مبارزه است.<sup>۲</sup>

\*منبع: (farsi.khamenei.ir) سخنرانی در تاریخ ۱۰.۸.۱۳۶۵



ضرورت پرداختن به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ۲۸ صفر تا ۱۷ ربیع

### الاول

در روز سه شنبه ۳۰ صفر ۱۴۴۴ مطابق با ۲۷/۹/۲۰۲۲، بار دیگر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظلته بر

---

۱ - شماره ۲۶ - ۱ ربیع الاول ۱۴۴۴ - ۶ مهر ۱۴۰۱

۲ - شماره ۲۶ - ۱ ربیع الاول ۱۴۴۴ - ۶ مهر ۱۴۰۱

ضرورت تلاش مضاعف و به میدان آمدن نیروهای علمی و فکری و تبلیغی و رسانه‌ای برای احیا و زنده کردن نام و یاد حضرت نبی خاتم النبیین ﷺ و بررسی زندگانی و سیره عملی ایشان و استفاده هرچه بیشتر روزهای واقع شده میان روز شهادت در ۲۸ صفر و تاریخ ولادت مبارک ایشان در ۱۷ ربیع الاول، و تحلیل همه جانبه سیره ایشان و عدم اکتفا به نگرش تاریخی صرف، بلکه متناسب سازی آن با اسوه بودن شخصیت و ویژگی‌های ذاتی و روش و شیوه عملی ایشان در تمام زمینه‌ها بویژه در اداره امور امت و مدیریت آن ❁ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ❁ - [احزاب : ۲۱] تاکید کردند.

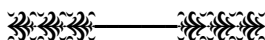
ایشان در جمع گروهی از زائران و حاضران در دفتر معظم له در نجف اشرف، تأسی و پیروی از رسول خدا ﷺ را یعنی اینکه سیره و حیات مبارک آن حضرت را معیار و ملاک برای رفتار و فعل و اخلاق خود قرار دادن است، و اینکه سیره شریف ایشان ﷺ را میزان و فرقان در زندگی ما قرار بگیرد تا بین آنچه پسندیده است و باید انجام شود و میان آنچه پسندیده نیست و باید اجتناب شود تفاوت بگذاریم.

در همین راستا ایشان به دو ویژگی و خصوصیت از ویژگی‌های نبی اکرم ﷺ که با آن دو ویژگی متمایز شد و قرآن کریم نیز به آنها اشاره کرد پرداخت ❁ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ❁ به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است! [توبه: ۱۲۸]، اولین آنها اینکه ایشان بر کسانی که متولی امور آنها است حریص بود(حریص

علیکم) و برای هدایت و تربیت و خیرخواهی آنها و سعادت دنیوی و اخروی آنها، خود را به زحمت می انداخت.

و در ثانی نسبت به مومنین و پیروان راه ایمان بطور ویژه‌ای رؤوف و مهربان بود (بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ) و آنها را مورد توجه و عنایت خاص قرار می داد. ایشان بر توجه ویژه به ایندو ویژگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از میان دیگر ویژگی‌ها که همه باید مورد توجه قرار بگیرند تاکید کرد و در زندگی و رفتار و اخلاق خود به آنها توجه داشته باشیم و آنها را در رفتار فردی و اجتماعی، سرمشق و مشعل فروزان خود قرار دهیم.

همچنین ایشان خاطر نشان شدند که توجه به سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله یک مسئولیت فردی نیست که با آن به مقام قرب الهی و کرامت و فضیلت نائل آییم، بلکه آن را یک مسئولیت اجتماعی دانستند که امت باید برای رسیدن به سعادت و رستگاری در دو سرا، یعنی دنیا و آخرت باید این اسوه پذیری را بپذیرد و جامه عمل بپوشاند.<sup>۱</sup>



### رسول خدا صلی الله علیه و آله و برنامه ریزی برای خلافت پس از خویش

پس از تبیین دیدگاه مکتب تشیع در خصوص جانشینی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسشی که فراروی مخاطب قرار می گیرد آن است که براستی رسول خدا صلی الله علیه و آله از چه روش و سازکاری برای تبیین این مساله

مهم و معرفی خلفای پس از خود بهره برده و چگونه مردم را با مساله ولایت آشنا نموده اند؟

بررسی‌ها نشانگر آن است که حضرت عَلَيْهِ السَّلَام در طول دوره رسالت خویش از سه روش مختلف و البته همسو در این خصوص بهره برده اند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

### روش اول: نص مستقیم در تعیین ولی امر

یکی از روش‌های پیامبر گرامی اسلام در آشناسازی مردم با مساله ولایتعهدی خود، معرفی علنی علی و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام به عنوان جانشینان خویش پس از وفاتشان بود. چه آن که خودداری از چنین اقدامی می‌توانست به ابهام و در نهایت تفسیرها و تاویل‌های متفاوتی میان مردم در انتخاب مصداق خلافت پس از ایشان گردد.

### روش دوم: معرفی صحابه بصیر و مخلص

روش دوم حضرت اشاره مستمر به مخلص‌ترین و بیدارترین صحابه خویش بود که حضرت می‌دانستند آن‌ها همواره بر خط و مسیر حق ثابت قدم بوده و نسبت به اهداف رسالت بیدار و هشیار و در خصوص اصول و ارزش‌ها استوار هستند. کسانی که در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش‌گری نمی‌هراسند و به هر قیمتی و تحت هر شرایطی، حرف حق را می‌گویند.

این سیاست حضرت در واقع با هدف معرفی افرادی که میان آنها و حق ملازمه وجود دارد و می‌توانند نقش جهت‌دهی و شاخص بودن را در جامعه ایفاء کنند. ایشان با اعطای مدال‌های شرف و اخلاص به این

بزرگواران می‌کوشید تا برای آینده امت خویش برنامه ریزی پیشگیرانه نموده تا هرگاه امت به قهقرا بازگشته و در دریای ظلمات متحیر گردید، این ستون‌های نور، شاخص و میزان حق، و نجات بخش جویندگان حقیقت راه باشند. صحابه‌ای که امت را به ساحل ایمان رسانیده و با ادای کامل نقش خود کلمه حق را بر صفحات تاریخ ثبت نموده‌اند.

از جمله این صحابه بلند مرتبه که همواره نامشان به نیکی بر زبان پیامبر گرامی اسلام ﷺ جاری بود. از جمله:

- سلمان منّا أهل البیت؛ سلمان از ما اهل بیت است.
- ما أظلت الخضراء و لا أقلت الغبراء ذا لهجة أصدق من أبي ذر؛ زمین در خود ندیده کسی را و آسمان سایه نیفکند بر فردی که راست‌گوتر از ابوذر باشد.
- إنّ عماراً مع الحق و الحق معه، يدور عمار الحق أينما دار؛ عمار با حق و حق با عمار است. هر جا که حق بچرخد، عمار نیز می‌چرخد.
- إن الجنة لتشتاق إلى ثلاثة: علي و عمار و سلمان؛ بهشت مشتاق سه نفر است: علی، عمار و سلمان.

این در حالی است که حتی یک کلمه در خصوص کسانی که از علی جدا شده و وی را تنها گذارده و راه انحراف را برگزیدند از پیامبر اکرم ﷺ شنیده نشده است. این مساله حتی در خصوص کسی همچون زبیر بن عوام که در دوره ای، مواضع مشهوری در دفاع از علی علیه السلام و پیامبر ﷺ داشته است نیز صادق است و هیچ کلامی درباره ایشان و شاخص بودن او از پیامبر نقل نشده است.



### روش سوم: تعیین قواعد و ضوابط افراد واجد صلاحیت مقام ولایت

سومین روش حضرت را می‌بایست تبیین و وضع یک سلسله قواعد و ضوابطی عنوان کرد که بر اساس آن امت توانایی شناسایی افراد شایسته تصدی مقام خلافت پس از پیامبر و تمییز ایشان از افراد ناشایست و متمسک به بهانه‌های واهی برای اثبات شایستگی و لیاقت برای خود، را داشته باشند. کسانی که برای غصب مقام خلافت و محروم ساختن اهل بیت از مقام زعامت سیاسی امت، حتی به سیاه نمایی علیه ایشان پرداخته و بهانه‌ها و دروغ‌های واهی همچون مخالفت قریش با جمع مقام نبوت و خلافت در بنی هاشم، مسن تر بودن خلیفه اول نسبت به علی علیه السلام، و مواردی از این دست استناد می‌نمودند.

این در حالی است که آیات فراوانی در قرآن به صراحت بر فصل الخطاب بودن کلام و امر الهی و دستورات پیامبر (و از جمله در مساله جانشینی و خلافت) تاکید کرده و همگان را به التزام و پایبندی کامل به فرمایشات نبوی و دستورات قرآنی امر می‌کرده است:

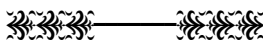
• ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾؛ نه، سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورند، مگر آنکه در نزاعی که میان آنهاست تو را داور قرار دهند و از حکمی که تو می‌دهی هیچ ناخشنود نشوند و سراسر تسلیم آن گردند.

• ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾؛ پروردگار تو هر چه را که بخواهد می‌آفریند و بر می‌گزیند و دیگران را توان اختیار نیست منزله است خدا و از هر چه

برایش شریک می‌سازند برتر است.

واقعیت آن است که با معیارهای سه گانه یادشده امت اسلامی توان آن را دارد تا این قبیل افراد نالایق را علیرغم تمامی شیوه‌های خدعه آمیز و گمراه کننده که برای پوشیدن ردای خلافت به کار بسته اند، شناسایی نماید.<sup>۱</sup>

\*منبع: پرتوی از غدیر، حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه انتشارات دارالفکر، ص ۶۵، با ویرایش و متناسب سازی با فضای نشریه



### تحلیلی از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

در کلام آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه.

پرسش: آیا می‌توان از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شواهدی بر ضرورت وجود امامت یافت؟

پاسخ: بله شواهدی را می‌توان از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به مساله رهبری و امامت جامعه یافت. از ایشان نقل شده است که «الإمامُ الجائرُ خیرٌ من الفتنّة» رهبر ظالم بهتر از فتنه است. نیز از ایشان منقول است که «إِذَا خَرَجَ اثْنَانِ لِلسَّفَرِ فَلْيُؤْمِرَا أَحَدَهُمَا» هرگاه دو نفر به سفر می‌روند، یکی را به عنوان راهبر برگزینند. «وَالظُّلُومُ غَشُومٌ خَيْرٌ مِنْ فِتْنَةٍ تَدُومٌ»

حاکم ستمگر کینه توز بهتر از هرج و مرج و فتنه طولانی است. در سیره حضرتشان نیز آمده است که هیچ گاه گروهی را - اگر چه اندک - برای نبرد اعزام نمی فرمود مگر آن که برای ایشان سرپرست را تعیین می کردند. همچنین ایشان هرگاه قصد جنگ با دشمنان اسلامی می نمودند، هیچگاه شهر را بدون انتخاب جانشین برای خودشان، ترک نمی کردند.

از همین رو تعامل ائمه معصومین علیهم السلام با حاکمان وقت را می بایست در چارچوب حفظ منافع مردم و حفظ نظام اجتماعی و پشرفت دولت اسلامی و حراست از کرامت آن فهم نمود. تا آن جا که ایشان در برخی از شرایط، پرداخت زکات و خراج به حاکمان جور را جائز و این اقدام را همچون زمانی که زکات و خراج به معصومین علیهم السلام پرداخت شده، موجب براءت ذمه پرداخت کننده عنوان می کردند.

**پرسش: آیا تعیین خلیفه و امام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله از وظایف و مسئولیت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؟**

**پاسخ:** با توجه به ضرورتی - که در خصوص آن اجماع عقلی و شرعی وجود دارد - که در پاسخ های پیشین بدان اشاره شد تعیین خلیفه و امام یکی از مسئولیت ها و وظائف پیامبر صلی الله علیه و آله و بلکه مهم ترین آن هاست. **پرسش: چه آثار و مصلحتی در تعیین خلیفه توسط پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد؟**

**پاسخ:** برای پاسخ به این پرسش می توان چند اثر و مصلحت را ذکر کرد از جمله:

۲. غصب منصب الهی از سوی افراد ناشایست

۳. حفظ امت از تفرقه و فروپاشی

پرسش: آیا ارتباطی میان امامت و بقاء و استمرار رسالت پیامبر

اسلام وجود دارد؟

پاسخ: واقعیت آن است که هر رسالتی به هر اندازه که از نقاط قوت برخوردار باشد با وفات پیامبر و حامل رسالت از میان خواهد رفت. چراکه ادیان و رسالت‌های آسمانی با فرستادگان آنها ارتباط محکم و وثیقی دارند. و مادامی که خود آنها متولی، مدافع و در بردارنده اسرار دین هستند باشند آن ادیان و رسالت‌ها باقی است. با توجه به همین مساله است که ادیان آسمانی - که کامل ترین آیین‌ها به شمار می‌آیند - پس از دوره کوتاهی از وفات پیامبرانشان، دچار تحریف در تعالیم و آموزه‌ها می‌شوند.

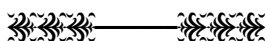
پرسش: آیا ولایت و خلافت پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ممکن است

خود منشأ اختلاف و درگیری شود؟

پاسخ: روشن است که موضوع فرمانروایی و رهبری - و به ویژه رهبری دینی که از تقدس و شرافت خاصی برخوردار است - از مهم‌ترین مسائلی که نفس اماره، به سوی آن تمایل بسیار دارد. چنان که در روایات شریفه آمده است «أَخْرُ مَا يُنَزَعُ مِنْ قُلُوبِ الصِّدِّيقِينَ حُبَّ الْجَاهِ» آخرین چیزی که از محبت دنیا از قلب صدیقین خارج می‌شود، حب جاه است. در نتیجه افراد بیشتری در کمین آن بوده و آرزومند نشستن بر کرسی آن و در تلاش برای کسب آن بودند و هستند. با بررسی تاریخ روشن می‌شود که امت اسلامی، آنقدر که از مساله امامت و خلافت پس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

رنج برده است، از هیچ مساله‌ای رنج نبرده است و مصیبت‌هایی که به آن گرفتار شده و خون‌هایی که ریخته شده است در اصل به این مساله بازگشت دارد. و تاریخ بهترین گواه بر این قضیه است.<sup>۱</sup>

\*منبع: پرسش‌ها و پاسخ‌ها، جلد اول، برگرفته از سخنان و سخنرانی‌های مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام‌ظله، بکوشش مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.



## در روز جهانی کودک

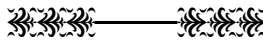
مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی یعقوبی دام‌ظله در روز جهانی کودک پیامی در خصوص پیگیری امور کودکان درگیر بیماری سرطان خون و کم خونی صادر کردند. ایشان اقدام به اهدای خون کرد و دعوت به اهدای خون برای نجات کودکان عراق کرد

در چهارشنبه ۲۲-ربیع ۱- ۱۴۴۴ مطابق با ۱۹-۱۰-۲۰۲۲ روز جهانی کودک و به جهت تمرکز بر مسئله مبتلایان به بیماری سرطان خون (لوسمی) و کم خونی (تالاسمی) مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام‌ظله به جهت همدردی با این دسته از بیماران که از کمبود و نقص خدمات بهداشتی و درمانی رنج می‌برند اقدام به اهدای خون کرد.

همچنین پس از اینکه موسسه درمانی و بهداشتی بصره از عدم کفایت دستگاههای موجود در آن مرکز شکایت کردند ایشان یک دستگاه جداکننده پلاسمای خون به این مرکز اهداء کردند.

ایشان برای نجات کودکان بیمار، مومنان را به اهدای خون برای همدردی و همکاری تشویق کردند و گفتند: می‌توان از موسسات خیریه در این زمینه مانند موسسه خیریه فیض الزهراء علیها السلام یا گروهها و دسته‌هایی که با هم برای اهدای خون یا اهدای خون کمیاب و مانند آن اقدام می‌کنند استفاده کرد.

همچنین ایشان برای برطرف کردن کاستی‌های موجود در مراکز درمانی، نیکوکاران را برای بهره‌وری از اموالشان آنها را به داشتن صدقات جاریه مانند تهیه دستگاههای جداکننده اجزای خون دعوت کرد.<sup>۱</sup>



## روایات ناب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

(قال لأمیر المؤمنین علیه السلام ألا أخبرکم، بأشبهکم بی خلقاً؟ قال: بلی یا رسول الله قال: أحسنکم خلقاً، وأعظمکم حلماً، وأبرکم بقرابته وأشدکم من نفسه إنصافاً)

به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آیا تو را خبر ندهم که اخلاق کدام یک

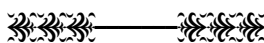
از شما به من شبیه تر است؟ عرض کردند: آری، ای رسول خدا. فرمودند: آن کس که از همه شما خوش اخلاق تر و بردبارتر و به خویشاوندانش نیکوکارتر و با انصاف تر باشد. (مکارم الاخلاق، ص ۴۴۲)

امام علی علیه السلام:

(لِيَجْتَمَعَ فِي قَلْبِكَ الْاِفْتِقَارُ اِلَى النَّاسِ وَ الْاِسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ فَيَكُونَ اِفْتِقَارُكَ اِلَيْهِمْ فِي لَيْنِ كَلَامِكَ وَ حُسْنِ بَشْرِكَ وَ يَكُونَ اِسْتِغْنَاءُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عَرَضِكَ وَ بَقَاءِ عَزِّكَ)

باید نیاز به مردم و بی نیازی از آنان، در دلت گردآیند، تا نیازت به آنان، سبب نرمی در گفتار و خوش رویی ات شود و بی نیازی ات، سبب آبروداری و عزت باشد.<sup>۱</sup>

\* کافی، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۷



## بصیرت

در کلام رهبر انقلاب

گزیده‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دامت‌السلام درباره‌ی «بصیرت»، اهمیت و ابعاد آن را بازخوانی می‌کند:

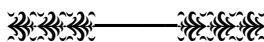
\* در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای

خودتان به وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. ۱۳/۱۱/۱۳۷۷

\* این جمله‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام را من بارها در سخنرانی‌ها گفتم: **الَا وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ. أَوْلُ أَهْلِ بَصَرٍ، كَسَانِي كَه دِيد** درستی دارند، بصیرت دارند، صحنه را میفهمند. بصیرت را روزبه‌روز باید زیاد کرد. ۴/۹/۱۳۹۴.

\* در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. ۱۳/۱۱/۱۳۷۷

\* اگر ما بصیرت نداشته باشیم، اگر ما بینش درست، چشم باز، هوشیاری لازم نداشته باشیم، نه درست منافع حقیقی‌مان را تشخیص می‌دهیم، نه درست راه رسیدن به این منافع را تشخیص می‌دهیم، نه درست آدمی را که باید این بار بزرگ را بر دوش بگیرد، می‌شناسیم. وقتی بصیرت نبود مثل انسانی است که چشم ندارد، راه را نمی‌بیند! ۸/۸/۱۳۹۸





## حضرت معصومه علیها السلام

فاطمه مشهور به حضرت معصومه علیها السلام دختر امام کاظم علیه السلام و خواهر امام رضا علیه السلام است. او برترین دختر امام کاظم علیه السلام دانسته شده و گفته‌اند در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام، پس از امام رضا علیه السلام کسی هم‌پای معصومه نیست. در منابع تاریخی اطلاعات زیادی درباره زندگی‌نامه حضرت معصومه علیها السلام از جمله تاریخ تولد و وفات وی ثبت نشده است. درباره ازدواج او نیز اطلاعات چندانی در دست نیست؛ اما مشهور این است که او هرگز ازدواج نکرد.

معصومه و کریمه اهل بیت علیهم السلام لقب‌های مشهور فاطمه معصومه هستند. طبق حدیثی امام رضا علیه السلام از او با نام معصومه یاد کرده است. حضرت معصومه در سال ۲۰۱ قمری به درخواست برادرش امام رضا علیه السلام و برای دیدار او از مدینه راهی ایران شد؛ اما در راه بیمار شد و به درخواست قمی‌ها به قم رفت و در خانه شخصی به نام موسی بن خزرج اشعری ساکن شد و پس از ۱۷ روز درگذشت. جنازه وی در قبرستانی به نام بابلان (حرم کنونی) دفن شد. سید جعفر مرتضی عاملی بر این باور است حضرت معصومه علیها السلام در ساوه مسموم و شهید شده است. شیعیان فاطمه معصومه علیها السلام را بزرگ می‌دارند، برای زیارت او اهمیت قائل‌اند و روایاتی درباره او نقل می‌کنند که از شفاعت وی برای شیعیان سخن گفته شده و بهشت پاداش زیارت او دانسته شده است. گفته شده پس از حضرت زهرا علیها السلام، او تنها زنی است که از امامان برای او زیارتنامه روایت شده است.

## دودمان

بانو حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)، دختر حضرت امام کاظم (علیه السلام) و خواهر حضرت امام رضا (علیه السلام) است. شیخ مفید در کتاب الارشاد در میان دختران امام کاظم (علیه السلام) از دو دختر به نام‌های فاطمه کبرا و فاطمه صغرا نام برده، اما مشخص نکرده کدام یک حضرت معصومه هستند. ابن جوزی از علمای اهل سنت در قرن ششم قمری هم به چهار دختر به نام فاطمه در میان دختران امام کاظم اشاره کرده؛ اما او نیز از اینکه حضرت معصومه کدام یک بوده، سخن نگفته است. به گفته محمد بن جریر، نویسنده دلائل الامامة مادر حضرت معصومه، نجمه خاتون نام دارد که مادر امام رضا (علیه السلام) نیز هست.

## تاریخ تولد و وفات

در منابع قدیمی شیعه، تاریخ ولادت و وفات فاطمه معصومه بیان نشده است. در کتاب نورالآفاق، تاریخ ولادت حضرت معصومه (علیها السلام) ۱ ذی القعدة سال ۱۷۳ق و تاریخ وفات او ۱۰ ربیع‌الثانی سال ۲۰۱ق ذکر شده و از آن کتاب به دیگر کتاب‌ها راه یافته است.

## لقب‌ها

معصومه و کریمه اهل بیت (علیهم السلام) لقب‌های مشهور فاطمه دختر امام کاظم (علیه السلام) اند. گفته‌اند «معصومه» از روایتی منتسب به امام رضا (علیه السلام) اخذ شده است. در این روایت که در زاد المعاد، نوشته محمدباقر مجلسی آمده است، امام رضا (علیه السلام) از او با نام معصومه یاد کرده است. فاطمه معصومه (علیها السلام) را امروزه «کریمه اهل بیت» هم می‌خوانند.

## ازدواج

به نوشته کتاب ریاحین الشریعه، معلوم نیست که حضرت معصومه علیها السلام ازدواج کرده است یا نه و اینکه فرزند داشته است یا خیر؛ البته مشهور است که حضرت معصومه علیها السلام هرگز ازدواج نکرده است. یعقوبی، تاریخ‌نگار قرن سوم هجری، نوشته است: امام کاظم علیه السلام وصیت کرده بود که هیچ‌یک از دخترانش ازدواج نکنند؛ اما به این سخن اشکال کرده‌اند که چنین سفارشی در وصیت‌نامه‌ای که کلینی در کتاب کافی از امام کاظم علیه السلام نقل کرده، نیامده است. برخی از محققان عدم ازدواج حضرت معصومه علیها السلام و خواهرانش را شدت اختناق حکومت عباسیان و به ویژه هارون و مأمون دانسته‌اند، نه وصیت پدر، و نه نبودن همسر متناسب و هم کفو، که همین باعث شده بود احدی جرئت نکند به راحتی به خانه موسی بن جعفر علیه السلام و بعد از او فرزندش رفت و آمد داشته باشد و داماد آن خانواده گردد. از طرف دیگر، زندانی شدن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و سرانجام شهادت او، و احضار شدن حضرت رضا علیه السلام به خراسان و دورافتادن از خواهران، مزید بر این علت بود.

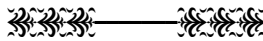
### سفر به ایران، ورود به قم و درگذشت

برپایه کتاب تاریخ قم، حضرت معصومه در سال ۲۰۱ قمری برای دیدار برادرش امام رضا علیه السلام از مدینه راهی ایران شد. بر اساس نقلی که باقرشریف قَرشی تاریخ‌پژوه شیعه، از کتاب «جوهره الکلام فی مدح السادة الاعلام» آورده، دلیل مسافرت حضرت معصومه علیها السلام به ایران نامه‌ای بود که امام رضا علیه السلام برای وی فرستاده بود و در آن از او خواسته بود به

زندش در خراسان بود. امام رضا علیه السلام در آن زمان ولی عهد مأمون، خلیفه عباسی، بود و در خراسان سکونت داشت. حضرت معصومه در میان راه بیمار شد و درگذشت. به باور سید جعفر مرتضی عاملی، حضرت معصومه علیها السلام در ساوه مسموم و شهید شده است.

در خصوص علت رفتن او به قم دو گزارش وجود دارد: طبق گزارش نخست، وی در ساوه بیمار شد و از همراهانش خواست او را به قم ببرند. بنابر گزارش دوم که نویسنده تاریخ قم آن را درست‌تر دانسته، خود قمی‌ها از او خواستند به قم برود.

حضرت معصومه در قم در خانه شخصی به نام موسی بن خزرج اشعری ساکن شد و پس از ۱۷ روز درگذشت. جنازه ایشان را در قبرستانی به نام بابلان (حرم کنونی) دفن کردند.<sup>۱</sup>



### پرسش‌های اخلاقی و معرفتی از محضر فرزندانگان

پرسش: گناه چه اثری در نزول سختی‌ها، مشکلات، رنج‌ها و بلاها، بر فرد و جامعه دارد؟

پاسخ: گناه، می‌تواند علت اموری باشد که در سوالتان ذکر کرده‌اید؛ در کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «هیچ رگی زده نمی‌شود و پائی به سنگ نمی‌خورد و درد سر و مرضی پیش نمی‌آید مگر

به جهت گناهی که انسان مرتکب شده است و همین است که خدای عزوجل در کتابش فرموده: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ﴾ هر مصیبتی به شما رسد، برای کاری است که بدست خود کرده اید و خدا از بسیاری هم گذشت می‌کند. سپس ایشان فرمودند: آن مقدار که خداوند می‌بخشد، بیش از آن مقداری است که مؤاخذه می‌کند». در کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «گاهی اوقات یکی از شما از پادشاه، بسیار می‌ترسد و این غیر از برای انجام گناهان نیست، تا می‌توانید از انجام گناهان دوری کنید و بر انجام آن‌ها اصرار نداشته باشید؛ گاهی اوقات نیز ارتکاب معاصی باعث پیدایش بلاهای جدید می‌شود؛ در کافی از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند: «هرگاه مردم به گناهایی تازه که قبلاً به انجام آن نمی‌پرداختند، آلوده شوند، با بیماری‌ها و مشکلات جدید که برایشان نا آشنا خواهد بود مواجه می‌گردند».

**پرسش: آیا گناهان اثری در عدم قبول کلام نیکوکاران و عدم توفیق دست‌یابی به هدایت دارند؟**

**پاسخ:** گناهان باعث سیاهی قلب و قفل شدن آن، می‌شوند؛ پس از این دیگر آن قلب هدایت را قبول نمی‌کند. در کافی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «پدرم همواره می‌فرمود: چیزی بیشتر از گناه، قلب را فاسد نکند، قلب مرتکب گناهی می‌شود و بر آن اصرار می‌ورزد تا بالایش به پائین می‌گراید» یعنی سرنگون و وارونه می‌شود و سخن حق و موعظه در آن نمی‌گنجد و تاثیر نمی‌کند؛ همچنین در کافی از امام روایت شده که فرمودند: «هرگاه مرد گناهی کند در دلش نقطه سیاهی

برآید، پس اگر توبه کند، محو شود و اگر بر گناه بیفزاید، آن سیاهی افزایش یابد تا بر دلش غالب شود، سپس هرگز رستگار نشود». شاهد این مطلب از قرآن کریم هم آیه شریفه ذیل است: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» «چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است!».

**پرسش:** گناه چه اثری در نزول سختی‌ها، مشکلات، رنج‌ها و بلاها، بر فرد و جامعه دارد؟

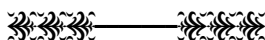
**پاسخ:** گناه، می‌تواند علت اموری باشد که در سؤالتان ذکر کرده‌اید؛ در کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «هیچ رگی زده نمی‌شود و پائی به سنگ نمی‌خورد و درد سر و مرضی پیش نمی‌آید مگر به جهت گناهی که انسان مرتکب شده است و همین است که خدای عزوجل در کتابش فرموده: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ﴾ هر مصیبتی به شما رسد، برای کاری است که بدست خود کرده‌اید و خدا از بسیاری هم گذشت می‌کند. سپس ایشان فرمودند: آن مقدار که خداوند می‌بخشد، بیش از آن مقداری است که مؤاخذه می‌کند». در کافی از امام صادق نقل شده که فرمودند: «گاهی اوقات یکی از شما از پادشاه، بسیار می‌ترسد و این غیر از برای انجام گناهان نیست، تا می‌توانید از انجام گناهان دوری کنید و بر انجام آن‌ها اصرار نداشته باشید؛ گاهی اوقات نیز ارتکاب معاصی باعث پیدایش بلاهای جدید می‌شود؛ در کافی از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند: «هرگاه مردم به گناهی تازه که قبلاً به انجام آن نمی‌پرداختند، آلوده شوند، با بیماری‌ها و مشکلات جدید که برایشان ناآشنا

خواهد بود مواجه گردند».

**پرسش:** آیا گناه بر رزق انسان هم اثر دارند؟

**پاسخ:** گناه باعث کم شدن روزی می‌شود؛ در کافی از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: «همانا بنده مرتکب گناه می‌شود و روزی از او برکنار می‌گردد»؛ همچنین روایت شده که امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر گاه خداوند بر امتی خشم گیرد و بر آن عذاب نازل نکند، قیمت‌ها در آن بالا می‌رود، آبادانی‌اش کاهش می‌یابد، بازرگانانش سود نمی‌برند، میوه‌هایش رشد نمی‌کنند، جوی‌هایش پُر آب نمی‌گردند، باران بر آن فرو نمی‌بارد، و بدانش بر آن سلطه می‌یابند»<sup>۱</sup>.

\*منبع: پرسش‌ها و پاسخها، جلد دوم، برگرفته از سخنان و سخنرانی‌های مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظلّه، به کوشش مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.



## آشکارا صلوات فرستادن

آشکارا صلوات فرستادن بر حضرت محمد و خاندان طاهر او، موجب رحمت و مغفرت الهی و از مظاهر دفاع و مقابله با بی‌حرمتی به ایشان است

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی یعقوبی رحمته الله علیه در چهارشنبه ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۴۴ برابر با ۲۰۲۲/۱۱/۱۶، بر سخنان سابقشان در خصوص ضرورت پاسخ به تجاوز و بی حرمتی به مقام شامخ پیامبران علیهم السلام و بویژه آخرین برگزیده آسمانی، رسول اکرم حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله با وسایل و راه‌های متمدنانه جدید، که در سطح این بی حرمتی و جسارت به مقام مقدس این پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله باشد تأکید کردند. ایشان یکی از نمونه وسایل مقابله را آشکارا و با صدای بلند صلوات فرستادن بر ایشان دانستند و به آیه مبارکه ۵۶ سوره احزاب استناد کردند که فرمود **﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾** خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و آن گونه که شایسته است، تسلیم او باشید.

ایشان در جلسه تفسیری که در جمع طلاب حوزه علمیه که در پایان هفته درسی در دفتر خود در نجف اشرف برگزار شد فرمود: بسیار صلوات فرستادن نماد نقد و پس زدن کسانی که به ایشان صلی الله علیه و آله جسارت و بی حرمتی کردند می‌باشد، متأسفانه حتی در برخی از کشورهای مسلمان هم این حرکت ناشایست بی حرمتی و جسارت به پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته است.

در صلوات فرستادن یک نوع ثبات قدم و استحکام در ارتباط با این ریسمانهای محکم و معصومین و پیروان آنها دارد، آنها بر پیامبرشان درود و صلوات می‌فرستند و پیامبر نیز بر آنها درود و صلوات می‌فرستد، خداوند در آیه ۵۴ سوره انفال می‌فرماید: **﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ﴾**



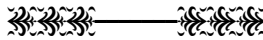
سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ﴿ هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: سلام بر شما؛ و در آیه ۱۰۳ سوره توبه می‌فرماید: ﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو مایه آرامش آنهاست، و خدا شنوا و داناست.

و در همین راستا ایشان درس‌هایی از تفسیر این آیه را بیان فرمودند از جمله: خداوند هنگامی که امر به صلوات کرد اول خودش بر پیامبر صلوات فرستاد، سپس فرشتگان و پس از آن مؤمنان را ذکر کرد، این برای این است تا مقام پیامبر تعظیم و بزرگ معرفی شود تا مردم او را دوست بدارند، و مؤمنان را متوجه سازد که برگزیده شدید تا با صلوات فرستادن در انجام فرمان خداوند متعال هم‌ردیف فرشتگان هستید، در عین حال متضمن یک نکته تربیتی هم هست و آن اینکه اگر یک کار پسندیده‌ای باید انجام شود اول باید از خودمان شروع کنیم.

همچنین درس دیگر، ممنوعیت غلو است، در اوج تعلق و محبت به پیامبر، اگر خواستی بر او صلوات بفرستی، از خداوند بخواه که بر او درود بفرستد، پس توجه تو باید اول به خداوند متعال باشد.

همچنین ایشان خاطر نشان شدند که صلوات بر پیامبر کامل نخواهد بود مگر اینکه بر اهل بیت (علیهم‌السلام) ایشان نیز باشد. و این از شیعه و اهل سنت به تواتر و با دهها روایت نقل شده که همین معنا را تاکید می‌کند؛ مضاف بر آن مستحب است صلوات به صورت آشکار و با صدای بلند بر پیامبر و اهل بیت ایشان فرستاده شود تا موجب ثبات قدم بر باورها و استحکام وابستگی به آنان و فرمانبرداری از رهبری که در پیامبر و اهل بیت ایشان صلوات الله و تسلیماته متجلی شده و کسانی که امامان سفارش کردند که در

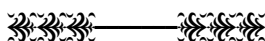
زمان غیبت از آنها تبعیت و فرمانبرداری کنید شود. ایشان از این جسارت و بی حرمتی که با حمله به شخصیت پیامبر و استهزا و تمسخر و دروغ به این وجود مبارک که خداوند او را مایه رحمت برای جهانیان فرستاد ابراز تأسف کردند، شخصیتی که کل جهان یعنی خداوند و فرشتگان و مومنان بر او صلوات و درود می فرستند؛ همچنین ایشان تأکید کردند افرادی که به مقام این پیامبر تجاوز و جسارت کنند خودشان را از این نعمت و رحمت بزرگ محروم می سازند، و خودشان را از این جهان پاک و زیبا و مبارک که تمام آن بر او صلوات و درود می فرستند خارج می کنند.<sup>۱</sup>



## ضرورت توجه به اخلاق

از منظر مقام معظم رهبری دام ظلّه رهبر فرزانه انقلاب علت اصلی مشکلات را غفلت از امور معنوی و ارزشهای اخلاقی میدانند و میفرمایند:  
امروز علت اصلی بسیاری از مشکلات بشری در نظامهای مختلف، ناشی از غفلت از معنویت و گرایش به سوی مادیگری و مادپرستی است. بحران اخلاقی معاصر نابودی بشریت را به همراه خواهد داشت و باید اندیشمندان جهان و دلسوزان بشریت برای احیای ارزشهای اخلاقی قیام

جدی نمایند. گاهی افراد تمام سعی و تلاش خود را صرف تحصیل دانش نموده و به اخلاق بی توجه یا کم توجه هستند، غافل از اینکه علم بدون اخلاق آفت جامعه است و زمانی دانش می‌تواند مفید باشد که در حوزه‌های گوناگون اعم از فردی و اجتماعی اخلاق حاکم باشد.<sup>۱</sup>



### اشاره‌ای به پایان زندگی غمبار حضرت فاطمه سلام الله علیها

در چند ماه پایانی زندگی فاطمه علیها السلام حوادث ناگواری برای او اتفاق افتاد؛ چنانکه گفته شده در این دوره هیچ کس زهر علیها السلام را خندان ندید. درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله، ماجرای سقیفه، غصب خلافت، مصادره فدک توسط و خواندن خطبه فدکیه در حضور صحابه، مهم‌ترین وقایع پایانی زندگی اوست. فاطمه در کنار علی علیه السلام یکی از مخالفان اصلی شورای سقیفه و خلافت ابوبکر بود؛ به همین دلیل مورد تهدید دستگاه خلافت قرار گرفتند که نمونه آن تهدید به آتش زدن خانه فاطمه است.

### حضور جدی و واکنش‌های سیاسی

فاطمه علیها السلام فعالیت‌های اجتماعی و موضع‌گیری‌های سیاسی متعددی داشته است. هجرت به مدینه، مداوای پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان جنگ احد، رساندن آذوقه برای پیامبر در جنگ خندق و همراهی‌اش در فتح مکه، از جمله فعالیت‌های وی قبل از رحلت پیامبر است؛ اما بیشتر فعالیت‌های

سیاسی فاطمه علیها السلام مربوط به دوران کوتاه زندگی اش پس از رحلت پیامبر است. از مهم‌ترین موضع‌گیری‌های سیاسی وی این موارد است: مخالفت با واقعه سقیفه و انتخاب خلیفه پس از پیامبر در آن، رفتن به خانه سران مهاجر و انصار برای اقرار گرفتن از آنان در خصوص شایستگی و برتری امام علی علیه السلام برای خلافت، تلاش برای بازپس‌گیری مالکیت فدک، خواندن خطبه فدکیه در جمع مهاجرین و انصار و دفاع از علی علیه السلام در ماجرای هجوم به خانه به باور برخی پژوهشگران، بسیاری از گفتارها و رفتارهای فاطمه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به نوعی واکنش سیاسی و اعتراض به غصب خلافت و طرفداران دستگاه خلافت بود.

### مخالفت با توطئه سقیفه

پس از تشکیل شورای سقیفه و بیعت عده‌ای با ابوبکر به عنوان خلیفه، فاطمه در کنار علی علیه السلام و شماری از صحابه نظیر طلحه و زبیر با این اقدام مخالفت کردند؛ زیرا در واقعه غدیر، پیامبر صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را جانشین خود معرفی کرده بود. بر اساس گزارش‌های تاریخی فاطمه به همراه علی به سراغ صحابه می‌رفتند و از آنان طلب یاری می‌کردند. صحابه در پاسخ به درخواست فاطمه می‌گفتند اگر پیش از آنکه با ابوبکر بیعت کنند چنین درخواستی می‌کرد، از خلافت علی علیه السلام حمایت می‌کردند.

### ماجرای فدک و خطبه فدکیه

پس از آنکه فدک از فاطمه علیها السلام گرفته شد و آن را به نفع خلافت مصادره کردند، فاطمه علیها السلام با این اقدام مخالفت کرد. او برای بازپس‌گیری فدک با

ابوبکر گفتگو کرد و پس از ارائه دلیل و شاهد، ابوبکر در نوشته‌ای فدک را از آن فاطمه دانست؛ اما عمر بن خطاب با بی‌احترامی آن نوشته را از فاطمه علیها السلام گرفت و پاره کرد. فاطمه پس از بی‌نتیجه ماندن تلاشش برای بازپس‌گیری فدک، به مسجد پیامبر رفت و در حضور صحابه خطبه‌ای، که بعدها به خطبه فدکیه مشهور شد، خواند و در آن، مصادره فدک و غصب خلافت را نکوهش کرد.

### همراهی با تحصن‌کنندگان مخالف خلافت غصبی

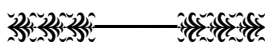
پس از معرفی خلیفه در سقیفه بنی ساعده و بیعت با او و نادیده گرفتن سخن پیامبر صلی الله علیه و آله بر جانشینی امام علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام به همراه علی علیه السلام، بنی‌هاشم و تعدادی از صحابه با این بیعت مخالفت کردند و در خانه فاطمه تحصن کردند. عباس بن عبدالمطلب، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمار بن یاسر، مقداد، اُبَی بن کعب، و گروهی از بنی‌هاشم از جمله تحصن‌کنندگان بودند.

### دفاع از علی علیه السلام در واقعه هجوم به خانه

به دنبال هجوم دستگاه خلافت به خانه علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام در مقابل مهاجمان ایستاد و از بردن اجباری علی علیه السلام برای بیعت ممانعت کرد. عمر به همراه عده‌ای، از تحصن‌کنندگان خواست از خانه بیرون بیایند؛ سپس تهدید کرد در صورت سرپیچی از دستورش، خانه را آتش می‌زند. عمر به همراه دیگر مهاجمان با خشونت وارد خانه شدند. در این میان، حضرت فاطمه علیها السلام مهاجمان را تهدید کرد که اگر از خانه بیرون نروند به خدا شکایت خواهد کرد. از این رو مهاجمان خانه را ترک کردند و به جز

علی و بنی‌هاشم همه تحصن‌کنندگان را به مسجد بردند تا با ابوبکر بیعت کنند.

مهاجمان پس از آنکه از تحصن‌کنندگان به اجبار بیعت گرفتند، برای آنکه از امام علی علیه السلام و بنی‌هاشم نیز بیعت بگیرند، دوباره به خانه فاطمه علیها السلام هجوم بردند و در خانه را آتش زدند. فاطمه که پشت در قرار داشت، بر اثر آتش و فشار و ضربه بر درب خانه، مجروح و جنینش سقط شد. فاطمه علیها السلام پس از این ماجرا در بستر بیماری افتاد، و پس از مدت کوتاهی به شهادت رسید.<sup>۱</sup>



### پرسش‌ها و پاسخ‌ها در زمینه مهدویت

پرسش: در آثار کلامی و مکتوب دو اصطلاح «شروط ظهور» و «علائم ظهور» زیاد تکرار شده است؛ اگر امکان دارد تفاوت آنها را بیان فرمایید؟

پاسخ: اولین و مهم‌ترین فرقی که بین این دو اصطلاح هست، از تفاوت لغوی آنها روشن می‌گردد. شرط آن چیزی است که در تحقق مشروط، به صورت علی، مدخلیت دارد؛ مثلاً وجود آتش به تنهایی سبب سوزاندن نمی‌شود بلکه سوزاندن وقتی اتفاق می‌افتد که آتش با جسمی مماس گردد. در این سؤال هم مراد از شروط، اموری هستند که حصول ظهور

بدون آنها محال است و اگر ظهور بدون تحقق آن شروط اتفاق بیافتد، ابتر خواهد ماند.

اما علائم ظهور، اموری هستند که مدخلیت علی در تحقق ظهور ندارند اما، با توجه به آنها می‌توان حصول ظهور را حدس زد؛ همان‌طور که با وجود دود می‌توان وجود آتش را کشف کرد. در این مثال وجود آتش بدون دود ممکن است اما دود، نشانه‌ی وجود آتش است؛ بنابراین ظهور با شرائط آن به صورت سببی و ارتباط آن به علائم، دلالی خواهد بود.

پرسش: بنابر پاسخ قبل روشن می‌شود که علائم ظهور، در تحقق آن ضرورت ندارند؛ حال سؤال این است که فایده آنها چیست و چرا اهل بیت علیهم‌السلام آنها را ذکر کرده‌اند؟

پاسخ: همان‌طور که گذشت بروز علائم ظهور دخی در اصل ظهور ندارد اما به دلایل دیگری باید به آن توجه کرد مثلاً: توجه به این علائم باعث می‌شود که امام زمان علیه‌السلام را تکذیب نکنیم. در هر حال رابطه علائم و اصل ظهور، تنها ارتباطی کشفی و دلالی است.

پرسش: با توجه به پاسخ‌های فوق، ظاهراً شما اهمیت مسئله علائم ظهور را کم می‌دانید؛ اگر ممکن است علت آن را پاسخ دهید؟

پاسخ: برخی از آنچه باعث تقلیل اهمیت علائم ظهور می‌شود موارد ذیل است

- ضعف سندی برخی روایات؛ هر چند وقتی چند حدیث را با هم نگاه کنیم می‌توان به صدور آنها اعتماد کرد.
- اختلاف برخی از آنها با هم در جزئیات.
- قابلیت انطباق این علائم بر اتفاقات مختلف؛ مانند علامت «قتل سید

حسنى» که بخاطر آن ده‌ها نفر از ذریه امام حسن علیه السلام در دوران حکومت اموی و عباسی قیام کردند و به شهادت رسیدند. علامت دیگری که می‌توان آن را به مصادیق مختلفی تطبیق کرد، رسیدن ترک‌ها به بین النحرین است. این علامت بارها در تاریخ اتفاق افتاده خصوصاً در دوره عثمانی. خروج پرچم‌های سیاه از مشرق هم، از دیگر علائمی است که، قابلیت انطباق بر مصادیق بسیاری دارد و تاریخ آنها را ذکر کرده است.

• علائم در اختیار ما نیستند در حالیکه شروط، علی‌الخصوص شرط اصلی - که آمادگی برای یاری امام هست - در اختیار ماست؛ از آنجا که برای مکلفین، شناخت تکلیف و آنچه باید انجام دهد، اهمیت بیشتری دارد پس باید اهتمام اصلی را صرف مسئله شروط ظهور کرد.

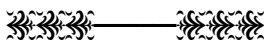
پرسش: سفارش شما برای کسانی که به علائم ایمان دارند اما در عین حال مراقب و مواظب نفس و رفتارهای خود نیست؟

پاسخ: اگر ما اهل ایمان و تقوی نباشیم، تحقق علائم ظهور و بلکه تحقق ظهور سودی به حال ما نخواهد داشت چراکه نمی‌توانیم امام را یاری دهیم؛ بنابراین باید اهتمام و توجه اصلی به این مسئله منعطف شود که چگونه می‌توان به مقام نصرت امام زمان علیه السلام رسید و شرائط ظهور را رقم زد؛ و الا زمان ظهور امام علیه السلام همزمان با نابودی ما خواهد بود. باید در این آیات شریفه تدبر کرد که خداوند می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ، قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ، فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ﴾ «می‌گویند: اگر راست می‌گویید این فتح و پیروزی کی خواهد بود؟ بگو روز فتح و پیروزی، کسانی که کفر ورزیدند، نه ایمان آوردنشان سود می‌دهد و نه به آنان



مهلت داده می‌شود. پس از آنها روی برگردان و منظر باش که آنان هم منتظرند» و همچنین می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُمْتَظِرُونَ﴾ «آن زمان که برخی نشانه‌های پروردگار تحقق یابد، ایمان آوردن کسی که پیش از این ایمان نیاورده یا در حال ایمانش عمل شایسته‌ای انجام نداده، سودی نخواهد داشت. بگوشما منتظر باشید و ما هم منتظریم»؛ بی شک یکی از مصادیق «روز فتح»، روز ظهور است؛ آن روز به حال کسی سودی ندارد مگر کسی که تهذیب نفس کرده باشد و به همراه ایمان، عمل صالح انجام داده باشد؛ این معنای واقعی انتظار است.<sup>۱</sup>

\*منبع: پرسش‌ها و پاسخ‌ها جلد اول، برگرفته از سخنرانی‌ها و بیانات حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته‌الله، بکوشش مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور



## حضرت صدیقه طاهره فاطمه علیها السلام به برپایی دین خداوند متعال و پیروی از ائمه دعوت می‌کند

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته‌الله در سه شنبه ۳-جمادی الثانیه-۱۴۴۴ هـ، مطابق با ۲۷-۱۲-۲۰۲۲ م، بر

سخنان گذشته خود در ضرورت اجابت دعوت قرآنی در برپایی دین خداوند و هدایت مردم به آنچه در آن خیر دنیا و آخرت و اصلاح امورشان است تاکید کردند، و فرمودند این حرکت باید از درون خانواده شروع شود سپس به جامعه سرازیر شود، و همه وسایل لازم بویژه فضای مجازی برای تحقق هدف بکار گرفته شود، چراکه بسیار گسترده و تاثیرگذار و فرامرزی است، با این روش خانواده و جامعه می‌تواند به خیر عمومی و زندگی سعادت‌مند و آرامش برسد.

ایشان رحمته‌الله در سخنرانی سالانه فاطمی که در جمع هزاران نفر از زائران حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ۳ جمادی الثانیه در میدان ثوره العشرین نجف اشرف ایراد کردند\* به حتمی بودن فرا رسیدن روزی که در آن بشریت با برپایی دین خداوند متعال و سیطره آن بر تمام دستگاهها و ایدئولوژیهای انسانی به سعادت می‌رسد اشاره کردند، و فرمودند که در آن روز در نعمتها و برکات به صورت غیر قابل تصور باز می‌شود همانگونه که در روایات بیان شده است که زندگی طیب و توأم با آرامش و آسایش و رفاه در سایه دولت مبارک ایجاد می‌شود.

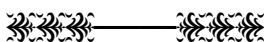
خاطر نشان شدند که برپایی دین به معنای رفتارهای عبادی که انسان در ارتباط خود با خداوند انجام می‌دهد نیست، بلکه یعنی قانونی است که برای تنظیم و هماهنگی زندگی انسان با کل جهان است.

در این راستا ایشان بیان کردند این نعمتهای همراه با برکت، در واقع همان نعمتهای خالص و طیب که زندگی بهتری برای انسان به ارمغان می‌آورد که در آن دوام و بالندگی است می‌باشد و مانند دیگر نعمتهای

اللہی کہ شامل تمام بندگان حتی گناہکاران باشد نیست این نعمت عمومی برای ادامه حیات مادی و تنہا وبال گردن آنها می‌شود و سبب فرو رفتگی بیشتر در آثار زیانبار رفتارهای عصیان آمیز آنها می‌شود.

همچنین ایشان به جوامع غربی اشاره کردند کہ آنها پس از آنکہ دو جنگ جهانی راہ انداختند کہ در آن دهہا ملیون انسان کشته و سرزمین‌های آنها ویران شد، نسل جدیدی بوجود آمد و عافیت و رفاه و عیش، و انواع نعمتہا شاملشان شد اما هدف اول آنها شہوت و لذت جویی بی حد و مرز شد تا جایکہ قانون همجنس گرایی و سقط و کشتن جنین در شکم زنان باردار را تصویب کردند، و جوامع ضعیف را بہ بردگی و بندگی کشاندن، و عریان و برهنہ در ملاء عام ظاهر شدن، و نعمتہایی کہ خداوند متعال بہ آنها داد را در راہ گناہ استفادہ کردند، و گمان می‌برند کہ از آنچه کہ گذشتگانشان بہ آن امتحان و مبتلا شدند امتحان نمی‌شوند، اما می‌بینیم کہ آثار رفتارهای زشت و قبیح آنها در حال ظهور و بروز است مانند بی بند و باری اخلاقی، عدم ہمبستگی اجتماعی، انقراض نسل، بیماری‌های کشندہ، خشکسالی، مشکلات اقتصادی در غذا و نیرو، ترس و دلہرہ از آیندہ‌ای نامعلوم و ترسناک.<sup>۱</sup>

\*بر اساس آیہ مبارکہ ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ [اعراف: ۹۶] و اگر اهل آن آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشہ می‌کردند، مسلماً درہای برکاتی را از آسمان و زمین بر آنها می‌گشودیم.



## ميلاد حضرت زهرا عليها السلام و روز مادر

بر اساس دیدگاه رایج شیعیان، حضرت فاطمه علیها السلام در سال ۵ بعثت مشهور به سنّه آحقافیه (سال نزول سوره احقاف) متولد شد. فاطمه علیها السلام فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام است. به اتفاق مورخان، فاطمه در مکه و در منزل خدیجه در محلی به نام زُقاق (کوچه، گذرگاه) العطارین و زُقاق الحجر در نزدیکی مَسعی به دنیا آمد.

شیخ مفید و کفعمی سال دوم بعثت را زمان تولد فاطمه علیها السلام دانسته‌اند. طبق دیدگاه رایج اهل سنت، ولادت فاطمه علیها السلام پنج سال پیش از مبعث بود. در منابع شیعه، روز تولد فاطمه علیها السلام ۲۰ جمادی الثانی ذکر شده است.

### القاب و کنیه ها

برای فاطمه علیها السلام القاب متعددی (در حدود ۳۰ لقب) یاد شده است. زهرا، صدیقه، مُحدّثه، بَتول، سیده نساء العالمین، منصوره، طاهره، مُطهره، زکیّه، مبارکه، راضیه، مرضیه از مشهورترین القاب فاطمه‌اند. برای فاطمه علیها السلام چند کنیه گفته شده است: أمّ ابیها، أمّ الائمّه، ام‌الحسن، ام‌الحسین و ام‌المحسن.

سوره کوثر، آیه تطهیر، آیه مودت و آیه اطعام و احادیثی چون حدیث بَضعه در شأن و فضیلت فاطمه نازل و نقل شده‌اند. در روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را برترین زن در دو عالم معرفی کرده و خشم

و خشنودی او را خشم و خشنودی خداوند دانسته است.

## دوران کودکی

درباره دوران کودکی و نوجوانی فاطمه علیها السلام گزارش‌های کمی وجود دارد. از این دوران فقط گزارش‌هایی درباره همراهی او با پیامبر در مقابل خشونت‌های مشرکان، حضور او در شعب ابی‌طالب و هجرت به مدینه همراه امام علی علیه السلام نقل شده است.

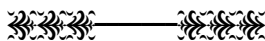
فاطمه علیها السلام در سال دوم هجرت با امام علی علیه السلام ازدواج کرد. انجام فعالیت‌های اجتماعی و همراهی با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در برخی از جنگ‌ها از جمله فتح مکه از جمله کارهای او بعد از هجرت بود.

بر اساس گزارش‌های تاریخی، پس از آشکار شدن دعوت پیامبر، فاطمه در برخی موارد شاهد خشونت‌های مشرکان علیه پدرش بود. علاوه بر این، سه سال از دوران کودکی فاطمه، در شعب ابی‌طالب و تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی مشرکان علیه بنی‌هاشم و پیروان پیامبر اسلام گذشت. فاطمه همچنین در کودکی، مادر خود خدیجه و عمو و حامی مهم پدرش، ابوطالب را از دست داد. تصمیم قریش برای قتل پیامبر صلی الله علیه و آله خروج شبانه پیامبر از مکه و هجرت به مدینه، و هجرت فاطمه به مدینه همراه با علی علیه السلام و برخی از زنان، مهم‌ترین رخداد‌های کودکی زهرا علیها السلام بوده است.

تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام، مصحف فاطمه، خطبه فدکیه بخشی از میراث معنوی فاطمه است. مصحف فاطمه علیها السلام کتابی است شامل سخنانی که فرشته الهی به او الهام کرده و امام علی علیه السلام آنها را نوشته است. این

صحیفه بنابر روایات، در دست امامان بوده و هم‌اکنون در دست امام زمان علیه السلام است.

چرا روز تولد حضرت فاطمه علیها السلام را روز مادر نامیده اند؟  
 حضرت فاطمه علیها السلام نمونه‌ای بارز از بهترین مادر و از باب زن و همسری،  
 بهترین بانو بودند. زندگی و سیره حضرت زهرا علیها السلام به قدری آموزنده و  
 جذاب است که هر زن آزاده‌ای در جهان او را همچون قدیسه‌ای تحسین  
 کرده و الگوی خود در ایمان، تقوا، صبر، پوشش و حجاب، عفاف و صداقت  
 و راستگویی و... قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>



### طوفان الاقصی، قتال فی سبیل الله

از میان فقهای نامی نجف اشرف، نگاه آیت الله العظمی شیخ محمد  
 یعقوبی رحمته الله علیه به فلسطین و راهی که رزمندگان غزه با شعار طوفان الاقصی  
 پیش گرفته‌اند ممتاز و کاملاً منطبق با آیات الهی بوده که جنگ و دفاع  
 از خاک و خانواده و حمله سرافرازانه آنها بر علیه غاصبان کودک‌کش را  
 قتال فی سبیل الله و تأییدی بر فرمایش نبوی «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْاِيْمَانِ»  
 می‌داند.

او در نوشته‌ها و بیانیه‌های خود از جمله در کتاب "القضايا العربية فی  
 وجدان النجف الاشرف" علاوه بر نگاه پیشین و در همین راستا

شاخص‌های مهم یک جهاد ایده آل و تکلیف عالمان و فقیهان دینی در مقابل چنین جهادی را مشخص می‌نماید.

آیت الله یعقوبی «بَسْطَةَ فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»، یعنی توانایی و دانش مدیریت و فرماندهی مقتدر و آگاه را شرط لازم جهاد برمی‌شمرد. این عالم نواندیش، هر نوع حرکتی نظیر حمله مظلومانه و مظلومیت مهاجمانه مردم غزه که شجاعانه و آزادانه و از سر اعتقاد در راستای دفع مهاجم و نجات وطن و تصرف خاک خود و نه تجاوز به دیگران باشد را جهاد فی سبیل الله به حساب می‌آورد.

فقیه برجسته حوزه علمیه نجف اشرف، به هشدار می‌دهد که قرآن کریم به فقیهان و عالمان می‌دهد تا توجیه‌گر ظلمِ ظالمان نباشند توجه دارد و آن را بن‌مایه رسالت اصلی حوزه‌های علمیه و پرورش یافتگان آن بر می‌شمرد.

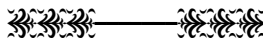
او بر اساس پیمانی که خداوند از علما و آگاهان گرفته‌است تا «دین خدا را بر مردمان آشکار کنند و پنهان مدارند» و دل‌نگرانی ستمگر را به آسودگی تبدیل نکنند و راه گمراهی را بر او آسان نسازند، همواره - از همان سال‌های خفقان صدامی که کتاب "ولایت فقیه" امام خمینی (ره) را در نجف اشرف تدریس می‌کرد - ترس از فردای قیامت و همنشینی برخی عالمان با خیانتکاران به خاطر توجیه ظلم غاصبان و ظالم را مظلوم و مظلوم را ظالم جلوه دادن، نهیب می‌زد؛ مبدا آن‌چه از علم و دانشی که برگرفتید و به ستمکاری ستمگران کمک کردید وبال قبر و قیامت‌تان شود!!

مبدا از شما بپرسند چرا به کسی نزدیک شدی که حق هیچ‌کس را

نمی‌داد و چرا در آن هنگام که تو را به خود نزدیک می‌کرد از باطلی جلوگیری نکردی و چرا با دشمن خدا دوست شدی و تو هیچ پاسخی نداشتی باشی!!

آیت‌الله یعقوبی هر نوع همکاری و همگامی با ستمگران را آفت دین، دنیا و عقبای کسانی می‌داند که پلی برای گذشتن دشمنان دین و انسانیت شده و فریبکاری‌های آنان را توجیه کرده باشند. کسانی که در ردای علم و فقاقت بودند اما ستمگران به وسیله آنها حتی علما را به شک انداختند و دل‌های نادانان را به سوی خود جلب کردند!!

\*حسینی دورود



## روز جهانی عفاف

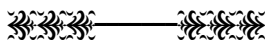
مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد یعقوبی دامت‌الله روز پنجم جمادی الاول سالروز میلاد حضرت زینب کبری دختر امیرالمومنین و فاطمه زهرا علیها السلام را به این عنوان (روز عفاف) انتخاب و نامگذاری کردند شخصیتی که عفاف و حجاب را به بهترین شکل به نمایش گذاشت در حالیکه در بدترین و سخت‌ترین شرایط و آزار و ستم بعد از شهادت برادرش امام حسین علیه السلام در مجلس عبیدالله و یزید قرار



گرفته بود.

ایشان در طی سخنرانی که در حضور جمعی از جوانان پس از گذراندن دوره آموزشی (آماده سازی جوانان برای آینده) شرکت کردند و به دیدار ایشان رفته بودند خاطر نشان کردند که برنامه و فعالیت‌هایی را برای معرفی کردن این رفتار اخلاقی و ارزشی و آثار مبارک آن را در ضمن فعالیت‌های خود داشته باشند که آثار بزرگ و شگرفی در زندگی فردی و اجتماعی دارد چراکه در روایتی از امیرالمومنین علیه السلام وارد شده است که (العفة رأس کل خیر) و (أفضل العبادة العفاف) به این معنا که عفت اساس هر خیر است، و با فضیلت‌ترین عبادات عفت است.

ایشان در ادامه به این نکته اشاره کردند که عفت تنها مخصوص زنان و ناظر به پوشش او نیست و تنها ناظر به تعامل دو جنس مرد و زن با یکدیگر نیست بلکه عفت معنای وسیعی دارد که عفت در کسب مال، عفت دست، عفت زبان، عفت چشم و غیر آن را هم شامل می‌شود، لذا باید فعالیت‌هایی که در راستای ترویج و تبلیغ این مناسبت باشد را سروسامان داد بگونه‌ای که معنا و گستره حقیقی آن به بیراهه کشیده نشود.<sup>۱</sup>



## نهضت فاطمی قیام برای نصرت الهی

خداوند متعال فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ﴾ [صف: ۱۴]. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاران خدا باشید. این دعوت خداوند متعال از تمام مومنان است به اینکه خداوند متعال و پیامبر او را در نشر اسلام و دفاع از آن یاری دهند. و این دعوت مایه شرافت انسان است و این سبب تعالی او خواهد شد چراکه این خالق آسمان و زمین و کسی که امور ملکوت آنها را به دست دارد که به یاری او دعوت می‌کند تا آنها را تشویق کند چراکه شرط تحقق اجر، داشتن اخلاص در این راه است نه طمع ورزی در آنچه که در نزد پیامبر اکرم است.

و این آیه مبارکه تصریح می‌کند که نصرت مورد نظر مشروط به آن است که برای خداوند متعال و راه او و اعتلای نام او و استواری دین او باشد. پس نصرتی که از روی تعصب قومی یا برای یک حزب یا شخصیت خاص یا هر عنوان دیگری باشد هیچ ارزش ندارد.

یاری طلبی خداوند از روی عجز و ضعف و نقص در قدرت و نیرو نیست چراکه او خود را به قدرت و نیروی مطلق توصیف کرده است. خداوند فرمود: او بر همه چیز توانا است و قدرت خاص خدا است و فتح و پیروزی نصیب کسی نمی‌شود مگر از جانب خدای توانای دانا.

خداوند متعال همه را به یاری طلبید تا فرصت طاعت و تکامل را برای همه فراهم سازد تا قدم در راه سیر به سوی بلندی بگذاریم و پله‌های کمال را طی کنیم. و در این مورد امیر المومنین علیه السلام فرمود: اگر خدا از شما یاری می‌خواهد نه از روی خوارمایگی است و اگر از شما وام می‌خواهد نه به سبب بینوایی است. از شما یاری خواسته در حالی که،

لشکرهای آسمان و زمین از آن اوست و اوست پیروزمند و حکیم و از شما وام می خواهد و حال آنکه، خزاین آسمانها و زمین از آن اوست و بی نیاز و ستوده است خداوند. می خواهد شما را بیازماید تا کدامیک از شما به عمل، بهتر از دیگران هستید پس به کارهای نیک دست یازید تا با همسایگان خدا در خانه خدا باشید. پس سوال این است که چرا خداوند از یک موجود ضعیفی مثل ما یاری طلبیده است؟

در پاسخ به آن می گوییم: یاری خداوند متعال در زمینه‌های مختلف نمود پیدا می کند اولین آنها نفس است که مهمترین زمینه نصرت خداوند متعال است. خداوند فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب نفس خود باشید! و از حضرت امیر المومنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: میدان اول شما نفس شماست پس قبل از حسابرسی به آن خود حسابرسی کنید و آن را بسنجید قبل از اینکه سنجیده شوید که اگر بر آن توانا باشید بر غیر آن توانا تر خواهید بود.<sup>۱</sup>

\*بخشی از سخنرانی سالانه فاطمی حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه در جمع عزاداران فاطمی در سوم جمادی الثانی ۱۴۴۳ هـ - نجف اشرف.



### نَاحِلَةُ الْجِسْمِ، بَاكِیَّةُ الْعَیْنِ یَعْنِی فَاطِمَةَ عَلَیَّكَ

در چند ماه پایانی زندگی فاطمه علیها السلام حوادث ناگواری برای او اتفاق افتاد؛ چنانکه گفته شده در این دوره هیچ کس زهرا علیها السلام را خندان ندید. درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله، ماجرای سقیفه، غصب خلافت، مصادره فدک و خواندن خطبه فدکیه در حضور صحابه مهم‌ترین وقایع پایانی زندگی اوست. فاطمه در کنار علی علیه السلام یکی از مخالفان اصلی شورای سقیفه و خلافت جعلی آنان بود؛ به همین دلیل مورد تهدید دستگاه خلافت قرار گرفتند که نمونه آن تهدید به آتش زدن خانه فاطمه است. بیعت نکردن علی علیه السلام و مخالفان و تحصن آنان در خانه فاطمه موجب شد یاران خلیفه به خانه او حمله کنند و در این هجوم فاطمه به سبب ممانعت از بردن علی برای بیعتِ اجباری آسیب دید و فرزندش سقط شد. فاطمه علیها السلام پس از این واقعه در بستر بیماری افتاد و پس از مدت کوتاهی به شهادت رسید.

در کتاب الاحتجاج سخنانی نیز از او در جمع زنان مدینه که به قصد عیادت به خانه‌اش آمده بودند گزارش شده است که در بردارنده پاره‌ای دیگر از مواضع حضرت و اظهار ناراضیتی از مواضع مردم پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله است.

فاطمه به علی علیه السلام وصیت کرد مخالفانش در نماز گزاردن بر پیکرش و مراسم دفن او شرکت نکنند و از علی علیه السلام خواست شبانه وی را دفن کند. بر اساس دیدگاه مشهور، فاطمه علیها السلام در ۱۳ جمادی‌الثانی سال ۱۱ هجری قمری در مدینه به شهادت رسید. سن او را هجده سال گفته‌اند؛

اما در روایتی از امام باقر علیه السلام سن او ۲۳ سال ذکر شده است.<sup>۱</sup>



## مقامات اهل بیت علیهم السلام با محوریت حضرت فاطمه علیها السلام در کلام مرجعیت

آیت الله العظمی یعقوبی دامتله می گوید:

برخی از مقامات اهل بیت علیهم السلام را با محوریت حضرت فاطمه علیها السلام، دختر پیامبر، همسر علی و مادر ائمه، ذکر خواهیم کرد؛ البته باید توجه کرد که تمام این ویژگی ها، همان طور که برای ایشان ثابت هستند، در دیگر ائمه هم وجود دارند.

۱. مقام عصمت: چرا که قرآن (لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ) «هیچ باطلی از پیش رو و پشت سرش به سوی شما نمی آید، نازل شده از سوی حکیم و ستوده است»؛

۲. مقام علم: علم و احاطه آنها به تمام آنچه خداوند متعال به آنها تعلیم کرده است. خداوند در قرآن فرموده است (وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) «و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی است».

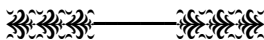
۳. مقام امامت، رهبری، حجیت و لزوم اطاعت: خداوند متعال می فرماید (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا)

۴. مقام معیت با قرآن: قرآن حق است چراکه خداوند فرموده است (هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ) و در جایی دیگر می‌فرماید (فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ) «سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آنچه را که وعده داده می‌شود، حق و یقینی است؛ همان گونه که شما [وقت سخن گفتن یقین دارید] سخن می‌گویید».

۵. مقام قیمومیت: قرآن نسبت به تمامی خلائق مقام برتری و تولی آنها را عهده دار است همان طور که خداوند متعال می‌فرماید: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا \* قَيِّمًا) «همه ستایش‌ها ویژه خداست، که این کتاب را بر بنده‌اش نازل کرد و برای آن هیچ گونه انحراف و کژی قرار نداد؛ کتابی درست و استوار و برپا دارنده مصالح حیات انسان».

۶. مقام برکت: قرآن به «مبارک» بودن توصیف شده است (وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ) و (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ).

۷. مقام اعتصام: یکی دیگر از خصوصیات قرآن پناهگاه بودن آن است. قرآن پناهگاهی برای امت از افتراق، دو دستگی و گمراهی است ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾<sup>۱</sup>  
\*منبع: پرسش‌ها و پاسخ‌ها ج ۱ ص ۷۲.



## راهکارهای عملی در تزکیه و تهذیب نفس از منظر مرجعیت

بسمه تعالی

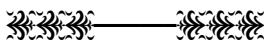
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

آیا انسان سالک الی الله، که بخواهد نفس خود را از رذایل و مانند آن پاک، و دلش را تطهیر کند و با نفس خود جهاد کند، اگر در اوج جوانی باشد بدون استادی که او را راهنمایی کند می‌تواند [موفق شود] توصیه شما که یک سفارش سرنوشت سازی است چیست؟ والحمد لله کما هو أهله.

بسمه تعالی

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

جهاد تو در این مرحله این است که از محرمات پرهیز کنی و به واجبات ملتزم شوی، و ادای نمازهای یومیه سر وقت تا آنجایی که ممکن است، و همچنین اگر میسر بود آن را به جماعت بخوانی خیلی مفید است، و همچنین نیکی به پدر و مادر، و کارهای خیرخواهانه به مقدار ممکن، و پرهیز از آزار و اذیت و ضرر زدن به دیگران؛ همه این اموری که گفته شد نیازی به استاد و مربی ندارند؛ بویژه اینکه بسیاری از مدعیان عرفان و سلوک در ادعای خود صادق نیستند و از آنها برحذر باشید؛ خداوند شما را به آنچه او دوست و راضی است موفق بدارد.<sup>۱</sup>



## زینب علیها السلام زینت پدر

زینب دختر امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام است. زینب به معنای «درخت نیکو منظر و خوشبو» یا «زینت پدر» است. بنابر برخی منابع، حضرت زینب علیها السلام در ۵ جمادی الاول، سال پنجم یا سال ۶ قمری در مدینه متولد شد.

بر اساس روایات متعدد، نام‌گذاری حضرت زینب علیها السلام توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفت. گفته شده است که جبرئیل از سوی خداوند این نام را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسانده است. در کتاب «الخصائص الزینبیه» آمده است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را بوسید و فرمود: «حاضران امّتم، غایبان را از کرامت این دخترم زینب آگاه کنند؛ همانا او مانند جدّه‌اش خدیجه است.»

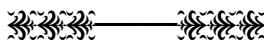
برای وی، القاب فراوانی نقل شده است، همانند عقیله بنی هاشم، عالمه غیر معلّمه، عارفه، موثّقه، فاضله، کامله، عابده آل علی، معصومه صغری، امینه الله، نائبه الزهرا، نائبه الحسین، عقیله النساء، شریکه الشهداء، بلیغه، فصیحه و شریکه الحسین.

حضرت زینب علیها السلام را به سبب سختی‌های بسیاری که در زندگی دید، ام المصائب نیز لقب داده‌اند. درگذشت جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بیماری و به شهادت رسیدن مادرش، شهادت پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام، شهادت برادرش امام مجتبی علیه السلام، واقعه کربلا و به اسارت رفتن در کوفه و شام



از جمله وقایع سخت و تلخ زندگی وی به شمار می آید. آیت الله العظمی یعقوبی در سخنی در مورد حضرت زینب فرمود: حضرت زینب علیها السلام از آن جهت که زنی از با شرافت ترین خاندانی که بشریت می شناخت، این نسبت خانوادگی، او را متوقف نمی کرد. بلکه او با برادرش امام حسین علیه السلام برای اجرای دومین بخش نهضت خارج شد. او این عمل پر برکت را از مادرش حضرت زهرا علیها السلام که پایه گذار حرکت بصیرت افزا و اصلاح و ایستادگی در مقابل ظلم و بی عدالتی بود به ارث برد.

در قسمتی دیگر از سخنرانی خود گفت: راز جاودانگی حضرت زینب علیها السلام قیام با اخلاص، فداکاری، از خودگذشتگی و مشارکت او با برادرش امام حسین علیه السلام برای خداوند در راه اصلاح امت از انحرافات که در آن رخ داده است بود.<sup>۱</sup>



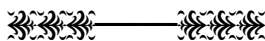
### قبسی از قرآن

**(وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ)**

بر مومنان لازم و واجب است که میدان را در همه جوانب و زوایا با بهره گیری از دستورات الهی پر کنند چه در زمینه های فکری، اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی؛ چون اگر میدان خالی شد

شیطان و پیروان او آن را پر می‌کنند؛ این همان است که آیه آن را مثال زد که وقتی از گروه صالح خارج شد و روش الهی را ترک کرد، به سرعت شیطان به دنبال او می‌رود و او را گمراه می‌کند و او را غوطه ور در ضلالت و گمراهی می‌کند.<sup>۱</sup>

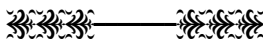
مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی رحمته الله علیه (من نور القرآن ۱۸۷)



### کمک کردن به دیگران به نیابت از امام زمان عجل الله فرجه

آیت الله العظمی یعقوبی رحمته الله علیه: مگر همیشه دعا نمی‌کنیم که خداوند ما را از کسانی قرار دهد که برای برآورده شدن نیازهای امام مهدی عجل الله فرجه تلاش کنند؟ پس بدانیم که تلاش برای حل مشکلات مؤمنین و دوستان و پیروانش از مصادیق تلاش برای برآورده کردن احتیاجات اوست، زیرا این کار از ماموریت‌های ایشان است. پس تلاش کنید در این کار، نیت شما این باشد که به نیابت از او این کارها را انجام دهید و در هنگام کمک به دیگران این مطلب را به آنان بگویید تا قلب و دلشان با امام و مولای خود پیوند بخورد تا آن شخص احساس کند که امام به وظیفه خود در قبال او عمل کرده است و هر کوتاهی و قصوری باشد از جانب ماست. و بدانیم که خود این اقدام در واقع یاری رساندن به امام مهدی عجل الله فرجه و دفاع از مفهوم مهدویت و پاسخی به شبهه نفع نداشتن امام در زمان

غیبت است.<sup>۱</sup>



## کتاب فقه الخلاف

درس خارج آیت الله العظمی یعقوبی دامت ظلته

کتاب (فقه الخلاف) عنوان درس خارج آیت الله یعقوبی دامت ظلته در بحث فقه استدلالی است. مرجع عالیقدر در مقدمه بخش اول درباره اسلوب و روش بحث می‌فرماید:

موضوع بحث استدلالی ما مربوط به مسائل خلافی می‌باشد، و شامل مباحث عمومی که آراء فقهاء مطرح می‌شود نمی‌باشد. چون بنا نیست که در تمام ابواب فقهی بحث کنیم چون جمیع فقها بر تمام مسائل اجماع مطبق ندارند مگر در مسائل ضروری مانند مسئله تقسیم ارث پسر عمومی ابوینی بر عمومی که فقط از طرف پدر باشد مقدم است.

ادعا می‌شود در این مسئله فقها اجماع دارند و آراء آنها با هم تطبیق دارد و این گونه مسائل را (مسئله اجماعی) می‌نامند، هر آنچه در این مسئله فقط سید شهید صدر ثانی اختلاف دارد اکنون ما به مسائل اختلافی می‌پردازیم، مسائلی که برای فقها معرکه علمی تشکیل داده و فقها با مطرح کردن نظرات عمیق و دقیق در آن به بحث می‌پردازند. البته این گونه مسائل در کتاب‌های فقهی انگشت شمار است که با روشن

کردن صورت مسئله راه جدال و بحث را کوتاه می‌کنیم چون عمر کوتاه به انسان فرصت تعمق در کل مسائل را نمی‌دهد و باید از فرصت برای حل مسائل مشکل و اختلافی بپردازیم.

مرجع عالیقدر عنوان بسیار دقیقی را برای بحث خارج انتخاب نموده است، چون ایشان در این درس مسائل خلافی را مطرح می‌کنند که قبلاً این مسائل در معرکه عمیق و دقیق علمی بین برجستگان و بزرگان مذهب که خود از وزنه‌های سنگین علمی بودند مطرح شده بود. آنها کسانی هستند که کوتاه‌ترین راه را جهت رسیدن به هدف معین (اجتهاد در احکام شریعت) را طی کرده‌اند. چون عمر انسان کوتاه است و نمی‌توان به همه مسائل فقهی را بحث نمود.

اضافه بر مسائل مختلفی که مورد بحث قرار گرفت به مسئله‌ای می‌پردازند که مورد ابتلاء بسیاری از مردم می‌باشد و آن مسئله درباره طلاق غیرصحیح است که در دادگاه رسمی طلاق داده شده و آن خانم با شخص دیگر ازدواج نموده است یا مسائلی که برای حل مشاغل اجتماعی یا اقتصادی و یا سیاسی مطرح می‌شود می‌پردازند.

گاهی ایشان مباحثی را مطرح می‌کنند که چگونه می‌شود آکادیمی امروزی را در استنباط مسائل فقهی بکار برد و از آن نتایج متعدد بدست می‌آورد و به این گونه مباحث را در کتاب (الریاضیات للفقهیة) بکار برده است.

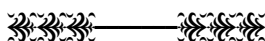
ایشان با انتخاب این عنوان به فرهنگ باحث گفت و شنود دامن زده و با انتخاب ادله و تقارب معلومات تشنجهای فکری را در آراء موضوعی برطرف می‌نماید.

با استفاده از این روش و نشر این فرهنگ می‌توانیم با فتنه‌گران جامعه اسلامی مبارزه نماییم. فتنه‌گران کسانی هستند که با بی‌رحمی رابطه برداری را بین مسلمین از بین می‌برند و از تفرقه مسلمین به هدف شوم خویش می‌رسند. پس باید با تمام قوا با آن‌ها مبارزه کرد، همانطور که بزرگان و علمای برجسته‌ی قدیم مانند: شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی رضی الله عنہم از این گونه روش علمی در کتاب‌هایشان استفاده می‌نمودند. خلاصه کلام: کتاب (فقه الخلاف) کتاب فقهی عمومی نیست چون در این کتاب اضافه بر آراء و نظرات و مقارنه احکام فقهی علماء ایشان به میزان استنباط خاص با استفاده از ادله جدید نظرات جدید خود را اعلام می‌فرمایند.

بی‌شک این کتاب بیانگر معلومات علمی و فقهاتی این عالم بزرگوار می‌باشد و این نشانگر پیشرفت ماهرانه ایشان است، و من معتقدم تألیف پنجمین جلد دوره‌ی فقهی ایشان اعلامیت ایشان را ثابت می‌کند چون مباحثی که در این پنج مجلد مطرح شده از عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل می‌باشد. از جمله مسئله‌ای که صاحب جواهر رضی الله عنہ می‌فرماید: کسی که نیت کرده است کمتر از مسافت از شهر دور شود مسئله‌ای که دهان‌ها بسته شد و قدم‌های علما متزلزل شد و همچنین در مسئله دیگر از مسائل مستحدثه که قبلاً در آن تعمق نشده بود و آن مسئله رمی جمرات به دیوار از طبقات بالا است و همچنین مسئله زکات مال التجاره است که زیاد درباره آن بحث فقهی استدلالی نشده است.

و بسیاری از مسائلی که این مرجع عالیقدر با جسارت کامل مطرح نموده و آراء علمای متقدمین و متأخرین را عرضه نموده و با احتیاط آراء

بعضی از علمای معاصر از حوزه نجف و قم را مطرح، و نتایج را خلاصه، و با روش استنباطی برتر مورد بحث قرار داده است. به همین گونه، مباحث را ادامه داد تا کلیه‌ی مجلّات را به لطف خداوند به پایان رساند و به درجات عالیّه فقاقت رسید.<sup>۱</sup>



### روشنگری حضرت زهرا علیها السلام درباره عوامل اعراض و دوری از حق

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظلّه در شنبه دوم جمادی الثانی ۱۴۴۵ برابر با ۲۰۲۳/۱۲/۱۶ سخنرانی سالانه فاطمی خود را در جمع هزاران زائر امیرالمومنین علیه السلام در میدان ثوره العشرین نجف اشرف که برای گرمی داشت و عرض تسلیت شهادت سرور زنان جهان حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام وارد نجف شده بودند ایراد کرد.

ایشان در این سخنرانی که با نام (روشنگری حضرت زهرا علیها السلام) درباره عوامل اعراض و دوری از حق) که بر اساس آیه مبارکه ﴿وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ [سوره بروج: ۸] تاکید کردند که این سوره جایگاه قهرمانانه‌ای را توصیف می‌کند که بلندترین درجات صبر و پایداری بر باورهای دینی و اصول اعتقادی که در مقابل انواع روش‌های وحشیانه شکنجه و قتل، که مستکبران و طاغوتیان ضد مومنانی که بر

حق ثابت قدم بودند بکار می‌گیرند را به تصویر درآورده است.

این آیه راز چرایی این رفتار ظالمانه مستکبران با مومنان، و دشمنی شان با آنها را بیان می‌کند و آن به دلیل ثبات قدم آنها بر توحید و یگانگی خداوند متعال و چنگ زدن به آیین او است و التزام آنها به آموزه‌های ربانی محکم در زندگیشان بود، آنها را به خاطر ارتکاب جریمه و گناه یا پایه گذاری بدعت یا نشر فساد نکشتند بلکه آنها از هر جهت بی گناه بودند.

همچنین ایشان در ادامه بیان داشتند که عامل اساسی در صبر و استقامت انسانی که ناتوان با پوست نازک صبر که پشه او را آزار می‌دهد همانگونه حضرت امیر علیه السلام او را اینگونه توصیف کرده است اما با این وجود حاضر شد که به آتش انداخته شود؟ ایمان و باور او به حق است که این نیرو را به او می‌بخشد. امام صادق علیه السلام فرمود: (ما ضَعْفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيَتْ عَلَيْهِ النَّيَّةُ) هیچ بدنی در انجام آنچه نیت بر آن قوی باشد، ناتوان نیست. و خداوند او را بر آن کمک کرد به گونه‌ای که بهشت و نعمتهای خود را به او نشان داد و او مشغول لذت بردن از آن شد و او را از ارتکاب و اسیر شدن به شهوتها و گناهان دور ساخت، و آتش جهنم را به او نشان داد و آتش دنیا و سختی‌های آن برای او سبک بشمار آمد.

ایشان خاطر نشان شدند که سرنوشت و عاقبت بد ظالمانی که در این سوره به آنها اشاره شد کردند که دامن همه کسانی که آتش فتنه را ایجاد می‌کنند می‌شود با هر عنوان و نامی که باشد مانند شبه افکنی‌های اعتقادی و فسادهای اخلاقی و انحرافهای فکری و اجتماعی و همچنین فسادهای مالی و نیرنگهای سیاسی و مانند آن.

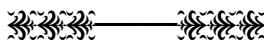
ایشان فرمودند: آیات مبارکی که سرگذشت واقعه اخدود را بیان کردند به آیندگان و نسل‌های بعدی پیامهای روشنی را ابلاغ می‌کند که عظمت دین توحیدی و اسلام، و آن نعمتهایی که بوسیله آن بر انسانها منت فرمود بگونه‌ای که مستحق آن است که هرآنچه ارزش دارد را برای آن تقدیم کنند و غیر مسلمانان را برای تفکر و اندیشیدن منصفانه و بدون هیچ پیشداوری درباره این دین داشته باشد که چگونه به تربیت انسان می‌پردازد که در برابر ظلم ایستادگی کند و حق را یاری کرده و به آنان طمأنینه و آرامش دل و بزرگمنشی می‌دهد و به پیروان خود روح رضایت و تسلیم را بخشیده، در حالیکه در سخت‌ترین شرایط بسر می‌برند و این چیزی است که برای ملت مسلمان فلسطین در مسئله اخیر غزه رخ داد و جلوه‌های عاطفی آن را به عیان می‌بیند که مرد مصیبت زده را می‌بیند که با آرامش و تسلیم با بدن بی جان دختر کشته شده‌اش صحبت می‌کند و به او می‌گوید جان جانان؛ یا مادری که تنها عزیزش را گریه می‌کند که سالها منتظر او بود و برای بدست آوردنش اموال بسیار را پرداخته بود؛ یا کودکانی که آرامش بخش پدر و مادران خود در زیر آوارهای سنگین بین مرگ و زندگی بودند؛ اینها همه جلوه‌های عاطفی انسانی تاثیرگذار که همراه با حالت‌های صبر و استقامت بود و این اصرار بر رسیدن به حق وجدان عمومی و جهانی را به اهتزاز در آورد و غیر مسلمانان را وا داشت که با دین اسلام آشنا شوند که چه چیزی به آنها آرامش و رضا و تسلیم بخشید و این اصرار بر رسیدن به حقوق مشروع خود، و .... باعث شد عده‌ای از آنان اسلام آورند.

ایشان در پایان تاکید کردند: بر ما واجب است که ایثار و از



خودگذشتگی بزرگ اهل بیت علیهم السلام و صبر و تحمل آنان در راه خدا و یاری حق را به جهانیان معرفی کنیم، بویژه آن سختی‌هایی که بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندش امام حسین علیه السلام در روز عاشورا گذشت، چراکه از هر آنچه سختی و مصیبت دیدند از آنچه در غزه گذشت دردناکتر بود و هر وجدان زنده‌ای را به درد می‌آورد، و این بهترین وسیله برای دعوت به اسلام اصیل محمدی است که اهل بیت پیامبر علیهم السلام آن را حفظ کردند و به آیندگان رساندند.

خاطر نشان شدند که از این رهگذر اهمیت احیای شعائر دینی و اثر بزرگ آن در حفظ و بقای حق روشن می‌شود، پس همانگونه که خداوند متعال برای ما درد و رنج مومنان در گذشته را نقل می‌کند مانند شهدای حادثه اخدود تا با آن همراهی کنیم و از ظالمان یعنی دشمنان خدا و پیامبرش برائت بجوییم و آیین عدالت و استقامت و صلح و دوستی و کرامت انسان را گسترش دهیم. و ما باید همین رسالت در تعظیم شعائر اهل بیت عصمت علیهم السلام را ادا کنیم و مظلومیت آنان را یادآور شویم و به آن صرفاً یک نگاه تاریخی نداشته باشیم که زمان آن سپری شده است.<sup>۱</sup>



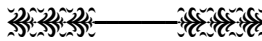
### خیر خواهی خداوند و رها کردن عبد در گرفتاری

زمانیکه خداوند متعال برخی از بندگان خود را غرق در برخی از بلاها

رها می‌کند هرچند که آن بنده با دعا اصرار بر رفع آن کند، اما آن گرفتاری را برطرف نمی‌سازد، این ناشی از انتقام خداوند متعال نیست خداوند بزرگتر و والاتر از آن است که چنین تعاملی با بنده‌اش داشته باشد، بلکه خداوند خیر و صلاح و هرچه که حال عبد را بهتر کند را می‌خواهد، لذا ممکن است که فقر و نیاز برای شخصی بهتر از ثروت و بی‌نیازی باشد چراکه ممکن است بی‌نیازی باعث طغیان او شود و او را از خداوند دور سازد و او را غرق گناه کند، و دیگری را از فرزند محروم می‌کند برای اینکه ممکن است اگر به او فرزند دهد به دلیل شرایط و محیط ناسالم، ناخلف شود و وبال او گردد و ...<sup>۱</sup>

\*قبسات - قسمتی از سخنرانی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ

محمد یعقوبی دامت ظلّه



### ولادت أم ابیها فاطمه زهراء (سلام الله علیها)

فاطمه علیها السلام آخرین فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام است. به اتفاق مورخان، فاطمه در مکه و در منزل خدیجه در محلی به نام زُقاق (کوچه، گذرگاه) العطارین و زُقاق الحجر در نزدیکی مَسعی به دنیا آمد.

### تولد و دوران کودکی

بر اساس دیدگاه رایج شیعیان، حضرت فاطمه علیها السلام در سال ۵ بعثت

مشهور به سنّه أحقافیه (سال نزول سوره احقاف) متولد شد. شیخ مفید و کفعمی سال دوم بعثت را زمان تولد فاطمه علیها السلام دانسته‌اند. طبق دیدگاه رایج اهل سنت، ولادت فاطمه علیها السلام پنج سال پیش از مبعث بود.

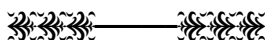
در منابع شیعه، روز تولد فاطمه علیها السلام ۲۰ جمادی‌الثانی ذکر شده است. بنا به روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده است این نامگذاری از جانب خدا صورت گرفته است. در ادامه این روایت درباره این نامگذاری آمده است که خداوند او را در میثاق (عهد الست و عالم ذر) به علم جدا نمود و از ناپاکی دور داشت. همچنین بنا بر روایتی که در کتاب ذخائر العقبی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است فاطمه نامیده شد چون خدا او و ذریه‌اش را از آتش جهنم باز داشته است.

از زندگی فاطمه در کودکی و نوجوانی گزارش‌های تاریخی کمی وجود دارد. بر اساس گزارش‌های تاریخی، پس از آشکار شدن دعوت پیامبر، فاطمه در برخی موارد شاهد خشونت‌های مشرکان علیه پدرش بود. علاوه بر این، سه سال از دوران کودکی فاطمه، در شعب ابی طالب و تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی مشرکان علیه بنی‌هاشم و پیروان پیامبر اسلام گذشت. فاطمه همچنین در کودکی، مادرش خدیجه را از دست داد. تصمیم قریش برای قتل پیامبر صلی الله علیه و آله و خروج شبانه پیامبر از مکه و هجرت به مدینه، و هجرت فاطمه به مدینه همراه با علی علیه السلام و برخی از زنان، مهم‌ترین رخدادهای دوران کودکی زهرا علیها السلام بوده است.

امام دوم و سوم شیعیان، زینب علیها السلام و ام کلثوم از فرزندان او هستند. زهرا، بتول، سیده نساء العالمین (برترین زن در دو عالم) از القاب وی و أمّ ابیها (مادر پدرش) کنیه مشهور او است. فاطمه، تنها زن همراه

پیامبر ﷺ در روز مباهله با مسیحیان نجران بوده است. سوره کوثر، آیه تطهیر، آیه مودت و آیه اطعام و احادیثی چون حدیث بضعه در شأن و فضیلت فاطمه نازل و نقل شده‌اند. در روایات آمده است که پیامبر ﷺ، فاطمه (علیها السلام) را برترین زن در دو عالم معرفی کرده و خشم و خشنودی او را خشم و خشنودی خداوند خداوند دانسته است. تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) مصحف فاطمه، خطبه فدکیه بخشی از میراث معنوی فاطمه است. مصحف فاطمه (علیها السلام) کتابی است شامل سخنانی که فرشته الهی به او الهام کرده و امام علی (علیه السلام) آنها را نوشته است. این صحیفه بنابر روایات، در دست امامان بوده و هم‌اکنون در دست امام زمان (علیه السلام) است.

شیعیان، فاطمه (علیها السلام) را الگوی خود می‌دانند و در سالروز شهادت وی که به ایام فاطمیه مشهور است، عزاداری می‌کنند. در ایران سالروز ولادت فاطمه (علیها السلام) (۲۰ جمادی الثانی)، روز زن و مادر نامگذاری شده است.<sup>۱</sup>



## پرسش‌ها و پاسخ‌ها

برگرفته از سخنان مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام‌ظله

پرسش: منابع موثقی که مؤمن می‌تواند در شناخت خداوند متعال

### از آنها استفاده کند کدامند؟

**پاسخ:** بهترین منابع برای شناخت، منابع درونی است: تدبر و تفکر در قرآن کریم و ادعیه مأثوره و همچنین احادیثی که از معصومین علیهم السلام وارد شده بهترین راه هستند. خصوصاً دعای صباح، کمیل، عرفه، ابو حمزه ثمالی، مناجات عارفین و بلکه تمامی مناجات امام سجاد علیه السلام که به مناجات خمس عشر معروف هستند. البته اگر نظرات و شروح علمای ربانی هم همراه آن مطالعه شود فایده بیشتری خواهد داشت.

### پرسش: شناخت خداوند متعال دارای چه فضیلتی است؟

**پاسخ:** امام صادق علیه السلام در فضیلت شناخت خداوند متعال فرموده‌اند: (اگر مردم می‌دانستند که شناخت خداوند متعال چه ارزشی دارد، به زرق و برق زندگی دنیا و نعمت‌های آن که خداوند دشمنان را از آنها بهره‌مند ساخته است چشم نمی‌دوختند و دنیای آنان در نظرشان کمتر از خاک زیر پایشان بود و از معرفت خدا متنعم می‌شدند و چونان کسی از آن لذت می‌بردند که همراه در باغ‌های بهشت با اولیاء و دوستان خدا باشد. شناخت خدا، مونس هر تنهایی است و یار هر بی کسی و روشنائی هر تاریکی و نیروی هر ناتوانی و شفای هر بیماری.) سپس فرمودند (محققاً پیش از شما مردمی بودند که کشته می‌شدند و سوخته می‌شدند و با اره، اره می‌شدند و زمین پهناور برای زندگی آنها تنگ می‌شد و هیچ چیز آنها را از عقیده ای که داشتند بر نمی‌گردانید، دشمنان از آنها خونی طلب نمی‌کردند و آزاری ندیده بودند که در برابر آن چنین کارهایی با آنها بکنند بلکه تنها از آنها انتقام می‌کشیدند که به خداوند عزیز حمید ایمان آوردند، شما از پروردگارتان درجات آنها را طلب کنید

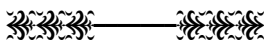
و بخواهید که با آنها هم درجه گردید و بر ناگواری های روزگار خود شکیبایی کنید تا به کوشش آنها برسید.

**پرسش: ایمان به خداوند متعال دارای چه شرائطی است؟**

**پاسخ:** شرط ایمان، عقیده صحیح و عمل براساس آن است؛ همچنین ایمان به تمام آنچه قرآن آنها را در ذیل عنوان (یؤمنون بالغیب) ذکر کرده است؛ پس هر کسی که به خداوند، ملائکه، انبیاء، حقانیت مرگ و سؤال در قبر، بعث و نشر و حقانیت حساب ایمان بیاورد، باعث می شود تا به سوری اعمال صالح کشیده شود و آنها را انجام دهد: (عقاید و اندیشه های پاک به سوی او بالا می رود و عمل شایسته آن را بالا می برد)؛ چراکه غیر معقول است انسان به تمام این موارد ایمان بیاورد و براساس آن عمل نکند؛ بنابراین هرچه را که فهمید یا گمان کرد که ممکن است خطری داشته باشد باید از آن احتراز کند و کاری کند که از خطر آن در امان بماند که اگر این طور نباشد ایمان و علمش هم بی معنا خواهد بود؛ همان طور که امام صادق علیه السلام فرموده است (ایمان برای مؤمن ثابت نمی شود مگر با عمل و عمل هم جزیی از ایمان است). تفاوت اصلی به تفکر اسلامی و غربی، ایمان به غیب است. آنها به محسوسات ایمان دارند و سعی دارند تا لذت های حسی خودشان را گسترش دهند؛ این امر منشأ خودکامگی، استکبار، ظلم، حرص، طمع و دیگر رذائلی شد که در رابطه آنها با دیگر ملت ها پدید آمد.<sup>۱</sup>

\*منبع: پرسش ها و پاسخ ها، ج ۱، سوالهای ۳ و ۴ و ۵ از

بخش (پرسش‌هایی پیرامون شناخت خداوند متعال)



### حضرت ام البنین رضی الله عنها فاطمه بنت حزام

فاطمه بنت حزام مشهور به أمّ البَنین از همسران امام علی رضی الله عنه و مادر عباس رضی الله عنه، عبدالله، جعفر و عثمان بود که هر چهار تن در روز عاشورا به شهادت رسیدند. پس از واقعه کربلا، ام‌البنین روزها به قبرستان بقیع می‌رفت و برای امام حسین رضی الله عنه و فرزندانش سوگواری می‌کرد.

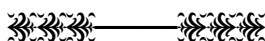
عالمان شیعه شجاعت، فصاحت و علاقه ام‌البنین به اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام حسین رضی الله عنه را ستوده و از او به نیکی یاد کرده‌اند. به گفته شهید ثانی و عبدالرزاق مَقْرَم، ام‌البنین به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله محبت شدیدی داشت و خود را وقف خدمت به آنان کرده بود؛ به همین دلیل اهل بیت نیز برای او احترام ویژه قائل بودند و در روزهای عید، نزد او می‌رفتند.

#### جایگاه نزد شیعیان

عالمان شیعه شجاعت، فصاحت و علاقه ام‌البنین به اهل بیت به ویژه امام حسین رضی الله عنه را ستوده و از او به نیکی و بزرگی یاد کرده‌اند. به گفته شهید ثانی فقیه شیعه قرن دهم و سید عبدالرزاق مَقْرَم مقتل نویس شیعه، ام‌البنین نسبت به خاندان پیامبر، محبت شدیدی داشت و خود را وقف خدمت به آنان کرده بود. اهل بیت نیز برای او احترام ویژه قائل بودند و در روزهای عید، نزد او می‌رفتند. باقر شریف قرشی تاریخ‌پژوه شیعه نیز گفته است در تاریخ زنی همچون ام‌البنین دیده نشده که نسبت به

فرزندانِ هم شوی (هَووی) خود محبتی خالصانه ورزد و آنان را بر فرزندان خویش مقدم بدارد.

برخی گزارش کرده‌اند که زنان شیعی برای برآورده شدن حاجات خود و همچنین برای بالا بردن نیروی شکیبایی و تحمل مصائب به ام‌البنین متوسل شده و سفره‌های نذری به نام او برگزار می‌کنند. ایشان در روز ۱۳ جمادی الثانی سال ۶۴۴ ق وفات، و در قبرستان بقیع دفن و به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>



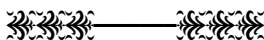
### ضرورت شناخت امام معصوم علیه السلام

هر کس امام زمانش را نشناسد و از او نخواهد پروردگار خودش را بشایستگی نشناخته است و هر کس بر این باور است که خداوند او را بدون راهنما که او را دستگیری کند رها کرده، در بی راهه سیر می‌کند؛ در دعا آمده است (خدایا خود را به من بشناسان، زیرا اگر خود را به من شناسانی فرستاده‌ات را نشناخته‌ام، خدایا فرستاده‌ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده‌ات را به من شناسانی حجت را نشناخته‌ام، خدایا حجت را به من بشناسان، زیرا اگر حجت را به من شناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم).<sup>۲</sup>

۱ - شماره ۳۱ - ۱ جمادی الثانی ۱۴۴۵ - ۲۴ آذر ۱۴۰۲

۲ - شماره ۳۱ - ۱ جمادی الثانی ۱۴۴۵ - ۲۴ آذر ۱۴۰۲





### آغاز سال معنوی با حلول ماه مبارک رجب

آنچه معروف است اینکه ماه محرم ابتدای سال قمری است و برخی از مورخین ربیع الأول را به دلیل اینکه ابتدای هجرت پیامبر ﷺ است را ابتدای سال می‌دانند و برخی دیگر ماه رمضان را همانطور که در ادعیه به آن اشاره شده؛ اما ابتدای سال معنوی نزد أصحاب سیر و سلوک معنوی و شیفتگان لقای یار و مشتاقان رضای او، از ماه رجب آغاز می‌شود آغازی که نقطه عطفی در زندگی را بوجود می‌آورد و سرآغازی برای شروع دوباره است و انسان را به خود وا می‌دارد که در گذشته چه کرده و برای آینده چه باید بکند.

و می‌توان روش نویسندگان کتب ادعیه و اعمال عبادی را شاهدی بر این مطلب گرفت مانند شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان و سید عباس کاشانی در مصابیح الجنان که اعمال روزها و ماه‌های سال را با اعمال ماه رجب آغاز کرده‌اند و تنها نماز ماه جمادی الآخر را در ابتدا نوشته‌اند به این اعتبار که آخر سال است و برای آغاز سال جدید آن را به جا بیاورند. عظمت ماه رجب را از دو جهت می‌توان مورد توجه قرار داد:

اول: عظمت ذاتی داشتن این ماه، ارزش بزرگی که به اعمال این ماه داده شده بنابر آنچه که در روایات آمده به هیچ عمل دیگری از ماه‌های دیگر سال داده نشده تا آنجا که آن را (رجب الاصب) یعنی رحمت در آن

فرو می‌ریزد خوانده اند.

دوم: آماده سازی برای ضیافت ماه مبارک رمضان، که از ماه رجب آغاز می‌شود؛ زیرا اولیاء خداوند از این ضیافت و مهمانی سرمست می‌شوند پس هر کس می‌خواهد به آن راه یابد و از آن بهره ببرد باید از ماه رجب زمینه های آن را فراهم کند و در ماه شعبان در او متجلی شود تا تایید الهی را در ورود به ضیافت ماه رمضان را کسب کند تا مورد لطف و عنایت ویژه میزبان قرار بگیرد؛ هرچند رحمت خداوند متعال وسیعتر از آن است.

و این توجیه دیگری غیر آنچه در برخی مناسبت‌های گذشته ذکر کردیم برای معنای مذکور که ماه رجب ماه امیر المومنین علیه السلام و ماه شعبان ماه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ماه مبارک رمضان ماه خداوند متعال است تا معنای آن این باشد که سعی و تلاش برای رسیدن به رضا و الطاف و عنایات ویژه خداوند متعال است که از ماه رجب بوسیله امیر المومنین علیه السلام شروع می‌شود چونکه او دروازه رسول اکرم صلی الله علیه و آله که خود باب رحمت الهی و وسیله نیل به رضوان الهی است و دلیل آن، آنچه در تفسیر آیه (فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ) آمده، که آن شب نیمه شعبان است سپس قضای الهی به رستگاری و سعادت و حسن عاقبت در ماه رمضان پس از فراهم آمدن مقدمات آن جاری می‌شود.

این است شرافت و فضیلت ماه رجب، که خداوند متعال بر مانت نهاد که آن را درک کنیم، و بدون شک بسیاری از مومنان متوجه اعمال مستحب آن هستند مثل روزه در برخی ایام ویژه و هر چقدر بیشتر باشد بهتر است و مانن نماز و ذکر و دعا و تسبیح و زیارت معصومین علیهم السلام مانند

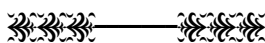
زیارت امام حسین علیه السلام در اول و در نیمه ماه و زیارت مبعث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همچنین زیارت امام رضا علیه السلام مستحب است و عمره و برپایی مجالس یاد معصومان علیهم السلام.

اما آنچه کم مورد دقت و توجه واقع می شود اعمال جوانحی است نه اعمال بدنی، آنچه با آن تهذیب نفس و تطهیر قلب صورت می گیرد با اینکه این مقیاس حقیقی برای کمال و قرب الهی است، می دانید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی به آخر خطبه معروف به خطبه شعبانیه در اول ماه مبارک رمضان رسید حضرت امیر علیه السلام از ایشان پرسیدند برترین اعمال در این ماه بزرگ چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: ورع و اجتناب از گناهان و محارم الهی؛ ورع از ملکات جوانحی و قلبی است و یک عمل و رفتار جوارحی یا خارجی نیست هرچند آثار آن در رفتار و عمل برونی فرد ظاهر می شود و موجب پرهیز و اجتناب از گناه می شود.

در پایان ایشان فرمودند: کسی که در دعای ماه رجب تأمل و تفکر کند (یا من أرجوه لكل خیر، و آمن سخطه عند کل شر یا من یعطی الکثیر بالقلیل، یا من یعطی من سأله، یا من یعطی من لم یسأله ولم یعرفه تحنناً منه ورحمةً) (ای آنکه هر خیری را از او امید دارم و از خشمش در هر شری ایمنی جویم، ای آنکه در برابر عبادت اندک مزد بسیار عطا می کند، ای آنکه به هر که از او بخواهد می بخشد، ای آنکه به هر که از او نخواهد و او را نشناسد نیز می بخشد، عطایش از روی مهربانی و رحمت است) می بیند که ما امر شدیم که متخلق به اخلاق خدا شویم و آنچه در این دعا آمده برگرفته از اخلاق پروردگار است و همان است که عقل مؤمن بدان کامل می شود گویا این الهامی است که ماه رجب بدان سبب

که شروع جدیدی برای عمل است تا اینکه به گذشته خود برگردیم و هرآنچه بد بود را جبران کنیم و کمبودها را تکمیل کنیم، برای اینکه ماه رجب فرصت تأمل و تفکر در ویژگیهای دهگانه‌ای است که در روایت خصال به آن پرداختیم (برای دیدن روایت به اصل سخنرانی مراجعه شود) تا آنها را به فضل الهی در خود ایجاد کنیم.<sup>۱</sup>

\* مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی در سال ۱۴۳۲ به مناسبت حلول ماه رجب، درس خارج خود را به اهمیت این ماه و غنیمت شمردن لحظات و زمان آن پرداختند.



### درسی از زندگانی امام علی علیه السلام

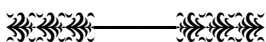
امیرالمومنین علی علیه السلام قول را با عمل همراه کرد و از علاقه مندترین افراد به کار بود او از کار خسته و دلزده نمی شد حتی در ایام خلافتش شیوه‌اش را تغییر نداد و همچنان کار می کرد زمین شخم می زد و چاه حفر می کرد و به زراعت می پرداخت مردی ایشان را با بار شتری از هسته خرما دید از او پرسید: چه حمل می کنی؟ امام فرمود: صد هزار نهال خرماست. امام علی علیه السلام با کوله باری از هسته خرما می رفت به او گفتند: ای ابوالحسن! چه با خود داری؟ امام فرمودند: اگر خدا بخواهد نخلهای خرماست و حضرت همه آن هسته‌های خرما را می کارد و دانه‌ای

را باقی نمی گذارند و به خاطر تلاش و پشتکارش بی نیازترین شخص زمان خود بود و گفته اند: وی هزار بنده را با دسترنجش آزاد کرد. با وجود کارهای فراوان و تلاش توانفرسایی که در مزرعه جامعه و دولت داشت هیچگاه وظیفه تربیتی خود در داخل خانواده فراموش نمی کرد او به خانواده‌اش در کارهای خانه کمک می‌کرد گفته اند: که امیرالمومنین علیه السلام هیزم جمع می‌کرد و آب می‌آورد و جارو می‌زد. امیرالمومنین علیه السلام در کنار کارهای زیاد خود در اداره امور کشور وظیفه تامین معاش خانواده‌اش را فراموش نمی کرد در حالی که می‌توانست نیازهای خود را از بیت مال تامین کند.

امام همیشه راه سخت و دشوار را انتخاب می‌کرد تا به نسلهای آینده درسی را بیاموزد که در طول زندگی شان آن را به خاطر داشته باشند امام علیه السلام کار را دوست می‌داشت و می‌فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينُ؛ خداوند کارگر امین را دوست می‌دارد. آری امام علیه السلام پایان راه را آغاز مراحل دیگر قرار می‌دهد. و این نهایت اشتیاق و علاقه‌ای است که انسان می‌تواند نسبت به کار در خود داشته باشد. و چرا نه؟ وقتی کار در بسیاری از اوقات در ردیف حسب و نسب بلکه مرتبه‌ای بالاتر از آن قرار می‌گیرد.

و می‌فرماید: مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ، لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ (حَسْبُهُ)؛ آنکس که عملش او را به جایی نرساند حسب و نسبش او را به جایی نخواهد رساند (نهج البلاغه - وحی و نبوت)<sup>۱</sup>



## موعظه‌ای به طلاب روی آوری به قرآن کریم قبل از گذر عمر

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی رحمته الله علیه: ممکن است بعضی از شما اطلاع داشته باشید که برخی از بزرگان از اساتید ما چه فرموده اند -خدا گذشتگان را بیامزد و باقیماندگان را حفظ کند- آنها اظهار ندامت می‌کردند و متاسف بودند. نمی‌خواهم نام آنها را ذکر کنم. اما ممکن است شما بدانید آنها در کهنسالی بودند و می‌گفتند چرا عمر خود را فقط در فقه و اصول گذراندیم و به قرآن اهتمام کافی نداشتیم. متأسفانه آنها به صراحت این را بیان کردند. من برخی از موارد را در کتاب خود ذکر کرده‌ام، اما اینجا به جهت احترام به مقام آنها نمی‌خواهم به صراحت نام ببرم و ممکن است از برخی از علمای موجود در حوزه مقدس قم شنیده باشید که چگونه فقه و اصول را رها کرده‌اند و به تفسیر قرآن پرداخته‌اند. من نمی‌گویم فقه و اصول را رها کنید بلکه اساس حوزه علمیه برای تدریس فقه و اصول است و این مهمترین وظایف حوزه است اما نباید از قرآن غافل شود.

چرا باید زمانی که پا به کهنسالی می‌گذاریم و به پایان عمر خود می‌رسیم حالا این حقیقت برایمان آشکار شود؟! در حالیکه این حقیقت موضوعی است که در برابر چشمان ما قرار دارد. چه فایده دارد زمانی که آخر عمر من فرا رسیده باشد این امر را درک کنم باید همینک این را بفهمیم تا رویکردهای علمی خود را بر اساس قرآن کریم تقویت کنیم.

تفسیر قرآن و تدبر در آیات آن و استفاده از آن در دروس مختلف و تطبیق آن بر رفتار و منش روزمره؛ قرآن شفاء است قرآن نور است قرآن هدایت است قرآن قیم است بر همه جزئیات زندگی ما ولایت دارد، بر فکر! بر قانون! بر تدوین شریعت! بر رفتارما! و بر همه چیز قیمومیت دارد! نمی خواهیم به این مرحله برسیم و پشیمان شویم که عمر خود را فقط در یک بعد گذرانده باشیم؛ البته با کمال احترامی که به فقه و اصول داریم که البته منکر نیازمان به آن نیستیم اما این نباید با اهمال کاری همراه باشد. برخی هم به این مطلب اشاره کرده اند که طلبه علوم دینی از زمانی که وارد حوزه می شود تا وقتی که درس خارج را شروع می کند ممکن است در ضمن درس های رایج به آیات قرآن زیادی برنخورد! زیرا معمولاً دروس حوزه متضمن و شامل آیات قرآنی نیست که شرح و تفسیر و تدبر صورت بگیرد!

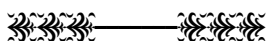
بله «آیه نبا» و «آیه نفر» برای استدلال جهت حجیت خبر واحد به کار رفته است و برخی از آیات دیگر! اما آیا از این فراخوان قرآنی که می فرماید:

(أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا) آیا در قرآن نمی اندیشند یا بر دل هایشان قفل هایی قرار دارد؟ بهره ای می برد؟ نه ما می خواهیم که از این تقصیر و کوتاهی خارج شویم تا شکایت رسول خدا ص شامل حال ما نشود. باید به خود آییم و راهی را پیدا کنیم که همراه رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشیم تا از جمله کسانی نباشیم که علیه ما شکایت کند.

در مجمع البیان از حضرت خاتم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود با فضیلت ترین عبادت قرائت قرآن است. ما کجای این روایت هستیم اگر

ماه مبارک تمام شد قرآن را می‌بندیم و می‌گوییم این فراق بین من و توست. نه این مورد پذیرش نیست.

همچنین از ایشان نقل شده است حاملان قرآن عارفان اهل بهشت اند. حاملان قرآن نه اینکه از لحاظ تجوید و صوت و لحن خوب بخوانند. بر اینگونه افراد حامل قرآن اطلاق نمی‌شود حاملان قرآن یعنی کسانی که در معانی و مفاهیم و اسرار آیات تدبر کنند و آن را برای مردم نقل کنند.<sup>۱</sup>



### مدعیان دروغین در تاریخ (زمان امام هادی علیه السلام)

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی دامت‌الله: روال و عادت بر این شد که در مناسبت‌های مذهبی امامان خودمان علیهم السلام قسمتی از تاریخ و سیره زندگی مبارک آنها را مورد توجه قرار بدهیم و در زندگی امروز خودمان استفاده کنیم صفحه‌ای که از تاریخ زندگی امام هادی علیه السلام به مناسبت سالروز شهادت ایشان علیهم السلام استفاده می‌کنیم، مقابله ایشان با مدعیان است و رسوا کردن آنها است و در زمان معاصر همانطور که مطلع هستید مدعیان زیادند به انواع ادعاها.

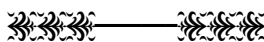
در زمان زندگی امام هادی علیه السلام و ایام متوکل عباسی لعنت خدا بر او، خانمی ظاهر شد که زینب نامیده می‌شد یا اینکه خودش را زینب نامید، و ادعا کرد که او زینب دختر امام علی علیه السلام است و دختر حضرت فاطمه



زهرالهیلا است و برای همه روشن بود که حضرت زینب وفات کرده این حادثه در سال ۲۵۰ هجری بود و از زمان وفات حضرت زینب تقریباً ۲۰۰ سال گذشته است؛ این چه ادعایی است!؟

متوکل عباسی یاران خودش را جمع کل و دنبال چاره جویی است که این زن ادعا می‌کند زینب دختر علی علیه السلام است به او گفتند که این درست نیست زینب دختر علی ۲۰۰ سال است که فوت شده، به آن خانم گفتند بیا ببینیم چه می‌گوی؟

گفت بله من زینب دختر علی هستم. خاندان آل علی را دعوت کردند و به آنها گفتند این زن چنین ادعایی می‌کند شما جوابی برای آن دارید؟ گفتند: زینب دختر علی در روز فلان و در سال فلان فوت شده است، و این یک امر روشنی است و این خانم دروغ می‌گوید. این خانم گفت: خیر، شما دروغ می‌گویید شما نمی‌دانید، جد من رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حق من دعا کرد که هر ۴۰ سال جوانی من برگردد و من هر ۴۰ سال جوان برمی‌گردم. و من زینب دختر علی علیه السلام هستم. آنها هم مبهوت و درمانده شدند، که چطور این ادعا را پاسخ بدهند. متوکل هم از این قضیه خوشحال شد چون او این تشمت و اختلاف بین شیعیان و پیروان اهل بیت را می‌خواست و دنبال می‌کرد و دوست داشت مدعیان زیاد شوند تا وضعیت را بر امام هادی علیه السلام خراب کند.<sup>۱</sup>



## ویژگی های شیعیان از زبان امام باقر علیه السلام

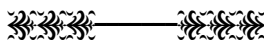
در کلام مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی دام ظلّه

امروزه رسانه و شبکه های جهانی و جهان به طور کلی دارند شیعیان را می شناسند و این باعث می شود که مسئولیت جدیدی پیدا کنیم، همانگونه که امام باقر علیه السلام به این مسئولیت جامه عمل پوشاند.

امام علیه السلام وضعیت شیعه را با توجه به همین مسئله سر و سامان داد و وضعیت شیعه را با رویکردهای متعددی منظم ساخت؛ رویکرد اول این بود که ویژگی های شیعیان حقیقی را بیان کرد تا از ورود افراد نفوذی جلوگیری کند تا وحدت و یکپارچگی آنان را حفظ کند. به میل تو نیست که خودت را شیعه بنامی، شیعه بودن تو برای ما مسئولیت آور است باید هزینه آن را پرداخت کنیم چون هر رفتاری از تو سر بزند می گویند این است اثر تربیتی محمد باقر! این است اثر تربیتی جعفر صادق! این شیعه اوست! اگر تو بگویی من شیعه هستم، موجب می شود که ما باید هزینه رفتارهای تو را بدهیم، اگر می گویی شیعه هستم به ویژگی های شیعه بودن پایبند باش؛ و اینها ویژگی های شیعه است. یا اینکه خودت را به شیعه نسبت نده؛ بگو من دوستدار اهل بیت هستم من محب اهل بیت هستم؛ این خوبه؛ اما اگر بگویی من شیعه هستم این موجب می شود که تو باید پایبند باشی، چون امام باقر علیه السلام می فرماید که این باعث می شود که ما باید هزینه آن را بدهیم.

از سفارش های ایشان علیه السلام در این خصوص می فرماید: شیعه ما نیست مگر اینکه تقوای الهی داشته باشد و از او اطاعت کند به خودتان برسید،

شیعه یعنی این، با این شاخصه‌ها با این خط کشی، که ثابت می‌شود شما شیعه هستید یا خیر. شیعه ما نیست مگر اینکه تقوای الهی داشته باشد و از او اطاعت کند و شناخته نمی‌شوند مگر به تواضع و فروتنی و امانت داری و بسیاری یاد خدا، و روزه و نماز. این یک برنامه عملی است. شیعه باید مواظب این باشد. و نیکی به پدر و مادر و مواظب همسایگان فقیر و نیازمند و بدهکاران و یتیمان باشد. و راستگویی و تلاوت قرآن و پرهیز از یاد دیگران کردن مگر به خوبی و نیکی، و میان خاندان خود امین و وسایل و اشیاء آنان باشد. اینها ویژگی‌های آنان است.<sup>۱</sup>



### پرتوی از موعظه‌های امام جواد علیه السلام «برادر ایمانی»

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی رحمته الله علیه: «مَنْ اسْتَفَادَ أَخًا فِي اللَّهِ فَقَدْ اسْتَفَادَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» هرکس یک برادر ایمانی به دست آورد، در واقع خانه‌ای در بهشت به دست آورده است.

چه قدر این حدیث ما را تشویق می‌کند که به سمت برادران ایمانی مان حرکت کنیم؟

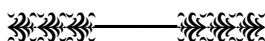
بسیاری از حاضران، دانشجو هستند. من درباره‌ی خیلی از دانشجویها می‌شنوم که دچار مشکلاتی می‌شوند که باعث می‌شود از خداوند متعال فاصله بگیرند. بیایید به سراغشان برویم. اگر یک برادر ایمانی به دست

بیاوری و او را به راه درست برگردانی، به خانه‌ای در بهشت دست یافته ای. پس چه قدر آسان می‌توان خانه‌ای در بهشت به دست آورد!

همسر فرعون به آن سختی شکنجه شد. فرعون بدن او را میخکوب کرد و او را آویزان کرد و انواع و اقسام شکنجه‌ها را بر سر او آورد. ولی دعای آن زن چه بود؟ «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» پروردگارا! برای من در بهشت خانه‌ای نزد خودت بنا کن. شما الآن می‌توانید برای خودتان خانه‌ای در بهشت بسازید، بدون شکنجه‌های فرعون!

به این صورت که تلاش کنید برادر ایمانی به دست بیاورید و او را هدایت کنید. وگرنه این چیزی که درباره‌ی دانشجویها می‌شنویم که از خداوند متعال و از دین فاصله گرفته‌اند... بله درست است، بخشی از علت به خود آن‌ها بر می‌گردد؛ خود آن‌ها هستند که راه هدایت و نیکی را می‌توانند انتخاب کنند. اما قبول ندارید که بخشی از علت هم به ما بر می‌گردد؟ این که ما برای او تلاشی نکرده‌ایم و مطالب اقناع‌کننده و هدایت‌گر را به او نرسانده‌ایم. البته نه با موعظه‌های خشن؛ نه! شما با تیزهوشی نگاه کنید و ببینید چه چیزی شما را وارد قلب او می‌کند. مثلاً ممکن است ببینید درسش ضعیف است؛ به او بگویید: من در خدمت شما هستم. من الحمدلله درس خوب است و فلان درس را کامل تسلط دارم، بیا برای توضیح بدهم. او می‌گوید نه؟! نه، نمی‌گوید! ببینید آن وقت چه قدر وارد قلب او می‌شوید و چه قدر نسبت به شما حرف‌شنوی پیدا می‌کند! یا مثلاً می‌بینید نیاز به نیرویی دارد که کارهای درسی یا هزینه‌هایش را سر و سامان بدهد. شما مبلغی به او می‌دهید و می‌گویید:

ان شاء الله خدا درستش می‌کند، تو هم برادر منی و جیب من و تو ندارد.  
این مبلغ را بگیر و با آن کارت را راه بینداز.<sup>۱</sup>



### شعار همیشگی مومنان این است که از رحمت خدا نا امید نباشید

(لا تياسوا من روح الله)

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله در درس هفتگی تفسیر قرآن کریم که در دفتر خود در نجف اشرف در جمع طلاب حوزه علمیه در روز چهارشنبه ۱۹/رجب/۱۴۴۵؛ برابر با ۳۱/۱/۲۰۲۴ برگزار شد تأکید کردند که مؤمنان باید قوی باشند و احساس ضعف و شکستگی نکنند و مواظب باشند که یأس و ناامیدی به جانشان راه پیدا نکند. همیشه باید شعار آنها این سخن خداوند متعال باشد: «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ» [یوسف: ۸۷] و این آیه مبارکه: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» [زمر: ۵۳] از رحمت خدا نا امید نشوید. همیشه امید رهایی از بحران‌ها و برطرف شدن رنج‌ها وجود دارد ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿ و همین امید خودش یسر است و سختی را برطرف می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: (انتظار رهایی یکی از دو راحتی است).

ایشان اشاره به لزوم شکرگزاری از خداوند متعال به خاطر اعمال و رفتار نیکی که نسبت به آنان داشته است، زیرا ترس آنان را با امنیت،

فقر آنان را با گشادگی، اندوه آنان را با شادی، گمراهی آنان را با ایمان، جهل آنان را با علم، دوری آنان را با تقرب، و تفرقه را با وحدت جایگزین کرد. و این در زندگی هر یک از ما مصادیق بسیار دارد که در دعای افتتاح بطور خلاصه آمده (فَکُمْ يَا اَلٰهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَهُمُومٌ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٌ قَدْ اَقْلَتْهَا، وَرَحْمَةٌ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَحَلَقَةٌ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا) ای معبود من چه بسیار گرفتاری که برطرف کردی و چه بسیار اندوه که زدودی و لغزشها که چشم پوشیدی و مهر و رحمت که گستردی و زنجیر بلا که از هم باز کردی. و در جای دیگر از آن آمده است (فَکُمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِیئَةً قَدْ اَعْطَانِي، وَعَظِيْمَةٌ مَخُوْفَةٌ قَدْ كَفَانِي، وَبَهْجَةٌ مُوْنِقَةٌ قَدْ اَرَانِي، فَاتْنِي عَلَيْهِ حَامِدًا، وَاذْکُرْهُ مُسَبِّحًا) پس چه بسیار بخشش های جانبخشی که به من عطا فرمود و چه پیش آمده های بزرگ و هولناکی را که از من دور کرد و چه خوشیهای شگفت انگیزی که به من نمایاند او را ستایش کنان ثنا گویم و تسبیح گویمان یادش کنم.

خداوند سبحان در این آیه ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿﴾ آسانی را بعد از سختی دو بار با تأکید تکرار کرد، سختی و عسر یکی است چون با الف و لام تعریف شده است و آسانی کثیر و مطلق است یعنی از هر جهت باز است و ممکن است رخ دهد. و در آن امید بزرگ به خدای متعال است که تمام نشدنی و وسیع است و حدی ندارد برای هر کسی که گرفتار ناراحتی و رنج مادی یا معنوی است، در مجمع البیان روایت شده است که پیامبر ﷺ روزی در حال شادی و خنده بیرون آمدند و می گفتند: (هیچ سختی بر دو آسانی غلبه نمی کند): ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿﴾ به یقین با هر سختی آسانی است \*

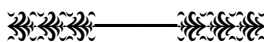
آری مسلماً با هر سختی آسانی است.

معظم له در ادامه فرمودند: و با توجه به دو آیه شریفه ۵-۶ سوره انشراح ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا\* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ عسر و سختی ممکن است مادی باشد مانند فقر، بیماری، حبس، غربت و محرومیت از خانواده و فرزند باشد و ممکن است معنوی باشد مانند دلتنگی، اضطراب، افسردگی، وسواس، محروم بودن از هدایت و توفیق، و گرفتار گناه شدن. و در مقابل آسانی است و آسانی وعده داده شده ممکن است از نوع سختی نباشد، مانند دادن مال به فقیر یا سلامتی به بیمار، یا چیز دیگری بدهد مانند هدایت و توفیق و مغفرت گناهان، صبر در برابر مصیبت، و شاید شکر، آرامش خاطر، یا خانواده و فرزندان خوب، علم، بصیرت، و تأثیرپذیری دیگران از او، علاوه بر همه اینها، بهشت و نجات از جهنم و پاداش نیکو در آخرت است، و شاید تکرار یسر و آسانی همراه با سختی در آیه دلالت بر این دارد که ممکن است از نوع آن باشد، و ممکن است از نوع دیگری یا هر دو باشد.

در همین زمینه، ایشان گفتند که آیه می‌فرماید «مع العسر» و نه بعد از عسر؛ هر چند همان طور که از آن فهمیده می‌شود، ممکن است دلالت بر آن داشته باشد، که حالت عسر، در درون خود یسر و آسانی دارد و خود سبب آن باشد، که در حقیقت متضمن شکستگی و بریدن از همه چیز است که در نهایت تنها توجه به خداوند متعال می‌شود که این خود موجب و عامل استجاب دعا و رفع بلا می‌شود ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا﴾ - هنگامی که به انسان زیان و ناراحتی رسد، ما را در هر حال در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده

است، می‌خواند ﴿ [یونس: ۱۲] که در این حالت بنده تنها رو به پروردگارش می‌کند ﴿ اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ - یا آن کس که دعای بیچاره مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم آنان را بر طرف می‌سازد﴾ [نمل: ۶۲].

ایشان راه‌های متعددی برای رسیدن به یسر و آسانی را بیان کردند و فرمودند: بدون تردید خداوند متعال راه تحصیل یسر و آسانی را به ما آموخته است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى \* وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنِيئِهِ لِيُسْرَى - اَمَّا أَنْ كَسَّ أَنْفَاقَ كُنُودٍ وَتَوَكَّلَ عَلَى زِينَتِهِ \* وَرَبُّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ \* وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴾ [زمر: ۳۷-۳۹] و به ما وسیله دفع سختی‌ها و گرفتاری‌ها را آموخت، خدای سبحان فرمود: ﴿ وَلَقَدْ نَعَلْنَا لَكُمُ الْيُسْرَى \* وَأَوْرَثْنَاكُمْ بِهَا الْفُسْرَى \* سِيئَةُ مَن يُعْمَلُ الْيُسْرَى \* وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْسِرُونَ ﴾ [سجده: ۳۹-۴۱] و از آنچه آنها می‌گویند تنگ می‌شود پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده‌کنندگان باش ﴿ [حجر: ۹۷-۹۸] و خداوند متعال فرمود: ﴿ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ - از صبر و نماز یاری جوئید ﴾ [بقره: ۴۵] مصداق و مورد کمک و استعانت را ذکر نکرد تا مطلق باشد، خواه برای رزق و روزی باشد یا رفاه یا فرزند، یا توفیق، یا حل مشکل خاص، یا بهبود وضعیت خصوصی یا عمومی، یا رهایی از گرفتاری، و دیگر موارد.<sup>۱</sup>





## نعمت ولایت اهل بیت علیهم السلام (شُمُّ لِنُسْأَلَنَّ يَوْمَ مَيْذَعِنَ النَّعِيمِ)

سپس در آن روز از نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهد شد! آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله در یکی از سخنرانی‌های خود فرمودند: نزد انسان نعمت‌های بی شماری وجود دارد که قابل شمارش نیستند هر دم و باز دمی که انسان انجام می‌دهد نعمت است، و هر قطره خونی که در رگهای او در جریان است نعمت است و هر نبضی که در دل صورت می‌گیرد نعمت است تا دیگر نعمت‌های بیشماری که خداوند به انسان داده است. حال چه وظیفه‌ای در مقابل این نعمت‌ها داریم؟

باید شکر این نعمت‌هایی که خداوند به ما داده را بجای آوریم، انسان معمولاً غافل از اینها می‌شود و حتی اگر متوجه آنها شود شکر آنها را بجای نمی‌آورد و حق آنها را اداء نمی‌کند با این وجود خداوند این کوتاهی‌ها را می‌بخشد.

شکر نعمت‌های معنوی که معمولاً متوجه آنها نیستیم مگر خیلی اندک، که در راس همه آنها ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آنچه از سوی او آورده است چراکه او وسیله رستگاری در دنیا و آخرت است.

نعمت ولایت امیر المومنین علیه السلام و ائمه از فرزندان او. (امیر المومنین فرمود: ما نعمتی هستیم که خداوند به بندگان بخشید و به وسیله‌ی ما در قیامت رستگار می‌شوند)

ضرورت یادآوری نعمتها به مردم؛ اهل بیت علیهم السلام مردم را تذکر می‌دادند

و باور آنها را تصحیح می‌کردند؛ امیر المومنین علیه السلام فرمودند: آن نعمتی که از انسان در مورد آن می‌پرسند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و جانشینان اوست، که خداوند نعمت خود را بوسیله آنها بر پیروان و اولیای آنان بخشید.

نعمت اخلاق نیکو، متأسفانه انسانها به این نعمت توجه نمی‌کنند و به آن ارزش نمی‌دهند، و جامعه نیز افراد با اخلاق و رفتار نیک را ارج نمی‌نهد همانگونه که برای برخی امور ارزش قائل است همچون احترام به پدر و مادر، یا رفع نیاز مردم یا دیگر رفتارهای نیک.

نعمت زن صالح، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: (هیچ مرد مسلمانی پس از اسلام، از چیزی همانند زن شایسته استفاده نبرده است که هرگاه به او می‌نگرد، باعث شادی و سرور او می‌شود، هرگاه از او چیزی درخواست کند فرمانبرداری می‌کند و در هنگام عدم حضور او، از خود و اموال شوهرش به خوبی مراقبت می‌کند).

ضرورت بازگو کردن نعمت‌های معنوی؛ امام حسین علیه السلام فرمود: خداوند فرمود و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن!، او را فرمان داد تا در مورد نعمت‌های دینش بازگو کند یعنی ایمان به خداوند و فرستاده او و ولایت اهل بیت علیهم السلام.

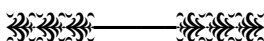
ماه مبارک رمضان از نعمت‌های معنوی است، از ماه مبارک با شناخت فضائلش و نعمت‌های بزرگ بوسیله آن استقبال کنید، پس قدر و منزلتش را با خواندن خطبه شعبانیه پیامبر صلی الله علیه و آله بشناسید و در آن درنگ کنید و همچنین با مطالعه دعای امام سجاد علیه السلام در استقبال و وداع با ماه مبارک رمضان.

با وجود این نعمتها چه چیزی بر ما واجب می‌شود؟ باید متوجه

نعمت‌های واقعی و حقیقی شویم و از نعمت‌های موقت زهد بورزیم، و تمام تلاش خود را در بازگو کردن نعمت‌های حقیقی بکار گیریم و مردم را به آن دعوت و تشویق کنیم، و از درگیری و سبقت و دعوا برای رسیدن به امور دنیایی خیالی و غیر حقیقی که بسیاری را به خود مشغول ساخته و به غفلت انداخته است اجتناب کنیم.<sup>۱</sup>

❁ ﴿ثُمَّ لِنُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ آیه ۸ سوره تکوین، نعمت ولایت اهل

بیت (علیه السلام) - قیس ۱۸۳



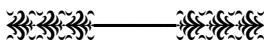
### انتظار ظهور امام زمان (علیه السلام)

این آیه شریفه ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ آن سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و حسن عاقبت برای پرهیزگاران است» [آیه ۸۳ قصص] تاکید می‌کند که پاداش هر عملی جدای از تلاش و کوشش برای آن کار نیست بلکه نتیجه حتمی آن تلاش است و این بر خلاف کسانی است که به دنبال دنیا هستند که در آیه دیگر به آنها اشاره شده است می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا﴾؛ هر کس به دنیای زودگذر باشد آن مقدار از آن را

که بخواهیم - و به هر کس اراده کنیم- می دهیم، آن گاه دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش می سوزد در حالی که نکوهیده و رانده است» ( ۱۸ اسراء)

پس این گونه نیست که هر چه را بخواهد برای او محقق می شود بلکه آنچه را که خدا می خواهد. و البته نه برای همه افراد دنیا طلب بلکه به آن عده که خداوند اراده کرده عطا می کند. و ما بر اساس همین رویکردی که درباره‌ی تلاش برای آخرت ارائه شد باید جایگاه همه اعمال خود را درک کنیم و از آن جمله معنای انتظار ظهور امام صاحب الامر علیه السلام و دعا برای برپایی حکومت با برکت ایشان است. این انتظار ظهور باید همراه با تلاش مخصوص و متناسب با آن صورت بگیرد در نتیجه احادیثی که به ثواب انتظار و منتظرین می پردازد باید مقید به این باشد که منتظران در خور آن انتظار تلاش و کوشش داشته باشند.<sup>۱</sup>

\* حضرت آیت الله العظمی یعقوبی دام ظلّه سخنرانی ۳۳۴ ... من اراد الآخرة فلیسع لها سعيها.



### فضیلت و مناسبت های ماه مبارک شعبان

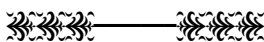
پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «شعبان شهری و شهر رمضان شهر الله عز و جلّ فمن صام يوماً من شهرى كنت شفيعه يوم القيامة و من صام يومين

مَنْ شَهْرِي غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَهْرِي قِيلَ لَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ؛ شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه خداست. پس کسی که یک روز از ماه من را روزه بگیرد من در روز قیامت شفیع او خواهم بود و کسی که دو روز از ماه من روزه بگیرد، گناه گذشته و آینده او بخشیده می‌شود و کسی که سه روز از ماه من روزه بگیرد به او گفته می‌شود عملت را از اول شروع کن (همه گذشته بد او محو می‌شود)».

بخششی به تعداد ستارگان آسمان: امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ عَدَدِ النُّجُومِ؛ امام رضا علیه السلام فرمود: هر کسی هر روز از ماه شعبان هفتاد بار از خداوند طلب بخشش و استغفار کند خداوند گناهان او را می‌آمرزد و لو به تعداد ستارگان آسمان باشد».

بهترین ذکر: امام باقر علیه السلام: «أَثْقَلُ مَا يَوْضَعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ؛ سنگین‌ترین چیزی که در قیامت در میزان عمل گذارده می‌شود، درود بر محمد و آل محمد است».

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَ نُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَ نُورٌ فِي الْجَنَّةِ؛ درود بر من زیاد بفرستید همانا درود بر من نور است در قبر (و قبر را نورانی می‌کند) و بر صراط نور است (مسیر را نورانی می‌کند) و در بهشت نور است (جایگاه ابدی را نیز نورانی می‌کند)»<sup>۱</sup>.

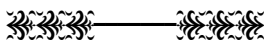


### سوم شعبان، ولادت امام حسین علیه السلام

با امام حسین علیه السلام بودن: امام صادق علیه السلام می فرماید: «اَقْرَأْ سُورَةَ الْفَجْرِ فِي فَرَائِضِكُمْ وَ نَوَافِلِكُمْ فَإِنَّهَا سُورَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام وَ مَنْ أَدَمَّنَ قِرَاءَةَ وَ الْفَجْرِ كَانَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فِي دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ؛ سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید همانا این سوره حسین بن علی علیه السلام است هر کس مداومت کند بر قرائت این سوره، با امام حسین علیه السلام خواهد بود و در جوار جایگاه بهشتی او قرار خواهد گرفت.»

عاجزترین مردم: امام حسین علیه السلام می فرماید: «إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ وَ إِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ؛ عاجزترین مردم کسی است که از دعا کردن ناتوان باشد و بخیلترین مردم کسی است که از سلام کردن بخل بورزد.»

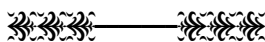
نام گذاری فرزند: امام حسین علیه السلام می فرماید: «لَوْ وُلِدَ لِي مِائَةٌ لَأَحْبَبْتُ أَنْ لَا أُسَمِّيَ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا عَلِيًّا؛ اگر ۱۰۰ فرزند برای من متولد شود دوست دارم نام هر یک از آنان را جز علی نگذارم.»<sup>۱</sup>



### چهارم ماه شعبان، ولادت حضرت ابوالفضل علیه السلام

منزلتی بالاتر از همه شهداء: امام سجاد علیه السلام می فرماید: «إِنَّ لِعَمِي الْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلَّ مَنْزِلَةً يَغْبِطُهُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هَمَانَا بِرَأْيِ عَمُومِ عَبَّاسٍ جَايِغَاهِي أَسْتُ كَهْ هَمَمِ شُهَدَاءِ بِه مَقَامِ أَوْ دَرِ رُوزِ قِيَامَتِ غِبْطَه مِي خُورَنَد.»

ایثار و فداکاری: امام سجاد علیه السلام می فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آثَرَ وَأَبْلَى وَفَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ؛ خُدَايَ رَحْمَتِ كُنْدِ عَمُومِ عَبَّاسِ رَا كِه حَقِيقَتًا أَيْثَارِ وَجَانَبَايَ نَمُودِ وَجَانَشِ رَا فِدَايِ بَرَادَرَشِ كَرْدِ تَا أَنجَا كِه دَسْتَهَايَشِ قَطْعِ شُد.»<sup>۱</sup>



### بنجم شعبان، ولادت امام سجاد علیه السلام

مسابقه برای کسب درجات: امام سجاد علیه السلام می فرماید: «مَعَاشَرَ شِيعَتِنَا أَمَّا الْجَنَّةُ فَلَنْ تَفُوتَكُمْ سَرِيعًا كَانَ أَوْ بَطِيئًا، وَ لَكِنْ تَنَافَسُوا فِي الدَّرَجَاتِ، وَ اعْلَمُوا أَنَّ أَرْفَعَكُمْ دَرَجَاتٍ، وَ أَحْسَنَكُمْ قُصُورًا وَ دُورًا وَ أَبْنِيَةً أَحْسَنَكُمْ فِيهَا: إِجَابًا لِأَخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَكْثَرَهُمْ مُوَأَسَاةً لِفُقَرَائِهِمْ. إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِيَقْرَبُ الْوَاحِدَ مِنْكُمْ بِكَلِمَةٍ يَكَلِّمُ بِهَا أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ بِأَكْثَرِ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ فِي سَنَةٍ بَقَدَمِهِ؛ أَيِ شِيعِيَانِ مَا، بَهْشْتِ هَرِگَزِ از شَمَا فُوتِ نَمِي شُودِ، زُودِ بَاشَدِ يَا دِيرِ، (نَهَايَتَا دَاخِلِ بَهْشْتِ مِي شُويَدِ) لَكِنْ از يَكْدِيگَرِ سَبَقْتِ بَغِيرِيَدِ

در کسب درجات و بدانید بالاترین شما از نظر درجه و بهترین شما از نظر جایگاه ابدی (کاخ ها، خانه ها و ساختمانها) بهترین شما در پاسخگویی به برادران مؤمن خود می باشد و بیشترین ایثار را نسبت به فقراء مؤمن داشته باشد. همانا خداوند عزّ و جلّ یکی از شما را به خاطر سخن زیبایی که با برادر مؤمن فقیر خود داشته، به بیشتر از مسیر هزار سال راه رفتن، به خود نزدیک می کند.<sup>۱</sup>



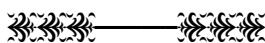
### نیمه شعبان، میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه

نیمه شعبان سالروز تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، امام دوازدهم شیعیان است که در دوران غیبت به سر می برد. در برخی روایات، شب نیمه شعبان پس از شب قدر برترین شبها دانسته شده است. گروهی از شیعیان در این شب به شب زنده داری و اعمال مذهبی مشغول می شوند. برخی از اهل سنت و طریقت های تصوف نیز به فضیلت این شب معتقدند. جشن نیمه شعبان از جشن های بزرگ شیعیان است که به مناسبت میلاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه برگزار می شود. در ایران، مسجد جمکران و در عراق، کربلا محل تجمع شیعیان در نیمه شعبان است. بر اساس گزارش های تاریخی و طبق دیدگاه مشهور شیعه پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ ق روز تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه، دوازدهمین امام شیعیان است که در غیبت به



سر می‌برد. دسته‌ای از روایات، حاکی از اهمیت نیمه شعبان به همین سبب است.

شیعیان به مناسبت سالروز میلاد امام مهدی علیه السلام اقدام به برگزاری جشن، چراغانی‌های گسترده، مولودی‌خوانی، قربانی کردن و غذا دادن به فقرا می‌کنند. برگزاری این جشن‌ها در ایران پررنگ‌تر است. مسجد جمکران از میزبانان اصلی برگزاری جشن‌های مهدویت در ایران است. این روز در ایران تعطیل و روز جهانی مستضعفان نامیده شده است. در عراق نیز شیعیان ضمن برگزاری جشن نیمه شعبان، به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روند. پیاده‌روی به سمت کربلا در ایام نیمه شعبان مرسوم است. جشن‌های نیمه شعبان توسط شیعیان بحرین، یمن، مصر، لبنان، سوریه و هند نیز برگزار می‌شود.<sup>۱</sup>



## امامت در پرسش‌ها و پاسخ‌ها

**پرسش ۱: آیا نهاد امامت یک ضرورت عقلی است یا شرعی؟**

**پاسخ:** امامت و ولایت امر بر مردم، هم ضرورتی عقلی است و هم شرعی؛ و تمامی عقلاء بر آن اتفاق نظر دارند. حقیقت آن است که استمرار حیات جامعه متمدن و نظام معیشت آن بدون وجود امام و رئیس که امور امت را اداره نماید، امکان پذیر نخواهد بود. در نتیجه وجود

نظام حاکم در جامعه، به منزله عقل در بدن آدمی است که قطب نمای زندگی را جهت داده و از پدید آمدن هرج و مرج، اختلاف، نزاع و تضييع منافع مردم و کشور جلوگیری می‌نماید.

امیرالمومنین علیه السلام در همین خصوص میفرماید:

«لابد للناس من أمير برّ أو فاجر، يعمل في أمرته المؤمن و يستمتع فيها الكافر و يبلغ الله فيها الأجل و يجمع به الفیء و یقاتل به العدو و تأمن به السبیل و یؤخذ به للضعیف من القوى حتی یستريح برّ أو یستراح من فاجر» در حالی که حاکمی برای مردم لازم است چه نیکوکار و چه بدکار، که مؤمن در عرصه حکومت او به راه حقش ادامه دهد، و کافر بهره مند از زندگی گردد، و خدا هم روزگار مؤمن و کافر را در آن حکومت به سر آرد، و نیز به وسیله آن حاکم غنائم جمع گردد، و به توسط او جنگ با دشمن سامان گیرد و راه‌ها به سبب او امن گردد، و در حکومت وی حق ناتوان از قوی گرفته شود، تا مؤمن نیکوکار راحت شود، و مردم از شرّ بدکار در امان گردند.

همچنین در شرع مقدس اسلام، هم مساله‌ای ضروری است؛ چه آن که علمای اسلام بر ضرورت وجود امام و رهبر جامعه اجماع کرده اند و اگر اختلافی در این میان مشاهده می‌شود تنها در کیفیت و جزئیات مساله، همچون کیفیت تعیین امام، شرایط و صلاحیتهای وی - و نه در اصل نیاز امت به رهبر - است.

به عنوان مثال، اهل سنت به روشهایی چون شوری، زور و غلبه (الأمر لمن غلب) و شیعیان به روش تعیین از سوی پیامبر یا ائمه پیشین باور دارند که به مثابه حقی در نظر گرفته می‌شود که خداوند تبارک و تعالی

آن را در کسی که واجد تمامی ویژگیها و شرائط آن باشد، قرار داده است. از دیدگاه شیعه این مساله که شرایط اجتماعی و سیاسی اجازه تصدی مقام زعامت جامعه را به امام بدهد و یا برعکس مانع از اعمال این حق و نقش امام گردد، خللی در مشروعیت مقام امامت و حقانیت ایشان ایجاد نمیکند. چنانچه در حدیث شریف از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ إِمَامَانِ إِنْ قَامَا وَإِنْ قَعَدَا» حسن و حسین امام هستند چه به پا خیزند - و زعامت سیاسی جامعه را به دست گیرند - و چه بنشینند - به هر دلیلی از رهبری جامعه محروم شوند -.

**پرسش ۲: آیا میتوان از سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شواهدی بر ضرورت وجود امامت یافت؟**

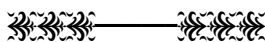
**پاسخ:** بله شواهدی را میتوان از سیره رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به مساله رهبری و امامت جامعه یافت. از ایشان نقل شده است که «الإِمَامُ الْجَائِرُ خَيْرٌ مِنَ الْفِتْنَةِ» رهبر ظالم بهتر از فتنه است. نیز از ایشان منقول است که «إِذَا خَرَجَ اثْنَانِ لِلسَّفَرِ فَلْيُؤَمِّرَا أَحَدَهُمَا» هرگاه دو نفر به سفر میروند، یکی را به عنوان راهبر برگزینند. «وَالظُّلُومُ غَشُومٌ خَيْرٌ مِنْ فِتْنَةٍ تَدُومُ» حاکم ستمگر کینه توز بهتر از هرج و مرج و فتنه طولانی است. در سیره حضرتشان نیز آمده است که هیچ گاه گروهی را - اگر چه اندک - برای نبرد اعزام نمیفرمود مگر آن که برای ایشان سرپرست را تعیین میکردند. همچنین ایشان هرگاه قصد جنگ با دشمنان اسلامی می-نمودند، هیچگاه شهر را بدون انتخاب جانشین برای خودشان، ترک نمیکردند.

از همین رو تعامل ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام با حاکمان وقت را مبیایست در چارچوب حفظ منافع مردم و حفظ نظام اجتماعی و پشرفت دولت

اسلامی و حراست از کرامت آن فهم نمود. تا آن جا که ایشان در برخی از شرایط، پرداخت زکات و خراج به حاکمان جور را جائز و این اقدام را همچون زمانی که زکات و خراج به معصومین علیهم السلام پرداخت شده، موجب برائت ذمه پرداخت کننده عنوان میکردند.

**پرسش ۳:** آیا تعیین خلیفه و امام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله از وظایف و مسئولیت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؟

**پاسخ:** با توجه به ضرورتی - که در خصوص آن اجماع عقلی و شرعی وجود دارد - که در پاسخ‌های پیشین بدان اشاره شد تعیین خلیفه و امام یکی از مسئولیت‌ها و وظائف پیامبر صلی الله علیه و آله و بلکه مهم ترین آن هاست.<sup>۱</sup>  
\*منبع: کتاب پرسش‌ها و پاسخ‌ها ج اول - پرسشهایی در مورد امامت - برگرفته از سخنان مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام ظلّه - کاری از مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.

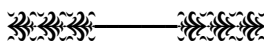


### نقش اعمال جوانحی در تهذیب و تطهیر قلب

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی در درس خارج خود در خصوص نقش اعمال قلبی در تهذیب نفس گفتند:  
... آنچه کم مورد دقت و توجه واقع می‌شود اعمال جوانحی است نه اعمال بدنی، آنچه که با آن تهذیب نفس و تطهیر قلب صورت می‌گیرد،

در حالیکه این [اعمال جوانحی] خود مقیاس حقیقی برای کمال و قرب الهی است. می‌دانید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی به آخر خطبه معروف به خطبه شعبانیه در اول ماه مبارک رمضان رسید حضرت امیر علیه السلام از ایشان پرسیدند: برترین اعمال در این ماه بزرگ چیست؟ نبی مکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: ورع و اجتناب از گناهان و محارم الهی. ورع از ملکات جوانحی و قلبی است و یک عمل و رفتار جوارحی یا خارجی نیست هر چند آثار آن در رفتار و عمل برونی فرد ظاهر می‌شود و موجب پرهیز و اجتناب از گناه می‌شود.<sup>۱</sup>

\* سال ۱۴۳۲ به مناسبت حلول ماه رجب، درس خارج.



### تفکر ساعة افضل من عبادة ستين سنة.

کدام تفکر از ۶۰ سال عبادت بهتر است؟

ساعتی اندیشیدن، از عبادت شصت سال بهتر است. این یک سبک عبادت را به ما نشان می‌دهد که ممکن است در شب قدر انجام شود و آن عبادت تفکر است و این برداشت، معنای بهتر بودن شب قدر از هزار ماه را برای ما آسان می‌کند، چون تفکر یک ساعت، در حالی که شب چند ساعت است تفکر یک ساعت بهتر از عبادت شصت سال است و شب قدر چند ساعت است و معنای این حدیث اینگونه فهمیده می‌شود

که فکر و فهم و تامل، حقیقت عمل، و هدف مورد نظر آن است نه حرکت‌های جسمانی که ارزشش به محتوا و باطن آن هست مثل قرائت قرآن؛ آیا مطلوب از قرائت قرآن تنها لقلقه زبان است؟! بدون اینکه خواننده معنای آیاتی که می‌خواند را بفهمد و در آنها تدبیر کند!

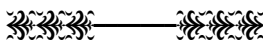
بدون شک ارزش آن به تدبیر و تفکر و استفاده و پیاده کردن آن در رفتار است. پس ارزش آن، برای تفکر است، چرا که تفکر جان عبادت است. بنابر این عبادت شصت سال بدون تفکر، با یک ساعت عبادت با تفکر برابری نمی‌کند این معنایی است که از این حدیث به ذهن می‌رسد. اما معنای دیگری را بیان می‌کنیم که با آن معنایی که از شب قدر کردیم نزدیک است. انسان ممکن است در طول زندگی یک ساعت به تفکر و تحقیق و پژوهش بپردازد و برای هدفی که دنبال می‌کند و انگیزه‌هایی که دارد فکر کند تفکر و تامل می‌کند و به حسابرسی خودش در گذشته می‌پردازد تا ببیند که آیا در آن مسیر مستقیمی که به هدف می‌رساند هست [یا خیر]. پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن، تا انسان به مسیرش بمانند سابق ادامه دهد و شاید در این تفکر به نتیجه‌ای برسد که باید در راهی که رفته تجدید نظر کند.

پس اگر یک ساعتی در مورد هدفی که دنبال می‌کند و انگیزه‌ای که در کارها دارد فکر کرد و یا در مورد راهبری که از آن تبعیت می‌کند - چون این مسئله مهم است که از چه راهبرانی در مسائل دینی و دنیوی تبعیت می‌کنی چون او برای زندگی ات برنامه می‌چیند - اگر یک ساعت بنشیند و فکر کند که آیا این راهبر و راهنما جامع شرایطی هست که خدا می‌خواهد؟ و شاید با این یک ساعت تفکر تصمیم دیگری بگیرد که

تمام مسیر زندگی‌اش را تغییر دهد و جهت و رویکردش را به سمت صحیح تغییر دهد.

این یک ساعت تفکر و تأمل بهتر است از هر آنچه که در طول زندگی بدون بصیرت انجام داده می‌باشد و ممکن است گمان می‌برد که کار خوبی دارد انجام می‌دهد و بهترین نمونه برای این موضوع حر ریاحی است که شصت سال از زندگی‌اش را دور از ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و پیروی از برنامه آنها گذراند اما در روز عاشورا یک ساعت فکر کرد و به اندیشیدن پرداخت تا در درستی مسیر خودش تجدیدنظر کند و تصمیم نهایی را بگیرد. او شجاع بود چون توانست تصمیم شجاعانه‌ای را بگیرد و مسیر زندگی‌اش را با انتخاب سپاه امام حسین علیه‌السلام تغییر داد. او با تفکر یک ساعت متحول شد و شقاوت ابدی را به سعادت ابدی تبدیل کرد. پس این یک ساعت، تمام حیات و زندگی‌اش بود بلکه بهتر از تمام زندگی‌اش بود که آن را در خدمتگذاری به طاغوت گذراند و تمام آن زندگی هیچ ارزشی ندارد چون آن را در انحطاط و پستی منتهی به جهنم گذراند اما خداوند متعال رحمت و لطفش را شامل حال او کرد.<sup>۱</sup>

❁ قسمتی از سخنان مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام‌ظله‌ه.



### شب قدر با امام زمان علیه السلام

آنچه شایسته است که در شب قدر مورد توجه قرار گیرد دعا برای امام زمان علیه السلام است چراکه خود ایشان علیه السلام صاحب این شب است و با وجود او شرف و ارزش پیدا می کند.

در زمان ما ملائکه و روح در هر شب قدر و در هر سال بر که نازل می شوند؟

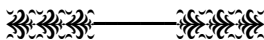
بر امام زمان علیه السلام نازل می شوند. و آنچه خداوند متعال برای بندگان در آن شب تا سال دیگر مقدر ساخته را بر ایشان عرضه می کنند.

ایشان علیه السلام به آن نگاه می کند، به آن صحیفه‌هایی که همه امور تا سال آینده در آن نوشته شده است و برای صاحبان آنها آنچه سزاوار آند دعا می کند. چون در زمان ما، او حجت فعلی خداوند متعال بر تمام مخلوقات است.

و مستحب است در این شب دعای سلامتی امام زمان را بسیار بخوانیم یعنی دعای اللهم کن لولیک الحجة ابن الحسن، امیدوارم که نگاه کریمانه او شامل حال ما شود. پس برای آمادگی پیدا کردن برای شب قدر باید برنامه‌ای تهیه شود که همه اعمالی که در کتابها آمده است را یکجا جمع کنند.<sup>۱</sup>

\* از نصایح و مواعظ مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام ظلته.





## دوری از رفتار شیطانی در ماه مبارک رمضان

امام صادق علیه السلام فرمود: (إِنَّ الشَّيَاطِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَكْثَرُ مِنَ الزَّنَابِيرِ عَلَى اللَّحْمِ) هجوم شیطان‌ها به مؤمنان، بیشتر از هجوم زنبورها به گوشت است.

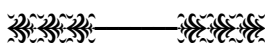
ما اینگونه مورد هجوم شیطان‌های انسانی و جنی هستیم. پس نباید از پناه بردن به خداوند متعال و کمک خواستن از او غافل شد خداوند به بندگان خود مهربان است و ملائکه‌ای را برای حمایت و حفاظت از او قرار داده است. نه تنها این، بلکه این ماه بزرگ را هم برایشان قرار داده است این ماه رمضان، که شیطان‌ها در آن به غل و زنجیر کشیده می‌شوند همانگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنرانی که به استقبال این ماه رفت وعده داده است که در آن فرمود: و شیطان‌ها در این ماه در غل و زنجیر هستند از خداوند بخواهید که آنها را بر شما مسلط نگرداند. از روی مهر و محبت شیطانها را به غل و زنجیر کرد این یک فرصت است و باید غنیمت شمرده شود.

انسان نباید به کارهای بد و بیهوده پردازد متأسفانه می‌بینید بسیاری از کارهای لهوی و بیهوده و متأسفانه حتی گناهان در ماه رمضان بیشتر رواج پیدا می‌کنند و زمان آن در ماه رمضان خواهد بود ببینید دقیقا برعکس آنچه که خداوند برای بندگانش خواسته است این همانی است که شیطان می‌خواهد که آنها را گمراه کند با اینکه ماه رمضان فرصت بزرگی برای بالندگی و تکامل و قرب و نزدیک شدن به خداوند متعال

است.

راه‌های شیطانی در این ماه بیشتر می‌شود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید که شیطان‌ها در این ماه در غل و زنجیر هستند از خداوند بخواهید که آنها بر شما مسلط نشوند به هر حال انسان معصوم نیست و ممکن است در برخی کارها فریب شیطان را بخورد و از روی غفلت و از روی شهوت مرتکب گناهی شد باب و در توبه هم باز است بویژه در ماه رمضان که به خودش بیاد و جبران کند و از خداوند متعال در این ماه طلب آمرزش کند در این ماه گناهیانی بخشیده می‌شوند که در دیگر ماهها بخشیده نمی‌شوند...<sup>۱</sup>

\*مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام ظلّه.



## دهه آخر رمضان و اعتکاف

دهه آخر ماه مبارک رمضان به مثابه روح و عصاره این ماه است و بنده میوه و ثمرات رفتار و کردار صالح خود در این ماه را برداشت می‌کند و به فضل خداوند متعال آن را احساس می‌کند و خداوند متعال لطف و محبت خود به بندگان را افاضه می‌کند و برکت در رزق و روزی او را نسبت به دیگر روز و شب‌های این ماه بیشتر می‌کند و در عظمت آن همین بس که در آن، شب قدر است که بهتر از هزار ماه است و در آن،

شب آخر ماه است که در روایت است که خداوند در آن بندگانی را از آتش آزاد می‌کند به اندازه تمام ماه است لذا این دهه مورد توجه ویژه قرار گرفته است هم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هم ائمه اطهار علیهم السلام توجه خاص به آن داشتند.

در یک روایت صحیحه، حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله ده روز آخر ماه رمضان را در مسجد اعتکاف می‌کرد.

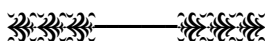
در این مدت برای آن حضرت چادری سیاه برپا می‌شد و ایشان دامن به کمر می‌زد و بسترش را بر می‌چید.

و از امام صادق علیه السلام نقل شده است که از پدرانش علیهم السلام نقل می‌کند و فرمود: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اعتکاف یک دهه از ماه مبارک رمضان معادل دو حج و دو عمره است.

پر واضح است که مراد از اعتکاف، روح و جوهر آن است یعنی بریدن از هر آنچه باعث شود بنده را مشغول سازد و از خداوند غفلت کند، چه رسد به گناه؛ و این باعث می‌شود که انسان با ایمان پس از آن بتواند در غیر مسجد هم اینگونه باشد اگر نتوانست اعتکاف را در مسجد به جا بیاورد می‌تواند اعتکاف معنوی را، اگر بشود اینگونه نامگذاری کرد، در بیرون مسجد انجام دهد در خانه خود، یا در محل کار خود، یا در هر جای دیگر.

اما اعتکاف در مسجد جامع که کمترین آن سه روز است همانگونه که در کتاب‌های احکام شرعی مشهور است شرعا مورد توجه است و فضیلت

بیشتری دارد البته با حفظ و رعایت اعتکاف معنوی آن...<sup>۱</sup>  
\* مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظلّه



### امام علی علیه السلام چشمه جوشان معرفت

نباید مانند نسلی که با امام علی علیه السلام زندگی کردند باشیم چراکه از علی علیه السلام بهره نبرد و امام علی علیه السلام همانگونه که در تاریخ خواندید با چاه به آنچه که به او از درون فشار می آورد سخن می گفت. کسی نبود که شایستگی آن را داشته باشد که حامل علم و دانش او باشد اینجا آکنده از دانش است کاش شاگردانی که می توانند حامل آن شوند بدست می آوردم کسی نبود تا از علی ابن ابی طالب بهره ببرد در نهایت علی علیه السلام به ناچار به سوی چاه می رفت و با آن سخن می گفت و خود را خالی می کرد. چراکه فشارها به او بسیار بود و کسی را نمی یافت که بتواند از دردش بکاهد پس نباید خطای آنها را تکرار کنیم.

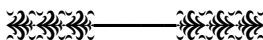
اکنون علی ابن ابی طالب علیه السلام با جسم و بدنش در کنارمان نیست اما او با فکر و اندیشه و سخن و سیره و اخلاقش و دیدگاه و جهان بینی اش در کنار ما است. و آنچه که در نهج البلاغه و دیگر کتابها برای ما باقی گذاشت. پس نباید این خطا را تکرار کنیم و با دوری از نهج البلاغه و غیر آن خود را از علی علیه السلام محروم سازیم، که در آن سیره و سیرت او را

حکایت می‌کند. در بسیاری از خطبه‌هایش دردها و شکایت‌های خود را مطرح می‌ساخت و کسی با او همراهی نمی‌کرد و ندای او را اجابت نمی‌کرد.

و بنظر می‌رسد که این یک امر طبیعی است منظور از طبیعی بودن این است که تنها نسل زمان علی ابن ابی طالب علیه السلام اینگونه نبود بلکه همه نسلها اینگونه هستند. مگر خداوند متعال نمی‌فرماید: ﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ وای بر حال این بندگان که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند.

پس این تنها نسل زمان علی ابن ابی طالب علیه السلام نبود. آنچه می‌خواهم بگویم این است که ما مثل آنهایی که خودشان را از علی ابن ابی طالب علیه السلام محروم کردن نباشیم میان ما افراد بسیاری هستند که می‌توان از آنها استفاده و بهره برد.<sup>۱</sup>

\*مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت الله



## ضرورت میزان و فرقان در زندگی

هر انسانی به یک فرقان و میزان و نور در زندگی نیاز دارد تا راه را برای او روشن سازد. حق و باطل را از هم روشن کند و تفاوت آنها را در

کارها آشکار سازد.

چگونه این فرقان را پیدا کنیم؟ خداوند ما را در این زمینه راهنمایی کرده است (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ) ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از خدا بترسید شما را بصیرت شناخت حق از باطل دهد.

تو ادعا می کنی که بصیرت و شناخت داری، اما این ادعای یک انسان عاجز است چون انسان بصیرت و شناخت پیدا نمی کند مگر اینکه خداوند او را راهنمایی کند. اگر لطف و عنایت خداوند نباشد انسان در کوچکترین کارها، نمی تواند به سر منزل مقصود برسد.

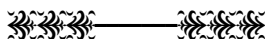
در داستان برادر کشی یکی از فرزندان حضرت آدم علیه السلام، ﴿وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا﴾ و داستان دو پسر آدم را به درستی بر ایشان بخوان، هنگامی که قربانی پیش داشتند تا آنجا که برادرش را کشت و بعد از آن ندانست که باید چکار کند و بدن برادر را چکار کند. تا اینکه خداوند کلاغی را فرستاد تا به او آموزش دهد که چگونه بدن بی جان برادر را زیر خاک کند بعد از آن قاتل نشست و به خود آمد و گفت ﴿قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِي سَوْءَةَ أَخِي﴾ وای بر من آیا من از آن عاجزترم که مانند این کلاغ باشم تا جسد برادر را زیر خاک پنهان کنم؟

تا این اندازه من عاجزم که حتی نمی دانم که باید بدن بی جان و مرده را در خاک باید دفن کنم. تا این مقدار انسان عاجز و ناتوان است برای رسیدن به کوچکترین کارها هم ناتوان است تا اینکه کلاغی بیاید

و زمین را بکند و بعد بفهمد که بدن مرده را لازم است در زیر خاک دفن کند. این انسان مغروری که به خود و دیگران ظلم کند و تکبر می‌کند از رسیدن به هدف و مقصود به کوچکترین کارها در زندگی عاجز است تا اینکه خداوند متعال او را راهنمایی کند و دستگیری نماید.

پس ما در حقیقت نیازمند نوری از خداوند هستیم، به یک فرقان و میزان نیاز داریم تا بین خوبی و بدی، تا گناه و کار خوب را بفهمیم...<sup>۱</sup>

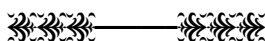
\*مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت‌الله.



## آمادگی برای شب قدر

انسان مؤمن باید در شب قدر بر حاجت خود پافشاری کند تا شاید برآورده شود. و اگر در انجام یک عمل دچار خستگی و بی حالی شد باید عمل دیگر را انجام دهد، چرا که اعمال ذکر شده برای این شب بسیار متنوع هستند، و یکی از اهداف تنوع آنها جلوگیری از خستگی، کسالت، یکنواختی و ایجاد سرزندگی است، و اینکه فرصتی را فراهم کنند تا هر شخص با جوارح و جوانح خود به هر صورتی که دوست دارد به عبادت خداوند متعال بپردازد. لازم است قبل از فرارسیدن شب قدر آمادگی لازم را برای ورود به این شب با دوری از گناهان و انجام عبادت‌های مختلف بدست آوریم، یکی از راههای بدست آمدن این آمادگی انجام اعمال

مخصوص شب قدر در شب نوزدهم است البته امکان ندارد که شب نوزدهم، شب قدر باشد؛ زیرا شب قدر در دهه آخر ماه رمضان قرار دارد، و علت اینکه شب نوزدهم جزء شبهای قدر قرار داده شده این است که انسان مؤمن آمادگی و توفیق بهرمندی از شب قدر را پیدا کند، لذا اگر کسی در شب نوزدهم کوتاهی کند شاید از برخی فضایل شب قدر محروم بماند، مگر اینکه خداوند متعال با فضل و کرم خویش آن را جبران کند.<sup>۱</sup>



## لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ

### شب قدر بهتر از هزار شب

خداوند متعال در مورد فضیلت و شرافت شب قدر که بهترین شبهای سال است فرمود: ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ شب قدر از هزار ماه بهتر و بالاتر است.

برداشت مشهوری که از این آیه شده این است که پاداش و ثواب کار خوب به فضل و رحمت خداوند متعال در این شب مضاعف می‌شود تا بهتر از عمل هزار ماه شود. این معنی و برداشت درست و صحیح است چراکه خداوند تبارک و تعالی در این شب بر بندگان خود منت می‌گذارد و پاداش عمل در این شب را مضاعف می‌کند تا به اندازه هزار شب شود و این معنی در روایات و احادیث نقل شده است.



در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که برخی از اصحاب ما به ایشان عرضه داشتند (كَيْفَ تَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؟) چگونه می‌شود که شب قدر از هزار ماه بهتر و بالاتر باشد؟

امام علیه السلام فرمودند: (أَلْعَمَلُ الصَّالِحِ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ) در این شب که انجام عمل خیری در آن، برابر با عمل در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد. و توصیف این شب به شب مبارک در کلام خداوند متعال در سوره دخان هم بر این معنا دلالت می‌کند ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره اندازر کننده بوده ایم و از برکات آن زیادی پاداش و اجر در این شب است نسبت به دیگر شب‌ها و روزها است و این معنی از اسم این شب برداشت شده است.

چون قدر یعنی شأن و جایگاه بزرگ و عظیم است. لذا می‌گویند شخصیت عالی قدر یعنی دارای شأن و جایگاه بزرگی است. و به تاکید برای این شب، قدر و منزلتی بزرگ است و این قدر و منزلت برای دیگر شب‌ها هم هست اما با اندازه‌های متفاوت؛ در برخی از زمان‌های شریف یا مکان‌های شریف مانند شب جمعه یا در مساجد، در برخی از مناسبت‌ها و مکان‌های دیگر که عمل و رفتار خوب، پاداش مضاعف خواهد داشت این معنای اول برای شب قدر است.

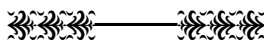
معنای دیگری که برای این شب می‌توان ذکر کرد از نام این شب برداشت شده، اما از زاویه‌ای دیگر، و آن اینکه قدر در اینجا به معنای تقدیر است قدر به معنای تصمیم‌سازی و عزم جدی داشتن، و این تفسیر در کتاب کافی آمده است.

به نقل از راویانی که آنها از امام باقر علیه السلام نقل می‌کنند که در این

روایت آمده است در شب قدر هر آنچه از نیکی و بدی، فرمانبری و نافرمانی تولد و مرگ یا روزی، که تا سال آینده رخ خواهد داد، مشخص و معین می‌شود همه این امور در شب قدر معین و مشخص می‌شوند همه امور، همان طور که در سوره قدر آمده است همه امور در این شب مشخص می‌شود. پس هر آنچه در آن شب معین شود و بر آن حکم رود، حتمی و یقینی است و خواست خداوند نیز بر آن تعلق گرفته است.

این کلام امام باقر علیه السلام است بنابر این معنای آیه این می‌شود که خداوند متعال در این شب سرنوشت و رزق و کارهای آینده بندگان را تعیین می‌کند خداوند متعال فرمود در آن شب هر امری بر اساس حکمت تدبیر و ممتاز می‌گردد و بر این اساس معنای اینکه این شب بهتر از هزار ماه است این خواهد بود که شاید بنده مورد توجه و عنایت پروردگار قرار بگیرد و لطف ویژه‌ای به او شود و خداوند برای او در این شب تقدیری رقم بزند که با تمام زندگی‌اش برابری کند که معادل با هزار ماه خواهد بود.<sup>۱</sup>

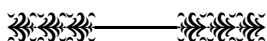
\*مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظلّه



## انسان مؤمن در ماه مبارک رمضان

انسان مؤمن در پایان ماه مبارک رمضان به دلیل جدایی از این ماه

مبارک و فیوضات الهی، احساس دلتنگی و ناراحتی به او دست می‌دهد، که دعاهای وداع با ماه رمضان بیانگر این احساسات هستند، علت بروز این احساس در انسان این است که ماه رمضان یکی از بزرگترین ایستگاه‌های آراسته شدن به تقوی و بهره مندی از یک روحیه معنوی است، به طوری که مؤمنان این پیشرفت معنوی را در درون خود احساس می‌کنند و میل بیشتری برای انجام عبادات در این ماه مبارک پیدا می‌کنند، این یکی از برکات ضیافت الهی در این ماه مبارک است.<sup>۱</sup>



### در اولین گام از حيله های شيطان برحذر باش

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد الیعقوبی دامت‌السلامه نماز عید مبارک فطر را در دفتر خود در نجف اشرف اقامه کرد و دو خطبه مراسم را در جمعی از مومنین که الهام گرفته از آیه ۲۱ سوره مبارکه نور ایراد کرد که در آن آمده است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾. ای اهل ایمان! از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید و هر که از وسوسه‌های شیطان پیروی کند، او به فحشا و کار زشت فرمان می‌دهد و اگر فضل و رحمت پروردگار

شامل حال شما نشود، یک نفر از شما در هیچ زمانی پاکیزه نخواهد شد؛ و لکن خداوند هر که را بخواهد پاکیزه می نماید که او شنوا و آگاه است. ایشان تأکید کرد که این ندای الهی ویژه مؤمنان است و اگر چه با سیاق خطاب به تمام انسان‌ها است، اما یک نکته مهم را دربر دارد، و آن این است که مؤمنان از سقوط در دام شیطان ایمن نیستند و باید از تله‌های او و دامنه‌ی وسوسه‌های پنهانی که بسیار پنهان است، هشیار باشند تا سرنوشتشان به زیان و خسران نرسد.

وی در طول دو سخنرانی بیان کرد که مؤمن صالح به طور مستقیم در فساد و انحراف نمی‌افتد، بلکه از طریق مراحل نظیر همنشینی با فاسقان، اختلاط با آنها، گوش دادن به حرف‌هایشان و متأثر شدن از آنها، پس از آن ایجاد آشفتگی در ذهن، قانع شدن به برخی از گفته‌هایشان، و سپس اندیشیدن درباره رفتارهایشان، به ویژه رفتارهای مشتبه، و این دام گسترده‌ی شیطان است، و یافتن بهانه‌هایی برای رفتارهای خود و خاموش کردن صدای وجدان، و سپس سقوط در گناهان و معاصی کوچک و جلوگیری از توبه، و رضایت طلبی از دشمنان به خاطر حفظ شأن و وضعیت اجتماعی، و سپس خدای ناکرده سقوط در گناهان بزرگتر؛ لذا شیطان خبیث نمی‌خواهد آنها را به طور مستقیم به گناه افکند، بلکه از طریق مراحلی او را فریب می‌دهد و زمینه‌های لازم را فراهم می‌کند چراکه انسان می‌داند عاقبت بد برخی از چیست لذا مستقیم در آنها نمی‌افتد.

همچنین معظم له به هشدار الهی که در آیه مبارکه آمده، اشاره کرد که در زوایای مختلفی از زندگی انسان استفاده شده است، مانند آیات

قبلی که یک بار با ورود به صلح چیده شده است، زیرا پیروی از شیطان منجر به اختلال، هرج و مرج و دعوا می‌شود ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾ [مائده: ۹۱] شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند. و دیگر اینکه در خوردن طیبات باشد نه خبثات و دیگری با حلال بودن کسب و کارها است، و این به معنای این است که قدم‌های شیطان می‌تواند در تمام جهات عقیدتی با شبهه‌افکنی و ایجاد شک و تردید همراه باشد.

یا سیاسی، با ایجاد وضعیت‌های جایگزین برای حکم خداوند متعال و تدوین قوانین و دستورالعمل‌های مخالف شریعت الهی.

یا اجتماعی، با تزئین سنت‌ها و آدابی که با دین و حیا و عفت متضادند مثل آنچه که در مراسم عروسی یا مراسم فارغ‌التحصیلی یا نزاع‌های عشایری و انتقام و مانند آن انجام می‌شود.

یا اخلاقی، با ابتکاری در همایش‌های هنری و ورزشی منحرف و مواردی که مقدسات انسان و اصول فطری او را تخریب می‌کند.

یا اقتصادی، با تدوین سیاست‌هایی که پول را مقدس می‌کند و روحیه خودخواهی را پرورش می‌دهد و به اسم مردم پول به دست آورند و محصولات کشاورزی و گوشت را سوزانده و یا در دریاها می‌اندازند تا قیمت‌ها را حفظ کنند.

یا رفتاری، مانند تشویق به همجنس‌گرایی، و تحریک جنسی، سقط جنین، تغییر جنسیت، حتی برای کودکان، تحت عنوان آزادی و موارد مشابه

وی همچنین تاکید کرد که گام‌های شیطان و حیل‌های او ممکن

است فردی و یا اجتماعی باشد، و ممکن است از امور مباح آغاز شود و ابتدا هیچگونه تردید و شکی ایجاد نمی کند، یا از امور مذهبی که به نظر خوب می آید، اما پایان خطرناکی دارد، به گونه ای که جامعه یا فرد تحت کنترل شیطان قرار می گیرد و مطیع او می شود، و او را تحریک می کند و به او فحشا و منکر و ستم و فساد را عادی و مقبول نشان می دهد، و هر کسی که به این موارد اعتراض کند و سعی کند جامعه را از آنها پاک سازی کند، به عنوان فردی عجیب و عقب مانده و تجاوزگر به حقوق و آزادی انسانی محسوب می شود، و از این راههایی که شیطان انتخاب می کند، اجتناب مومنان از نماز است زیرا نماز مانعی بزرگ برای او است، و چون نماز از فحشا و منکر منع می کند ﴿تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾، و اگر در این بخش ناکام باشد، سعی می کند آن را بی محتوا کند تا اثرگذاری آن بر زندگی انسان کم شود و او را از فحشا و منکر منع نکند؛ و یکی از بزرگترین موارد فساد، اعراض و دوری از دین الهی و پیروی از نبی خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام است، زیرا آنها هستند که خداوند متعال ما را به ورود به آنها دعوت کرده و آنها پناهگاه محکم و ثابتی هستند که هر کسی که می خواهد از توطئه های شیطان نجات یابد به آنها پناه می برد.

و در همین زمینه، در تفسیر آیه مقدسه، ایشان تاکید کردند بر ضرورت آنکه انسان به اعمال خود نبالد و به قدرت خود برای استقامت و ایستادگی اعتماد نکند و بلکه باید به خدا متعال توکل کند و از او کمک بخواهد و از او استمداد کند و به او استواری ببخشد و ایمان از او سلب نشود ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ

أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۸۷﴾ و اگر فضل و رحمت پروردگار شامل حال شما نشود، یک نفر از شما در هیچ زمانی پاکیزه نخواهد شد؛ و لکن خداوند هر که را بخواهد پاکیزه می نماید که او شنوا و آگاه است.

و ایشان خاطرنشان شدند که برخی خیال می کنند صالح بودن و دینداری و پیروی از راه حق و هدایت را خودشان با زحمت و قدرت خود بدست آوردند ﴿ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [زمر: ۴۹] سپس هنگامی که از جانب خود به او نعمتی دهیم، می گوید: «این نعمت را بخاطر کاردانی خودم به من داده اند»؛ ولی این وسیله آزمایش است، اما بیشترشان نمی دانند. اما آن را با عنایت پروردگار بدست آورد از همان ابتدای بعثت انبیاء و پیامبران و فرستادن کتابها و تلاش علماء و مبلغان راه حق تا اینکه ایمان محبوب دلها گشت ﴿حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ [حجرات: ۷] ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلهایتان زینت بخشیده است.

و آسان کردن راههای هدایت و از بین بردن موانع و فراهم کردن ابزارهای لازم که به او در فرمانبرداری کمک کند مانند کار و سلامت و پول و محیط متناسب و موارد دیگر.

زیرا خداوند تبارک و تعالی هر کسی را که بخواهد با رحمت و مهربانی و بخشش خود پاک می کند و هنگامی که انسان آمادگی برای آن را اظهار کند، به اندازه ظرفیت و قابلیتش بهره می برد چراکه رحمت خداوند در دسترس همه است.

ایشان در پایان خطبه دوم خود آیه دیگری به عنوان مثال برای گامهای شیطان پس از نقل تهدید ابلیس ذکر کردند ﴿لَعْنَةُ اللَّهِ وَقَالَ لَا تَخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا﴾ [نساء: ۱۱۸] خدا او را از رحمت خویش دور ساخته؛ و او گفته است: «از بندگان تو، سهم معینی خواهم گرفت! و کیفیت آن را بدین گونه شرح کرد ﴿وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَلَا مَنِّيْنَهُمْ وَلَا مَرَّتَهُمْ فَلْيُبْتِئَنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرَّتَهُمْ فَلْيُعَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُبِينًا﴾ [نساء: ۱۱۹] و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد، و وادارشان می‌کنم تا گوشه‌های دامها را شکاف دهند، و وادارشان می‌کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند» و هر کس به جای خدا، شیطان را دوست گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است.

گام اول در این فرآیند ﴿لَا ضَلَّيْنَهُمْ﴾ شامل گمراه کردن آنها از حقیقت، ایمان و اعمال نیک است، ﴿لَا قَعْدَنَ لَهُمْ صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ﴾ [اعراف: ۱۶] جایی که شیطان به کار می‌برد تا فکر آنها را مبهم کند، شک و تردید را برانگیزد و مفاهیم دینی را انحراف بدهد، به طوری که ایمان به خدا و رسولان و آخرت خرافه باشد، اما بی دینی و بی بندوباری زن فرهنگ و تمدن، زنا و همجنسگرایی آزادی و میل طبیعی، بی اخلاقی یک هنر، و حجاب زنجیر و محروم ساختن زن، کشتن مومنین بی گناه و تخریب اماکن مقدس و مدارس جهاد، و درگیری رقابتی ارزشمند، حماقت و شیطنت زرنگی و شجاعت، از بین بردن عمر و زمان در کارهای بیهوده خوشگذرانی و لذتجویی، و ریا و خودپسندی امری پسندیده، انتقام و تشفی خاطر غضب برای خدا و دین او، و به همین



روش تا اینکه در این راه مفاهیم را وارونه می‌سازد تا جاییکه حلال حرام و بالعکس شود.

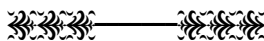
گام دوم ﴿وَلَا تُنَبِّئِهِمْ﴾ آرزوها و امیدهای دروغین را دل گناهکاران و منحرفان ایجاد می‌کند، و رفتارهای باطل را برایشان زینت می‌بخشد، و هنگامی که وجدان آن‌ها بیدار می‌شود به آنها وعده ندامت و توبه در آخر عمر می‌دهد، پس این سخن خداوند را مستحق می‌شوند ﴿ذَرَّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ [حجر: ۳] بگذار آنها بخورند، و بهره گیرند، و آرزوها آنان را غافل سازد؛ ولی بزودی خواهند فهمید!

شیخ صدوق در کتاب امالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: چون این آیه نازل شد ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ وَلَا يَمُوتُ يَصْرُوعًا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران-۱۳۵] ابلیس در مکه بالای کوهی رفت بنام ثور و بفریاد بلند عفاریت خود را خواست و گردش آمدند و گفتند ای سرور ما برای چه ما را دعوت کردی؟ گفت این آیه نازل شده، کی در برابر آن قیام می‌کند؟ یکی گفت من بچنین وسیله گفت تو اهلش نیستی، دیگری چنان و چنین گفت، گفت تو هم اهلش نیستی، و سواس خناس گفت من اهل آنم، گفت بچه وسیله؟ گفت بآنها وعده دهم و آرزومندشان کنم تا گناه کنند و چون در گناه افتادند آمرزش را از یادشان ببرم، گفت تو اهل آنی و او را تا قیامت بر این وظیفه گمارد.

در مرحله سوم، «وَلَا تُنَبِّئِهِمْ»، تا جاییکه آنها تبدیل به ابزاری در دستان

شیطان می‌شوند که او را به هر جایی که بخواهد و به هر روشی که می‌خواهد هدایت می‌کنند. در این حالت، او به عنوان ولی شیطان تلقی می‌شود، زیرا او طاعت و پیروی از شیطان را پذیرفته و او تسلیم شده ﴿وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِينًا﴾ [نساء: ۱۱۹]، و از جمله موارد آن ﴿وَلَا مَرْتَبَهُمْ فَلَيعَبْرَنَ خَلْقَ اللَّهِ﴾ [نساء: ۱۱۹] همانند امروزه که با تبلیغاتی بی‌نظیر به تغییر جنسیت و همجنس‌گرایی و بی‌بندوباری جنسی می‌پردازند، به طوری که از انسانیت که خداوند آن را به بهترین شکل آفریده خارج می‌کنند؛ و تمام اصول و آموزه‌ها را در این دین یکتاپرستی نهاده است ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ النَّاسَ عَلَيَّهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [روم: ۳۰].

\* چهارشنبه اول شوال ۱۴۴۵ برابر با ۱۰/۴/۲۰۲۴.



### امام جعفر صادق علیه السلام

جعفر بن محمد معروف به امام جعفر صادق علیه السلام ششمین امام شیعیان دوازده امامی بعد از پدرش امام باقر علیه السلام است. وی به مدت ۳۴ سال (۱۱۴ تا ۱۴۸ ق) امامت شیعیان را بر عهده داشت که با خلافت پنج خلیفه آخر اموی یعنی از هشام بن عبدالملک به بعد و دو خلیفه نخست عباسی

سفاح و منصور دونیقی همزمان بود. امام صادق علیه السلام به جهت ضعف حکومت اموی، فعالیت علمی بسیار بیشتری نسبت به دیگر امامان شیعه داشت. شمار شاگردان و راویان او را ۴۰۰۰ نفر دانسته‌اند. بیشتر روایات اهل بیت علیهم السلام، از امام صادق علیه السلام است و از این رو مذهب شیعه امامیه را مذهب جعفری نیز می‌خوانند.

امام صادق علیه السلام در میان پیشوایان فقهی اهل سنت نیز جایگاه بالایی دارد. ابوحنیفه و مالک بن انس از او روایت کرده‌اند. ابوحنیفه او را عالمترین فرد در میان مسلمانان دانسته است.

امام صادق علیه السلام با وجود ضعف حکومت اموی و درخواست شیعیان، برضد حکومت قیام نکرد. او درخواست‌های ابومسلم خراسانی و ابوسلمه را برای برعهده گرفتن خلافت رد کرد. امام صادق علیه السلام در قیام عمومیش زید بن علی شرکت نکرد و شیعیان را نیز از قیام پرهیز میداد؛ با این همه روابط حسنه‌ای با حاکمان زمان خود نداشت. وی به جهت فشارهای سیاسی حکومت‌های اموی و عباسی از روش تقیه استفاده میکرد و به یارانش نیز چنین توصیه می‌کرد.

امام صادق علیه السلام به منظور ارتباط بیشتر با شیعیان، پاسخ به سؤالات شرعی آنها، دریافت وجوه شرعی و رسیدگی به مشکلات شیعیان، سازمان وکالت را تشکیل داد. فعالیت این سازمان در زمان امامان بعد گسترش پیدا کرد و در غیبت صغرا به اوج رسید.

در برخی منابع آمده است امام صادق علیه السلام به علت احضار حکومت، به عراق سفر کرده و به کربلا، نجف و کوفه رفته است. وی قبر امام علی علیه السلام را که تا پیش از آن پنهان بود، به یارانش نشان داد. برخی از علمای شیعه

معتقدند که امام صادق علیه السلام به دستور منصور دوانیقی و بر اثر مسمومیت شهید شده است. بر طبق منابع روایی شیعه، وی امام کاظم علیه السلام را به عنوان امام بعد از خود به اصحابش شناسانده بود؛ اما بمنظور حفظ جان وی، پنج نفر، از جمله منصور عباسی را وصی خود معرفی کرد. پس از شهادت امام صادق علیه السلام فرقه‌های مختلفی در شیعه شکل گرفت که اسماعیلیه، فطاحیه و ناووسیه از آن جمله‌اند.

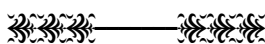
### دوران امامت

حیات امام صادق علیه السلام با خلافت ده خلیفه آخر بنی امیه از جمله عمر بن عبدالعزیز و هشام بن عبدالملک و دو خلیفه نخست عباسی، سفاح و منصور دوانیقی همزمان بود. او در سفر امام باقر به شام که به درخواست هشام بن عبد الملک صورت گرفت، همراه پدر بود. در امامت امام صادق علیه السلام، پنج خلیفه آخر اموی یعنی از هشام بن عبدالملک به بعد و سفاح و منصور خلفای عباسی حکومت کردند. در این دوران حکومت بنی امیه ضعیف و سرانجام سرنگون شد و پس از آن بنی‌عباس روی کار آمدند. ضعف و عدم نظارت حکومت‌ها فرصت مناسبی برای امام صادق علیه السلام جهت انجام فعالیت‌های علمی فراهم کرد. البته این آزادی تنها در دهه سوم قرن دوم قمری، وجود داشت و پیش از آن در زمان بنی‌امیه و پس از آن به جهت قیام نفس زکیه و برادرش ابراهیم فشارهای سیاسی فراوانی بر ضد امام صادق علیه السلام و پیروانش وجود داشت.

### فعالیت علمی

در دوران امامت امام صادق علیه السلام، به علت ضعف حکومت اموی، آزادی

بیشتری برای ابراز عقیده به وجود آمد و بحث‌های علمی بسیاری در موضوعات مختلف درگرفت. این آزادی علمی و دینی که برای کمتر امامی از ائمه دوازدهگانه وجود داشت، سبب شد تا شاگردان امام آزادانه در مباحث علمی شرکت کنند. فضای باز علمی سبب شد از امام صادق علیه السلام روایات فراوانی در زمینه‌های گوناگونِ فقه، کلام و... نقل شود. به گفته ابن حجر هیتمی از علمای اهل سنت، مردم از او دانش‌های فراوان نقل میکردند و آوازه او به همه جا رسیده بود. ابوبحر جاحظ هم نوشته است دانش و فقه او دنیا را پر کرده بود. حسن بن علی و شاء هم گفته است که نهصد نفر را در مسجد کوفه دیده است که از امام صادق علیه السلام حدیث نقل میکردند.<sup>۱</sup>



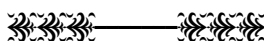
### برگی از کتاب پرسش‌ها و پاسخ‌ها

پرسش: در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ، وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ مراد از «غد - فردا» در این آیه چیست؟

پاسخ: این «فردا» یک روز خاص نیست! بلکه زمانی طولانی است که از لحظه مرگ انسان شروع می‌شود و حتی با قیامت و حساب هم به

پایان نمی‌رسد چراکه مردم در آن دنیا همیشه جاویدان هستند؛ البته برخی در بهشت و برخی در جهنم.

خداوند متعال در این آیه از ما می‌خواهی تا به درون خود رجوع کنیم و ببینیم که چه چیزی برای این فردای سخت و ناشناخته تهیه کرده‌ایم! روزی که سختی‌های و دشواری‌های آن را تنها خداوند متعال می‌داند؛ ما چیزی از آن روز نمی‌دانیم؛ حتی نمی‌دانیم معنای این «فردا» چیست تا خود را برای آن آماده کنیم و چیزی مناسب با آن تهیه ببینیم. اما خداوند متعال صاحب این «فردا» است و مالک آن است؛ او خالق این «فردا» است؛ به همین جهت برای ما بیان کرده که چه چیزی در آن دنیا به سود ماست. بعید است از خداوند تبارک و تعالی، از خداوند رحیم و رؤوفی که با بندگانش به احسان رفتار می‌کند، که آنها را رها کند.<sup>۱</sup>



### شهید آیت الله العظمی سید محمدباقر صدر (ره)

آیت الله العظمی شهید سید محمدباقر صدر (ره) فقیه و متفکر شیعه عراقی بود که علوم دینی را نزد سید ابوالقاسم خویی و برخی از علمای نجف آموخت و به تدریس علوم دینی پرداخت. سید محمد صدر، سید محمدباقر حکیم، سید کاظم حسینی حائری و سید محمود هاشمی شاهرودی از شاگردان اویند.

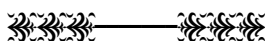
سید محمدباقر صدر در دانش‌هایی چون اصول، فقه، فلسفه سیاست و معرفت‌شناسی نظریه‌های جدیدی ارائه داده است. برخی از نظریه‌های مشهور وی عبارت است از: نظریه حق الطاعه، توالد ذاتی معرفت و منطقۀ الفراغ. او کتاب‌های فراوانی نیز نوشته است که فلسفتنا، اقتصادنا، دروس فی علم الاصول (مشهور به حلقات) و الاسس المنطقیه للاستقراء از مهمترین آنها است.

مشارکت در تشکیل حزب الدعوة الاسلامیة، صدور فتوای حرمت عضویت مسلمانان در حزب بعث عراق و برپایی راهپیمایی و تظاهرات در شهرهای شیعه نشین جنوب عراق و بغداد بخشی از فعالیت‌های سیاسی وی بود. این اقدامات سبب شد که دولت عراق او و خواهرش بنت الهدی را دستگیر و به شهادت برساند.

ایشان در (۱۰ اسفند ۱۳۱۳ ش/ ۲۵ ذی‌القعدة ۱۳۵۳ ق)، در شهر کاظمین به دنیا آمد. پدرش سید حیدر صدر عاملی و مادرش دختر عبدالحسین آل یاسین است. پدر بزرگش سید اسماعیل صدر از مراجع تقلید شیعه در نیمه اول قرن چهارده قمری بود. تبار او از فرزندان امام کاظم علیه السلام و از عالمان دینی بوده‌اند که در ایران، لبنان و عراق زندگی می‌کردند. محمد باقر در سه سالگی پدرش را از دست داد و زیر نظر مادر و برادرش سید اسماعیل صدر، قرار گرفت. بنت الهدی صدر خواهر او، شاعر و نویسنده بود.

در نگاه شهید صدر، وجود دولت ضرورتی اجتماعی و مبتنی بر فطرت انسان است. او بر پایه این مبنا، وجود حکومت اسلامی را نیز امری ضروری می‌داند و می‌گوید: دولت اسلامی تنها یک ضرورت دینی نیست؛

بلکه افزون بر آن، ضرورت تمدن بشری است؛ زیرا تنها راه شکوفایی استعدادهای انسان است.<sup>۱</sup>



### از رهنمودهای آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه

خداوند سبحان در این آیه ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿﴾ آسانی را بعد از سختی دو بار با تأکید تکرار کرد، سختی و عسر یکی است چون با الف و لام تعریف شده است و آسانی کثیر و مطلق است یعنی از هر جهت باز است و ممکن است رخ دهد. و در آن امید بزرگ به خدای متعال است که تمام نشدنی و وسیع است و حدی ندارد برای هر کسی که گرفتار ناراحتی و رنج مادی یا معنوی است، در مجمع البیان روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله روزی در حال شادی و خنده بیرون آمدند و می گفتند: (هیچ سختی بر دو آسانی غلبه نمی کند): ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿﴾ به یقین با هر سختی آسانی است، آری مسلماً با هر سختی آسانی است.

معظم له در درس هفتگی تفسیر قرآن کریم که در دفتر خود در نجف اشرف در جمع طلاب حوزه علمیه برگزار شد فرمودند: و با توجه به دو آیه شریفه ۵-۶ سوره انشراح ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿﴾ عسر و سختی ممکن است مادی باشد مانند فقر، بیماری، حبس، غربت

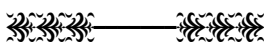


و محرومیت از خانواده و فرزند باشد و ممکن است معنوی باشد مانند دلتنگی، اضطراب، افسردگی، وسواس، محروم بودن از هدایت و توفیق، و گرفتار گناه شدن. و در مقابل آسانی است و آسانی وعده داده شده ممکن است از نوع سختی نباشد، و شاید تکرار یسر و آسانی همراه با سختی در آیه دلالت بر این دارد که ممکن است از نوع آن باشد، و ممکن است از نوع دیگری یا هر دو باشد.

در همین زمینه، ایشان گفتند که آیه می‌فرماید «مع العسر» و نه بعد از عسر؛ هر چند همان طور که از آن فهمیده می‌شود، ممکن است دلالت بر آن داشته باشد، که حالت عسر، در درون خود یسر و آسانی دارد و خود سبب آن باشد، که در حقیقت متضمن شکستگی و بریدن از همه چیز است که در نهایت تنها توجه به خداوند متعال می‌شود که این خود موجب و عامل استجاب دعا و رفع بلا می‌شود ❁ ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَاَ الْجَنَّةَ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَابِئًا﴾ - هنگامی که به انسان زیان و ناراحتی رسد، ما را در هر حال در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است، می‌خواند ❁ [یونس: ۱۲] که در این حالت بنده تنها رو به پروردگارش می‌کند ﴿أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ - یا آن کس که دعای بیچاره مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم آنان را بر طرف می‌سازد ❁ [نمل: ۶۲].<sup>۱</sup>

\*برگرفته از: شعار المؤمنین الدائم [لا تياسوا من روح الله]، چهارشنبه

۱۹ / رجب / ۱۴۴۵ برابر با ۱۳/۳۱ / ۲۰۲۴.



## استان ذی قار، مهد تمدن انسانی و نقش آن در آینده

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه در ۱۸ شوال ۱۴۴۵، همه را به توجه کامل و آماده‌باش برای ادامه مقابله در برابر چالش‌های روزافزونی که جوامع اسلامی، به ویژه مردم عراق، را احاطه کرده، فرا خواند. ایشان همه را به داشتن ابتکار در میدان‌های مقابله، سازماندهی و یکپارچه‌سازی نیروها، دوری جستن از اختلافات، و آسیب شناسی آن و یافتن راه حل‌های مناسب، و تدوین برنامه‌ها برای مقابله با این چالش‌ها دعوت کرد.

این نکته را ایشان در جمعی از موکب داران حسینی در استان ذی قار که در دفتر ایشان در نجف اشرف جمع شدند، بیان کرد. وی تاکید کرد که چالش‌های فرا روی ما گسترده است و در مرحله اول ما نیازمند وحدت و یکپارچگی و مشارکت تمامی طبقات برای شناسایی، تحلیل و تشخیص علل و عوامل، و شناخت و درک بهتر آن هستیم، و در مرحله دوم باید هرکس نقش و مسئولیت خود در برابر آن را بداند و جایگاه خود در میدان و خط مقدم این مبارزه بشناسد و در آن قرار گیرد، و همه این‌ها نیازمند تحقیق، دقت نظر و تحلیل دقیق است.

و در همین راستا، ایشان تلاش‌های برجسته موکب‌های حسینی را قابل تقدیر دانستند و خواستار آن شدند که هر جمعیتی که تصمیم به

انجام کار جمعی و مفید دارد، چه خدمات فرهنگی، اجتماعی، انسانی، دینی یا تعظیم شعائر باشد، عنوان موکب را برگزیند؛ زیرا این عنوان در نظر جامعه قابل قبول و اثرگذاری بیشتری دارد، زیرا نام موکب در نظر مردم قابل اطمینان و اعتماد است، در حالی که عناوین حزبی دیگر به دلیل پیامدها و واکنش‌های اجتماعی، موجب شک و تردید در جامعه شده است.

همچنین ایشان به موکبهای حسینی تأکید کرد که باید به مسئولیت بزرگ خود آگاهی داشته باشند و باید از گسترش برخی از باورهای غلط (طبق آنچه می‌شنویم) که به برخی از موکبهای حسینی سرایت کرده و متأسفانه نمای شعائر حسینی را بد نمایش می‌دهد، برخاسته و جلوگیری کنند؛ به ویژه در استان ذی قار عزیز (فیحاء).

وی به صورت پرسشی ادامه دادند: آیا منطقی است که این باورهای باطل و غلو آمیز، به نام شعائر حسینی گسترش پیدا کنند؟ آیا منطقی است که ما با نام حسین علیه السلام گناه کنیم از خدا نافرمانی کنیم؟ و جوانان این موضوع را با نیت و دل پاک آن را باور می‌کنند و گمان می‌برند که آنها در حال تعظیم شعائر الهی هستند، اما نمی‌دانند که حتی ائمه معصومین علیهم السلام نیز از آنها دوری کرده و کسانی که این باورها را دارند را لعنت کرده اند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: (یهلک فی رجلان: محب مفرط بما لیس فی، و مبغض یحمله شنائی علی أن یبهتنی) دو گروه درباره من هلاک می‌گردند: دوستدار زیاده‌روی که در آنچه در من وجود ندارد مرا دوست دارد، و دشمنی که دشمنی‌اش او را بر آن می‌دارد که بر من تهمت زند. و همچنین از آنها روایت شده است که خداوند از راه

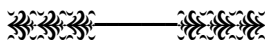
گناه اطاعت نمی شود، ابو حمزه ثمالی می گوید نزد امام سجاد علیه السلام بودم که مردی آمد و به ایشان عرض کرد من مردی هستم که به زنان مبتلا شده ام و یک روز زنا می کنم و یک روز روزه می گیرم، آیا این کفاره آن گناه می شود؟ امام سجاد علیه السلام به ایشان فرمود: چیزی محبوب تر از این نزد خداوند متعال نیست که اطاعت شود و نافرمانی نشود، پس زنا نکن و روزه هم نگیر، امام باقر علیه السلام با دست خود او را سمت خود کشید و فرمود: ای ابا زنه! عمل دوزخیان را انجام می دهی و امید داری که وارد بهشت می گردی؟!

ایشان همچنین به خطراتی که در پنهان برای کشور عزیز عراق از نقشه ها و توطئه ها وجود دارد، اشاره کرد، زیرا که این کشور مرکز نور و منبع هدایت و یادن خداوند متعال محور تغییرات جهانی آینده است، به ویژه استان ذی قار.

ایشان از شناخت جهان غرب به اهمیت این استان فداکاران و ریشه تاریخی و میراث فرهنگی طولانی آن از ابتدای تاریخ و تاثیر آن بر فرهنگ کل جهان ابراز نگرانی و تأسف کرد... در حالیکه بسیاری از فرزندان این سرزمین به ارزش آن و ساکنین آن توجه نکردند و از نقش فرهنگی آن که خداوند آن را به آنها ارزانی داشته غافل شدند... به نظر می رسد که آنها فراموش کرده اند که تاریخ از این سرزمین شروع شده است... و شعله نور از آنجا بیرون آمده و جهان به آن روی آورده و آن را مورد توجه خود قرار داده است. ما به خواب عمیق فرو رفته ایم یا به برخی از مشکلات جانبی کوچک مشغول شده ایم، و از واقعیت غافلیم، در حالیکه پاپ به آنجا می آید تا مراسم مقدسی را در آنجا برگزار کند و دیگری به آنجا

می‌آید تا معبدی برای دین ابراهیمی بنا کند یا مرکزی را تاسیس کند. و گردشگران از سراسر دنیا به آنجا می‌آیند و درباره پروژه‌ها و طرح‌های زیادی که برای آن در سر دارند صحبت می‌کنند، در حالیکه باید به برخی از آنها با شک و تردید نگاه کرد.

ایشان در پایان سخنرانی خود، تأکید کرد همانطور که در یک سخنرانی قبلی نیز بیان کرده بود، اگر می‌خواهیم واقعاً پیرو حقیقی امام حسین علیه السلام باشیم، باید مسئولیت‌هایمان را درک کنیم و نقش خود را ایفا کنیم. زیرا امام حسین علیه السلام زمانی که فریاد می‌زد "هل من ناصر..."، خوب می‌دانست که یارانش شهید شده و به سوی پروردگار خود رفته‌اند و هیچ کس از آنان باقی نمانده است؛ اما ندای او به تمام نسلها است که او را در تحقق اهدافی که برای آنها فداکاری و جانفشانی کرد یاری کنند.. و ندای او برای همه ما است.<sup>۱</sup>



### ضرورت تلاش برای رساندن صدای اسلام ناب به همه نقاط دنیا

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت الله بر تلاش و بسیج امکانات برای رساندن صدای اسلام ناب به همه نقاط دنیا و بیان عظمت مکتب اهل بیت علیهم السلام و توانایی آن در ساختن کشورها، حفظ و ارائه راه‌حلهایی برای مشکلات و چالشهای پیش روی جوامع

بشری، تأکید کردند.

این سخنان در دیداری که با شیخ ابراهیم زکزاکی رحمته الله علیه رهبر دینی نیجریه و در دفتر حضرت آیت الله یعقوبی در نجف اشرف صورت گرفت، ایراد گردید.

ایشان صبر و استقامت و ثابت قدمی شیخ زکزاکی و شیعیان نیجریه را در رنجهایی که با آن مواجه بوده و هستند و بهای سنگینی که پرداختند را ستودند و این سخن امام حسین علیه السلام را یادآور شدند: «آنچه که مصیبت‌های وارده بر من را آسان میکند، این است که خداوند متعال میبیند»، و اینکه به فضل و کرم الهی، بخش عمده‌ای از این مشکلات و موانع برطرف شده است.

از سوی دیگر، شیخ زکزاکی از عنایت پدران حضرت آیت الله شیخ محمد یعقوبی به طلاب آفریقایی در حوزه علمیه نجف اشرف و آفریقا و توجه ایشان به تبلیغ دینی، بیداری امت، ارشاد، ارائه خدمات انسانی از طریق نمایندگیهای مرجعیت در ۲۵ کشور آفریقایی در شرق و غرب قاره، تشکر و قدردانی کرد.

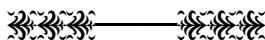
سپس شیخ زکزاکی افزود: نادانی دشمنان اسلام و تعصب و دروغ پراکنی آنها درباره مکتب اهل بیت علیهم السلام، به طرز قابل توجهی در گسترش تشیع در آفریقا تأثیرگذار بوده است؛ زیرا کسانی که این خبرها را دریافت میکنند به دنبال مصادیق آن میگردند و جویندگان با انصاف و حقیقتمدار، اثری از راستی دروغهایی که دشمنان به پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام نسبت میدهند - چه از نظر عقیده و چه روش - نمیابند. لذا این سبب تصدیق مذهب حق و گرویدن به آن میشود. بنابراین شاهد آن

هستیم که در یک دوره بیسابقه تقریباً ۴۵ ساله، به لطف الهی میلیونها نفر به مذهب تشیع گرایش پیدا کرده اند.

سپس مرجع عالیقدر از زحمات پربرکت میهمان خود، جناب شیخ زکزاکی تجلیل کردند و فرمودند: امید است دامنه فعالیت تبلیغی شما به کل آفریقا گسترش پیدا کند و به نیجریه محدود نشود و اثر خوبی در آن کشورها داشته باشد؛ چه آنکه دامنه نیاز به مذهب تشیع، گسترده است و میزان فعالیت دینی در آفریقا تا به امروز دربرگیرنده تمام نیازها نبوده است. لذا ایجاد و گسترش حوزه‌های علمیه در دیگر کشورهای آفریقایی، برای دسترسی سریع به مبلغان، ضروری به نظر میرسد.

در پایان شیخ زکزاکی خاطر نشان شد که تا به حال چندین مؤسسه خیریه برای ارائه خدمات گوناگون به پیروان اهل بیت علیهم‌السلام تأسیس کرده است و اولین فعالیتهای تبلیغی او، به ۴۵ سال قبل بازمیگردد که به لطف الهی تا به امروز ادامه دارد.

آنگاه آیت الله یعقوبی (حفظه الله) به گرمی از شیخ زکزاکی خداحافظی کردند و از خداوند قادر توانا مسئلت داشتند که ایشان را حفظ کرده و او را ثابت قدم بدارد که: «توفیق از آن اوست»<sup>۱</sup>.

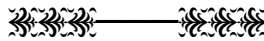


## یا جواد الأئمه ادرکنا

شهادت امام جواد علیه السلام در ذی القعدة

محمد بن علی بن موسی مشهور به امام جواد و امام محمد تقی علیه السلام، امام نهم شیعیان اثناعشری است. امام جواد هفده سال امامت کرد که با حکومت مأمون عباسی و معتصم عباسی همزمان بود. براساس نقل بیشتر منابع، امام جواد علیه السلام در آخر ذی القعدة سال ۲۲۰ ق در ۲۵ سالگی، به شهادت رسید.

درباره چگونگی شهادت ایشان در برخی از منابع آمده است که معتصم به وسیله أم الفضل ایشان را مسموم کرد. به گزارش مسعودی تاریخ‌نگار قرن سوم قمری، معتصم و جعفر بن مأمون در اندیشه کشتن محمد بن علی علیه السلام بودند. چون جواد الائمه از ام الفضل فرزندی نداشت، پس از مرگ مأمون، جعفر خواهرش (ام الفضل) را تحریک کرد که محمد بن علی را مسموم کند. آن دو (با هم دستی معتصم) انگوری را به سم آغشته کردند و به امام خوراندند. ام الفضل پس از آن که امام را مسموم کرد، پشیمان شد. امام به او خبر داد که به بلایی دچار می‌شود که قابل درمان نباشد.<sup>۱</sup>



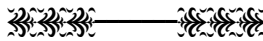
## صلح حدیبیه در گفتار مرجعیت

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ



**حَمِيَّةُ الْجَاهِلِيَّةِ** ﴿﴾ هنگامی را که کافران [پس از قرارداد صلح حدیبیه] دل هایشان را از تعصّب و خشم شدید جاهلی آکنده کردند.

آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامه ظلّه: این آیه در ضمن آیاتی است که درباره واقعه‌ی صلح حدیبیه است که بین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قریش مورد توافق واقع شد و آن زمانی است که پیامبر و اصحابش قصد انجام عمره و زیارت بیت‌الله الحرام را در سال ششم هجری بعد از جنگ احزاب داشتند که به سوی مکه حرکت کرده بودند و غیر مسلح، با حالت احرام و لبیک گویان مشرف بر آن سرزمین شدند. اما در این زمان، قبیله قریش، از روی استکبار و خودخواهی اجازه ورود آنان به شهر مکه را ندادند و نتوانستند مراسم عبادی خود را انجام دهند در حالیکه مکه مکان امن برای همه بود و قریش حق چنین منعی را نداشت. با این حال، قریش از ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مکه جلوگیری کرد و برداشت آنها این بود که ورود پیامبر موجب خفت و خواری آنها نزد عربها می‌شد. این اتفاقات باعث شد تا صلح حدیبیه منعقد شود و توافق شود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اصحابش برگردند و عمره را در سال آینده انجام دهند.<sup>۱</sup>



### کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام

حضرت معصومه علیها السلام با نام اصلی فاطمه، دختر امام کاظم علیه السلام و خواهر

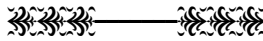
امام رضا علیه السلام ملقب به معصومه است. او برترین دختر امام کاظم علیه السلام دانسته شده و گفته‌اند در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام، پس از امام رضا علیه السلام کسی هم‌پای معصومه نیست. تاریخ ولادت ایشان ۱ ذی‌القعدة سال ۱۷۳ ق و تاریخ وفات او ۱۰ ربیع‌الثانی سال ۲۰۱ ق ذکر شده است. شیخ مفید در کتاب الارشاد در میان دختران امام کاظم علیه السلام از دو دختر به نام‌های فاطمه کبری و فاطمه صغری نام برده، اما مشخص نکرده کدام یک حضرت معصومه است.

علمای شیعه جایگاه والایی برای ایشان قائل‌اند و روایاتی در خصوص منزلت او و اهمیت زیارتش نقل می‌کنند. در فرازی از زیارتنامه فاطمه معصومه هم به مقام و جایگاه او نزد خداوند، از وی درخواست شفاعت شده است (یا فاطمه اشفعی لی فی الجنة، فان لك عند الله شأن من الشأن).

محمدتقی شوشتری در قرن چهاردهم شمسی، در قاموس الرجال نوشته است: در میان فرزندان فراوان امام کاظم علیه السلام، پس از امام رضا علیه السلام کسی هم‌پای معصومه نیست. شیخ عباس قمی هم او را برترین دختران موسی بن جعفر علیه السلام دانسته است. وی همچنین حضرت معصومه را از امام‌زاده‌هایی می‌داند که هم جلیل‌القدر است و قطعاً از فرزندان امام کاظم علیه السلام است و هم قطعاً در همین حرم و مکان مدفون است.

برپایه روایاتی که از امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام نقل شده است، بهشت، پاداش کسی است که فاطمه دختر امام کاظم علیه السلام را زیارت کند؛ البته در برخی روایات، پاداش بهشت برای کسی

دانسته شده که او را با معرفت و شناخت زیارت کند.<sup>۱</sup>



### امام الرئوف، امام رضا علیه السلام

علی بن موسی بن جعفر علیه السلام معروف به امام رضا (۱۴۸-۲۰۳ق) هشتمین امام شیعه است. در حدیثی از امام جواد علیه السلام آمده است که لقب رضا از سوی خداوند به او داده شده است. او به عالم آل محمد و امام رئوف نیز شهرت دارد. زادروز امام رضا علیه السلام را پنجشنبه یا جمعه، ۱۱ ذی القعدة سال ۱۴۸ یا ۱۵۳ق نقل کرده‌اند.

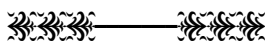
دوران ولایتعهدی امام رضا را مهم‌ترین دوران زندگی سیاسی او دانسته‌اند. به گفته برخی محققان، امام رضا علیه السلام با پذیرش ولایتعهدی توانست جامعه را به صورت غیرمستقیم هدایت کند. ماجرای ولایتعهدی امام رضا یکی از مسائل بحث‌برانگیز در تاریخ اسلام است که هم از نظر سیاسی و هم از نظر کلامی (منافات داشتن پذیرش ولایتعهدی با عصمت امام) اهمیت دارد.

بسیاری از پژوهش‌گران بر این باورند که مأمون برای تأمین اهداف ذیل ولیعهدی خود را به امام پیشنهاد داد: ایمن شدن از خطر امام و زیر نظر گرفتن او، خاموش کردن انقلاب علوی‌ها، استفاده از امام برای مشروعیت بخشیدن به خلافت خود و راضی کردن اهل خراسان.

به گفته سید جعفر مرتضی عاملی، روایت‌های متواتری بر رضایت نداشتن امام رضا به ولایتعهدی دلالت دارد. مأمون پیش از ولایتعهدی، خلافت را به امام پیشنهاد کرد. گفته شده هدف او از پیشنهاد خلافت، تثبیت خلافت خود بوده است. ولی امام رضا علاوه بر رد پیشنهاد، مشروعیت خلافت او را زیر سؤال برد. با نپذیرفتن خلافت، مأمون با تهدید امام به قتل، او را به قبول کردن ولایتعهدی مجبور کرد؛ از این رو امام ناچار شد پیشنهاد وی را بپذیرد، ولی شرط کرد در امور حکومتی هیچ دخالتی نکند.

به دستور مأمون، امام رضا در آخر سال ۲۰۰ق از مدینه به خراسان حرکت داده شد. مأمون مسیر حرکت را به صورتی انتخاب کرد که از شهرهای شیعه‌نشین نباشد. مأمون در ۷ رمضان سال ۲۰۱ق مراسم ولایتعهدی امام را برگزار کرد و مردم و کارگزاران حکومت با امام بیعت کردند.

امام رضا علیه السلام توانست از موقعیت پیش آمده به نفع تشیع استفاده کرده، بسیاری از معارف اهل بیت علیهم السلام را برای عموم مردم بیان کند. به گفته برخی پژوهش‌گران با ولایتعهدی امام رضا، زمینه شیعه شدن ایرانی‌ها فراهم آمد.<sup>۱</sup>



## حرمت و جایگاه کعبه

و نقش سازنده آن در تربیت و اصلاح فردی و اجتماعی مسلمانان  
﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ﴾.

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی رحمته الله علیه در چهارشنبه ۲۹/شوال/۱۴۴۵ برابر ۸-۵-۲۴ تأکید کرد که خداوند متعال حرمت خانه خود(کعبه) را بزرگ، و مقام آن را والا داشته، او در این خانه برکات و ویژگی‌های فراوانی قرار داده و آن را محلی برای عبادت خود و بهره‌مندی از نفحات و الطاف ویژه‌اش قرار داده است. همچنین، این خانه مکانی برای اجتماع مسلمانان با رنگ‌ها، زبان‌ها و مذاهب مختلف برای عبادت، یکتاپرستی و بازگشت به سوی او است. او این خانه را مرکز یکی از بزرگ‌ترین واجبات اسلامی، یعنی حج مبارک، قرار داده و آن در طول سال مرکزی برای نور، خیر و برکت شده است.

ایشان در درس هفتگی تفسیر خود که برای جمعی از اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه در نجف اشرف، بر اساس آیه مبارکه «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ» ارائه کرد. [بقره: ۱۲۵]

وی بیان کرد که منظور از «بیت» در این آیه، مسجد الحرام است: «وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» [حج: ۲۶]، و از باب اطلاق کل بر جزء است و این بیانگر این است که کعبه منشأ اهمیت و بزرگداشت مسجد الحرام است.

همچنین ایشان، در پاسخ به یک سوال مقدر درباره نسبت دادن فعل به خداوند، در حالی که بازگشت از افعال بندگان است، توضیح داد که خداوند تبارک و تعالی به حج امر کرده و هر ساله مسلمانان را به انجام

آن مکلف نموده است. برخی روایات نیز بر حرمت خالی بودن خانه از حاجیان دلالت دارند. مشایخ ثلاثه با سندهای صحیح از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند که فرموده است: (لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوْا الْحَجَّ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمَقَامِ عِنْدَهُ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَمْوَالٌ أَنْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ) «اگر مردم حج را ترک کنند، بر حاکم واجب است آنان را به حج و اقامت در آنجا وادار کند، و اگر پولی نداشته باشند، از بیت‌المال مسلمانان هزینه کند» همچنین، روایاتی درباره مستحب بودن نیت بازگشت و کراهت قصد عدم رفتن به آن وجود دارد. وی در ادامه توضیح داد که این پاسخ از نظر تشریحی است و می‌توان مثابه را به معنای بازگشت از نظر تکوینی را نیز تبیین کرد، زیرا خداوند محبت زیارت خانه‌اش را در قلوب مؤمنان قرار داده است که آنان را هرباره به سوی آن خانه می‌کشاند، همانطور که در آیه کریمه «فَاجْعَلْ أَفِيدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» [ابراهیم: ۳۷] آمده است. این آیه شامل دیار نبوت و امامت و محل عبادت آنها نیز می‌شود ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ [بقره: ۱۲۵]؛ و همین معنا در بیان حضرت امیرمومنین علیه السلام آمده است: (و فرض علیکم حج بیته الحرام، الذی جعله قبلةً للأنام، یردونه ورود الانعام، ویألهون إلیه ولوہ الحمام). ایشان در ادامه پس از توضیح معنای لغوی «مثابه» و بررسی معانی و دلالت‌های آن در فرهنگ لغات، این معانی را در چند نکته خلاصه کرد و با روایات شریفه مستند نمود:

- ۱- بازگشت به سوی آن هر بار که از آن خارج می‌شوند، و روایاتی بر حرمت خالی بودن خانه از عبادت کنندگان و الزام مردم به رفتن به

سوی آن دلالت دارند. کلینی و صدوق در کتاب کافی و فقیه از امام باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که در مورد خانه خدا فرمودند: «اگر یک سال آن را رها کنند، نابود می‌شوند.» و الزام به حد اجبار کردن تعدادی از مردم برای انجام مناسک کفایت کند می‌باشد.

۲- قرار دادن آن به عنوان محلی برای کسب ثواب و نزدیکی به خداوند متعال، و بدون شک قصد خانه خدا در حج و عمره از بزرگ‌ترین عبادات است. در حدیث صحیحی از عمر بن یزید از امام صادق علیه السلام آمده است: «هیچ چیز با آن برابری نمی‌کند، و درهمی که در حج خرج می‌شود بهتر از دو میلیون درهم در غیر آن در راه خداست.»

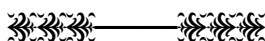
۳- محل اجتماع مردم در حج و عمره بعد از پراکندگی در کشورها و تنوع طوایف و ایدئولوژی‌هایشان، و بدون شک یکی از اهداف مهم حج، وحدت مسلمانان و ملاقات و گفتگو و از بین بردن اختلافات است.

۴- بر اساس اینکه مثابه به معنای اساس باشد، خانه خدا اساس دین است و با آن یکتاپرستی حفظ می‌شود. کلینی و صدوق در کتاب کافی و فقیه از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: (لا يزال الدين قائماً ما قامت الكعبة) «دین تا زمانی که کعبه برقرار است، باقی خواهد ماند»  
۵- مثابه به معنای اصلاح و نوسازی است که یکی از وظایف خانه خداست، زیرا حج مسلمانان را که به دلایلی از اسلام دور شده و دنیایی شده‌اند را به خدا بازمی‌گرداند و آنها را اصلاح و رفتارشان را درست می‌کند.

۶- محل آرامش و امنیت است، همانطور که آیه مبارکه تصریح می‌کند: «مَتَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا» [بقره: ۱۲۵]، بنابراین مردم به آن پناه

می‌برند تا ترس‌ها و نگرانی‌های خود را برطرف کنند و مراد خود را بیابند.  
 ۷- محل عزت و کرامت و سیراب شدن از چشمه صاف خداوند متعال است، و مسلمان با دیدن حج و مناسک آن، خصوصاً با حضور امام خود و حجت خدا بر تمامی خلق، پر نشاط و سرافراز می‌شود.  
 ۸- جهتی که در نماز و سایر عبادات به سوی آن باز می‌گردند و حتی در هنگام احتضار و دفن، توجه به کعبه در احکام شرعی حضور گسترده‌ای دارد.

محل توبه و بازگشت به خداوند و خلاصی از گناهان است. در تفسیر آیه «فَفِرُّوْا اِلَى اللّٰهِ» (ذاریات: ۵۰) آمده است که منظور حج است.<sup>۱</sup>



### حفظ روحیه معنوی و نیت خالص

بزرگی نعمت خداوند را بر خود احساس کنید و روحیه معنوی را حفظ کنید و نیت خود را خالصانه برای خداوند انجام دهید  
 مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظلّه دوشنبه ۱۸/ذی قعدة/۱۴۴۵ برابر با ۲۷/۵/۲۰۲۴ در میان گروهی از رهبران نظامی حشد الشعبی تأکید کرد که نبرد با نیروهای شر، ظلم و استکبار روز به روز افزایش می‌یابد... برای مقابله با این نیروها، صبر و استقامت و استمرار در روحیه افزایی و داشتن معنویت ضروری است اینها سلاح‌های



کشنده‌ای هستند که ما در اختیار داریم و- با اینکه توازن در تجهیزات و تعداد با دشمن نیست-، توانسته‌ایم با نیروهای متجاوز و مستکبر مقابله و آنها را به چالش بکشیم، همان‌گونه که مسلمانان صدر اسلام با کمبود تعداد و تجهیزات توانستند در برابر نیروهای کفر و جاهلیت مقابله کنند و پیروزی‌های درخشانی به دست آورند. خداوند متعال فرموده است: ﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا أَمَاطَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْقَامِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآثَمِهِمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند - سوره انفال، آیه ۶۵). زیرا مخالفان ما مردمی هستند که به خداوند ایمان ندارند و او را نمی‌شناسند و به امور دینی که منبع قدرت معنوی و عقیدتی هستند، پایبند نیستند. تنها دغدغه آنها دنیا و لذت‌های آن است.

ایشان در دیدار و سخنرانی‌ای که برای هیئتی از کادرهای مدیریتی آموزشی از حشد الشعبی (مدیریت کل ارشاد عقیدتی) / مرکز شهید ابو مهدی المهندس) برای آمادگی و توسعه در نجف اشرف گفتند:

منبع پایداری، استقامت، شجاعت و دلاوری که برادران مجاهد ما و مردمان در غزه و در میادین نبرد با ارتش رژیم غاصب که از نظر نظامی برتری دارند، نشان دادند و همه را شگفت‌زده کرد، و این چیزی جز روحیه بالای معنوی آنان در جنگ و ارتباط با خداوند متعال نیست. در غیر این صورت، تحلیل‌گران نظامی چگونه می‌توانند صحنه‌های درگیری با دشمن از فاصله نزدیک (صفر) با سلاح‌های سنتی را که پیروزی‌های

درخشانی را در برابر دشمنی که در تعداد و تسلیحات برتری دارد، به دست آوردند تفسیر کنند؟

در این زمینه بخشی از گفتگوی خود با شهید ابو مهدی المهندس را به یاد می‌آورد که در سال ۲۰۱۷ در دفتر معظم له آمده بود. ایشان درباره این موضوع، یعنی "استمرار روحیه بخشی" در میان فرزندانمان از مبارزان حشد الشعبی صحبت کرد. معظم له بیان کرد که سطح این روحیه معنوی ممکن است کاهش یابد و تاثیر آن کم شود و شور و هیجانی که در ابتدای نبردها وجود داشت، با گذشت زمان و طولانی شدن مدت نبرد به دلایل مختلف کمرنگ شود. بنابراین، باید دائما این انگیزه‌ها و این روحیه‌ها را، تقویت و حفظ کرد. همان‌طور که صحابه در کار و جهاد خود پرشور و فداکار بودند، اما با گذشت زمان، روح ایمان در آنها ضعیف شد و پس از سال‌ها برخی از آنها در نبرد جمل به جنگ با امیرالمؤمنین علیه السلام پرداختند.

در همین راستا، ایشان به چند نکته مهم اشاره کردند:

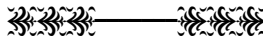
۱. تأکید بر بزرگ شمردن نعمت خداوند متعال که شما را منتسب به یک مؤسسه جهادی عقیدتی مرجعیت دینی ساخته است و افتخار کردن به این انتساب. امام امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه می‌فرمایند: «جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای ویژه خود گشوده است.» توجه داشته باشید که ایشان نگفته‌اند برای عموم اولیای خود، یعنی این امر برای هر کسی ممکن نیست، بلکه فقط برای اولیای خاص خداوند است. بنابراین، پیوستن به این مؤسسه افتخاری بزرگ و مسئولیتی عظیم است.

۲. شناخت مسئولیت انتساب به این مؤسس ه هنگامی که می‌گوییم خداوند متعال به مجاهد در راه خود به فرشتگان مباحثات می‌کند، این یک افتخار و امتیازی بزرگ است و در مقابل هر امتیاز، حقوق و وظایفی وجود دارد. بنابراین باید بدانیم که این موضوع بر ما مسئولیتی می‌گذارد، و آن مسئولیت وابستگی به این نهاد جهادی مبارک است. پیش از آن، ما مسلمانانی از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام هستیم. امامان علیهم السلام به ویژه امام باقر، امام صادق و امام رضا علیهم السلام در این باره سخنانی دارند: امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «... هنگامی که یکی از شما در دین خود پرهیزگار باشد، راستگو باشد، امانت را ادا کند و با مردم خوش اخلاق باشد، گفته می‌شود: این جعفری است و این مرا خوشحال می‌کند و از جانب او به من شادی میرسد.» بنابراین، باید احساس مسئولیت کنیم، آن را بر دوش بکشیم و حق آن را ادا کنیم.

۳. نیت‌های خود را پاک کرده و خود مراقبتی داشته باشیم. فرض بر این است که عمل ما خالصانه برای خداوند متعال باشد. خطاب قرآنی هم شامل سرزنش و هم تشویق است: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ...﴾ (چرا در راه خدا و به خاطر مردان ناتوانی ... نمی‌جنگید؟ - سوره نساء، آیه ۷۵).

۴. پایبندی به واجبات دینی و پرهیز از محرمات الهی، تا اعمال ما پاک و مورد قبول خداوند متعال باشد. ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (خداوند تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد - سوره مائده، آیه ۲۷). پایبندی به دین و اوامر الهی و اجتناب از آنچه خداوند متعال نهی کرده است، که این منبع و منشأ وجود فضای ایمانی و روح معنوی است و این

همان قدرتی است که با آن چالش‌ها را مقابله می‌کنیم و موجب مقاومت ما در برابر دشمنان می‌شود. این راز پیروزی و برتری ماست.<sup>۱</sup>



### مسلم ابن عقیل علیه السلام

هنگام خروج امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی مکه، مسلم بن عقیل یکی از همراهان او بود. پس از اینکه نامه‌های کوفیان به امام حسین علیه السلام رسید، وی مسلم را به کوفه فرستاد تا اوضاع و شرایط آن شهر را بررسی کند و درباره درستی ادعای کوفیان مبنی بر کثرت پیروان امام علیه السلام، اطمینان یابد و به امام گزارش کند.

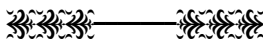
مسلم در ۵ شوال به کوفه رسید و در خانه مختار بن ابی عبید ثقفی، و بنابر برخی روایات در خانه مسلم بن عوسجه ساکن شد. شیعیان به محل اقامت مسلم رفت و آمد می‌کردند و مسلم نامه امام حسین علیه السلام را برای آنها می‌خواند.

اما در نهایت ابن زیاد گروهی ۷۰ نفره را به محمد بن اشعث داد که مسلم را دستگیر کند و به قصر بیاورند. پس از زد و خوردی که میان مسلم و نیروهای حکومتی پیش آمد، و کشته شدن ۴۱ نفر به دست او، محمد بن اشعث که نتوانسته بود به راحتی موفق به شکست یا دستگیری وی بشود به او گفت اگر تسلیم شود در امان است. بدین طریق مسلم،

تسلیم شد. پس از دستگیری او را خلع سلاح کرده و به قصر آورده شد، ولی ابن زیاد، امان پسر اشعث را بیجا خواند، و دستور داد، بکیر بن حمران، وی را به بالای قصر برده و سرش را از بدن جدا کند. پس از جدا کردن سر مسلم، بدن او را از بالای قصر به پایین انداختند.

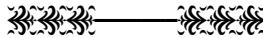
### علت شکست قیام کوفه

بیشتر نویسندگان، با توجه با اطلاعات موجود در منابع، در علت یابی شکست قیام مردم کوفه هنگام حضور مسلم در این شهر، به نقش سیاست‌های عبیدالله بن زیاد در ایجاد وحشت بین مردم کوفه و نیز ساختار اجتماعی کوفه که مانع اتحاد و همبستگی مردمان کوفه می‌شد و روانشناسی کوفیان که آنان را افرادی احساساتی و نظم ناپذیر و دنیا طلب معرفی می‌کند، تاکید کرده‌اند. سخن چینی و جاسوسی امویان، روی کار آمدن عبیدالله، بکارگیری شبکه جاسوسی پیشرفته و ایجاد فضای رعب و وحشت را نیز از عوامل شکست قیام مسلم برشمرده‌اند. و برخی دنیا گرایی خواص و ترجیح دادن دنیا بر حق و آخرت و پراکنده شدنشان از گرد مسلم و بد عمل کردن برخی از آنها را از علل شکست قیام مسلم برشمرده‌اند.<sup>۱</sup>



## روز غدیر، اساس وحدت میان مسلمانان

آیت الله العظمی یعقوبی رحمته الله علیه: عزیزانم؛ از هر طایفه‌ای از مسلمانان که هستید! رسیدن به حقیقت و آشکار کردن آن برای مردم، وظیفه‌ی عالمان جلیل‌القدر است. اما ما تنها زمانی به حقیقت خواهیم رسید که عقل خودمان را از تقلید و تعصب و تحجر آزاد کنیم، و این مهم با باز کردن باب اجتهاد ممکن خواهد شد. یعنی از عالمانی که علوم مورد نیاز برای استنباط حکم شرعی از منابع اصلی را دارا می‌باشند، دعوت کنیم که به مذاهب معروف اکتفا نکنند و در حالتی که برایشان پیش می‌آید، فقط به تکرار و تطبیق فتاوی ائمه مذاهب نپردازند؛ بلکه مدارک خود برای استنباط حکم شرعی از کتاب و سنت را ارتقا بدهند. در آن صورت همه‌ی علمای مسلمین با هم‌دلی و هم‌سوئی بر فراز این قله‌ی بلند و استوار خواهند ایستاد و از چشمه‌ای یکسان خواهند نوشید و جز به اندازه‌ی طبیعی - که بین علمای هر علم و دانشی طبیعی است - با هم اختلاف پیدا نخواهند کرد.<sup>۱</sup>



## دهه اول ذی‌الحجه، ماه رمضان اصغر

خلاصه‌ای از سخنان مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی

یعقوبی رحمته الله علیه:

ده روز اول ذی الحجه در بین روزهای سال شبیه ماه رمضان است به طوری که می‌توان آن را ماه رمضان اصغر دانست.

اینگونه نیست که ما مدعی آن باشیم، بلکه کلام معصوم علیه السلام بر وجود شباهت فراوان بین آنها دلالت دارد.

در دعای ماه رمضان وارد شده است (و هذا شهر عظمته و کرمته و شرفته و فضلته علی الشهور) و در دعای ده روز اول ذی الحجه آمده است: (اللهم هذه الأيام التي فضلتها على الأيام و شرفتها) پس متوجه وحدت آنها در شرافت و برتر بودن نسبت به دیگر ماه‌ها و ایام می‌شویم.

وجه بارز اعمال هر یک از آنها یک چیز است؛ و آن روزه می‌باشد، چنانکه در ماه رمضان به حکم و جوب، و در ده روز ذی الحجه به نحو استحباب می‌باشد، به جز روز عید قربان، به دلیل حرمت روزه در آن.

و هر یک از آنها یعنی روزهای ماه مبارک رمضان و ده روز اول ماه ذی الحجه را روزهای معدودات و معلومات توصیف نموده، برای ماه رمضان فرمود: ﴿أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ﴾ (بقره / ۱۸۴) و برای حج خداوند تعالی فرمود: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾ (الحج/۲۸).

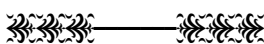
و اعمال در هر یک زمانی دارد که از نظر عطا الهی و مضاعف شدن ثواب به اوج خود می‌رسد، در ماه رمضان شب قدر است و در ده روز اول ذی الحجه روز عرفه

دو زمان مشترک هستند در این مورد که شیاطین در غل و زنجیر هستند، چنانکه در خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از استقبال از ماه رمضان و در برخی اخبار در روز عرفه آمده است.

شب قدر و روز عرفه در زیارت امام حسین علیه السلام مشترک است و برای زیارت امام حسین علیه السلام در هر دو روز ثواب بزرگی ذکر شده است. پس طبیعی است که عید قربان در پایان این موسم شریف طاعت و عبادت قرار گرفته، همانطور که عید فطر در پایان فصل پر بار عبادی در ماه رمضان فرا می‌رسد.

بر این اساس، عید قربان، عید همه بندگان صالح الهی است که در این ایام شریف، میهمان نوازی خداوند متعال را نصیب خود کردند و روی رایحه‌های این عطرها معنوی سرمایه گذاری کردند و محدود به کسانی نیست که در سرزمین وحی حضور دارند.<sup>۱</sup>

\*منبع: خطاب المرحلة جلد ۸ صفحه ۳۴۴.



### ویژگی های شیعیان از زبان امام باقر علیه السلام

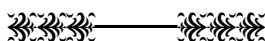
در کلام مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی دامتله به مناسبت شهادت امام باقر علیه السلام در ماه ذی الحجه به سخنی از معظم له در شرح کلام این امام همام اشاره می‌کنیم: امروزه رسانه و شبکه‌های جهانی و جهان به طور کلی دارند شیعیان را می‌شناسند و این باعث می‌شود که مسئولیت جدیدی پیدا کنیم، همانگونه که امام باقر علیه السلام به این مسئولیت جامه عمل پوشاند.



امام علیه السلام وضعیت شیعه را با توجه به همین مسئله سر و سامان داد و وضعیت شیعه را با رویکردهای متعددی منظم ساخت؛ رویکرد اول این بود که ویژگی‌های شیعیان حقیقی را بیان کرد تا از ورود افراد نفوذی جلوگیری کند تا وحدت و یکپارچگی آنان را حفظ کند. به میل تو نیست که خودت را شیعه بنامی، شیعه بودن تو برای ما مسئولیت آور است باید هزینه آن را پرداخت کنیم چون هر رفتاری از تو سر بزند می‌گویند این است اثر تربیتی محمد باقر! این است اثر تربیتی جعفر صادق! این شیعه اوست! اگر تو بگویی من شیعه هستم، موجب می‌شود که ما باید هزینه رفتارهای تو را بدهیم، اگر می‌گویی شیعه هستم به ویژگی‌های شیعه بودن پایبند باش؛ و اینها ویژگی‌های شیعه است. یا اینکه خودت را به شیعه نسبت نده؛ بگو من دوستدار اهل بیت هستم من محب اهل بیت هستم؛ این خوبه؛ اما اگر بگویی من شیعه هستم این موجب می‌شود که تو باید پایبند باشی، چون امام باقر علیه السلام می‌فرماید که این باعث می‌شود که ما باید هزینه آن را بدهیم.

از سفارش‌های ایشان علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: شیعه ما نیست مگر اینکه تقوای الهی داشته باشد و از او اطاعت کند به خودتان برسید، شیعه یعنی این، با این شاخصه‌ها با این خط کشی، که ثابت می‌شود شما شیعه هستید یا خیر. شیعه ما نیست مگر اینکه تقوای الهی داشته باشد و از او اطاعت کند و شناخته نمی‌شوند مگر به تواضع و فروتنی و امانت داری و بسیاری یاد خدا، و روزه و نماز. این یک برنامه عملی است. شیعه باید مواظب این باشد. و نیکی به پدر و مادر و مواظب همسایگان فقیر و نیازمند و بدهکاران و یتیمان باشد. و راستگویی و تلاوت قرآن و پرهیز

از یاد دیگران کردن مگر به خوبی و نیکی، و میان خاندان خود امین و وسایل و اشیاء آنان باشد. اینها ویژگی‌های آنان است.<sup>۱</sup>



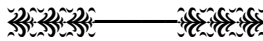
### حج، فرار به سوی خداست

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی رحمته الله علیه: روایات شریفه دلالت می‌کنند که حج یکی از بزرگترین راه‌های فرار به سوی خداوند متعال است. شیخ کلینی در کتاب "الکافی" و شیخ صدوق در "معانی الأخبار" با سند خود از امام باقر علیه السلام نقل کرده‌اند که در تفسیر "فرار به سوی خدا" فرموده‌اند: (حجّوا الی الله عز وجل) به سوی خدا حج کنید. همچنین شیخ صدوق در کتاب "الفقیه" با اسناد از زید شهید از پدرش امام سجاد علیه السلام روایت کرده که فرموده‌اند:

(یعنی حجّوا الی بیت الله، یا بنیّاً إنّ الکعبه بیت الله، فمن حجّ بیت الله فقد قصد الی الله) یعنی به سوی خانه خدا حج کنید. ای فرزندم، کعبه خانه خداست، هر کس به خانه خدا حج کند، به سوی خدا قصد کرده است. امام علیه السلام برای کسانی که توانایی حج ندارند این مفهوم را گسترش داده و فرموده‌اند: (والمساجد بیوت الله فمن سعی إلیها فقد سعی الی الله وقصد إلیه) مساجد خانه‌های خدا هستند، هر کس به سوی آنها برود، به

سوی خدا رفته و قصد او را کرده است.<sup>۱</sup>

❁ قیس ۲۲۱ (فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ)



### مسئولیت پیامبر ﷺ در تعیین امام علیستلام

برگرفته از کتاب (پرتوی از غدیر)

واقعیت آن است که هر رسالتی به هر اندازه که از نقاط قوت برخوردار باشد (همچون رسالت اسلام) با وفات پیامبر و حامل رسالت از میان خواهد رفت. چرا که ادیان و رسالت‌های آسمانی با فرستادگان آنها ارتباط محکم و وثیقی دارند. و مادامی که پیامبران که متولی، مدافع و دربردارنده اسرار دین هستند باشند آن ادیان و رسالتها باقی است. به همین دلیل با وفات پیامبران، ادیان نیز پایان می‌یافتند، مگر آن که فردی شایسته، راه پیامبر را استمرار بخشد. با توجه به همین مساله است که ادیان آسمانی - که کامل‌ترین آیین‌ها به شمار می‌آیند - پس از دوره کوتاهی از وفات پیامبرانشان، دچار تحریف می‌گردیدند. به عنوان نمونه به مجرد صعود حضرت عیسی مسیح علیه السلام کتاب مقدس انجیل که حامل تمامی رسالت ایشان بود، به چندین انجیل ساختگی و جعلی همچون انجیل متی، یوحنا و مرقس تبدیل گردیده و در نتیجه از دیانت مسیحیت چیزی به جز نام آن باقی نماند.

### غصب منصب الهی از سوی افراد ناشایست

روشن است که موضوع فرمانروایی و رهبری - و به ویژه رهبری دینی که از تقدس و شرافت خاصی برخوردار است - از مهم‌ترین مسائلی که نفس امّاره، به سوی آن تمایل بسیار دارد. چنان که در روایات شریفه آمده است «آخِرُ مَا يُنَزَعُ مِنْ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ حُبُّ الْجَاهِ» آخرین چیزی که از محبت دنیا از قلب صدیقین خارج می‌شود، حب جاه است. در نتیجه افراد بیشتری در کمین آن بوده و آرزومند نشستن بر کرسی آن و در تلاش برای کسب آن خواهند بود. با بررسی تاریخ روشن می‌شود که امت اسلامی، آنقدر که از مساله امامت و خلافت پس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله رنج برده است، از هیچ مساله‌ای رنج نبرده است و مصیبت‌هایی که به آن گرفتار شده و خون‌هایی که ریخته شده است در اصل به این مساله بازگشت دارد.

### حفظ امت از تفرقه و فروپاشی

روشن است که تعدد و تکثر رهبران سیاسی به تکثر و تعدد احزاب و گروه‌های هوادار ایشان انجامیده و هر یک به سوی خود فرا می‌خوانند. در نتیجه امور امت با تفرقه مواجه شده و راه‌هایی گوناگون فراروی امت اسلامی قرار می‌گیرد که در نتیجه آن نسل‌های بعدی و پیش رو یکی پس از دیگری هزینه ضلالت و گمراهی پیشینیان را پرداخته و در نهایت کارشان به انحلال و فروپاشی منتهی می‌شود. از همین رو خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید. و همچنین در سوره انفال

می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ و با هم نزاع

نکنید که سست شوید و هیبت شما از بین برود.

با توجه به روایات ماثور از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن کریم و اهل بیت ایشان علیهم السلام ریسمان الهی هستند که متصل کننده خلق به پروردگار به شمار می‌آیند. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خطبه مشهورشان پس از وفات پدر بزرگوارشان می‌فرمایند: «وَجَعَلَ إِمَامَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَأَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ» خداوند متعال امامت ما را موجب نظام یافتن امور ملت و پیشگیری کننده از تفرقه قرار داده است. از این فراز شریفه به خوبی استنباط می‌شود که امور مردم با امامت، نظام یافته و ثبات می‌یابد.

### تضمین آینده رسالت

پیامبران و حاملان رسالت پیش از آن که از وجود یک جانشین اطمینان یابند نمی‌توانند طرح خود را تا پایان ادامه دهند. چه آن که نسبت به آینده رسالت خویش بیمناک هستند. در مقابل هر گاه اجتماع شروط جانشینی در کسی احراز شود، پیامبر می‌تواند بدون هیچ تردید یا ترسی، برنامه‌ها و طرح‌های خود را ارائه دهد.

به این چنین ترسی حضرت موسی صلی الله علیه و آله در سوره طه اشاره کرده و می‌فرماید:

«وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي» و برای من دستیاری از کسانم قرار ده هارون برادرم را. پشتم را به او استوار کن. و او را شریک کارم گردان.

حضرت امیر مومنان علی علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند: «لَمْ يُوجَسْ

مُوسَى خَيْفَةً عَلَى نَفْسِهِ، بَلْ أَشْفَقَ مِنْ غَلْبَةِ الْجُهَالِ وَ دَوْلِ الضَّلَالِ» حضرت موسی بر نفس خویش بیمناک نبوده بلکه از غلبه یافتن نادانان و قدرت گرفتن گمراهان بود.

این‌ها مسائلی است که تمامی عقلاء آن را درک می‌کنند. این مساله زمانی واضح تر می‌شود که اهمیت رسالتی مانند دین اسلام درک شود که به مثابه رحمتی برای عالمیان و امری جاودان تا روز قیامت نازل شده است. در نتیجه مسئولیت‌ها و همچنین چالش‌های فرا روی منصب جانشینی چنین رسالت گسترده و جهان شمولی (از حیث ابدی بودن و شامل شدن همه ابنای بشر) بسیار بیشتر است.

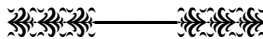
چه آن که امامت مسلمین، ولایت امور ایشان و خلافت رسول خدا ﷺ شریف‌ترین جایگاه‌ها به شمار می‌آید. خلافتی که مقدر شده است پهنه گیتی از شرق تا غرب را درنوردیده و به گوش همه جهانیان برسد. مساله‌ای که مورد تاکید قرآن کریم قرار گرفته است. آن جا که می‌فرماید: «وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً» خداوند غنیمت‌های بی شماری را به شما وعده می‌دهد. و نیز به استناد آیه سیزدهم از سوره صف که وعده پیروزی و فتح قریب الوقوع می‌دهد: «وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» طبیعی است که چنین آینده نوید بخش و ظفرمندی موجب جلب طمع و فرصت طلبی بسیاری خواهد شد.

با این وجود آیا می‌توان پذیرفت که رسول خدا ﷺ که به وحی الهی متصل است نسبت به چنین امور واضحی جهل داشته باشد. پیامبری که خداوند در شأن ایشان می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید او جز وحی‌ای که به وی

نازل شده است چیزی نمی گوید. کسی که خود همواره می فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يُوصَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» هر کس که بمیرد و وصیت نکند به مرگ جاهلیت مرده است.<sup>۱</sup>

(برای ادامه مطلب به منبع آن مراجعه کنید)

\*منبع: پرتوی از غدیر، آیت الله العظمی محمد یعقوبی دام ظلّه، نشر مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور



### امام حسین علیه السلام جنبش آگاهی و اصلاح

فرارسیدن ماه محرم الحرام، فرصت مغتنمی است برای توجه بیشتر دوستداران اهل بیت علیهم السلام از جمله خطباء و شاعران و هیئتی‌ها و عموم مؤمنان، به دو جنبه آگاهی و اصلاح، که امام حسین علیه السلام به عنوان هدف قیام خود بیان فرمود.

همانطور که در زیارت شریف اربعین، از امام صادق علیه السلام آمده است: «(امام حسین) خون قلب خویش را در راه تو فدا کرد، تا بندگان را از جهالت و حیرت گمراهی نجات بخشد».

آن حضرت، اهداف خویش را به روشنی در خطبه‌هایی که ایراد فرموده، بیان کرده است. از آن جمله است: «من برای اصلاح امتّ جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به پا خواستم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر

کنم و به همان سیره و روش جدّم پیامبر اکرم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار نمایم».

اینها همه در هدف بزرگ خداوند، از فرو فرستادن ادیان الهی مندرج شده است؛ که همانا پیاده سازی دین در زندگی فردی و اجتماعی و سامان بخشی مردم، بر اساس حق و عدل می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: «شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا و الذی أوحینا إلیک و ما وصینا به إبراهیم و موسی و عیسی أن أقیموا الدین و لا تتفرقوا؛ از دین آنچه را به نوح سفارش کرده بود، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم؛ و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را به آن توصیه نمودیم این است که دین را برپا دارید و در آن فرقه فرقه و گروه گروه نشوید».

بنابراین، ما ابتکاری جدید به خرج داده ایم، که امیدواریم از جمله شعائر بزرگ حسینی به شمار آید و آن عبارت است از: انتشار کتاب و جزواتی که در بردارنده خوانشی آگاهانه از نهضت امام حسین علیه السلام بوده و تأسیس کتابخانه در مساجد و حسینیه ها، موكبها و هیئات.

انتشار این کتابها، فرصت مناسبی برای استفاده بیشتر از آنهاست. اگر هر نفر تنها یک کتاب اهدا کند، نتیجه آن در پایان ماه محرم، ایجاد هزاران کتابخانه و میلیون‌ها کتابی است که نهضت امام حسین علیه السلام را به عنوان بزرگترین دستاورد فرهنگی، بعد از رسالت آسمانی (دین مبین اسلام) به منظور حفظ انسانیت، معرفی می‌کند.

طرح «الحسین بسمة تلمیذ» «امام حسین علیه السلام لبخند دانش آموز» که از چندین سال قبل شروع شده، مورد استقبال مؤمنین واقع گردید و از



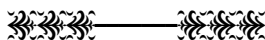
همه جهت، طرحی موفق و ثمربخش بود و نتایج مبارکی به همراه داشت. به طوری که هزاران دانش آموز، برنامه درسی خود را دریافت کرده و صندلی‌ها و تجهیزات دیگری، در اختیار بسیاری از مدارس قرار گرفت و بسیاری از آنها-که وزارت آموزش و پرورش در بازسازی شان ناتوان بود- تعمیر و اصلاح شدند.

این حرکت به حق، جلوه آگاهانه و جدیدی از شعائر حسینی بود که وجهه فرهنگی نهضت سالار شهیدان علیه السلام را به نمایش گذاشت و امید است که این ابتکار نیز مانند آن باشد.

این فراخوان به سرزمین عزیز ما عراق، اختصاص ندارد. بلکه دعوتی برای همه اهل ایمان، در تمام کشورهای دنیا می‌باشد که چه بسا آن کشورها، بدان نیازمندتر باشند. و چه نیکو است که این طرح، با فعالیت‌های دیگری همچون، «ده دقیقه بخوان و یک کتاب هدیه بگیر»، یا مسابقه‌های اطلاعات عمومی، یا تلخیص کتاب و مانند آن ترکیب شود. خداوند متعال توفیقی نصیب ما کرد، تا بیانیه‌های بسیاری را در این زمینه، جمع و تحت عنوان «فی ثقافة الرفض و إصلاح المجتمع» چاپ کنیم. همچنین کتابهای بسیاری، با نگاهی نو و معاصر به نهضت حسینی هست که امید داریم تجدید چاپ و به خواست خداوند متعال، منتشر شود.

«إن تنصروا الله ینصرکم و یثبت أقدامکم؛ اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را محکم و استوار می‌سازد»<sup>۱</sup>.

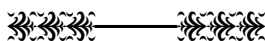
محمد یعقوبی-نجف اشرف - ۲۴ ذی الحجه، ۱۴۴۲



## حقایق که حرکت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا پدید آورد

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظلته:

بقای مکتب اهل بیت علیهم السلام با این سربلندی و سرافرازی مدیون فداکاری امام حسین علیه السلام و شعائر مبارک حسینی است. این شعائر امروز از سرزمین پربرکت عراق صادر می شود تا نقش مهمی ایفا کند و اسلام ناب محمدی و علوی را به سرتاسر جهان گسترش دهد و زمینه ساز ظهور پرخیر و سرور امام زمان علیه السلام شود. شعائر حسینی باید آن حقایق را که امام حسین علیه السلام در صحنه های گوناگون تجلی بخشیدند، به وضوح نشان دهد؛ حقایق هم چون شجاعت، انسانیت، اخلاص برای خدا، زیر بار ظلم نرفتن، رهایی از خودپرستی و طاغوت ها، و رهایی از دوست داشتن ها و محبت های نابه جا و در نهایت، نپذیرفتن باطل و فساد در هر لباسی که باشد. ما باید ماه شریف محرم را به جلوه گاه این حقایق نورانی تبدیل کنیم؛ که در واقع هم همین گونه است.<sup>۱</sup>



## ضرورت اختصاص یک روز از دهه محرم به عزاداری امام حسن

مجتبی علیه السلام

آیت الله العظمی یعقوبی دام ظلّه:

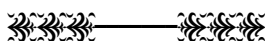
از تمام خطبای منبر حسینی، مسئولین هیئات عزاداری و پیرغلامان حسینی دعوت می‌کنیم که شب دوم دهه اول محرم را به عزاداری امام حسن مجتبی علیه السلام اختصاص دهند. و این نیست جز در راستای اعلام وفاداری با این امام مظلوم علیه السلام و ارتباط آن حضرت با قیام امام حسین علیه السلام؛ چرا که امام حسن علیه السلام زمینه قیام را فراهم کرد، پایه‌های آن را استحکام بخشید، فضای انقلاب را مهیا کرد و با حيله گری اموی‌ها، بی احترامی آنان به دین و مسلمانان و هتک حرمت مقدسات مخالفت کرده و فرزندان خود را برای جانفشانی و فداکاری در کنار امام حسین علیه السلام آماده کرد.

اختصاص یک روز یا بیشتر به عزاداری امام حسن مجتبی علیه السلام در راستای الگو پذیری از دیگر شهدای کربلا است، و موجب جبران کوتاهی‌ها نسبت به امام حسن علیه السلام و تداوم یاد مبارک آن حضرت است چراکه روز میلاد و شهادت ایشان کفایت مطرح کردن شخصیت ایشان را نمی‌کند و سیره ایشان و همراهی و همسویی با حرکت امام حسین علیه السلام را نمی‌توان در این زمان کوتاه مطرح ساخت.

زنده نگهداشتن یاد ایشان و تاسیس چنین روزی هرچند در دراز مدت نهادینه می‌شود برکات زیادی را در پی خواهد داشت و یاد دو سبط و دو ریحانه نبی مکرم اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم موجب شادی آن

حضرت علیه السلام خواهد شد. والله الموفق وهو المستعان.<sup>۱</sup>

محمد یعقوبی ۲۱/ذی حجه/۱۴۳۷



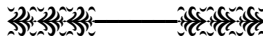
## مسئولیت ما در برابر جهانی بودن اسلام و نهضت حسینی

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظلته:

آثار و برکات امام حسین علیه السلام تنها برای شیعه یا برای مسلمانان نیست، بلکه چشمه گوارایی است که تمام بشریت از آن بهره مند می‌شود، این یک ادعای صرف نیست بلکه حقیقتی است که بسیاری از دانشمندان و متفکران و شاعران از ملل و زبانهای مختلف به آن شهادت می‌دهند، و جملات و اقرار و اشعار آنها معروف است.

و این حقیقت، مسئولیت ما را که از دوستداران و پیروان امام حسین علیه السلام هستیم و بهره‌ای از شناخت ایشان داریم در برابر رساندن رسالت ایشان به دیگر ملتها و به زبانهای مختلف دو چندان می‌کند، و اگر در این مسئولیت کوتاهی کنیم و پیام آن را، به نقاط دوردست آفریقا یا آمازون یا غرب نرسانیم فردا در محضر خداوند متعال این ملتها از ما شکایت می‌کنند و می‌گویند: پروردگارا حق ما را از اینها که ما را از برکات امام حسین علیه السلام محروم ساختن و پیام ایشان را به زبانی که ما بشناسیم

به ما نرساندن، بگیر.<sup>۱</sup>



## پرسشها و پاسخهای معارفی

در گفتار مرجعیت عالیقدر

پرسش: آیا ممکن است دلیلی بر وجود خدا و عظمتش برای ما تبیین کنید به طوری که فطرت انسان را برانگیزاند، علاوه بر آن بدون هر نوع تکلفی باشد و برای عموم مناسب باشد؟

پاسخ: توجه و تدبر در برخی آیات الهی می تواند چنین دلیلی را بر انسان حقیقت جو نشان دهد؛ مثلاً خداوند می فرماید: ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْأَرْضَ رَوَاسِي أَنْ تُمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾ (آسمان ها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید آفریده و در زمین کوههایی استوار افکنده است تا شما را نلرزاند و به اضطراب نیندازد و در آن از هر جنبنده ای پراکنده کرده است و از آسمان آبی نازل کردیم پس به وسیله آن از هر نوع گیاه نیکو و با ارزش در آن رویاندیم). این آیه اشاره به قانون نظم دارد. قانون نظم قانونی است که خداوند متعال هستی را براساس آن نظام بخشیده است مثل قانون جاذبه، تراکم، سرعت، جرم و غیره؛ آیه مذکور به این واقعیت های علمی اشاره دارد. همچنین این آیه شریفه

برخی از نعم الهی و معجزات خلقت را ذکر کرده است. اولین مطلبی که آیه به آن اشاره دارد این است که خداوند متعال، آسمان بی انتها را با تمام جزئیات خارق العاده، همانند سقفی برای زمین کوچک - که در مقابل آن هیچ است - قرار داده است. این امور، واقعیت‌هایی نجومی است که هر فرد غیر متخصصی هم از آن اطلاع دارد. هر سقفی، محتاج ستونی است تا بر پایه آن استوار بماند اما آسمانها به ستونی که دیدنی باشد تکیه ندارد با این حال با تکیه بر ستون‌های غیر مرئی ثابت مانده است و وظیفه خودش را انجام می‌دهد. حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام روایت کرده که ایشان فرمودند: (پاک و منزّه است خداوند! آیا خداوند نفرموده است که «بدون ستون‌هایی که شما بینید»؟ گفتم: بله؛ ایشان فرمودند: پس ستون دارد اما شما آن‌ها را نمی‌بینید. خداوند متعال بر روی زمین کوه‌هایی استوار قرار داد؛ همانند بادبانی که کشتی را در وسط دریا ثابت و متوازن نگه می‌دارد و آن را به ساحل می‌رساند، کوه‌ها هم وظیفه توازن زمین و جلوگیری از عدم تعادل آن را برعهده دارند؛ به طور حتم اگر کوه‌ها نبودند، زمین همانند بالنی می‌شد که در هنگام سوراخ شدن، هوا با شتاب از آن خارج می‌شود و محکم به هر چیزی برخورد می‌کرد؛ همچنین در صورت عدم وجود کوه‌ها، زمین بخار جذر و مد ناشی از ماه، همچون دریایی می‌شد که مدام در حال نوسان بود اما به لطف خداوند با وجود کوه‌ها زمین همچون گهواره‌ای امن در حال حرکت است؛ چراکه آنها همانند یک زنجیره‌ی ریشه‌دار مانند پی محکم یک ساختمان عمل می‌کنند.

نکته دوم این است که خداوند متعال می‌فرماید: (وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ

دَائِه) در خشکی و دریا‌های در حال جریان، موجودات مختلف و متنوعی خلق کرد؛ از موجودات تک سلولی گرفته تا انسان با این ترکیبات پیچیده؛ هر مخلوقی را در کمال خودش، ایجاد کرد تا قدرت، علم و حکمتش را آشکار سازد و حجت را بر کسانی که گمان می‌کنند خداوند از خلق کردن عاجز است، تمام کند. تا چند سال پیش زیست‌شناسان تنها انواع مختلف پرندگان را تا نهصد نوع ذکر کرده بودند؛ این مقدار تنوع علاوه بر اینکه حقیقتی علمی است، قطعاً معجزه‌ای از معجزات الهی است؛ معجزه‌ای که در آن هر مصداقش، خصائص و ویژگی‌های متناسب با زندگی خودش را دارد و تأکید دارد که نظراتی مثل نظریه داروین قطعاً باطل است؛ چراکه این مخلوقات یک سلسله موجوداتی نیستند که هر دسته به خاطر تغییراتی نسبت به دسته قبل تکامل پیدا کرده باشد تا به نوع انسان به عنوان کامل‌ترین مخلوق رسیده باشد بلکه، مخلوقات با این تنوع آفریده شده و این تنوع هم باقی خواهد ماند و به مخلوقی دیگر تبدیل نخواهد شد.

مطلب دیگر توجه به خلقت از آب است؛ خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ که باعث ایجاد حیات شد ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ﴾ «و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم»؛ حق تعالی آسمان، زمین، آب، باد، گرما و هر آنچه در نزول باران مؤثر است آماده کرده است به طوریکه منظم ببارد و ادامه داشته باشد؛ قطعاً این قوانین به هیچ عاقلی اجازه نمی‌دهد که گمان کند آنها بی هدف و تصادفی ایجاد شده باشند. نکته‌ی آخری که در این آیه به آن اشاره شده، مسئله تلقیح است؛ خداوند متعال می‌فرماید «از هر نوع گیاه نیکو و با ارزش در آن رویاندیم».

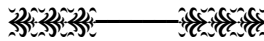
مسئله زوجیت در گیاهان و نیاز آنها به گرده افشانی جهت تولید مثل، یک واقعیت علمی دیگری است که این قسمت از آیه به آن اشاره دارد. نکته ظریف دیگری که در این فقره قرار دارد این است که خداوند متعال نباتات را به وصف «کریم» توصیف کرده چراکه غذای حیوانات و انسان‌ها از نباتات تهیه می‌شود. نکته دیگر این فقره تفاوت ضمیر آن با دیگر فقرات است؛ ظاهراً خداوند متعال به جهت نشان دادن توجه و عنایتش به این فقره، آن را به خودش منتسب کرده است و ضمیر را از غائب به متلکم برگردانده است.

عنایت ویژه‌ی خداوند در قرآن کریم نسبت به مسئله «نزول باران و رشد گیاهان» شاید بخاطر همبستگی این مسئله با مسئله «خلفت و تدبیر و سرپرستی» باشد؛ چراکه این مسائل از شوون ربوبیت الهی است درحالیکه از سوی مشرکان نفی شده است. به عبارت دیگر، مشرکان خالقیت خداوند متعال را انکار نمی‌کنند و مدعی نیستند که آنچه آنها عبادت می‌کنند، موجودات را خلق کرده‌اند ﴿وَلَیْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَیَقُولُنَّ اللَّهُ﴾ بلکه ادعا می‌کنند معبودهای آنها، تدبیر را از جانب خداوند برعهده گرفته‌اند و خداوند خالق، تدبیر مخلوقات را به آنها واگذار کرده است؛ خداوند متعال در این آیات چنین با مشرکان احتجاج می‌کند که اگر خداوند ادعایی شما، تدبیر را در دست داشتند حتماً می‌بایست ادوات و وسائل این تدبیر را هم خلق می‌کردند مثلاً باران نازل می‌کردند یا گیاه می‌رویاندند؛ این درحالی است که همه می‌دانند آنها از خلق عاجز هستند پس تدبیر هم نمی‌توانند بکنند؛ بنابراین مدبر، رب، خالق و الهی جز خداوند یکتا وجود ندارد.



تمام نکاتی که بیان شد، حقایقی علمی و معجزاتی محیر العقول هستند که یک آیه از قرآن به تنهایی به آن اشاره کرده است و گمان می‌رود اگر کسی اهل تفکر و تأمل باشد و بدنبال حقیقت بگردد، همین یک آیه برای او کفایت می‌کند و او را به سوی خداوند راهنمایی می‌کند.<sup>۱</sup>

\*منبع: پرسش‌ها و پاسخها ج ۱



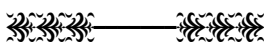
### نقش منبر حسینی در احیاء، حفظ و نشر حقایق و معارف

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت‌الله: دولت بنی امیه در آن زمان کوشید تا آثار و مظاهر نهضت مبارک حسینی را محو کند، سیمای آن را مخدوش کند، اهداف روشن آن را به حاشیه ببرد و نقش آن را مختل سازد، اما منبر حسینی در آن زمان به دفاع از ارزش و محتوای غنی آن برخاست. منبر در آن زمان مانند منبرهای امروزی نبود، محتوای منبرهای آن زمان با اولین خطبه‌هایی که بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام، مانند خطبه حضرت زینب علیها‌السلام در مجلس عبیدالله و مجلس یزید، و خطبه ام کلثوم در کوفه، و خطبه امام زین العابدین علیه‌السلام در شام و دعاهای ایشان که در آن فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را منتشر می‌کرد، آغاز شد.<sup>۲</sup>

---

۱ - شماره ۳۸ - ۱ محرم ۱۴۴۶ - ۱۷ تیر ۱۴۴۶

۲ - شماره ۳۹ - ۱ صفر ۱۴۴۶ - ۱۶ مرداد ۱۴۰۳

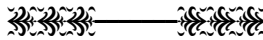


### وَفَتْحٌ قَرِيبٌ، شَعَارِ مَنْتَظِرَانِ زَمِيْنِهٖ سَازِ

شعار عاشورا سال ۱۴۴۶ هجری قمری در عراق (وَفَتْحٌ قَرِيبٌ) (و پیروزی نزدیک است) را به شما اعلام می‌کنیم که مزده به هر مؤمنی اعم از زن و مرد است که به هر میزان که فساد و انحراف وجود داشته باشد، اما پیروزی از جانب خداوند متعال و فتح در صورت تحقق شرایط آن دور نخواهد بود.

کربلا و ایام عاشورا یکی از بارزترین نمونه‌های آن در تاریخ بشریت است که هزاران نفر با همه توانمندی‌های خود برای کشتن حسین عَلَيْهِ السَّلَام با تمام امکاناتی که طاغوت آن زمان در اختیارشان گذاشتند به راه افتادند، و پس از آن بر ضد نهضت حسین عَلَيْهِ السَّلَام تلاش کردند اما موفق نشدند از گسترش آن جلوگیری کنند، این پیام الهی به بندگان است که پیروزی تنها از جانب خداوند متعال است، زیرا اوست که بنده خود را یاری می‌دهد، و سربازانش را گرامی می‌دارد و دشمنان را خوار می‌کند. ایام حسین عَلَيْهِ السَّلَام فتح و پیروزی را نزدیک می‌کند چراکه یاری کنندگان در اقامه حق و نابودی باطل نقش محوری دارند، در این ایام غم انگیز، همه شیعیان برای احیای مفاهیم نهضت حسینی گرد هم می‌آیند، و هر چه احیای این ایام آگاهانه باشد و با اهداف آن هماهنگ باشد، فتح را تسریع می‌بخشد، زیرا عاشورا یکی از ایام آماده سازی یاران برای تحقق پیروزی است.

در قاموس تدبیر الهی، با آمادگی مناسب و کامل، ناامیدی نیست، هر چند دشمنان بسیار باشند، این چیزی است که از هر مرد و زن مؤمنی خواسته شده است. و همانگونه که امام حسین علیه السلام فرمود: (من لم يلحق بنا لم يُدرک الفتح) هر که به ما نپیوندد به فتح نمی رسد.<sup>۱</sup>

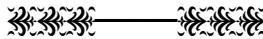


### عظمت امام حسین علیه السلام

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام ظلّه: تجلی عظمت امام حسین در پویایی، جنبش و حرکتی است که در کالبد امت می دمدم که هزار و چهار صد سال است که در جوش و خروش است، این باعث خوف و ترس دشمنان خدا و پیامبر و انسانیت شده است، لذا از بدترین و کثیفترین روشها برای مقابله و از کار انداختن آن استفاده می کنند اما بدون نتیجه و سرافکنده از این مقابله خارج می شوند، ما را مسخره می کنند که برای مردی که قبل از چهارده قرن شهید شده است گریه می کنیم تا امت را تا روز قیامت حیات بخشد، اما خودشان را مسخره نمی کنند که چرا از این مردی که این همه زمان از شهادتش گذشته است می ترسند.<sup>۲</sup>

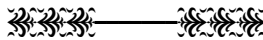
۱ - شماره ۳۹ - ۱ صفر ۱۴۴۶ - ۱۶ مرداد ۱۴۰۳

۲ - شماره ۳۹ - ۱ صفر ۱۴۴۶ - ۱۶ مرداد ۱۴۰۳



## تبیین اهداف نهضت امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین

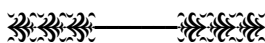
مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظلته: همانطور که در زیارت شریف اربعین، از امام صادق علیه السلام آمده است: «امام حسین) خون قلب خویش را در راه تو فدا کرد، تا بندگان را از جهالت و حیرت گمراهی نجات بخشد». آن حضرت، اهداف خویش را به روشنی در خطبه‌هایی که ایراد فرموده، بیان کرده است. از آن جمله است: «من برای اصلاح امت جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به پا خواستم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به همان سیره و روش جدّم پیامبر اکرم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار نمایم». اینها همه در هدف بزرگ خداوند، از فرو فرستادن ادیان الهی مندرج شده است؛ که همانا پیاده سازی دین در زندگی فردی و اجتماعی و سامان بخشی مردم، بر اساس حق و عدل می‌باشد.<sup>۱</sup>



## آموزه هایی از قیام امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظلته: بقای مکتب اهل بیت علیهم السلام با این سربلندی و سرافرازی مدیون فداکاری امام

حسین علیه السلام و شعائر مبارک حسینی است. این شعائر امروز از سرزمین پربرکت عراق صادر می‌شود تا نقش مهمی ایفا کند و اسلام ناب محمدی و علوی را به سرتاسر جهان گسترش دهد و زمینه‌ساز ظهور پرخیر و سرور امام زمان علیه السلام شود. شعائر حسینی باید آن حقایق را که امام حسین علیه السلام در صحنه‌های گوناگون تجلی بخشیدند، به وضوح نشان دهد؛ حقایق هم‌چون شجاعت، انسانیت، اخلاص برای خدا، زیر بار ظلم نرفتن، رهایی از خودپرستی و طاغوت‌ها، و رهایی از دوست داشتن‌ها و محبت‌های نابه‌جا و در نهایت، نپذیرفتن باطل و فساد در هر لباسی که باشد. ما باید ماه شریف محرم را به جلوه‌گاه این حقایق نورانی تبدیل کنیم؛ که در واقع هم همین‌گونه است.<sup>۱</sup>



### ضرورت احیای شعائر رسول اکرم صلی الله علیه و آله از ۲۸ صفر تا ۱۷ ربیع‌الاول

مرجع عالیقدر، آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دامت ظله، در سه شنبه ۳۰ / صفر / ۱۴۴۴ برابر با ۲۷-۹-۲۰۲۲، بار دیگر بر تلاش‌های علمی، فکری، تبلیغی و رسانه‌ای برای احیای شعائر رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت کرد و برجسته‌سازی زندگی و مواضع مبارک ایشان صلی الله علیه و آله اختصاص داده شود. وی بر اهمیت استفاده از ایامی که بین تاریخ شهادت ایشان در ۲۸ صفر و تاریخ ولادت مبارکشان در ۱۷ ربیع‌الاول قرار دارد، تأکید کرد تا

سیره‌ی مبارک پیامبر ﷺ از جنبه‌های مختلف و روش نهادینه کردن آنها در جامعه اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. او همچنین تاکید کرد که نباید تنها به نقل تاریخی اکتفا کرد، بلکه باید پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان الگویی نیکو در زندگی شخصی و ویژگی‌های ذاتی و روش‌رهبی و مدیریتی امت به مردم معرفی کرد، چنانکه در قرآن آمده است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [احزاب: ۲۱].

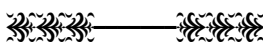
ایشان در سخنرانی خود خطاب به زائرین و مراجعین دفترش در نجف اشرف بیان داشت که تاسی به رسول خدا ﷺ به معنای انتخاب زندگی و سیره‌ی مبارک ایشان به عنوان معیار رفتار، اخلاق و زندگی ماست. او تاکید کرد که باید سیره‌ی شریف پیامبر ﷺ را در تمام جنبه‌های شخصی و اجتماعی به عنوان معیار زندگی خود قرار دهیم تا بتوانیم بر اساس آن میان آنچه که درست و صحیح است و آنچه که نادرست است تمایز قائل شویم.

در ادامه، ایشان به دو صفت اساسی از میان صفات مبارک پیامبر اکرم ﷺ اشاره کرد که در قرآن کریم آمده است: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [توبه: ۱۲۸]. این دو صفت عبارتند از: «حریص بر شما» به معنای تلاش و زحمت کشیدن برای هدایت مردم و آوردن خیر و سعادت برای آنان در دنیا و آخرت، و «رؤوف و رحیم بر مؤمنان» که نشان‌دهنده‌ی عنایت و توجه خاص پیامبر به امور مؤمنان است.

او از مردم خواست تا به این دو ویژگی برجسته رسول اکرم ﷺ توجه

ویژه‌ای داشته باشند و آنها را به عنوان راهنمای زندگی خود، در روابط فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی به کار گیرند(البته نباید از دیگر ویژگیهای شخصیتی غافل شد). همچنین تاکید کرد که درک سیره نیکوی پیامبر ﷺ و الگو گرفتن از آن نه تنها وظیفه‌ای فردی برای تقرب به خداوند و رسیدن به کرامات الهی است، بلکه مسئولیتی اجتماعی بر دوش امت است تا از این طریق به خیر، فلاح و سعادت در دنیا و آخرت دست یابد.<sup>۱</sup>

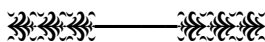
\* دعوت به گسترش مراسم بزرگداشت سالروز وفات رسول الله ﷺ -  
که در شماره چهل نشریه "الصادقین" به تاریخ ۷ ربیع‌الاول ۱۴۲۷ مطابق با ۲۰۰۶/۴/۶ منتشر شد.



**اعطای مقام شفاعت در امت به پیامبر ﷺ از سوی خداوند متعال**  
این شفاعت از برکات مقام محمود است که خداوند به او وعده داده بود تا کسانی را که اعمال نیکشان را با اعمال بد آمیخته‌اند، یاری کند تا بخشیده شوند و بدون هیچ ناراحتی و مانعی وارد بهشت شوند. شیخ طوسی در کتاب «امالی» از انس بن مالک روایت کرده است که گفت:  
(رأیت رسول الله ﷺ يوماً مقبلاً علی علی بن أبی طالب ع وهو یتلو هذه الآیة ﴿وَمِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً

مَحْمُودًا ﴿۱﴾ فقال: يا علي إن ربي عز وجل ملّكني الشفاعة في أهل التوحيد من أمتي وحظر ذلك على من ناصبك أو ناصب ولدك من بعدك. «روزی دیدم رسول خدا ﷺ به علی بن ابی طالب علیه السلام رو کرده و این آیه را تلاوت می کرد: (و پاسی از شب را زنده بدار، تا برای تو نافله ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند). سپس فرمود: ای علی، پروردگرم عز و جل شفاعت را در اختیار من قرار داده است تا درباره اهل توحید از امت من شفاعت کنم و این شفاعت را بر کسی که با تو یا با فرزندان پس از تو دشمنی کند، ممنوع کرده است.»<sup>۱</sup>

❁ مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی دام ظلّه



### رهیافت قرآنی: هیچ توقفی در کار مؤمن رسالی وجود ندارد

مرجع عالیقدر آیت الله العظمی یعقوبی دام ظلّه: می توانیم به زندگی حضرت نوح علیه السلام اشاره کنیم که او به مدت نهصد و پنجاه سال قوم خود را به سوی خداوند تبارک و تعالی دعوت کرد و با وجود سرکشی و استکبار آنان در برابر پذیرش حق در نسلهای متعدد، هرگز از کار خود دست نکشید یا سستی نکرد. تا آنکه خداوند متعال فرمود: وَأَوْحِي إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدَّ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ «و به نوح وحی شد که از قوم تو جز کسانی که پیش تر ایمان آورده اند،



دیگر کسی ایمان نخواهد آورد، پس از آنچه انجام می‌دهند اندوهگین مباش» (هود: ۳۶). و روایت‌ها دلالت دارند بر اینکه در آن زمان حضرت نوح علیه السلام بر قومش نفرین کرد و گفت: وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا «و نوح گفت: پروردگارا، هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار \* زیرا اگر آنان را باقی بگذاری، بندگان را گمراه خواهند کرد و جز فاجر و کافر چیزی به دنیا نخواهند آورد» (نوح: ۲۶-۲۷).

در مقابل، روایات بیانگر این است که آنچه برای حضرت یونس علیه السلام رخ داد و خداوند در قرآن فرمود: وَذَا النُّونِ إِذ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَرَهُ فَقَدَرْنَا عَلَيْهِ فِتْنَةً فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ \* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ «به یاد آور زمانی که یونس خشمگین از بین مردم عصر خویش بیرون رفت و گمان کرد که ما بر او سخت نخواهیم گرفت. در تاریکیها ندا داد که خدایی جز تو نیست؛ منزهی تو. من از ستمکاران بوده‌ام، دعایش را مستجاب کردیم و او را از غم و اندوه نجات دادیم و به همین طریق اهل ایمان را نجات می‌بخشیم» (انبیاء: ۸۷-۸۸)، به این دلیل بود که وقتی خداوند به او خبر داد که عذاب بر قومش نازل خواهد شد، آن‌ها را ترک کرد و شهر را رها کرد و به دعوت آنان به توبه ادامه نداد، شاید عذاب از آنان برداشته شود. سپس آنان توبه کردند و به خداوند پناه بردند و خداوند عذاب را از آنان رفع کرد. وقتی یونس علیه السلام به شهر بازگشت و آنان را زنده یافت و دید که زندگی‌شان به حالت عادی برگشته است، از روی ناراحتی آنجا را ترک کرد، زیرا از اینکه آنان او را به دروغگویی متهم

کنند، بیم داشت، چرا که به آنان قطعاً از نزول عذاب خبر داده بود. شاید یکی از اسرار تشریح خواندن آیه «و ذا النون» در نماز غفيله هر شب این باشد که توجه ما را به این حقیقت جلب کند که باید از این احساس ناامیدی، یأس، کسالت و تنبلی استغفار کنیم و به اشتباهات خود و ظلمی که به خودمان کرده‌ایم، اعتراف کنیم. در آن زمان است که خداوند متعال گشایش و نجات را برای ما می‌آورد.

خداوند متعال به این امت نعمت بزرگی با ارسال پیامبر رحمت ﷺ عطا کرد، پیامبری که سراسر وجودش رحمت برای جهانیان بود و نسبت به امت خود رأفت و دلسوزی داشت. خداوند می‌فرماید: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ «به راستی خداوند بر مؤمنان منت گذاشت، آن‌گاه که پیامبری از میان خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را تزکیه کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران: ۱۶۴).

همچنین، امامان معصوم علیهم‌السلام بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هیچ تلاشی را برای هدایت و نجات امت دریغ نکردند و حتی جان خود را برای اصلاح و رستگاری آنان از شقاوت دنیا و آخرت فدا کردند.

شیخ کلینی از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمودند: (ان الله عز وجل غضب على الشيعة فخيرني نفسي او هم، فوقيتهم والله بنفسي) «خداوند عزوجل بر شیعیان غضب کرد و مرا میان خودم و آنان مخیر ساخت. پس به خدا قسم خودم را فدای آنان کردم».

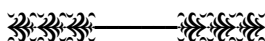
این حدیث به معنای آنچه مسیحیان درباره عیسی علیه السلام می گویند که او به صلیب کشیده شد تا امت خود را از عذاب گناهان نجات دهد نیست؛ چیزی که باعث شد آنان به ارتکاب گناهان کبیره و پلید رو بیاورند، به این دلیل که نجات خود را تضمین شده می دانستند و ضمانتنامه های آمرزش را آماده داشتند. این فهم غلط است قرآن می فرماید: **كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ** «هر کسی در گرو اعمالی است که کسب کرده است» (مدثر: ۳۸) و بسیاری از آیات دیگر.

بلکه این حدیث را می توان به چند صورت تفسیر کرد؛ یکی از آن ها این است که بسیاری از شیعیان ارتباط ضعیفی با امام خود داشتند و در محبت دنیا و پیروی از شهوات غرق شدند و ورع و تقوای آنان ضعیف شد و التزامشان به احکام دین کاهش یافت، به طوری که مستحق بلا شدند. اما امام علیه السلام ترجیح داد که مسیر شهادت را انتخاب کند و از خداوند نجات و رهایی از زندان را طلب نکند، تا شوکی در وجدان پیروانش ایجاد شود و آنان به سوی پروردگار خود بازگردند، پشیمان شوند، استغفار کنند و به تقصیرات خود پی ببرند و خود را محاسبه کنند و به راه راست و ایمان خود بازگردند و از خواب غفلت بیدار شوند. این یکی از دلایلی بود که امام حسین علیه السلام را واداشت تا قیام کند، همان طور که شهید صدر اول (ره) آن را تفسیر کرده است و او را به تصمیم به شهادت واداشت.

پس بر امت لازم است که از خواب غفلت بیدار شود و به سوی رهبران خود بشتابد و در آنچه آنان دستور می دهند، از آنان اطاعت کند تا از وجود مبارک امام علیه السلام بهره بیشتری ببرند. از خداوند متعال به فضل و

کرم خودش می‌خواهیم که ما را از خواب غافلان بیدار کند و از اهل بصیرت و هشیاران قرار دهد.<sup>۱</sup>

\* اضاءات قرآنیة (۱) لطیفه قرآنیة: لا توقف فی عمل المؤمن الرسالی  
- المرجع الدینی الشیخ محمد الیعقوبی دامت ظله



### گزارشی از واقعه تاریخی «لیلة المبيت»

لیلة المبيت، شبی که امام علی علیه السلام برای حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر ایشان خوابید. در این شب، مشرکان قصد داشتند دسته‌جمعی به خانه پیامبر حمله کنند و او را به قتل برسانند. به امر الهی و به درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام در بستر پیامبر خوابید و در نتیجه مشرکان متوجه عدم حضور پیامبر نشدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله توانست در آن شب به سمت مدینه، هجرت کند. بسیاری از مفسران، شأن نزول آیه شِراء یا آیه لیلة المبيت ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن دَشَرَىٰ نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ را این فداکاری امام علی علیه السلام در لیلة المبيت می‌دانند. تاریخ این واقعه شب اول ربیع‌الاول سال اول قمری ذکر شده است.

### جایگاه و اهمیت

این رویداد از فضایل امام علی علیه السلام به شمار می‌رود و امام علی علیه السلام در شورای شش‌نفره، برای اثبات حقانیت خود، به آن احتجاج کرده است.

مفسران نزول آیه شِراء یا آیه لیلَةُ الْمَبِیتِ را مرتبط با این واقعه و در شأن امام علی علیه السلام می‌دانند.

به گزارش سید بن طاووس، پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر به این واقعه اشاره کرد و آن را مأموریتی از جانب خدا به امام علی علیه السلام دانست. همچنین بر پایه روایات، وقتی علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابیده بود، جبرئیل بالای سر او و میکائیل پایین پایش آمدند. جبرئیل گفت: «خوشا به حال کسانی چون توای فرزند ابوطالب، که خدا در برابر فرشتگان به تو مباحثات می‌کند.»

#### نقشه قتل پیامبر صلی الله علیه و آله

به گزارش منابع تاریخی، جمعی از کفار قریش در دارالندوه جمع شدند تا درباره نوع برخورد با پیامبر صلی الله علیه و آله تصمیم بگیرند. در این جلسه تصمیم بر این شد که از هر قبیله یک نفر انتخاب شود و شبانه به پیامبر صلی الله علیه و آله حمله کنند و دسته‌جمعی او را در خانه‌اش بکشند؛ زیرا در این صورت، خون او میان همه قبایل پراکنده می‌شد و بنی‌هاشم که خاندان و خونخواهان پیامبر بودند، نمی‌توانستند با همه طوایف قریش بجنگند و مجبور می‌شدند به گرفتن دیه رضایت دهند.

به‌دنبال این تصمیم، جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و او را از نقشه مشرکان آگاه کرد. از این‌رو پیامبر صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت قبل از آمدن مشرکان، خانه خود را به طرف مدینه ترک کند.

#### خوابیدن علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله

بر پایه روایت مجلسی، پیامبر به علی علیه السلام فرمود: «مشرکان می‌خواهند

امشب مرا به قتل برسانند، آیا تو در بستر من می‌خوابی؟» امام علی علیه السلام گفت: «در این صورت شما سالم می‌مانید؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری». امام علی علیه السلام تبسمی کرد، سجده شکر به جا آورد و وقتی سر از سجده برداشت گفت: «آنچه را که مأمور شده‌ای انجام بده که چشم، گوش و قلبم فدای تو باد.» پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را در آغوش گرفت و هردو گریه کردند و از هم جدا شدند.

مشرکان از ابتدای شب، خانه پیامبر صلی الله علیه و آله را محاصره کرده بودند. قرار بود در نیمه شب حمله کنند؛ اما ابولهب گفت در این وقت، زنان و فرزندان در داخل خانه هستند و بعدها عرب درباره ما می‌گویند حرمت فرزندان عمومی خویش را شکستند. آنان با سنگ به علی علیه السلام که در بستر خوابیده بود، زدند تا مطمئن شوند کسی در بستر خوابیده است و شک نداشتند که وی رسول خداست. صبح که به خانه هجوم بردند، وقتی علی علیه السلام را در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله مشاهده کردند، گفتند محمد صلی الله علیه و آله کجاست؟ علی علیه السلام پاسخ داد: «مگر او را به من سپرده بودید که از من می‌خواهید؟! کاری کردید که او ناچار شد خانه را ترک کند.» در این هنگام، به سوی علی علیه السلام یورش بردند و او را آزدند و سپس از خانه بیرون کشیدند و کتک زدند. ساعتی هم در مسجدالحرام زندانی‌اش کردند و سپس آزادش کردند.

در نقل دیگری آمده است که علی علیه السلام وقتی آنان را مشاهده کرد که شمشیرهایشان را کشیده‌اند و به سوی وی می‌آیند، با ترفندی شمشیر خالد بن ولید را که پیشاپیش همه بود، گرفت و آنان را از خود دور کرد. آنها گفتند ما با تو کاری نداریم؛ ولی بگو محمد صلی الله علیه و آله کجاست؟ علی پاسخ

داد من اطلاعی از وی ندارم. سپس قریشیان به جست‌وجوی پیامبر ﷺ پرداختند.

شیخ طوسی در مصباح المتهجد، زمان این واقعه را شب اول ربیع‌الاول سال اول هجرت پیامبر ﷺ گزارش کرده است.

### نزول آیه شراء در شأن علی علیه السلام

علمای شیعه و گروهی از علمای اهل سنت معتقدند آیه لیلۃ المبیت یا آیه شراء (آیه ۲۰۷ سوره بقره) در شأن علی علیه السلام در ماجرای لیلۃ المبیت نازل شده است.

ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه از استادش ابو جعفر نقل می‌کند که با تواتر ثابت شده این آیه درباره امام علی علیه السلام نازل شده و هر کس آن را انکار کند یا دیوانه است یا با مسلمانان هیچ‌گونه ارتباطی ندارد.

در آیه شراء، خداوند کسانی را ستوده است که حاضرند جان خود را در ازای به‌دست‌آوردن رضایت خداوند فدا کنند.

### نکات تفسیری

برخی از مفسران در تفسیر آیه شراء، شرای نفس (فروختن جان) را به سه درجه تقسیم کرده‌اند: شراء نفس به سبب ترس از آتش جهنم، شراء نفس به جهت اشتیاق به بهشت و شراء نفس برای رضای خدا. اینان بالاترین مرتبه شراء نفس را قسم سوم دانسته‌اند که در آن انسان هیچ چیزی در مقابل آن نمی‌خواهد و خوابیدن امام علی علیه السلام در بستر پیامبر ﷺ در لیلۃ المبیت را نمونه‌ای برای این قسم شمرده‌اند. به‌گفته علامه طباطبایی مراد از فروش جان برای رضایت خدا، این است که این

افراد هیچ چیز جز خشنودی او را طلب نمی‌کنند و چیزی را می‌خواهند که خدا می‌خواهد، نه هوای نفسشان. واژه «یَشْرِي» در آیه، از مصدر «شراء» گرفته شده است. که فروختن معنا می‌دهد.<sup>۱</sup>